
شکست تنهایی
متوسطه

بسم الله الرحمن الرحيم

شکست تنهایی

نویسنده:

مرکز تخصصی نماز ستاد اقامه نماز

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شکست تنهایی

مشخصات کتاب

سرشناسه : تقی راد، حامد، ۱۳۶۰ -

عنوان و نام پدیدآور : شکست تنهایی: یکصد بحث کوتاه در موضوع نماز ویژه ائمه جماعات مدارس دوره دوم متوسطه/ حامد تقی راد؛ کاری از مرکز تحصصی ستاد اقامه نماز.

مشخصات نشر : تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۲۷۹ص.: مصور، جدول.

شابک : دوره:۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۱۰۰-۳ ؛ ۸۰۰۰۰ریال:۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۰۵۰-۱

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه:ص.۲۷۷-۲۷۹؛همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : نماز -- راهنمای آموزشی

شناسه افزوده : ستاد اقامه نماز

شناسه افزوده : ستاد اقامه نماز. مرکز تخصصی نماز

رده بندی کنگره : BP۱۴۷/۷/ت۷۴ش۸ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳۰۷

شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۱۹۱۳۸

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

فصل چهارم

مقدمه

آنچه در پیش رو دارید، درسنامه هایی درباره نماز است که بر پایه آیات و روایات نگاشته شده است .در این کتاب سعی شده علاوه بر کوتاه بودن درس ه-ا، مطال-ب آن ج-ذابیت و زیب-ایی خاصی برای جوانان و نوجوانان داشته باشد؛ لذا از تشبیهات و مثال های گوناگون و مسابقات و بیان داستانی هایی کوتاه و جذاب و مرتبط با روح نماز استفاده شده است.

در این کتاب، علاوه بر شناخت روح نماز یعنی ارتباط حقیقی عاشق و معشوق، با قدرت و استحکام بخشی و پیرو زمندی مافوق تصور نماز، آشنا خواهید شد .

نماز مهم ترین راه حل مشکلات و افسردگی های امروز جامعه است و از ای-ن رو اس-اس وپایه برنامه سعادت بشری معرفی شده است.

چگونه است در جامعه کنونی با وجود گستردگی ارتباط انسان ها با یکدیگر، یک ج-وان درمدرسه و دانشگاه، در جمع خانواده و دوستان و حتی در کن-ار ش-خص م-ورد علاق-ه اش، ب-ازاحساس تنهایی می کند؟

آیا این احساس تنهایی، ریشه در احساسات حلنشده یا مخفی نگهداشتن اسرار موجود در

زندگی یا احساس ناکامی و عدم موفقیت نسبت به دیگران یا احساس پوچی و بی هدفی است؟ چگونه است که امام کاظم(ع) با حضور در زندان های متعدد به دست ظالمان زمان خود و تحمل اذیت و آزار آنها در بدترین شرایط، نهتنها احساس تنهایی نمی کرد؛ بلک-ه م-ی فرم-ود :

"اللَّهُم إِنِّكَ تَعْلَمُ أَنَّى كُنْتُ أَسْأَلُكَ أ نْ تُفْرِغَنِي لِعِبَادَتِكَ اللَّهُم وَقَدْ فَعَلتَ فَلَكَ الْحَمْد"(۱)؛ خ-دایا، ت-و خ-ودبهتر می دانی من به دنبال چنین فرصتی می گشتم تا با تو خلوت کنم و ت-و چن-ین فرص-تی رابرایم فراهم کردی؛ پس ستایش فقط برای توست.

ص: ۹

۱- محمدباقرمجلسی ،بحارالانوار،ج ۴۸، ص ۱۰۷.

شاهد بر این مطلب نقل احمدبن عبدالله از فضیل بن ربیع که یکی از زن–دان ب–ان ه–ای ام–ام

کاظم(ع) در بغداد است. فضیل می گوید: "لَمْ أجِدهُ فِی وَقْتٍ مِنَ الْأوْقَاتِ إِلا عَلَی هَ–ذِهِ الْحَال–َه"؛ ه–رساعت از شبانه روز که ناگهانی به سراغش می آیم، او را در حال نماز و عبادت می بینم .

پس اگر در زندگی خود، تنها هستیِ عالم را بشناس–یم و مس–یر دوس–تی و رفاق–ت ب–ا او راپیماییم، قطعاً در هر زمان و مکانی و در سخت ترین شرایط و مشکلات، تنه–ای ی را شکس–ت خواهیم داد و به پیروزی و سعادت خواهیم رسید. به همین جهت ن–ام ای–ن مختص–ر، شکس–ت تنهایی قرار داده شد تا با عنایات الهی و استعانت از نماز و البته سرّ نم–از ؛ یعن–ی محم–د و آل محمد: بتوانیم به هدف از خلقتمان دست یابیم.

در پایان شایسته می دانم از دوست عزیز و گرامی حجت الاسلام محمد خدابخش دچ–انی که در امر تحقیق بنده را یاری نمودند، سپاسگزاری کنم .

والسلام علیکم و رحمهالله و برکاته

حامد تقی راد

فصل اول:چرا ارتباط؟ چرا ارتباط با خدا؟

۱. ارتباط

راهبرد جلسه

در این جلسه، مربی با طرح جدولی فقط به تعریف لفظ ارتباط می پردازد .

جذابیت اولیه

مربی از قبل جدولی را که در شکل زیر ترسیم شده، بر روی مقوای بزرگی طراحی می کند تا در زمان اجرا دچار وقفه نشود. یا اگر قصد ترسیم جدول بر روی تخته را دارد در حین ترسیم ،اولین سؤال را مطرح کند تا هنگام فکر کردن و پاسخ دادن دانش آموزان کشیدن جدول کامل شود .

دوستان گرامی ،ما یک جدول داریم که باید خانه های آن را با پاسخ سؤالهایی ک-ه ش-مامی دهید پر کنیم .سؤالات جدول:(۱)

(نشاط)به معنای فرح و شادی می باشد؟

(سلیمان)نام فرزند حضرت داوود(ع)؟

(مهربان)معنای رحیم؟

بهترین اعمال در زمان غیبت امام زمان(عج)است؟ (انتظار)

"أفْضَلُ الاعمال الاِنْتِظَارُالفَرَجِ مِنَ لله "(۲)؛ با فضیلت ترین اعمال انتظار فرج از خداوند متعال می باشد.

به جمع مرجع م یگویند؟ (مراجع)

آنچه پیامبر اکرم(ص) برای اتمام آن مبعوث شد؟ (اخلاق)

۱- جدول ازسمت راست وازبالا به پایین شروع می شود

۲- محمدباقرمجلسی ، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۰۸.

"إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ"(۱)؛ به تحقیق من مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را کامل کنم.

خودمانی آن می شود: آخر مرام و معرفت را به نمایش بگذارم.

حالا باید پیام جدول را پیدا کنیم. پیام آن در شکل اریب از قسمت بالای سمت چ-پ ب-ه قسمت پایین سمت راست می باشد که کلمه "ارتباط" میباشد .بچ-ه ه-ای گل-م، چ-ه کس-ی می داند ارتباط به چه معناست؟(۲)

به تعامل و رابطه دوطرفه ای که انسان ها برای رفع نیازها و انگی-زه ه-ای خ-ود در زن-دگی ایجاد می کنند، ارتباط می گویند. ابزارارتباط عبارت اند از: استفاده از کلمات، حرکات، ح-الات،صداها و اعمالی که برای توصیف احساسات و بیان معانی و مفاهیم مورد نظر به ک-ار م-ی رود .یک-ی از مه-م ت-رین آث-ار ارتب-اط ، ایج-اد س-لامتی و آرام-ش در انس-ان م-ی باش-د . در سیره

ص: ۱۳

۱- میرزاحسین نوری، مستدرک الوسایل ، ج ۱۱، ص ۱۸۷.

۲- مربی محترم پاسخ دانش آموزان رابشنود

معصومان: به همان اندازه که به داشتن ارتباط و تعامل تأکید شده، از قهر و ج-دایی نه-ی شده است. تمام روایاتی که مربوط به رفاقت، صله رح-م ، دوس-تی ، آداب معاش-رت و نه-ی ازعداوت و دشمنی است نشان دهنده اهمیت این مطلب است، همانطور که پی-امبر اک-رم(ص) فرمودند:"الرفِیقُ ثمُ الطَّرِیق"(۱)؛ابتدا پیدا کردن رفیق [و ارتباط سالم] ،بعد پیمودن مسیر [رشد و تعالی] .ما نیز باید همان مسیر را طی کنیم تا در راه سعادت و انسانیت قرار بگیریم.

خدایا به ما کمک کن در ارتباط خوب و صحیح با دیگران موفق باشیم. آمین .

ص: ۱۴

۱- ابوجعفر برقی ، المحاسن ، ج ۲، ص ۳۵۷.

۲.حقوق انسانها

راهبرد جلسه

در این جلسه به بررسی ارتباط که یکی از حقوق انسان ها نسبت به یکدیگر است، می پردازیم .

جذابیت اولیه

اگر یکی از دوستان شما در مدرسه دچار مشکلی بشود، شما چه می کنید؟ کمکش می کنید یا بی توجه از کنارش می گذرید؟ حتماً پاسخ شما این است که به دوستتان کمك می کنید. می دانی-د چ-را؟ چ-ون خدای متعال، زمینه ارتباط و عشق ورزی را حتی قبل از تولد ما فراهم کرده است. عشق مادر مت-رادف مراقبت، حمایت و پرورش کودك است. ارتباط ما با مادر اولین ادراك از عشق است .

پیوند با بحث

نیاز به ارتباط و دوستی، نه تنها یکی از نیازهای دنیوی ما اس-ت ، ك-ه در آ خ-رت ه-م یک-ی ازبهترین لذت ها و نعمتهای بهشتی، ارتباط و همنشینی با انبی-ا، ص-دیقان، ش-هد ا و ص-الحان خواهد بود .

"وَمَنْ يُطِعِ للهَ وَ َالرسُولَ فَأوُلئِکَ مَع الَّذینَ أَنْعَمَ للهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیینَ وَّ الص-دیقینَ وَالشُّ-هَداءِ وَّ الص-الِحینَ

وَحَسُنَ أوُلئِکَ رَ فیق-اً"(۱). عجب رفقایی! بچه ها خو ش به حالشان .اینکه خ-دای متع-ال مؤمن-ان را برادر یکدیگر می خواند: "إِنَّمَاَ الْمُؤْمِنُوَنَ إِخِوَةٌ "(۲) و می فرماید مؤمنان موظف اند به یکدیگر کم-ک کنند و حواسشان به هم باشد، همه به جهت این است ك-ه انس-ان، ب-رای عش-ق و محب-ت و

۱- کسانی که خداواین پیامبرراطاعت کنند،کسانی خواهندبودکه همدم انبیاء وصدیقان وشهداوصالحان اند،که خداموردانعام شان قرارداده،وچه نیکورفیقانی"(نساء: ۶۹).

۲- "همه مومنان باهم برادرند"(حجرات: ۱۰).

تعامل و تواصل خلق شده است.

امام حسین(ع) فرمود: پیامبر(ص) فرمود: "بهترین اعمال بعد از نماز، خ-وش ح-ال ک-ردن مؤمن است به کاری که حرام نباشد".(۱)

آن حضرت روزی غلامی را دید که به سگی غذا می دهد. به او فرمود: چه م یکنی؟ گفت:

ای فرزند رسول خدا من اندوهگین هستم؛ با شاد کردن ای-ن س-گ، خواه-ان ش-ادی خ-ودم هستم .زیرا ارباب من مردی یهودی است، و من از همین اندوهگینم .

امام حسین(علیه السلام) نزد آن یهودی رفت و غلام را به دویس-ت دین-ار خری-د. یه-ودی پ-ول رانگرفت و گفت: این غلام فدای قدم های شما و این بوستان مال او، اگر اج-ازه بدهی-د مبلغ-ی پول هم به شما بدهم .

حضرت نپذیرفت؛ بلکه مبلغی به وی داد و یهودی هم آن پول را به غلام بخش-ید . آنگ-اه امام(علیه السلام) فرمود: غلام را آزاد کردم و همه این اموال را به او بخشیدم.

پس از این گفت وگو همسر آن یهودی که مجذوب محبت امام حسین(علیه السلام) شده بود، گفت:

من اسلام آوردم و مهریه ام را به شوهرم بخشیدم. شوهرش نیز گفت: من نیز اسلام را قب-ول کردم و این خانه را به همسرم بخشیدم.(۲)

سود دنیا و دین اگر خواهی مای--ه هردوش--ان نکوک--اری اس--ت راحت بندگانِ حق جس-تن عین تقوی و زهد ودین داری است(۳)

نتیجه گیری

مسیر رشد و تعالی ما انسان ها در گرو داشتن ارتباطی خوب و صمیمی با دیگران اس-ت . ه-م براساس نیازهای دنیوی و اجتماعی ما و هم براساس نیازهای اخروی و معنوی ما.

خدایا ،به ما کمک کن در ادای حقوق دیگران کوشا باشیم. آمین .

۱- محمدباقرمجلسی ، بحارالانوار،ج ۴۴،ص ۷۶.

۲- مصطفی زمانی وجدانی ، داستانها وپندها ، ج ۳ ،ص ۷۶.

۳- ابن یمین فریومدی،دیوان،ص ۳۴۳.

۳. آرامش

راهبرد جلسه

در این جلسه با استفاده از تکنولوژی آموزشی بازی با کلمات در سطح بالا، به ایج-اد آرام-ش که یکی از آثار ارتباط است، می پردازیم .

جذابیت اولیه

دوستان خوبم ،دقت کنید تا این کلمه را بخوانید: "ام".

این کلمه چیست و به چه معنا می باشد؟(۱) این کلمه "اُم" است به معنای مادر. چ-را م-ادر را مادر می نامیم؟ مادر به ریشه هرچیزی گفته م-ی ش-ود . م-ثلاً چ-را ب-ه س-وره حم-د ام الکت-اب می گوینـد؟ چرا به حضرت زهرا(س)"ام ابیها" می گویند؟ به مادر "اُم"می گویند؛ چون ریشه هر فرزندی از مادر نشأت گرفته و توسط او آبیاری شده و از گوشت و پوست و خون او رشد یافته است .به همین دلیل احترام او همیشه لازم است .خداوند در قرآن می فرماید: "فَلا تَقُ-لْ لَهم-ا أُف"(۲). نتیجه زحمات مادر چیست؟

این روایت پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) است: "الْجَنهُتَحْتَ أقْدَام الْأمُهَ-ات"(۳). م-ادر آن‌ق-در اهمی-ت داردکه پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: "َ-السعِیدُ سَعِیدٌ فی بَطْنِ اُمُه والشَّقِی شَقِیٌ فِی بَطْنِ اُمُه".(۴)

حالا برویم سراغ بازی با کلمات: دوستان خوبم به ابتدای کلمه"ام" حرف "را" را اض-افه

۱- مربی محترم بعداز اظهارنظردانش آموزان بحث راادامه دهد.

۲- به پدرومادرخوداف هم نگویید"(اسراء ۲۳).

۳- بهشت زیرپای مادران شماست"(میرزاحسین نوری، مستدرک الوسائل ج ۱۵، ص ۱۸۰).

۴- "خوشبخت ، دررحم مادرش خوشبخت است وانسان پلیددرشکم مادرش پلیداست"(مهدی،حائری یزدی ، شرح کافی ، ج۱، ص ۲۰۶)

می کنیم که می شود(۱)"رام". رام یعنی حرف گوش کن. مهم این است که م-ا رام چ-ه کس-یمی شویم و از حرف چه کسی تبعیت می کنیم .آیا رام شیطان می شویم که ه-ر ک-اری بگوی-دبدون چون و چرا انجام بدهیم؟ یا شیطان رام ما بشود مانند شیطان پیغمبر اکرم(ص) ک-ه رامایشان بود و فرمود: "شَيْطانِی أسْلَمَ بِيَدِی".(۲)

حالا به سراغ مرحله بعدی می رویم. اگر به ابتدای کلمه "رام" حرف "آ" را اض-افه کن-یم ، می شود "آرام". زمانیکه ما آرام باشیم قدرت تصمیم گیری و درست فکر کردن داریم.

حالا نوبت چیست؟ حرف بعدی. به آخر کلمه "آرام" ح-رف "ش-ین " را اض-افه م-ی کن-یم .

می شود "آرامش". کسی آرامش دارد ک-ه از درون دچ-ار اض-طراب و اس-ترس نباش-د. چن-ین شخصی با چنین روحیاتی می تواند آرام رفتار کند و تمام اعمالش رام خودش باش-د ؛ ب-ر خلاف انسانی که دچار استرس و اضطراب است و زمینه رفتار آرام و عاقلانه برایش فراهم نیست.

حالا بگویید ما از این بحث چه نتیجه ای می گیریم؟

زمانی که هرکدام از ما با مشکلی روبه رو می شویم و دچار اضطراب و استرس می شویم، با یک دوست صمیمی، معلم و هرکسی که به او اعتماد داشته باش-یم و بت-وانیم از او راهنم-ایی بگیریم ارتباط برقرار می کنیم تا با بیان مشکل و گرفتن راهنمایی صحیح بتوانیم مشکلمان را عاقلانه و با تدبیر حل کنیم. یکی از آثار مهم ارتباط، ایجاد آرامش و تسکین درونی ماست. به فرموده خداوند متعال یکی از راه های ایجاد آرامش ازدواج اس-ت . "خَلَقَلَکُ-مْ مِ-نْ أنَفْسِ-کُمْ أزْواج-اً لِتَسْکُنُوا إلِیْها"(۳)؛ خدای متعال برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید .این آیه شریفه به روشنی دلالت بر این مطل-ب دارد ک-ه دراث-ر ارتب-اط ص-حیح و س-الم آرامش به دست خواهد آمد؛ برخلاف ارتباطات ناصحیح و غیرعاقلانه .

در پایان از خدا می خواهیم که به ما آرامش عطا فرماید. آمین .

ص: ۱۸

۱- مربی محترم بعدازاظهارنظردانش آموزان بحث راادامه دهید.
۲- "شیطان من به دست من تسلیم شده است" (ابن ابی جمهوراحسائی ، عوالی اللئالی، ج ۴ ، ص ۹۷).
۳- روم: ۲۱

۴. درد دل

راهبرد جلسه

در این جلسه به یکی از دغدغه های فکری جوانان که "آیا خدا وجود دارد؟" و "اگر وجود دارد پس این همه مشکلات از کجاست؟" پاسخ می دهیم .

جذابیت اولیه

مردی برای اصلاح سر و صورتش به آرایشگاه رفت. در بین کار گفت و گوی جالبی بین آنه-اصورت گرفت. آنها درباره موضوعات و مطالب مختلف صحبت کردند. وقتی به موضوع "خدا" رسیدند. آرایشگر گفت: من باور نمی کنم خدا وجود داش-ته باش-د. مش-تری پرس-ید: چ-را ب-اورنمی کنی؟ آرایشگر جواب داد: کافی است به خیابان بروی تا ببینی چرا خدا وجود ندارد. به من بگو اگر خدا وجود داشت، این همه آدم مریض می شدند؟ بچه ها یتیم م-ی ش-دند؟ اگ-ر خ-دایی وجود دارد ،نباید درد و رنجی هم وجود داشته باشد. نمی توانم خدای مهربانی را تصور کنم که اجازه م یدهد این همه درد و رنج وجود داشته باشد. مشتری لحظ های فکر کرد، ما جوابی نداد؛ چون نمی خواست جروبحث کند .آرایشگر کارش را که تم-ام ک-رد. مش-تری از پش-ت شیش-ه مردی را با موهای بلند، کثیف و ریش اصلاح نکرده دید. رو به آرایشگر کرد و گفت: به نظر من هیچ آرایشگری وجود ندارد. آرایشگر گفت: چرا چنین حرفی می زنی؟ من آرایش-گرم و هم-ین الا-ن موهای تو را کوتاه کردم. مشتری گفت: نه؛ آرایشگرها وج-ود ندارن-د؛ چ-ون اگ-ر وج-ودداشتند هیچ کس مثل مردی که بیرون است ،با موهای بلند و کثیف پیدا نمی شد. آرایشگر که انگار متوجه اشتباهش شده بود گفت: نه بابا!آرایشگرها وجود دارند؛ موض-وع ای-ن اس-ت ک-ه مردم به آنها مراجعه نمی کنند. پس خدا هم وجود دارد؛ فقط مردم به او مراجع-ه نم-ی کنن-د و

دنبالش نمی گردند؛ برای همین است که این همه درد و رنج در دنیا وجود دارد.

پیوند با بحث

"قال رسول الله(ص):"یاَ عِبَادَ اللهِ أَنْتُمْ كَالْمَرْضی

وَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ كَالطَّبِیبِ فَصَلَاحُ الْمَ-رْضی فِ-یماَ یَعْلَمُ-هُ الطَّبِیبُ وَ یُدَبرهُ بِهِ لَا فِیماَ یَشْهِیهِ الْمَرِ یض"(۱)؛ پیامبر اکرم(ص) در سخنانی به یهودیان فرمودند: ای بندگان خدا، شما مانند بیماری هستید که نیاز به معالجه دارد و خدای عالمیان مانن-د پزش-ك است .پس صلاح مریض در آن چیزی است که پزشك می داند و برای آن تدبیر می کن-د ؛ ن-ه آن چیزی که خودش مایل است و اشتها دارد.

نتیجه گیری

پس ما اگر مریض باشیم تا به طبیب مراجعه نکنیم و مشکلاتمان را با او در می-ان نگ-ذاریم، نباید توقع رفع مشکلات را داشته باشیم. بله خدای متعال از همه دردهای ما با خبر است و به همین دلیل نماز را به منزله معاینه، معالجه و دیدار خصوصی خود قرار داده که روزی چند بار با او درد دل کنیم و مشکلاتمان را در میان بگذاریم.

خدایا، تو شفا دهنده ای؛ بیماریهای جسمی و روحی ما را شفا بده. آمین .

ص: ۲۰

۱- مستدرك الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

۵. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّ احمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خانـــه ای دارد کنـــار ابرهـــا

طـلامثـل قصـر پادشـاه قصـه هـاخشـتی از المـاس، خشـتی از

پایه های برجش از عـاج و بلور سر تختی نشست باغرور

مـاه بـرق كـوچكی از تـاج اوهـر سـتاره پـولكی از تـاج او

هـر سـتاره پـولكی از تـاج اومـاه بـرق كـوچكی از تـاج او

اطلـس پیـراهن او آسـمان نقـش روی دامـن او كهكشـان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش سـیل و طوفـان، نعـره توفنـده اش

دكمـه پیـراهن او آفتـاب بـرق تیـغ خنجـر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیسـت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر بـود از خـدا در ذهـنم ایـن تصـویر بـود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خانـه اش در آسـمان، دور از زمـین

بـود، امـا در میـان مـا نبـود مهربـان و سـاده و زیبـا نبـود

در دل او دوستی جایی نداشـت مهربـانی هـیچ معنـایی نداشـت

هرچـه می پرسـیـد م از خـو د از خـد ا از زمـیـن از آسـمـان از ابرهـا زود مـی گفتـنـد ایـن كـار خـداسـت پرس وجـو از كـار او كـاری خطـاست بـا همین قصه دلم مشـغول بـود خواب هـایم، خواب دیو و غول بـود خواب می دیدم كه غـرق آتشـم در دهـان اژدهـای سركشـم

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (۱)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی

فایده است .

ص: ۲۲

۱- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم‌الله‌الرحمن الرحیم"(۱) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ ُّالتوبهَ عَن عِبَاده"(۲)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ للهَ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(۳)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(۴)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: ۲۳

۱- ابتدای همهٔ سوره ها .

۲- شوری: ۲۵.

۳- نحل: ۱۸.

۴- دعای کمیل

۶. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شـدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (۱)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-اببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا-ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

۱- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نـداشت .سـرانجام مرد اول از خـدا طلب یـک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کننـد. صـبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگـار پاسـخ داده نشـده بود. هنگـامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسـخ داد: نعمت هـا تنهـا برای من است. من تنهـا کسـی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مسـتجاب نشد، پس سـزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشـتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مـذهب عاشـقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علـم کـه در مـدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صـدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارنـد، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حـاکم بین دو دوست صـمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردنـد تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عـاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشـد؛ مثل موسای کلیم: "وَكَلَّمَ اللهُ موسـی تكْلیما"(۱)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

۱- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)۱۶۴

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی "(۱)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أتَوَکَّؤُا عَلَیْها وَأهُش بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبِ أُخْری"(۲)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُبا َلِله ".(۳) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

ص: ۲۶

۱- طه : ۱۷.

۲- طه: ۱۸.

۳- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ۱۶۵

۷. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل الله، روح الله، ذبیح الله، حبیب الله، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل الله لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح الله لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح الله لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب الله لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "الله"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص) محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أنَ-َّهُ سَ-یدُ الْأَوَلِ-ینَ وَالْآخِ-رِینَ وَأنَ-َّهُ سَیدُ الْأَنَبیاءِ وَالْمُرْسَلِین"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

ص: ۲۷

علت این آقـایی و بزرگی ارتبـاط عمیق و خالصـانه ایشـان است ،"عَبَدْ تَ لله مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتبـاط بی نظیری،" فَبَلغَلله بِکَ أَفَمَحَ ِلّ الْمُکَرمِینَ وَ أعْ لَی مَنَ-ازِلِ الْمُقَربِینَ وَأرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَ-لِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إدِرَاکِکَ طَامِع "(۱)می باشد .

همه مـا در ارتبـاط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسـی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومنـد، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همـانطور که دانستیـد، ارتبـاطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقـانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصـی باشـد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شـهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسـی نبود از او پرسـتاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بـالینم حاضـر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حـال که پـدر و مـادر را از من جـدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

۱- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان زیارت پیامبر اکرم (ص) از بعید.

در همین زمان به موسـی(ع) خطاب شد: "ای موسی، یکی از بندگان شایس-ته م-ا درفلان موضع وفات کرده، به سوی او برو و او را غسل بده و کفن کن و نماز بر او بخوان و دفنش کن".

موسی(ع) وارد غار شد، دید همان جوان فاسق است.

عرض کرد: "پروردگارا ،مگر این همان جوان فاسق نیست ک-ه ام-ر ک-ردی از ش-هربیرونش کنیم"؟

خطاب شد: "ای موسی، او را به سبب بازگشت و ندامتش بخشیدم، چ-را ک-ه م-ن، أرح-م الراحمین هستم".(۱)

ای خوشـا دور از نگـاه این و آن ب--ی ری--ا، اش--ک ن--دامت ریـخ--تن در روان دوست، پیش از آفتاب حل شـدن، یک جا شدن، آمیختن(۲)

ص: ۲۹

۱- سیدمحمود امامی ،ثمرات الحیوه، ج۳، ص۷۷۲.

۲- خلیل ذکاوت (ساحل)

۸. تن پروری و تنبلی

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که برای ارتباط و دوستی با بزرگان باید همت و تلاشمان هم به همان اندازه بزرگ باشد؛ چراکه با تنبلی و تن پروری نمی شود به اهداف بزرگ و عالی دست پیدا کرد.

جذابیت اولیه

مربی گرامی عکس هایی از مقبره نادر شاه در مش-هد مق-دس را ب-ه نم-ایش م-ی گ-ذارد و ازدانش آموزان می پرسد، چه کسی می داند این مجسمه و مقبره کیست و کجاست؟ بل-ه درس-ت حدس زدید؛ او نادر شاه بنی-انگ-ذار سلس-له افش-اریه اس-ت. او دوازده س-ال ، از ۱۱۱۴ش. ت-ا۱۱۲۶ش .بر ایران حکومت کرد. پایتخت وی مشهد بود. جنگ های زیاد او اسباب شهرتش را فراهم کرد؛ به گونه ای که اروپاییان به او لقب "آخرین جهان گشای شرق" و "ناپلئون ایران" را داده اند .

هدف بزرگ، تلاش زیاد

نادر شاه افشار پادشاه مستبد و قدرت طلبی بود که به کشورگش-ایی بس-یار علاق-ه داش-ت و ب-رای سیطره بر ممالک جدید و تسخیر مرزها از هیچ کوششی فروگذاری نمی کرد؛ تا جایی که نوشته ان-ددر مسیر گسترش دایره حکومتش تا مدت ها حتی فرصتی برای درآوردن کفش ه-ایش نداش-ت. او همیشه از سربازانش پیش می افتاد و اگر در استراحت گاهی مجبور به توقف می شد تا می توانست از استراحت کممی گذاشت و به سربازانش پیغام می داد که نادر رفت، وقت تلف نکنید .

کسانی که در زندگی هدفی را تعقیب می کنند و برای آن ارزش قائلاند به می-زان بزرگ-ی هدفشان برایش زحمت می کشند .

ص: ۳۰

نادر شاه برای رسیدن به دنیای خودش آرام و قرار نداشت. دنیای او در مقابل تمام جهان چقدر است؟

حالا ـ اگر ما هدفی بزرگتر از جهان را در نظر داشته باشیم، قطعاً رسیدن به آن با خوابیدن و بی حوصلگی سازگار نیست. بعضی برای رسیدن به این دنیا مسابقه می گذارن-د و ب-ه س-رعت مسیر را طی می کنند .قرآن کریم در چند آیه آنها را معرفی کرده و فرموده اس-ت : آنه-ا در راه کفر خود مسابقه دو سرعت گذاشت هاند .

"وَتَرَى كَثيراً مِنْهُمْ يُسارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوانِ وَأَكْلِهِمُ السحْتَ لَبِئْسَ م-ا ك-انُوا يَعْمَل-ُون"؛(۱) کس-انی را که بنده طاغوت شده و پا روی حق گذاشته اند، در حالی می بینی که برای رسیدن ب-ه گن-اه وظلم و خوردن حرام مسابقه می دهند .

سؤالی برای اندیشیدن

چه کسی می تواند بگوید از دنیا بزرگ تر کجاست؟ آفرین؛ درست جواب دادید . آخرت .

دنیا در مقابل آخرت خیلی خیلی کوچک است. همان طور که قرآن کریم ب-ه کس-انی ک-ه تصور کرده اند دنیا جای بزرگی است، و سفت و محکم به آن چسبیده اند، می فرماید: آیا به این اندازه راضی شده اید و توقعتان اینقدر کم است؟

"أَرَضيتُم بِالْحَياةِ الدنْيا مِنَ الْآخِرةِ فَما مَتاعُ الْحَياةِ الدنْيا فِي الْآخِرةِ إِلاَّ قَليل "؛(۲)

کالای دنیا در مقابل آخرت خیلی کم است.علاوه بر اینکه خ-ود آخ-رت ه-م نس-بت ب-ه مراتب و طبقات بهشت، کوچکی و بزرگی دارد.به نظر شما بزر گتر از آخ-رت ه-م م-ی ت-وان تصور کرد؟

ص: ۳۱

۱- مائده: ۶۲.

۲- توبه: ۳۸.

۹. تنبلی و تن پروری

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این مطلب می پردازیم که هر انس-انی مت-دین ت-ر و ب-ه خ-دای متع-ال نزدیکتر است، از تنبلی دورتر و پرتلاش تر است

جذابیت اولیه

مربی، سه کارت به شکل کارت های زیر تهیه کند:

الْمؤمنُ هشَّاش بشَّاش اِلْمؤمنُ کالْجبل الرَّاسخ

سه نفر از دانش آموزان را دعوت می کنیم. به هرک-دام ی-ک ک-ارت م-ی ده-یم (۱) و از آنه-امی خواهیم روبه روی سایر دانش آموزان بایستند. از دانش آموزان دیگر می خواهیم این روایت را بخوانند و درصورتی که صحیح خواندند، معنای آن را بیان کنند. پشت کارتها هم این روای-ترا می نویسیم: "المؤُمِنُ، کالْجَبَلِ َالراسِ-خ"؛ مؤمن مانند کوه استوار اس-ت . بع-د از توض-یح مختص-رِحدیث اول، از شرکت کننده ها می خواهیم کارت ها را بر گردانند. باز از دانش آموزان می خ-واهیم روایت را بخوانند و معنا کنند

چگونه شاد باشیم؟

رفاقت با خدای متعال برخلاف آنچه ممکن است در ذهن ما باشد، ش-ادابی و ف-رح م-ی آورد،

۱- جمله به صورت پراکنده بین دانش آموزان تقسیم شود.

"المؤُمِنُ هَشَاشٌ بَشَاشٌ "(۱) اتفاقاً بـدون این ارتباط، هر انسانی دچار یأس و ن–ا امی–دی خواه–د ش–د؛چون احساس تنهایی و نداشتن یک تکیه گاه محکم در زندگی، انسان را تنبل و ب–ی انگی–زه و

تسلیم شـرایط و حوادث می کنـد. پیغمبر اک–رم (ص) فرمودن–د : "أَمَ–ا إِنِی أُصَـلی وَأنَ–امُ وَأصُ–ومُ وَأُفْطِ–رُ وَأَضْـحَکُ وَأبْکِی فَمَنْ رَغِب عَنْ مِنْهَاجِی وَسُنتِی فَلَیسَ منی"؛(۲) من هم مانند ش–ما زن–دگی ع–ادی دارم؛

نماز می خوانم، می خوابم، روزه می گیرم، افطار می کنم، می خن–دم، گری–ه م–یک–نم . [پ–س ن–ه به جانب افراط می روم و نـه بـه جـانب تفریـط، نـه آنقـدر عبـادت می کنم که خسـته شـوم و نه آنقـدر تنبلی که از دایره بنـدگان خـدا و عبـادت کنندگان خارج شوم. شما هم مانند من باش–ید .] کس–ی که از روش و سنت من پیروی نکند از من نیست .

تنبلی یعنی عـدم تمایـل به فعـالیت یـا تلاـش. انسـان باخـدا، انسـانی بـاانگیزه است و در هجـوم بلاـ و حـوادث، ماننـد کوه می ایستد:(۳)"الـم–ؤمـن کـالجب–ل الراس–خ"و از پ–ا درنـم–ی آی–د و راه خ–ود را می پیمایـد .به همین دلیـل است که دنیا هیچ وقت به او زیانی نمی رساند .

نتیجه گیری

مؤمنان واقعی کسانی هسـتند که ماننـد پیغمبر اکرم و اهلبیت: به علت ارتب–اط ب–ا خـداون–دقـدیر، همیشه کوشا، امیدوار و پرتلاش اند و نه تنها اهل ک–ار و فعالی–ت هس–تند، ک–ه در انج–ام

کارها از یکدیگر نیز سبقت می گیرند:" وَ َالسابِقُو نَّ السابِقُون؛ أوُلئِکَ الْمُقَربُون "؛(۴) آنهایی که در دنیا به سوی خیرات و در آخرت به سوی مغفرت و رحمت سبقت می گیرند. سابقان هم–ان مقرب–ا ن درگاه خداوند متعال می باشند

خدایا ،ما را از کسالت و تنبلی دور کن. آمین .

ص: ۳۴

۱- میزراحسین نوری، مستدرک الوسائل، ج۸، ص۱۲۳.

۲- محمدبن یعقوب کلینی ،اصول کافی، ج۲، ص۵۸.

۳- مربی به دانش آموزان بگوید کا رتها را برگردانید .

۴- واقعه: .۱۱ _۱۰

۱۰.حواس پرتی ازخود

راهبرد جلسه

در این جلسه به تـبیین این موضـوع می پردازیم که بی تـوجهی به ظـاهر بـدن و جسم سـبب بیمـار شـدن و از بین رفتن آن می شود؛همین طور بی توجهی به نفس و روح و رسیدگی نکردن به آن نیز موجب بیمار شدن آن می شود .

جذابیت اولیه

مربی با همراه داشتن مولاژ (اسکلت کمک آموزشی) مطالب ذیل را بیان کند:

یکی از کارهـایی که بسـیار مطلـوب است و پزشـکان توصـیه می کنن–د، معـاین–ه کـام–ل ب–دن است .معـاینه بـدن توسـط پزشک موجب می شود درصورت ایجاد کوچک ترین بیماری، به فک–ر مداوای آن برآییم. اهمیت این کار در مورد بیماری های جسـمی روش–ن اس–ت و جال–ب این ک–ه بسـیاری از ما تصور می کنیم دچار هیـچ بیماریای نیستیم؛ درحالی که این تصور غلـط، به دلی–ل عـدم بررسـی دقیق بـدنمان می باشـد .رئیس انجمن اورولوژی ایران با اشاره ب–ه اینک–ه اف–راد در صورت درد سـنگ کلیه حتی در نیمه شب به اورژان–س مراجع–ه م–ی کنن–د . گف–ت : ول–ی ای–ندر صورتی است که سرطـان هـا از جمله سـرطان پروسـتات هیـچ علامـت ویژه ای ن–دارد و م–ردانبایـد دراین زمینه بـا معاینه های دوره ای به فکر سلامـتی خود باشـند. وی افزود این درحـالی است که برخی مردان در زمان مراجعه به مط–ب ه–ا، ن–ام بیم–اری پروس–تات را نم–ی دانن–د و آن راترموستات عنوان می کنند.

پیشنهادی بهتر

اما از این کار بهتر و دقیق تر این است که پیشگیری کنیم از ابتدا مراقبت کنیم و هر غذایی

ص: ۳۵

را نخوریم تا دچار بیماری نشویم؛ چراکه "الْمَعدَهُ بَیْتُ کُلِّ دَاء"؛(۱) معده خانه همه بیماریهاست .

همچنین قرآن کریم می فرماید: انسان باید به آنچه می خورد خوب دقت کند: "فَلْیَنْظُ-رِ الْإِنسْ-اَنُ إِلِی طَعامِ هِ"(۲)همانطوری که غذای جسم را باید با دقت بررسی و میل ک-رد ت-ا بیم-اری ایج-ادنشود، باید به قلب و نفس خود نیز توجه کنیم. اینکه به چه چیزی عادت می کند، از چه چیزی لذت می برد، با چه چیزی سیر می شود و با چه کسی مأنوس می شود .

نتیجه گیری

اگر کسی از خدای متعال دور شد و خدا را فراموش کرد، خودش را فراموش می کن-د و مانن-د

کسی است که از حال بـدنش غافل می باشـد. قرآن کریم می فرماید: " وَلا تَکُونُوا کَالَّذینَ نَسُ-وا ٱللهَ فَأَنسْاهُمْ أَنْفُسَ-هُم"؛(۳) مانند کسانی که خدا را فراموش کرده ان-د نباش-ید .چ-را ک-ه آنه-ا در واق-ع

خودشـان را فراموش کرده انـد. پس فرامـوش کردن خـدای متعـال، یعنی بی تـوجهی بـه خـود و عـدم مراقبت از روح و نفس خودمان، که درنهایت موجب بیماری های عمیق روحی، ایجاد افسردگی و اضطراب در وجودمان خواهد شد.

دعای آخر

امام صادق(ع) در دعای روز عرفه عرضه می دارد: "اللهم إنی أعُوذُبِکَ مِن النِسْیان والکَسل"؛(۴)

خدایا، پناه می برم به تو از فراموشی و تنبلی و کسالت.

۱- محمدباقر مجلسی ،بحارالانوار، ج۹۵، ص۹۲.

۲- عبس: ۲۴

۳- حشر: ۱۹

۴- سیدبن طاووس ،اقبال الاعمال، ص۹۳

۱۱. زندگی سخت و بی یروح

راهبرد جلسه

می خواهیم بدانیم چرا در بعضـی مواقع، زندگی آنقدر سـخت می شود که می گوییم: ای ک-اش اصلاً به دنیا نیامده بودم ،و بعضی مواقع آنقدر لذت بخش می شود که قصد صدها سال زندگی را در سر می پرورانیم!

جذابیت اولیه

مربی گرامی جدول زیر را که رمز آن "ضَنْك"(۱)می باشد روی تخت-ه ی-ا روی مق-وای ب-زرگ طراحی می کند،و از دانش آموزان می خواهـد با پاسـخ به سه سؤال زیر، رم-ز ج-دول را ح-دس بزننـد و بعد از آن معنای کلمه "ضَنْك" را بیان کنند.

ض ح ی

ن ی ت

ك ه ف

۱. سوره ای که در نماز باید همراه سوره انشراح خوانده شود؟

ص: ۳۷

۱- ضنک" به معنی سختی و تنگی است. این کلمه همیشه به صورت مفرد به کار می رود و تثنیه و جمع و مؤنث ندارد.

۲.نام میو ه ای که در قرآن به آن قسم خورده شده؟

۳.غاری که در قرآن آمده و سگ آن معروف است؟

بعد از مشخص شدن رمز جدول و معنای آن، این آیه شریفه را روی تخته بنویسید:

"وَ مَنْ أعْرَض عَنْ ذِکْری فَإنّ لهُ مَعیَشَةً ضَنْکا".(۱)

دوستان خوب من کی می دونه معنای این آیه شریفه چیه؟

پیوند با بحث

گاه می شود درهای زندگی به روی انسان به کلی بسته م یشود، و دست به هر کاری می زند ب–امشکلی روبه رو می گردد. گـاهی هـم بـه عکس، مقـدمات همـه کارهـا فراهم اس–ت و ب–ن بس–ت و گرهی در کـار نیست. حـالت اول را به وسعت زنـدگی، و آن یکی را به ض–یق و تنگ–ی معیش–ت تعبیر می کننـد. منظور از "معیشت ضَ–نْک"که در آیه بالا آمـده نیز هم–ین ا س–ت . ممک–ن اس–ت،بعضـی فکر کننـد تنگی معیشت، به دلیل درآمـد کم باشد؛ درحالیک–ه اف–رادی هس–تنـد، پ–ول و درآمـدشان هنگفت است ،ولی بخـل و حرص و آز، زنـدگی را بر آنهـا تنگ کرده. نه تنها دیگران از زنـدگی آنان لذتی نمی برند ،خودش–ان ه–م از آن هم–ه نعم–ت مح–روم هس–تند . ب–ه فرم–وده امیرالمومنین(ع):

"همچون فقیران زندگی می کند و همانن–د اغنی–ا و ثروتمن–دان روز قیام–ت حس–اب پ–س می دهد".(۲)

قرآن می فرماید: علت اصـلی این مشـکلات و سـختی ها غافل شدن رویگردانی از خداست؛ چراکه یاد خدا مایه آرامش جان، تقـوا و شـهامت اسـت. فرامـوش کـردن او نیز مـای–ه اض–طراب وترس و نگرانی است که سـبب می شـود همه از هم بترسـند، هیچکس به دیگری اعتماد نکند، و رابطه ها و پیوندها بر محور منافع شخصـی صورت گیرد. اصولاً تنگی زندگی بیش–تر ب–ه عل–ت کمبودهای معنوی و نبودن غنای روحی است. عدم اطمینان به آینده و ت–رس از ن–ابود ش–دن

۱- و هرکس از یاد من روی گردان شود، زندگی [سخت و] تنگی خواهد داشت .

۲- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ش ۱۵

امکانات موجود، و وابستگی بیش از حد به دنیا، مهمترین عوامل سخت و بی روح شدن زندگی است، درحالی که ایمان به خدا و دل به ذات پاك او بستن، ما را از همه نگرانی ها و سختی ها و مشکلات نجات خواهد داد.

نتیجه گیری

بچه ها با همه فقر و نداری، زمانی که دستشان در دس-ت ب-زرگ ترش-ان ق-رار دارد ، احس-اس دارایی و قدرت و آرامش می کننـد. مـا نیز اگر بخـواهیم در دنیـا و آخرت ب-ا هـم-ه فـق-ر و ن-داریـذاتیمان؛ "أَنْتُم الْفُقَ-راء إلى الله"(۱)از آرامش و قدرت و ثروت برخوردار شویم ،باید دس-تمان را دردست قدرت و ثروت و آرامش بی نهایت قرار دهیم .

الاـ مردمـان جملگی ش-مـا فقیری---د ب---ر درگ---ه کبری---ا ولی بینیـاز است پروردگـار ستوده صفات است آن کردگار (۲)

ص: ۳۹

۱- فاطر:۱۵

۲- امید مجد.

۱۲. زیرآب زدن

راهبرد جلسه

در این درس به دو صفت از صفات نمازگزاران می پردازیم که یکی از آنها را باید محافظ-ت ودیگری را ترک کنند.

جذابیت اولیه

کلمه زیرآب را چه کسی تا به حال شنیده و معنای آن چیست؟

زیرآب در لغت: مجرایی است در ته مخزن های آب که هنگام خالی ک-ردن آب، آن را ب-ازکننـد.(۱) مخرجی دربسته در ته خزانه یا حوض یا آبان بار که به چاهی یا مغاکی منتهی می شود تا آنگاه که خواهند، آن را باز کنند و آبدان از آب و لجن تهی شود.(۲)

تـا کمتر از صـد سـال پیش در خـانه های قـدیمی که لوله کشـی آب تصـفیه شـده نب-ود زی-رآب معنی داشت .زیرآب در انتهـای مخزن آب خانه ها بود، که ب-رای خ-الی ک-ردن آب، آن را ب-ازمی کردنـد .زیرآب به چاهی راه داشت تا با باز کردن آن لجن ته حوض از آن به چاه برود و آب پاکیزه وارد حوض شود. در همان زمان وقتی با کسـی دشـمنی داشـتندبرای اینکـه بـه او ض-ربـه بزننـد زیرآب حـوض خـانه اش را بـاز می کردنـد تـا همـه آب تمیزی را که در حـوض دارد از دس-ت بدهـد.صاحب خانه، وقتی خبردار می شـد خیلی ناراحت می شد؛ چون بی آب می ماند. ای-ن ف-ردآزرده به دوسـتانش می گفت: "زیرآبم را زده اند".

این اصطلاح که زیرآبش را زدند ریشه از همین کار دارد.

۱- محمدعلی جمال زاده، فرهنگ عامیانه.

۲- علی اکبر دهخدا، لغت نامه.

حضرت موسی(ع) به خدا عرض کرد: "خدایا من هرجا می روم دچار مشکل می شوم. چ-رااین طور است؟"

خداوند فرمود: "در لشکر تو کسی است که زیرآب زنی می کند". گفت: "او را به من معرفی کن"، فرمود: "من از این کار بی زارم چگونه خودم این کار را انجام دهم؟"(۱)در دعاهای بسیاری ما به خدا می گوییم خدایا تو نمی گذاری کارهای ب-د و زش-ت ف-اش ش-ود. س-تاریت یک-ی اززیباترین صفات خداوند متعال است: "یاَ عَلامَ الْغُیُوبِ یاَ غَفارَ ُالـذنُوُبِ یاَسَ َتارَالْعُیُوب " .(۲)

همه کسانی که با او رفیق شده اند ،همین خصوصیت را دارند. از عباد تها و س-جده ه-ایسیدالساجدین(ع) زیاد شنیده ایم؛ اما جالب است بدانیم که امام زی-ن العاب-دین (ع) در اث-ر ای-ن عبادات چه اخلاقی پیدا کرده بود. او که در عبادت در عصر خود شهره آفاق شده بود. آن قدر سجده می کرد که به او سیدالساجدین م یگفتند. درااثر ارتباط با خداوند متع-ال ب-ین م-ردم ب-ه پرده پوشی معروف بود. یکی از آنها پناه دادن به خانواده مروان بن حکم، در ماجرای قیام م-ردم مدینه(واقعه حرَّه) است .طبق تصریح منابع تاریخی در جریان واقعه حرّه و هجوم ش-امیان ب-ه مدینه، بسیاری از خانواده ها همسر و فرزندان خود را به خانه امام سجاد(ع) فرس-تادند و از آنحضرت پناه خواستند و در پناه آن حضرت تا پایان اشغال مدین-ه ب-ه دس-ت س-پاه م س-ِرِف درامنیت و سلامت به سر بردند و از تعرض شامیان در امان ماندند.(۳)

نتیجه گیری

کسی که اهل ارتباط با خدای متعال باشد نه تنها اهل زیرآب زدن نیس-ت؛ بلک-ه در مواق-ع ل-زوم ازکسی که به او بدی کرده است، حمایت هم می کند. پیامبر اکرم(ص) در جریان فتح مکه دو ج-ا رامکان امن اعلام کردند. یکی خانه خدا و هر کسی که داخل آن باشد، و دیگری خان-ه ابوس-فیان و

هرکسی که داخل خانه او باشد.(۴)این در حالی است که ابوسفیان دشمن خونین پیامبر اکرم(ص) بود .

۱- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۳ ، ص ۱۲

۲- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۴۱

۳- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۱ ، ص ۲۴۵

۴- احمدبن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۹

۱۳. رنگ خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که اگر نگاهمان به زندگی، خدایی باشد و مانند اهل بیت: عین الله بشویم آن زمان همه چیز را زیبا خواهیم دید و از زندگی مان ب-ه معن-ای واقعی لذت خواهیم برد.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه(۱)

امشب هم مثل شب های پیش، از شدت درد خواب به چشمانش نمی آمد. پهلوبه پهلو می شد و سعی می کرد توجهی به سوزش چشمانش نکند؛ اما درد امانش را بریده بود. بیماری او ازنظ-رتمامی متخصصان آن دوران لاعلاج تشخیص داده شده بود؛ یعنی با اینهمه ثروت و مکنت هیچ امیدی به یک لحظه آرامش نداشت. صبح فردا قرار بود به دیدن یکی دیگر از پزش-کان متخصص برود، بلکه درمانی برای نجات از این بیماری بیابد. پزشک بع-د از معاین-ه ب-رای اونسخه ای عجیب پیچید و گفت : نباید به هیچ رنگی غیر از سبز نگاه کن-ی . عم-ل ب-ه تـوص-یه پزشک برای بیمار که ثروت فراوانی داشت امکان پذیر بود .در مدت کوتاهی در و دیوار قصر او به رنگ سبز درآمد. همچنین تمام وسایل حتی لباسهای خ-دمتگاران ه-م س-بز رن-گ ش-د.

هی چکس بدون پوشیدن لباس سبز حق رفت وآمد به قصر او را نداشت؛ تا جایی که اگر کس-ی خواستار دیدار با او بود باید از سرتا پا سبزپوش میشد. با سختگیری خدمت کاران در عمل ب-ه دستور پزشک بعد از مدتی حال او تغییر کرد و رو به بهبودی رف-ت . آن م-رد ثروتمن-د ب-رایتشکر از منجی اش، پزشک را به قصر خود دعوت کرد تا لط-ف او را جب-ران کن-د؛ ام-ا وقت-ی حکیم با لباس نارنجی وارد خانه شد خدمت کاران از ورود او به اتاق جلوگیری کردند و خواستار

۱- داستان با زبانی خودمان و جوانپسند بیان شود.

سبزپوش شـدن حکیم شدنـد. حکیم، با آرامش خواسـته آنان را برآورده کرد و با لباس سبز وارد اتاق شد .در چشـمان مرد به جـای درد و افسـردگی، شـادی و سـرزندگی موج می زد. بـا خوشـحالی به حکیم گفت: گرچه تغییر تمام اطرافم به سبز، برایم بسـیار مشـکل ب–ود؛ ام–ا ره–ایی از ای–ن بیماری تمام دردسـرها را شیرین کرده است. حکیم لبخندی زد و گفت: "ای مرد، اگر به جای این همه زحمت عینکی با شیشه سبز به چشمانت می زدی تمام جهان را سبز می دیدی!"

حالا بگویید عامل اصلی در بیماری این مرد چیس–ت؟ و چ–را م–رد ب–ه ج–ای عین–ک زدن اطرافش را تغییر داد؟(۱)

نگاه ما به دنیا

نگـاه مـا به عـالم از پشت عینکی است که به چشـمانمان زده ایم. انسانهـا براسـاس دیـدگاهش–ان به جهان، زنـدگی می کنند .کسـی که آفرینش را خلاـصه در این دنیـا می بینـد، طبیعی اس–ت ک–ه کوچکترین سـختی را در دنیـا تاب نیاورد؛ زیرا می خواهـد همین روزهـا را در بهترین ش–رایط وبـدون غم و غصه زنـدگی کنـد؛ اما اگر حقیقت این عالم را بـدانیم، دیگر هیچ نقص و کمبـودی را حس نخـواهیم کرد؛ چراکـه همه کـاستی هـا در چشم کسـی است که فق–ط عین–ک نزدی–ک ب–ین دنیایی را به چشم خود زده است. لذا فقر، بیماری و مشکلات برای او سخت و غیرقابل تحمل است؛ اما برای کسی که خدابین است و عینـک زیبـای آخرت نگری را به چشم زده بـاش–د ه–یچ بلا و سـختی ای، بی حکمت نیست؛ چون م یدانـد ازجانب حکیم علیم صادر شده است. راز جمله زینب کبری(س) در مجلس ابن زیاد همین است .

وقتی ابن زیاد به ایشان گفت: "هل رأیتِ صُنِعَ للهبِأخِیكِ "؛ دیـدی خدا با برادرت چه کرد؟ فرمود: "مَا رَأَیتْ إِلّا جَمِیلا"(۲)؛ من جز زیبایی چیزی ندیده ام .

نتیجه گیری

شاید همه ما به این مرد بیمار بخندیم که چرا از ابتدا به فکر عینک نیفتاد؛ اما جالب است که

۱- . مربی عزیز اجازه بدهد چند تن از دانش آموزان به سؤالات پاسخ بدهند.

۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵ ، ص ۱

خودمان هم حاضـریم همه اطرافیان را مجبور کنیم مطابق میل ما باشـند. چرا؟ چون متکبریم و حاضـر نیستیم زحمت تغییر را به خودمان بدهیم.

پروردگارا، به نگاهمان رنگ الهی بزن. آمین ....

ص: ۴۴

۱۴.فاصله

راهبرد جلسه

در این جلسه به این سؤال پاسخ می دهیم که چرا و چگونه بین م-ا و خداون-د متع-ال فاص-له ایجاد می شود؟

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه(۱)

گفت: "کسی دوستم ندارد. می دانی چقدر سخت است کسی دوستت نداشته باشد؟ تو برای دوست داشتن جهان را ساختی. حتی تو هم بدون دوست داشتن...!" خدا هیچ نگفت .

گفت: "به پاهایم نگاه کن! ببین چقدر چندش آور است. چشم ه-ا را آزار م-ی ده-م . دنی-ا راکثیف می کنم. آدم هایت از من می ترسند. مرا می کشند .برای اینکه زش-تم . زش-تی ج-رم م-ناست." خدا هیچ نگفت .

گفت: "این دنیا فقط مال قشنگهاست. مال گل ها و پروانه ها. مال قاصدک ها. م-ال م-ن نیست."

خدا گفت: "چرا، مال تو هم هست، دوست داشتن گل، دوست داشتن پروانه ی-ا قاص-دک کار چندان سختی نیست؛ اما دوست داشتن یک سوسک، دوست داشتن "ت-و " ک-اری دش-واراست .دوست داشتن کاری است آموختنی. هرکسی رنج آموختن را نمی برد .ب-بخش کس-ی راکه تو را دوست ندارد؛ زیرا که هنوز مؤمن نیست؛ زیرا که هن-وز دوس-ت داش-تن را نیاموخت-ه

ص: ۴۵

۱- مربی ابتدا داستان را با احساسات و لطافت خاصی بیان کند.

است .او ابتدای راه است. مؤمن همه را دوست دارد؛ زیرا هم–ه از م–ن اس–ت و م–ن زیب–ایم وچشم هـای مؤمن جز زیبا نمی بینـد. زشتی در چشم هاست .در ای–ن دای–ره، هرچ–ه ك–ه هس–ت،نیکوست. آنکه بین آفریـده های من خط کشـید، شیطان بود. شیطان، مسئول فاصله هاست .

حالا، قشنگک کوچکم! نزدی کتر بیا و غمگین مباش."

قشنگک کوچک نزد خدا رفت و دیگر هیچ گاه نیندیشید که نازیباست.(۱) آیا می دانید؟ چرا شیطان از جدایی لذت می برد؟

یکی از راه هـایی کـه شـیطان برای جـدایی از آن اسـتفاده می کنـد، کـدام است؟به نظر شـما شـیوه مقـابله بـا این کـار شـیطان چیست؟(۲)

پیوند با بحث

دوستان من، چرا از پرس شهای من تعجب کردید؟ اجازه بدهید کم–ی بیش–تر توض–یح ب–دهم.

همه ما از یک جنس هستیم و همه مخلوق یک نفر می باشیم

"یـا أَیّهَاًّ النـاسُ إِنّاًّ خَلَقْنـاکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَأُنْثی وَجَعَلْنـاکُمْ شُعُوبا وَقَبائِلَ لِتَعـارَفُوا إ نّ أَکْرمَکُمْ عِنْ–دَ اللهِ أَتَقْ–اکُمْ إِنّ اللهَ عَلیمٌ خَبیر."(۳) تفاوت هایمان در خلقت، نمی تواند موجب فخرفروشی ما به یک–دیگر باش–د.

تنهـا چیزی که شخصـی را بر دیگران برتری می دهـد ،فضـیلتی است که خ–ود او کس–ب ك–رده باشـد؛ ماننـد: علم و عمل صالـح، جالب اینکه صاحبان علم و عمل ص–الـح وقت–ی واقع–اً ع–الم وعادل می شونـد، هیچ چیز را محصول کار خودشان نمی بینند تا موجب فخرفروش–ی آنه–ا ش–ود:

إِلهی لَا حَوْ لَ لی وَلَا قُوهَ إِ ّلا بِقُـدْرَتِکَ وَلَا نَجاهَ لِی مِنْ مَکَارِهِ ُالـدنْیا إِ ّلا بِعِصْـمَتِکَ. (۴) این دیدگاه، نگ–اه کس–ی است که بـا خـدا زنـدگی می کنـد و این نگـاه باعث می شود دشـمنی و اختلاف ریش–ه ک–ن ش–ود وجای خود را به برادری و برابری بدهد.وَاذْکُرُوا نِعْمَتَ اللهِ عَل َیْکُمْ إِذْکُنْ–تُمْ أَعْ–داءً فَ–أَلَّفَ ب َیْنَ قُلُ–وبِکُمْ

ص: ۴۶

۱– عرفان نظرآهاری، بالهایت را کجا جا گذاشتی،ص ۴۸

۲– اجازه بدهید دانش آموزان اظهار نظر کنند. جواب سؤالات در پیوند با بحث بیان شده است.

۳– ای مردم، ما شما را از مرد و زن آفریدیم، و شما را گروه گروه و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. درحقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بیتردید، خداوند دانای آگاه است" (حجرات: ۱۳)

۴– محمدباقر مجلسی ،بحارالأنوار،ج۱۹، ص۳۴۱، باب ۳۲.

فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخِوانا.(۱) نه تنها مؤمنان حس برادری پیدا میکنند؛ بلکه مؤمن حاضر نیس–ت ب–ه هیچ مخلوقی از مخلوقات محبوبش کوچکترین آسیبی برساند. "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُ–ون".(۲)چراکه همه آنها را زنده می داند؛ چون از ناحیه زن–د ه پای–دار

آمده اند. شیطان از این همه همدلی و رفاقت سخت در عذاب است؛ زیرا دشمنی، بهترین بستر برای انجام گناهان است. برای همین عزم خود را جزم کرده تا دوستی ها را تبدیل به دش–منی کند .

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَداوَةَ وَ الْبَغْضاء.(۳)

خدایا ،مگذار شیطان بین ما و تو فاصله بیندازد. آمین .

۱– و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دلهای شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید" (آل عمران: .)۱۰۳

۲– در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید، امید که مورد رحمت قرار گیرید" (حجرات: ۱۰)

۳– همانا شیطان می خواهد میانِ شما دشمنی و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد" (مائده: ۹۱)

فصل دوم: چگونگی ارتباط باخدا

۱۵. گدای نابینا و روزنامه نگار

راهبرد جلسه

در این جلسه ،درباره اینکه ما با خدای متعال هرگونه که بخواهیم می ت-وانیم ص-حبت کن-یم،بحث خواهیم کرد؛ اما بهترین نوع ارتباط کلامی چیست؟

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه(۱)

روزی مرد نابینایی روی پله های ساختمان نشسته بود و کلاه و تابلویی را کنار پایش قرار داده بود. روی تابلو نوشته بود: من کور هستم؛ لطفاً کمک کنی-د . روزنام-ه نگ-ار خلا ق-ی از کن-ار اومی گذشت؛ نگاهی به او انداخت. فقط چند سکه داخل کلاه ب-ود . او چن-د س-که داخ-ل ک-لاه انداخت و بدون اینکه از مرد اجازه بگیرد، تابلوی او را برداشت، آن را برگرداند و جمله دیگری روی آن نوشت و تابلو را کنار پای او گذاشت و آنجا را ترک کرد. عصر آن روز، روزنامه نگار به آن محل برگشت و متوجه شد که کلاه آن مرد پر از اسکناس شده است. مرد نابینا از ص-دای قدم های او، خبرنگار را شناخت و درخواست کرد نوشته تابلو را ب-رایش بخوان-د. روزنام-ه نگ-ارجواب داد: چیز خاص و مهمی نبود. من فقط نوشته ش-ما را ب-ه ش-کل دیگ-ری نوش-تم؛ بع-دلبخندی زد و رفت. مرد نابینا هیچ وقت ندانست که او چه نوشته است.(۲) روزنامه نگار روی تابلو نوشته بود: امروز یک روز بهار است؛ ولی من نمی توانم آن را ببینم!

پیوند با بحث

هرکسی برای برقراری ارتباط با دیگران راهی را انتخاب م-ی کن-د . ب-ی ش-ک بهت-رین راه

ص: ۵۰

۱- مربی با تسلط بر مطلب و بیانی شیوا و زیبا داستان را بیان کند .

۲- مربی از دانش آموزان بخواهد که حدس بزنند آن جمله چه بوده است؟

ارتبـاط، کلاـم است. مـا بـا سـخن گفتن، آنچه را در قلبم–ان م–یگ–ذرد ب–ه ط–رف مقاب–ل انتق–ال می دهیم .پس باید بهترین جملات را انتخاب کرد. خداوند متعال خود مس–تقیم ب–ا م–ا س–خن

گفته و از پیـامبر اکرم(ص) نقل قول نکرده است. "وَ ما یَنْطِقُ عَنِ الهَوی، إ نِ هُوَ إِلاّ وَحْ–یٌ ی ُ–وحی"؛(۱) پیغمبر اکرم از روی هوا و هوس صـحبت نم یکنـد؛ به تحقی–ق آنـچ–ه م–ی گوی–د وح–ی و ک–لام خداونـد متعال است. حال اگر بخواهیم به بهترین وجه با خالق هستی درد دل کنیم، باید سـراغ کسانی برویم که راه حرف زدن با او را بلد باشـند و شیوه های برق–راری ارتب–اط را از آنه–ا ی–ادبگیریم و مـا هم ماننـد آنـان با محبوبمان ارتباط برقرار کنیم. تابه حال به این فکر کرده ای–د ک–ه چرا به مناجات هـای اهل بیت: ماننـد: دعای کمیل، دعای عرفه، ب–ا خـداون–د متع–ال گ–وش می کنیم؟ مگر نه اینکه این جملات، سخنان خصوصی آنها با خداست!(۲) درست ح–دس زدی–د.

اهـل بیت: به این طریـق می خواهنـد روش دوسـتی و تقـویت رابـط–ه م–ا ب–ا خ–دای مهرب–ان رانشـان دهنـد تـا مـا بتوانیم خواسته ایمان را در بهترین قالب و به بهترین شیوه با محبو بمان در میان بگذاریم .

نتیجه گیری

با کمی دقت متوجه خواهیم شد نماز گنجینه ای از بهت–رین کلم–ات و زیب–اترین قال–ب ب–رای گفتگو است .که در آن هم با زبان و هم با عم–ل ب–ه بی–ان احساس–ات و خواس–ته ه–ای خ–ودمی پردازیم.

خدایا ،به ما کمک کن تا بهترین راه ارتباط با تو را پیدا کنیم. آمین

۱– نجم: ۳ و ۴

۲– مربی از دانش آموزان نظرخواهی کند.

۱۶. نماز واقعی

راهبرد جلسه

در این درس با نماز واقعی یعنی همان نماز مقبول و آثار و برکات آن آشنا می شویم.

جذابیت اولیه

انسان برای پیمودن راه صحیح تکامل و سعادت بایـد ازی کسو، رابطه خود را با خـدا و ازس-وی دیگر، با خلق خـدا تقویت نمایـد. بهترین راه تقویت رابطه بـا خـدا، نماز است. نماز یک ظ-اهر ی دارد ،که انجام آن موجب رفع تکلیف از ما می شود؛ امـا اینگونه نمـاز خوانـدن به این معنـا نیست که لزوماً موجب سعادت اخروی گردد. رسیدن به قرب الهی از طری-ق نم-از، مس-تلزم رعای-ت نکات خاصی است که با صرف عمل به تکلیف، آن هم ازروی عدم توجه به مفاهیم عملی آن ،محقق نم یگردد .

امام صادق(ع) در کلام نورانی خود با بیان حدیثی قدسی، برخی از شرایط قب-ولی نم-از را

یـادآور می شونـد: "يَا ابْنَ جُنْدَبٍ قَالَ َاللَّهُ جَ-لَّ وَعَ-ز فِي بَعْ-ضِ مَ-ا أَوْحَ-ى إِنَّمَ-ا أقْبَ-لُ َالص-لَاةَ "؛ (۱)ای جن-دب خداوند جلّ جلاله فرمود نماز کسی را می پذیرم که:

شرط اول: این است که نمـازگزار در هنگام نماز، عظمت خـدا را به یاد آورد و به این نکته توجه داشـته باشـد که هرچه بیشتر موفق به درک عظمت خـدا گردد، خود را در برابر آن کوچک و ناچیز می شـمارد؛ مِمنْ يَتَوَاَضَعُ لِعَظَمَتِي؛ در پیشـگاه عظمت من خشوع می کند .

بیان داستان

در زمان پیامبر(ص)، زنی زندگی می کرد به نام "زینب عطّ اره" که به شغل عطرفروشی اشتغال

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج۵۷، ص ۵۸۲.

داشت .آن زن عطرهای خوبی را که تهیه می کرد، ابتدا خدمت پیامبر(ص) می آورد، و حضرت نیز آنها را خریداری می کردند. آن زن یک روز از پیامبر اکرم(ص)خواست تا عظم-ت خ-دا رابرایش تشریح نمایند. حضرت فرمودند: "تونمی توانی عظمت خدا را درک کن-ی، مگ-ر اینک-ه ابتداً به عظمت مخلوقات خدا پی ببری."

پیامبر(ص) درباره عظمت آفرینش آسمان و زمین فرمودند: "این زم-ین پهن-اور ب-ا تم-ام دریاها و کو هها و شهرهای بزرگی که دارد، نسبت به آسمان اول به مانند حلقه ای است که در یک بیابان بیکران افتاده باشد؛ همین طور نسبت آسمان اول به آسمان دوم تا برسد به آسمان هفتم، و آسمان هفتم نیز نسبت به عرش خدا ،همچون حلق های اس-ت در ی-ک بیاب-ان بس-یار وسیع".(۱)

امروزه کیهان شناسان، کهکشان هایی را کش-ف ک-رده ان-د ک-ه میلیارده-ا س-ال ن-وری ب-اکهکشان ما فاصله دارند؛ یعنی کل منظومه شمسی با همه عظم-تش در براب-ر کهکش-ان راه شیری و نیز این کهکشان در برابر کهکشان های دیگر بسیار ناچیز هستند. حضرت ب-ه ز ین-ب عطاره فرمودند: "وقتی به این مسائل خوب بیندیشی، متوجه می شوی که تازه در برابر عظمت مخلوق خدا هیچ به حساب نم یآیی تا چه رسد به عظمت خدا!"

وقتی انسان با چنین دیدی به این مسائل بنگرد، خودش را در براب-ر عظم-ت ب-ی نهای-ت خداوند متعال بسیار کوچک و ناچیز به حساب می آورد و حالت تواضع برای او پیش می آید .

شرط دوم: وَ یَکُف نَفَسَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ مِنْ أجْلِی ؛ و خویش را از شهوات به خاطر من بازدارد .

یعنی نمازگزار به خاطر خدا از هوا و هوس های باطل خود دست بردارد؛ یعنی بگوید: خدایا ،برای اینکه تو را دوست دارم، دنبال شهوترانی و گناه نم یروم. همانطور که انسان به خاطر دوستان خود از برخی خواسته هایش صر ف نظر م یکند، به خ-اطر خ-دا ه-م، ب-ای-د از ش-هوات نامشروع خود چشم بپوشد. بین نمازِ خوب خواندن و دنب-ال ش-هوات نامش-روع رف-تن نس-بت معکوس وجود دارد؛ به این معنا که انسان هرقدر نمازش را بهت-ر بخوان-د، ب-ه هم-ان می-زان از

ص: ۵۳

۱- محمدبن یعقوب کلینی ،اصول کافی، ج۸، ص۳۵۱

شهوات نامشروع دور می شود و به عکس، هرچه بیشتر شهوت رانی کند، از نم-از دور م-ی ش-ود .

قرآن کریم درباره برخی اقوام گذشته این مطلب را به زیبایی بیان فرموده و پ-س از ذک-ر ن-ام

تعدادی از انبیا می فرماید: "إِذِا تُتْلَی عَلَیْهِمْ آیَاتُ الرحْمَن خَرواسُجدًا وَ بُکِیا"؛(۱) هرگاه آیات رحمت ما بر آنها تلاوت شود، با گریه روی اخلاص بر خاک نهند. سپس در ادامه می فرماید: "فَخَلَفَ مِنْ

بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصلاهَ وَاتبَعُ والشَّهَواتِ فَسَوْفَ یَلْقَوْنَ غَیا"؛(۲) س پس جانش ین آن م ردم خداپرست، قومی شدند که نماز را ضایع کردند و از شهوت نفس پیروی کردند و اینها به زودی کیفر گمراهی را خواهند دید. انسان اگر بخواهد بداند چرا آنطور که بایدوشاید نم-ی توان-د درنماز با خدا انس بگیرد، باید ببیند چقدر به شهوات نامشروع و افکار باطل دل بسته است.

شرط سوم: وَیَقْطَعُ نَهَارهُ بِذِکْرِی؛ و روزش را با یاد من سر کند. به این معنا، کسانی هستند که همیشه و در تمام حال به یاد خدا می باشند و هرگز از یاد خدا غافل نمی شوند: "رِجَالٌ لا تُلْهِ-ی هِمْ تِجَارَهٌ وَلَابَیْعٌ عَن ذِکْرِ اللهِ"؛(۳) پاک مردانی که ه-یچ کس-ب و تج-ارتی آن-ان را از ی-اد خ-دا غاف-ل نمی گرداند .

شرط چهارم: وَلَا یَتَعَظَّمُ عَلَی خَلْقِی؛ و بر مخلوقات من تکبر نمی ورزد. ش-رط پ-نجم: وَ یُطْعِ-مُ الْجَائعِ ؛ و به گرسنگان غذا می دهد .

بیان داستان

معلَّی بنِ خُنَیس گوید: شبی بارانی امام صادق(ص) از خانه به قصد رفتن به ظلّه بن-ی س-اعده بیرون آمدند .من نیز دنبال آن حضرت بیرون آمدم. ناگاه چی-زی از دس-ت ام-ام زم-ین افت-اد.

عرض کرد: "خداوندا، آن چه افتاد به من برگردان!" من نزدیک رفتم و سلام کردم .

فرمود: معلّی تویی؟ - بلی، جانم فدایت!

۱- مریم:.۵۸

۲- مریم: ۵۹

۳- نور

– دست به زمین بکش، هرچه به دستت آید، جمع کن .

– من دست بر زمین کشیدم؛ دیدم نان است که بر زمین ریخته شده است؛ جم–ع ک–ردم وبه حضرت دادم و عرض کردم: فدایت شوم، بگذار کیسه نان را به دوش گیرم و بیاورم.

– نه، من بر حمل آن سزاوارترم؛ لکن به تو اجازه می دهم که با من همراه شوی.

پس با امام(ع) به ظلّه بنی ساعده رسیدیم .در آنجا گروهی از فقرا در خواب بودند. امام در زیر لباس آنان یک یا دو عدد نان می گذاشت تا نان ها تمام شد و برگشتیم.

گفتم: فدایت شوم؛ اینها شیعه هستند؟

فرمود: "اگر شیعه بودند، حتی نمک خورش آنها را هم می دادم."(۱) شرط ششم: وَ یکْسو العارِی؛ و برهنگان را بپوشاند.

شرط هفتم: وَیَرْحَمُ الْمُصَابَ؛ و بر گرفتاران لطف نماید .

شرط هشتم: وَ یُؤْوِی الْغَرِیبَ ؛ و آوارگان را پناه دهد.(۲)

۱– شیخ عباس قمی ،منتهی الآمال، ج۲، ص۷۲۱.

۲– مربی گرامی، ایـن هشـت قطعـه را در هشـت مقـوا جـداگانه، و ترجم ههـای آنهـا را نیز در هشت مقـوای دیگر به صـورت جـداگانه می نویسـد .که جمعاً شانزده قطعه می شود .پشت همـۀ مقواها را به صورت نامنظم از یک تا شانزده عددگذاری می کنـد. بهترین حالت، اسـتفاده کردن از خود دانش آموزان است. هرچند میتوان با آهن ربا و یا چسب بر روی تخته نیز آموزش داد. با اسـتفاده از شانزده دانش آموز و دادن مقوا به هریک ،از آنها می خواهـد مقواها را از سـمت اعـداد رو به دانش آموزان دیگر قرار دهنـد. از دیگر دانش آموزان که نشسـته انـد می خواهـد دو عـدد را به صورت تصادفی نام ببرنـد؛ مثًلا عـدد پنج و دوازده . مربی از دانش آموزان شمارۀ ۵ و ۲۱ می خواهـد تا مقواهای خود را برگردانند تا همه ببینند متن حدیث با ترجمۀ آن مطابقت دارد یا خیر.

۱۷. عشق واقعی

راهبرد جلسه

در این جلسه به بیان این مطلب می پردازیم که عش-ق، تبعی-ت و اطاع-ت م-ی آورد، و عاش-ق واقعی به کسـی گفته می شود که ج-ان خ-ویش را، ک-ه ب-ا ارزش ت-رین س-رمایه اس-ت در راه معشوقش بدهـد. نماز زمانی تأثیرگـذار اسـت که عاشقانه باشد.

جذابیت اولیه

دوستان خوبم ،به این داستان توجه کنید:

می خواسـتند سـرش را ببرن-د . خ-ودش ای-ن را م-ی دانس-ت . او معن-ی کـاس-ه آب و چ-اقو رامی فهمیـد .با مادرش هم همین کار را کردند. آب-ش دادن-د و س-رش را بریدن-د. ترس-یده ب-ود .

گردنش را گرفتـه بودنـد و می کشـیدند. قلـب قرمزش تندتنـد می زد. کم-ك م-ی خـواس-ت، فری-ادمی زد و صـدایش تا آسـمان هفتم بالاـ می رفت .فرش-ته آم-د و نـوازش-ش ك-رد و گـف-ت: چق-درقشـنگك است اینکه قرار است خودت را ببخشی ت-ا زن-دگی ب-از ه-م ادام-ه پی-دا كن-د. آدم ه-اسپاسگزار تو هستند. قوت قدمهایشان از توست. تاب و توانشان هم. تو به قلب هایشان كمك می كنی تا بهتر بتپد؛ قلب هایی كه بتوانند عشق بورزند .پس مرگ تو به عشق كمك می كن-د .

تو كمك می كنی تا آدم امانت بزرگی را كه خـدا بر شانه های كوچكش گذاشـته است ب-ر دوش كشـد .تو، گنـدم و نور؛ تو، پرنده و درخت ،همه كمك می كنید تا این چرخ بچرخد، چرخی ك-هنام آن زندگی است.

گوسفند آرام شد و اجازه داد چاقو گلویش را ببوسد. او قطره قطره بر خاك چكید؛ ام-ا ه-ر

ص: ۵۶

قطره اش خشنود بود؛ زیرا به خدا، به عشق، به زندگی کمک کرده بود.(۱)

پیوند با بحث

چه رابطه های بین خدا و مخلوقات او وجود دارد؟

به چه دلیل کسی که عاشق خدا شده حاضر است خود را فدای معشوق کند؟

دوستان! وقتی کسی را دوست نداشته باشیم، اگر کوچکترین تقاضایی هم داشته باشد یا انجام نمی دهیم یا به سختی انجام می دهیم؛ اما اگر کسی را دوست داشته باشیم هر ک-اری رابا تمام وجود ،و تمام وکمال برایش انجام می دهیم .

نتیجه گیری

عاشق خدا در مسیر رضایت او از هیچ کاری دریغ نمی کند. نم-ا ز م-ا زم-انی نم-از اس-ت ک-ه عاشقانه باشد و زمانی عاشقانه است که اثر عملی آن در زندگی مان نمایان باش-د . ب-ه هم-ین

دلیل پیغمبر اکرم(ص) فرمودند: " لَاصَلَاهَ لِمَنْ لَمْ یُطِعِ الصلَاهَ وَطَاعَهُّ الص-لَا ءِ أنْ تَنْهَ-ی عَ-نِ الْفَحْشَ-اءِ وَالْمُنْکَر "(۲)؛ نماز کسی که از نماز اطاعت نکند نماز نیست، و اطاعت از نماز یعنی پرهیز از خطا و معصیت الهی .

خدایا ،طعم عشقت را به ما بچشان. آمین .

ص: ۵۷

۱- عرفان نظرآهاری ،بالهایت را کجا جا گذاشتی، ص۶۳.

۲- محمدباقر مجلسی ،بحارالانوار،ج۹۷، ص۸۹۱ باب ۱.

۱۸. گرگ به نمازم زده است

راهبرد جلسه

در این درس به این نکته می پردازیم که حب دنیا موجب می شود از صحبت و ه-م نش-ینی ب-اخداوند عزیز و مهربان لذت نبریم.

جذابیت اولیه

دوستان من، تا به حال جمله "گرگ به نمازم زده" را شنیده اید؟ کدام یک از شما می داند ک-هاین جمله به چه معناست؟

خوب گوش کنید. می خواهم یک داستان زیبا و جذاب برایتان تعریف کنم!

ابوذر می گوید: خدمت رسول خدا(ص) رسیدم. حضرت فرمود با گوسفندانت چه کردی؟ - ای رسول خدا، داستان شگفت انگیزی برای آنها اتفاق افتاده است!

- چه داستانی؟

- ای رسول خدا، زمانی که به نماز ایستاده بودم، ناگهان گرگی به گوسفندانم حمله کرد. با خودم گفتم پروردگارا، نمازم، گوسفندانم! کدام را دنبال کنم، شیطان به دل-م ان-داخت ک-ه ای ابوذر به چه فکر می کنی؟ اگر گرگ ها به گوسفندانت حمله کنند و تو در نماز باشی، تمام آنها را نابود می کنند و از بین می برند و چیزی برای زندگی تو در دنیا باقی نم یگذارند. به ش-یطان گفتم: توحید خدا و ایمان به اینکه خداوند متعال همه کاره این عالم است و ایمان به رس-الت رسولش(ص) و دوستی علی بن ابیطالب و امامان طاهرین: از نسل او و دشمنی دشمنانشان برای من باقی می ماند؛ هرچند که تمامی دنیایم از دستم برود .سپس مشغول نماز شدم، گرگ آمد و گوسفندی را به دهان گرفت و رفت .در همان حال که گرگ می رفت، ناگهان شیری به گرگ حمله کرد و او را دو نیم کرده و گوسفند را خلاص کرد و به گله برگرداند. س-پس ش-یر

ص: ۵۸

فریـاد زد ای ابـوذر، به نمـازت مش–غول ش–و ك–ه همـان–ا خ–دای س–بحـان م–را م–أمور نگه–داری گوسـفندانت کرده است! من مشـغول نماز شدم. تعجبی به من دست داد که جز خداوند متع–ال نم یداند. سپس شیر به سمت من آمد و گفت برو به سوی محم–د (ص) و از ط–رف م–ن ب–ه اوسلام برسان و به او خبر ده، که همراه و صحابه ات را خدا گرام–ی داش–ت. و ش–یری را ب–رای نگهـداری گوسـفندانش قرار داد. رسول خ–دا (ص) ش–ادمان ش–د و اطرافی–انش از ش–نیدن ای–ن داستان تعجب کردند.(۱)

شعر

حکـای–––ت کنـن––––د از بزرگ––––ان دی––––ن ح–قی–ق–ت ش–––نـاس–––ان عیـن الیقیـن ك–ه ص–احبدل–ی ب–ر پلنگی نشس–ت همی راند رهوار و ماری به دست

یـك–––ی گـف–––تش ای م–––رد راه خ–––دای ب––دیـن ره ك––ه رفت––ی م––را ره نم––ای چ––ه ك–––ردی ك–––ه درن–––ده رام ت–––و ش–––د نـگ–ین س–عادت ب–ه ن–ام ت–و ش–د بگف–––ت ار پل–––نگم زب–––ون اس–––ت و م–––ار وگ––ر پی––ل و ك––رکس ش––گفتی م––دار ت–––و ه–م گ–––ردن از حـك––م داور مپ––یچ که گردن نپیچد ز حکم تو هیچ مح–––ال اس–––ت چ–––ون دوس–––ت دارد ت–––و را ك––ه در دس––ت دش––من گ––ذارد ت––و را(۲)

نتیجه گیری

دوسـت عزیز، شـیطان گرگصـفت همیشه در کمین است. مـا همیشه بایـد مراقب باشـیم ت–ا ب–ه نمازمـان نزنـد. اگر بنـدگی خالصـانه انجـام دهیم و تمام امور زن–د گی خ–ود را ب–ه دس–ت خـداون–دمتعال بسپاریم، خـدای متعال نیز همه امکانات عالم را در اختیار ما قرار خواهد داد.

اگ––ر ن––ه روی دل ان––در براب––رت دارم م––ن ای––ن نم––از حس––اب نم––از نش––مارم م––راد م––ن ز نم––از آن ب––ود ك––ه پنـه––انی ح––دیث درد ف––راق ت––و ب––ا ت––و بـگ––ذارم وگرنـه این چ–ه نم–ازی ب–ود ك–ه م–ن ب–ا ت–و نشسته روی به محراب و دل بیازارم (۳)

ص: ۵۹

۱– محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۴، ص

۲– سعدی شیرازی، بوستان، دیباچه.

۳– مولوی.

نماز یعنی باور، اعتماد. به چه کسی؟ به خداوند سبحان، خدایی که علیم و ق-دیر و حک-یماست .اگر ما از نمازمان لـذت نمی بریم باید به ریشه های این تلخ مزاجی پی ببریم ت-ا بت-وانیم آنطور که بایدوشاید آن را درمان کنیم .

عیسی بن مریم(ع) دراین بـاره می فرمایـد: "صَاحِبُ الـدنْیَا لَا یَلْتَذ بِالْعِبَادَهِ وَ لَا یَجِ-دُ حَلَاوَتَهَ-ا مَ-عَ مَ-ا یَجِدُ مِنْ حُب الْمَاَل "؛(۱)کسی که با دنیا اُنس گرفته اس-ت و ح-ب م-ال در دل اوس-ت، از اُن-س وهمنشینی با خدا لذت نمی برد .

امیرالمؤمنین(ع)می فرمایـد: "کَیْفَ یجِدُلَذهَ الْعِبَادَه مَنْ لَا یَصُومُ عَ-نِ الهَ-وَی "؛(۲) چگون-ه ممک-ن است کسـی که به دنبال خواسته های دلش می باشد ،لذت و شیرینی عبادت و گفت وگو با خ-دارا درک کند؟

زمـانی که حواس مـا به خودمـان پرت است و به دنبـال خواسـته هـای کوچـک و نـاچیز خودمان هستیم و توجه به هیـچ چیز و هیچکس دیگری در اطرافمان نداریم، مسـلمًا بسـیاری از نعمت ها و لذ تهای بی نظیر را که شـیرینی و صفای بی نهایت دارند، از دست خواهیم داد.

خداونـد متعـال به حضـرت داوود(ع)فرم-ود :"مَ-ا لِأَوْلِیَ-ائِی وَالهَ-مُّ بِ-ال-دنْیِ-ا إِنَّ الهَ-م یُ-ذْهِبُ حَ-لَاوَهَ مُنَاجَاتی مِنْ قُلُ-وبِهِم"؛(۳) ای داوود، اولیـای من از دنیـازدگی دورنـد؛ به تحقی-ق دنی-ازدگی، ح-لاوت مناجات مرا از قلب های آنان می برد .

۱- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج۴۱، ص۰۱۳

۲- عبدالواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج۴، ص۸۲.

۳- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۹۷، ص۳۴۱.

۱۹. خدای دیدنی

راهبرد جلسه

در این جلسه به این سؤال پاسخ می دهیم که آیا خدا را می توان دید؟

جذابیت اولیه

مردی بـا خود زمزمه کرد: خـدایا، بـا من حرف بزن! یـک سار شـروع به خوانـدن ک-رد؛ ام-ا م-ردنشـنید. مرد فریاد برآورد: خدایا، با من حرف بزن! آذرخش در آسمان غرید؛ مرد اعتنایی نک-رد .

مرد به اطراف خود نگاه کرد و گفت: تو کجایی؟ بگذار تو را ببینم! ستاره ای درخشید؛ اما م-ردندید. مرد فریاد کشید: خدایا یـک معجزه به من نشـان بـده! کـودکی متـول-د ش-د؛ ام-ا م-رد ب-ازتـوجهی نکرد! مرد در نهـایت یـأس فریـاد زد: خـدایا ،خـودت را بـه مـن نش-ان ب-ده و بـگ-ذار ت-و راببینم، از تـو خـواهش می کنم. پروانه ای روی دست مرد نشـست، و او پروانه را پراند و به راهش ادامه داد .

سؤال

به نظر شما خدا دیده می شود؟ اگر دیده می شود ،چرا این مرد خدا را ندید؟ اشتباه او کجاست؟

خدای دیدنی

امیرالمؤمنین(ع) فرمود: "ما کُنْتُ أعبُدُرباً لم أره"(۱)؛ من خدایی را که ندیده باشم عبادت نمی کنم.

چگونه ممکن است، دِرِ منزل شـما به صـدا درآیـد و شـما یقین پیـدا کنی-د ف-ردی پش-ت دراست، درحالی که او را نمی بینید؟ درواقع دیدن انواعی دارد .یکی از آنها دیدن با این دو چش-م

۱- محمدبن یعقوب کلینی ،اصول کافی، ج۱، ص۸۹ ح۶.

ظاهری است .نوع دیگر، بـا دو چشـم بـاطنی، یعنـی قلـب و عقـل اسـت. بـه همـین دلیـل

امیرالمؤمنـان(ع) در ادامه روایت می فرمایـد: "وَیْلَـکَ لَما تُـدْرِکهُ الْعُیُـو نُ فِی مُشَـاهَـدَهِ الْأبْصَـا رِ وَلَکِـنْ رَأتَـهُ الْقُلُوبُ بِحَقَـائِقِ الْإِیمَـان"؛ وای بر تو، خـدا را با دو دیـده ظاهر نم یتوان دیـد؛ بلکه خـدا را بـا چشـمدل، در نور ایمان و باور می توان مشاهده کرد .

هر گل نو، که شد چمن آرای ز اثر رنگ و بوی صحبت اوست(۱)

البته به شرط آنکه گرد و غباری بر روی چشم دلمان نباشد که مانع از دیدن روی یار شود.

حالآنکه مرد قصه ما به دنبال خدایی بود که با دو دیده سر بتوان آن را دید. غافـل از اینکـه خدایی را که با دو دیده ظاهر بتوان دیـد، از همه جهات محـدود است، و محـدود یعنـی فقیـر ونیازمند چگونه ممکن است خدای محدود و نیازمند، لایق پرستش باشد.

نتیجه گیری

در این دنیـا به هر سـمت نگـاه کنیم، آیه و نشانهـای از وجود خـدای متعـال را می تـوان احسـاس کرد. "وّ لِلهِ الْمَشْـر قِ وَ الْمَغْرِبِ فَأیْنمـا تُوَلُّوافَثَم وَجْهٌ لِلهِ إنّ للهَ واسِعٌ عَلیم"(۲)؛ با نور ایمان و دیـده قلـب می توان او را دیـد و بلکه بالاتر، می توان او را حس کرد. "وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیـد"؛(۳) مـا از رگ گردن به شـما نزدیـک تریم .پس ما برای حس کردن او نیـاز بـه چشـم دل و نـور ایمـان داریم .

خدایا ،چشم دل ما را باز کن تا تو را ببینیم. آمین .

ص: ۶۲

۱- حافظ شیرازی، دیوان.

۲- مشرق و مغرب، از آن خداست، و به هر سو رو کنید، خدا آنجاست. همانا خداوند بینیاز و داناست" (بقره: ۱۱۵)

۳- ق : ۱۶

۲۰. راننده شاکی

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین اخلاص در عبادت به ویژه نماز می پردازیم .

جذابیت اولیه

هوا گرم بود، آنقدر که کمتر کسی در خیابان دیده می شد .قطرات عرق روی برگه آزمایش-ی که روی پایش گذاشته بود می چکید؛ ولی دستان خسته اش توان پاک کردن آنه-ا را نداش-ت.

ناامیدی تمام وجودش را فرا گرفته بود. می اندیشید بعد از عمری زحمت و تلاش، تنه-ا ثم-رهزندگی اش، خستگی می باشد .مجبور شده بود تمام پس انداز سالها تلاشش را ب-رای بیم-اری همسرش خرج کند؛ اما بدون نتیجه؛ چراکه لباس سیاهش را چند روزی بود از ت-نش درآورده بود .حالا برگه آزمایش نشان می داد فرزند کوچکش هم دچار بیماری سختی ش-ده اس-ت . ب-ادستان لرزان، دنده را عوض کرد و پایش را روی پدال گاز فشار داد و چشم به ج-اده دوخ-ت، می خواست آنقدر برود تا از افکارش پیشی بگیرد؛ اما اشک جلوی دی-دگانش را گرفت-ه ب-ود .

ناچار کنار جاده توقف کرد و سرش را روی فرمان گذاشت. دیگر طاقتش تمام شده بود. بلن-دگریه می کرد؛ اما آرام نمی شد .سرش را بالاـ گرفت و شروع به فریاد زدن کرد: "آخه، چرا من؟ دیگه نمی تونم تحمل کنم .مگه تو رحم نداری؟! خوشت میاد ببینی زجر م-ی کش-م . چ-را زورمی گی؟ اصلًا صدام رو می شنوی؟ پول و پله که به-م ن-دادی؛ پ-در و م-ادرم رو ه-م زود ازم گرفتی؛ تنها دلخوشیم زن و بچه ام بودند .چرا این کار رو باه-ام م-ی کن-ی؟ اص-لاً خ-ودم رو مریض کن، اما بچه ام؛ نه، نه!"

حالاـ از آن ماجرا یک سال گذشته است. شکر خدا حال فرزن-دش بهت-ر ش-ده اس-ت. در ی-ک شرکت، نیمه وقت مشغول بود و بقیه روز را با تاکسی اش که تازه اقساطش تمام شده بود، کار

ص: ۶۳

می کرد .به اطراف نگاه می کرد تا مسافری پیدا کند که دید کنار خیابان آقایی س-رش را روی فرمان ماشینش گذاشته و نجوا می کند .به یاد دوران گذشته سخت خودش افت-اد؛ ام-ا او م-ردجاافتاده ای شده بود و مشکلات کوچک زندگی در نظرش بی اهمیت بود و به خاطر رنج ه-ای کوچک، از کوره در نمی رفت .در نظر آشنایان، صبور، متین و عاقل تر ش-ده ب-ود. ای-ن را ه-م می دانست، یک مدتی است که دیگه با خدا خلوت نکرده، دیگه خبری از حرفهای خالصانه و شکایت با خدا نبود. با خدای سال گذشته به راحتی می توانست، بدون واسطه صحبت کند؛ ام-احالا...، نگاهی پرمعنا به راننده ماشین انداخت و با خودش گفت: کاش قدر ای-ن لحظ-اتش رابداند!

یادخدا

أقِمِ الصلاهَ إ نّ ٭الصلاهَ تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ وَ ل-َذِکْرُاللهِ أَکْبَرُ وَ اللهُ یَعْلِ-َمُ م-ا تَصْ-نَعُون ؛(۱)پ-س نم-از بگزار تا تو را از فحشا و منکر بازدارد؛ بلکه آنچه عاید تو می کند ب-یش از ای-ن ح-رف هاس-ت؛ چون مه متر از نهی از فحشا و منکر این است که نماز تو را به یاد خدا می ان-دازد . ذک-ر و ی-ادخدا بزرگترین خیری است که ممکن اس-ت ب-ه ی-ک انس-ان برس-د . ذک-ر خ-دا کلی-د هم-ه خوب ی هاست، و نهی از فحشا و منکر یکی از این خوبی هاست.(۲)

نتیجه گیری

یکی از مهم ترین ثمرات نماز یاد خداست: أقِمِ٭الصلاهَ لِ-ذِکْری(۳) پس اگر یاد خدا باشیم با هر زبان و حال و احوالی تأثیر مثبت خودش را خواهد داشت. هرچند که در درس ه-ای آین-ده توض-یح خواهیم داد که بهترین نوع ارتباط، ازنظر ظاهر و محتوا نماز است .

خدایا ،به ما توفیق عبادت خالصانه، اما مؤدبانه را عنایت کن. آمین .

۱- عنکبوت: ۴۵

۲- سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ترجمهٔ سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۶ ، ص ۱۳۵

۳- طه: ۱۴

۲۱. نماز در آیین یهود از منظر قرآن

راهبرد جلسه

آیا به نظر شما ارتباط با خدای متعال به ویژه نماز مختص به دین اسلام است؟(۱)

جذابیت اولیه

قرآن کریم متقن ترین منبعی است که از گذشته گان خبر م یدهد و در آن شواهدی درباره نماز در ادیان گذشته بیان شده است. حضرت موسی(ع)هنگامی که اهل شهر س-رگرم ک-ار خ-ودبودند، وارد شهر شد. ناگهان دو مرد را دید که به جنگ و نزاع مشغولند. یک-ی از پی-روان او ودیگری از دشمنانش. آنکه از پیروان او ب-ود در براب-ر دش-منش از وی تقاض-ای کم-ک ک-رد . حضرت موسی مشت محکمی بر سینه مرد کافر زد و بر زمین افتاد و مرد.(۲) خبر آن مرد قبطی در شهر پیچیده بود. حضرت موسی(ع) در شهر ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه ای بود ،که ناگهان دید همان کسی که دیروز از او یاری طلبیده بود امروز فریاد می زند و از او دوب-اره کمک می خواهد. موسی(ع) به او گفت: "تو انسان ماجراجو و گمراهی هستی."(۳) هنگامی که حضرت موسی(ع) خواست با کسی که دشمن هر دوی آنها بود درگیر شود و با قدرت مانع او گردد، فریاد دشمن موسی بلند شد و گفت: "ای موسی، می خواهی مرا بکشی همانگونه ک-هدیروز دیگری را کشتی!؟"(۴)

در این هنگام یک حادثه غیرمنتظره موسی(ع) را از مرگ حتمی رهایی بخشید. م-ر دی از مرکز فرعونیان و کاخ فرعون بهسرعت خود را به موسی(ع) رساند و گفت: "ای موس-ی ، ای-نجمعیت برای کشتن تو به مشورت نشسته اند .فوراً از شهر خارج ش-و ک-ه م-ن از خیرخواه-ان

۱- مربی گرامی از دانش آموزان نظرخواهی کند.

۲- .وَدَخَلَ المَدینهَ عَلی حِینِ غَفْلهٍ مِنْ أهْلِها فوَجَدَ فیها رجُلیْنِ یَقَتَلِانِ هذا مِنْ شیعَتِهِ وَهذا مِنْ عَدُوهِ فَاسْتَغاثهُ الَّذی مِنْ شیعَتِهِ عَلَی الَّذی مِنْ عَدُوهِ فَوَکَزهُ مُوسی فَقَضی لیعَهْ (قصص:۱۵)

۳- فَأَصْبحَ فِی المَدینهِ خائِفاً یتَرَقّبُ فإذاَ الَّذِی اسْتَنصَرهُ بْالْأمْسِ یسْتَصْرخُهُ قالَ لهُ مُوسی إنّکَ لغَوِی مُبین (قصص: ۱۸)

۴- فلَمَآ أنْأرَادَأنَ یبَطِش بِالَّذِی هُوَ عَدُو لَّهُماَ قاَلَ یامُو سَی أتَرِیدُ أنَ تَقتُلَنِی کَماَ قتَلَتَ نَفسً بِالْأمْسِ إنِ ترِیدُ إلاَّ أنَ تَکوَن جَباراً فِی الْأرَضِ وَ مَاترِیدُ أنَ تَکون مِنَ المُصْلحِینَ (قصص: ۱۹)

توام".(۱) حضرت موسی(ع) با عجله و بدون هیچ باروبنه و خادم و مرکبی از شهر خارج شد.

زمانی که حضرت موسی(ع) به چاه آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنج-ا دی-د ک-ه چهارپایان خود را آب می دهند و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویشان-د وبه چاه نزدیک نمی شوند. حضرت موسی(ع) به آن دو گفت: "کار شما چیست؟ چرا گوسفندان خود را آب نمی دهید؟!" گفتند: "ما آ نها را آب نمی دهیم تا چوپا نها همگی خارج شوند." حیا و عفت دختران مانع از این شده بود که داخل گروه مردان شوند و علت آمدن آنه-ا که-ن س-الی

پدرشان بود. فَسق ی لَهما ثُم تَولَّ ی إِلَی الظِّلِّ فَقالَ رب إِنِّی لما أَنْزَلْت إِلَی منْ خَیرٍ فَقیرٌ.(۲)

حضرت موسی(ع)برای گوسفندان آن دو آب کشید و به آنها آب داد. سپس به زیر س-ایه رفت و به خدا عرض کرد: پروردگارا، هر نیکی و خیری بر من فرستی، به آن نیازمندم.

حضرت موسی(ع) آنقدر گرسنه بود که حتی یک نصفه خرما را هم غنیمت م-ی ش-مرد .

آن دختران که فرزندان حضرت شعیب(ع) بودند، برگشتند و داس-تان را ب-رای پدرش-ان بی-ان کردند. حضرت شعیب(ع) به یکی از دخترانش فرمود که نزد موسی(ع)رفت-ه، او را بی-اورد ت-امزد سقایت او را بدهد. دختر شعیب(ع) با حیا و عفت تمام به ن-زد موس-ی(ع) آم-د . او ب-ه آن دختر گفت: "من جلو شما راه می روم و شما از پشت سر مرا راهنمایی کنید؛ چراکه ما پس-ران یعقوب(ع) هستیم و به زنان نگاه نمی کنیم". (۳) هنگامی که موسی(ع) ن-زد ش-عیب(ع) آم-د وسرگذشت خود را شرح داد، شعیب(ع) گفت: "نترس، از قوم ظالم نجات یافتی!" هنگامی ک-ه موسی(ع) مدتی را که به شعیب(ع) قول داده بود به پایان رس-انید ،(۴) در راه رس-الت اله-ی ب-اهمسرش از وطن هجرت نمود و سر به بیابان گذاشت و در تاریکی و ظلمت شب، به طوفان و باران برخورد کرد و به سبب سختی ها و مشکلات فراوان دست خوش اضطراب و ناراحتی گشت.

پروردگار مهربان برای آرامش او به او وحی نمود که: "إِنَّنی أَنَااللَّه لا إِله إِلَّاأَنَا فَاعبدنی وَأَ ق-ِم

۱- وَجاءَ رجُلٌ مِنْ أَقَصَی الْمَدینهِ یسْعی قالَ یا مُوسی إِنِ الْمَلأَ یأْتَمِرونَ بِکَ لِیقْتلُوکَ فَاخْرُجْ إِنیِّ لکَ مِنَ َالناصِحین (قصص: ۲۰)

۲- قصص:.۲۴

۳- فجَاءَتهُ إِحداهُما تمَشْی عَلَی اسْتحِیاءٍ قالتْ إِنِ أَبی یدَعُوکَ لیِجَزِیکَ أَجْرَ ما سَقَیْتَ لنَا فلَمَا جاءهُ وَقصَ عَلیهِ ال قَصَصَ قالَ لا تخَفْ نجَوْتَ مِنَ الْقَمِ الظَّالمِین (قصص:۲۵ .)

۴- قصص:.۲۹

الصلاهَ لذکْرِ ی"؛(۱) همانا من الله هستم و معبودی جز من نیست؛ پس مرا عبادت کن و نماز رابرای یاد من به پا دار .

نتیجه گیری

در این آیه پس از بیان عبادت خدای یکتا به حضرت موسی(ع) مسئله نماز و ارتباط خصوصی با خدای متعال یادآوری شده است. نماز نه تنها در زمان ما بلکه در زمان های گذشته نیز مای-هآرامش و تسکین بوده، و از همین باب نه تنها در دین اسلام بلکه در ادیان و م-ذاهب گذش-ته نماز برنامه ای مشخص و مدون برای رشد انسانی بندگان بوده است.

ص: ۶۷

۱- طه:۱۴

۲۲. نماز مسیحیان

راهبرد جلسه

در این جلسه، نماز در دین مسیحیت را با تمام تحریف-ات ص-ورت گرفت-ه م-ورد بررس-ی ق-رارمی دهیم و به یکی از نقاط اشتراک آن با اسلام اشاره خواهیم کرد.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه(۱)

نمازهای یومیه چیست؟ نام ببرید .به نمازهایی که هر روز، بای-د خوان-ده ش-ود، نم-از یومی-ه می گوینـد که عبارتاند از: نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشا.

آیا میدانیـد عبادت روزانه و نماز، در همه ادیان وجود داشته است؟ شـما خوب می دانیـد که در همه ادیان ازجمله مسـیحیت، نمـاز وجود دارد؛ اما در طول تاریـخ و دراثر تحریفهایی ک-ه دراین دین الهی صورت گرفته، نماز عمًلاً از زنـدگی مسـیحیان حذف شده است و در دین فعل- ی مسیحیت، عملی شبیه نماز مسـلمانان وجود ندارد؛ بلکه اعم-ال و رفت-اری وج-ود دارد ک-ه در قـاموس کتـاب مقـدس در بخشـی بـا عنوان "نمـاز و نی-ایش " آم-ده اس-ت ک-ه مقص-ود از نم-از،صـحبت و گفـت وگـو بـا خـدا و خواسـتن احتیاجـات و اظهـار تشـکر و امتنـان از محبت و الطـاف حق تعـالی م یباشـد.(۲) مسـیحیان در کتابهایشان، کتاب مخصوصـی برای نماز و نیایش دارند. آنها در روزهای یکشـنبه و گروه دیگری از آنان، روز شنبه در کلیسا جمع می شونـد و دعاهایی از کتاب زبور، مزامیر و پولس را می خواننـد. مردمان معمولی برخلاف راهبان مسیحی، فقط به دو نم-ازصبح و شب می پردازند؛ اما راهبان مس- یحی ک-ه در کل یس-ا زن-دگ ی م- یکنن-د، ب-ه نمازه-ای هفت گانه و گـاه بیشتر می پردازن-د . قبل-ه مس-یحیان، بی-ت اللح-م زادگ-اه حض-رت عیس-ی (ع) می باشـد.(۳) هرچند شاید اکنون ملتزم به قبله نباشند.

ص: ۶۸

۱- مربی گرامی صحبتش را با این سؤال آغاز کند.

۲- جیمز هاکس ،قاموس کتاب مقدس، ترجمهٔ اسماعیل صدیقی نوذری، ص۷۸۸.

۳- سیدمصطفی حسینی دشتی، معارف ومعاریف، ج۸ص۲۲۹

پیامبر در معراج

هنگامی که پیامبر اکرم(ص)به معراج رفت، خداونـد به او فرمان داد تا به مسـلمانان بگوید: باید در هر شـبانه روز پنجاه رکعت نماز بخوانند؛ و چون موسـی(ع) خدمت رسول اکرم مشـرف شد به آن حضـرت پیشنهاد کرد تا از خداوند درخواست تخفیف نمای-د . پیغمب-ر اک-رم(ص) از خـداون-دمتعال درخواست تخفیف کرد. تا اینکه پنجاه نماز واجب به نمازهای پنـج گانه رسـید. زیـدبنعلی فرزند امام سـجاد(ع) از آن حضـرت پرسـید: چرا رسول خدا(ص) تقاضا نکرد تا مسـلمانان در هر شـبانه روز کمتر از پنـج وعـده نماز بخوانند؟ حضـرت فرمود: رسول خدا(ص) به پنج نماز اکتفا کرد تا امتش با همین پنج نماز به ثواب و پـاداش پنجاه نماز برسـند؛ زیرا خداونـد متعال خود فرموده است: " مَن جَاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أمْثَالِهَا"؛(۱) هرکس کـار نیکی انجام دهد، ده برابر پاداش دارد.(۲)

نتیجه گیری

ازآنجـاکه فطرت همه انسـان ها خـداجوست، "فَأقِمْ وَجْهَ-كَ لِل-دينِ حَنيف-اً فِط-رَتَ ٱللهِ الَّت-ى فَط-رَ الن-اسَ عليه"؛(۳) پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. ای-ن فطرت-ی اس-ت ک-ه خـداون-د،انسا نها را بر آن آفریده است. ایـن نیـاز فطری ،بـه ان-یس و م-ونس و معب-ود اس-ت ک-ه م-ا راب هسـمت دعـا و مناجـات و ارتبـاط بـا خـدای متعـال هدایت می کند؛ اما این ارتب-اط بای-د براس-اسادب و حفظ شأن و منزلت طرفین باشد.

از این جهت، نمـاز که همـان راه ارتبـاطی مـا بـا خـالق هسـتی است شـکل و محتـوای خ-اص خـودش را دارد. به گونه ای که رضایت خدای متعال در آن می باشد .

خدایا، نماز کم ارزش ما را پربها و ارزش کن. آمین.

۱- انعام:۱۶۰

۲- منهاج الشارعین، ص ۶۷۱.۴۷۱

۳- روم: ۳۰

فصل سوم: چرانماز؟

۲۳. ملاقات

راهبرد جلسه

در این جلسه به بررسی این موضوع می پردازیم که چرا از بین انواع ارتباطات که ه-ر بن-ده ای می توانـد بـا خداونـد متعـال داشته باشد، نماز بهترین نوع ارتباط معرفی شده است؟

جذابیت اولیه

مربی چنـد نفر از دانش آموزان را دعوت کنـد و از آنها بپرسد ت-ا ب-ه ح-ال ب-ا رئ-یس جمه-وری ملاقات خصوصـی داشته اند؟ اگر روزی چنین اتفاقی برای آنها صورت بگیرد چه حس و ح-الی خواهند داشت؟

سال ها پیش، زمانی که به دبستان می رفتم، مدیر مدرسه برای من شخصیت بسیار بزرگی بود و احساس می کردم که کسی مانند او از این میزان شخصیت و احت-رام برخ-وردار نیس-ت .

روزی که به اتفاق مادرم برای کاری به او مراجعه کردیم، و او با من صحبت ک-رد، در خ-ودماحساس غرور کردم و به خود می بالیدم که با مدیر مدرسه بزرگترین مقام مدرسه هم صحبت شده ام. روزها و هفته ها این موضوع را به دوستان دیگرم می گفتم و به آن می بالیدم .

خدا بالاترین مقام

درواقع مـا در نمـاز بـا کسـی ملاقـات و صـحبت می کنیم که آنقـدر بزرگ است که قابـل توص-یف نیست: "لله اکبر من ان یوصف"؛ خـدا بزر گتر از آن است که وصف شود؛ و دانـاترین: "هُوَ َاللهُ الَّذی لا ـ إلِهَ إِلاَّ ـ هُوَ عالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهادَهِ هُوَ ـالرحْمنُ َ ال-رحیم "؛(۱) اوست خ-دایی ک-ه ج-ز او ه-یچ معب-ودی

نیست .دانـای نهان و آشـکار است. او رحمان و رحیم است؛ و مهربانترین: "وَرَحْمَتی وَسِـعَتْ کُ-لَّ شَـیْ ء"؛ رحمت من همه چیز را فرا گرفته است. طوری که هیچکس به دانـایی، توانایی، مهربانی و بزرگی او نخواهـد رسـید. اگر در وقت نماز توجه به این صفات خداوند بی همتا داشته باش-یم از

۱- حشر: ۲۲

اینکه بـا او هم کلاـم می شـویم در خـود احسـاس بزرگی، و ش–ور و ش–عـف م–ی کن–یم ؛ و متعـج–ب می شویم که چرا ازاینکه چنین همکلاـمی داریم، به خود نمی بالیم. کسـی ک–ه "رب الْع–الَمینَ " است. کسـی که "َالرحْمنِ َالرحیمِ " است. کسی که "مالِكِ یَوْمِ ِالدینِ " اس–ت . "ص–مد " اس–ت و درآخر "وَ لَمْ یَكُنْ لهُ كُفُواً أحَدٌ" است؛ کفو و مانندی ندارد. "لَیْسَ كَمِثْلِ ِهِ شَ–یًْ " اس–ت . ب–ه نظ–ر ش–مابالیدن و افتخار کردن به کدام یک زیباتر است؟ ارتباط با ثروت و قدرت محدود یا با ث–روت وقدرت نامحدود؟

نتیجه گیری

نمـاز بهترین نوع ارتبـاط است؛ زیرا با این ارتباط خالق هستی برقرار می شود. درواقع کسـی ک–ه نماز می خوانـد بایـد به این شأن و منزلتی که دراثر نماز خوانـدن و ارتباط با خداونـد بی همتا برای او ایجاد شده است، به خود ببالد و نه روزها و هفته ها، بلکه سالها از این ملاقات تعریف کند.

خدایا ،شیرینی حضورت را در نماز به ما بچشان. آمین ....

ص: ۷۳

۲۴. بندگی مسیر پیروزی

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که نماز به ما آموزش اطاعت و بندگی می دهد .

چراکه تنها راه پیروزی در زندگی، بندگی و اطاعت خداوند متعال است.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه(۱)

در این جلسه نام چند نفر اباالفضل است؟

به این دوستان به دلیل داشتن این نام زیبا تبریک می گویم .حالا ب–ه ای–ن داس–تان توج–ه کنید:

بعدازظهر گرم تابستان، میدان جنگ، زنان وکودکان و سپاهیانی تشنه. نبرد بالا گرفته، و گرد و غبار مرگ و تباهی، همه جا را فراگرفته بود. امیر سپاه ،با ظاهری آرام و باشکوه چشم به میدان دوخته بود. او که مظهر قدرت و شجاعت بود و ضرب شمش–یر و زور ب–ازویش سراس–رسپاه دشمن را به لرزه می انداخت، دیگر نمی توانست شاهد تشنگی عزیزانش باشد. دس–ت ب–رسینه و با خضوع همیشگی اش وارد خیمه مولا و سرورش شد. از تنگی سینه و بی طاقتی خود سخن گفت و اجازه نبرد خواس ت.برادر بـه ب–رادر چش–م دوخ–ت. غی–رت و ص–داقت در ك–لام اباالفضل العباس(ع) موج می زد .او زور بازویی وصف ناشدنی و بیمانند داشت. اگ–ر ب–ه می–دانمی رفت ،قطعاً نتیجه چیز دیگری می شد؛ اما آنها که ب–رای نب–رد نیام–ده بودن–د؛ بلك–ه ب–رای اصلاح، آموزش ادب و درس مردانگی آمده بودند. پس مولا و سرورش اباعب–دالله (ع) فرم–ود :

صدای ناله و شیون کودکان را می شنوی؟ کار تو جنگ نیس–ت . ب–ه ف–رات ب–رو و ب–رای ای–ن

ص: ۷۴

۱- مربی محترم سخن خود را با این پرسش از دانش آموزان آغاز کند .

کودکان آب بیاور. لحظه ای بعد عباس مشک به دست سوار بر اسب به سمت فرات در حرکت بود و کودکانِ تشنه، مشتاق و چشم به راه عمو.

عشق واطاعت

درست است که عشق و محبت، باعث ایجاد رابطه می شود و رابطه و شناخت، اطاعت وبندگی را در پی دارد؛ اما نماز به تنهایی نمادی کامل و زیبا از اطاعت محبوب است. همانطور که در تشهد نماز می خوانیم: اشهد أنَّ محمداًمحمداً عبدهُ وهُرسول ؛ به این معنا که شهادت می دهم پیغمبر اکرم(ص) قبل از آنکه رسول خدا باشد، بنده و مطیع خدای متعال بوده است و برای همین اطاعت و بندگی محض است که لیاقت بالاترین رتبه رسالت را پیدا کرد، و اگر فرد قوی وشجاعی مانند حضرت عباس(ع) با همه دلاوری و شجاعتش مطیع محض سرور و سالارشهیدان بود؛ درسی است که از نماز آموخته بود. مسیر نماز همان مسیر اطاعت و بندگی است و این مسیر، مسیری است که قطعاً سعادت و پیروزی را به همراه خواهد داشت.

نتیجه گیری

نماز به انسانها هم مسیر بندگی و هم مسیر پیروزی و سعادت را می آموزد و باعث می شودکه ما در تمامی مراحل زندگیمان درست قدم برداریم و به هدف خلقت که همان عبادت

است برسیم: "وَ ما خَلَقْتُ الْجِن وَ الْإِنسَ إِلاَّ لِیَعْبُدُون"؛(۱) من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند [و از این راه، تکامل یابند و به من نزدیک شوند] .

خدایا ،به ما نیرویی بده تا در راه هدف خلقت گام برداریم. آمین

ص: ۷۵

۱- ذاریات: ۵۶

۲۵. قویترین مسکِّن

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که چرا نماز را برای ارتباط انتخاب کنیم؟

جذابیت اولیه

مربی گرامی یک جدول به شکل زیر رسم کند ،و سؤالات زیر را از دانش آموزان بپرسد. حرف ابتدایی جواب صحیح را داخل جدول قرار می دهد .

۱.اولین پیامبر چه نام داشت؟ (آدم(ع)

۲.مطلبی که به شما گفته می شود و می خواهند به کسی نگویی؟ (راز)

۳.أشرف مخلوقات می باشد؟ (انسان)

۴.رمز موفقیت پیامبر اکرم(ص) در رسالتش؟ (محبت)

۵.کسی که به محض ریختن خونش بدون حساب و کتاب وارد بهشت می شود؟ (شهید)

آرامش

پیوند با بحث

ممکن است در ذهن هر بیداردل و صاحب اندیش های این پرسش مطرح شود که راستی چرا در دین اسلام این قدر بر این فریضه الهی تأکید شده است؟ مگر در نماز چه خاصیتی نهفته است که ما را به انجام آن دستور داده اند؟ می توان اینگونه پاسخ داد: یکی از برجسته ترین آثار نماز ،رسیدن به آرامش روحی و روانی است؛ زیرا نماز موجب زنده شدن یاد خدا در دلهاس–ت . ی–ادخدا ریشه تمام خوبی ها و زیبایی هاست. ی–اد خ–دا گنجین–ه ای اس–ت در دل ه–ا ی عاش–ق ک–ه شیرین ترین میوه آن، آرامش دل های ناآرام و پرتلاطمی است که در دریای غم و غص–ه دنی–افرو رفته و به دنبال آرامش و آسایش می گردن–د . خ–دا ی مهرب–ان پ–رده ازروی ای–ن حقیق–ت

ص: ۷۶

برداشــته و بـا صـراحت اعلام می دارد: "أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ"؛(۱) آگ-اه بـاش-یـد، ی-اد خ-دا مـای-ه آرامش دلهاست.

بزرگی هست در عالم، خدا نام که دل از یاد او م یگیرد آرام

نتیجه گیری

اگر جهـان امروز درااثر غوطه ور شـدن در دنیـا دچـار اضـطراب و نگرانی شـده است. تنهـا راه رهایی از این روان پریشـی و به دست آوردن آرامش دائمی و واقعی، تکیه بر اقی-انوس ب-ی نهـای-ت آرام هستی ،یعنی خداونـد متعـال است .و این امر با یاد و ذکر خداونـد متعال ایج-اد م-ی ش-ود . نم-ازچیزی نیست جز یاد خدا: "أَقِمِ الصلاةَ لِذِكْرِی"؛(۲) نماز را برای یاد من به پا دار .

خدایا ،به ما توفیق بده که با نماز به آرامش برسیم. آمین .

۱- رعد:۲۸.

۲- طه: ۱۴

۲۶.بهترین راه شناخت

راهبرد جلسه

در ایـن جلسه به این سـؤال جـواب میـدهیم که چرا نمـاز ،وجه و صـورت دین معرفی شـده اس-ت واین مطلب از چه اهمیـتی برخوردار است؟

جذابیت اولیه

مربی گرامی عکسهای شماره ۱، ۲ و ۳ را به انداز های که برای عموم دانش آموزان قابل رؤیت باشد، تهیه می کند .

کدامیک از دوستان این افراد را می شناسد؟ تفاوت این افراد را از کجا تشخیص دادید؟

از کجا فهمیدید هر عکس متعلق به کیست؟

پیوند با بحث

مهم ترین چیزی که سـبب تمایز انسان ها از یکـدیگر می شود، چهره آنان است. هر شخصـی ب-اتفاوت چهره و خصوصـیات خاصی که خدای متعال در او گذاشته ،از دیگران متمایز م-ی ش-ود .

دین هم صورت و قیافه دارد .

به نظر شما چهره دین چیست؟

آیا چهره دین در لباس و پوشاک افراد است یا در ثروت و فقر؟

پیغمبر اکرم(ص)فرمودند "لکلِّ شَیءٍ وَجْهٌ و وَجْ-هُ دِی-نِکُمُ الص-لاه"(۱)؛ ب-رای هر چی-زی صورتی

ص: ۷۸

۱- قطب الدین راوندی، فقه القرآن، ج ۱، ص ۹۷

است وصورت دین شمانمازاست .نمازچهره انسان دین دار راتشکیل می دهد

نتیجه گیری

اگرکسی بخواهدخودش رادرمعرض ارزیابی قراردهد که چه اندازه درمسیرحق قدم برداشته است،بایدبه بررسی نماز خودبپردازدببیندزیبایی ظاهری ومهم ترازآن زیبایی باطنی نمازش به چه میزان است.وبه این مطلب که وجه نمازش چگونه

است، توجه کند.یعنی همان اعمال ورفتارازنمازوبعدازنماز.

خدایا، به مابصیرت عنایت فرما.آمین.

ص: ۷۹

۲۷. از کوره در رفتن

راهبرد جلسه

عصبانیت یکی از بزرگ ترین معضلات و مشکلات افراد و اجتماع امروز ماست. تنها راه درمان آن پیدا کردن آرامش درونی و تکیه و توکل بر باورهای راسخ قلبی است که هم–ه را در نم–ازمی توان یافت .

جذابیت اولیه

مربی گرامی از یکی از دانش آموزان که پانتومیم خوبی داش–ته باش–د دع–وت م–ی کن–د و از اومی خواهد ضربالمثل "از کوره در رفتن" را برای دانش آموزان دیگر بدون اس–تفاده از ص–دا وحرکت لب ها اجرا کند. اگر دانش آموزان نتوانستند ضرب المثل را حدس بزنند، از یکی دیگر از دانش آموزان که بتواند با پانتومیم این مفهوم را به دان–ش آم–وزان دیگ–ر انتق–ال ده–د دع–وت می شود. اگر دانش آموزان نتوانستند حدس بزنند، خود مربی بیان می کند و اگ–ر توانس–تند، ب–ه کسی که خوب اجرا کرده و کسی که خوب حدس زده، جایز های تعلق بگیرد .

سؤال: بچه ها معنای "از کوره در رفتن" چیست؟(۱)

آفرین به شما دوستان باهوش خودم. این مَثَل درمورد افرادی به ک–ار م–ی رود ک–ه س–خت خشمگین شوند و حالتی غیرارادی و دور از عقل و منطق به آنها دست دهد .

ریشه این ضرب المثل چیست؟

کوره آهنگری در قدیم با زغال سنگ و زغال چوب روشن می شد و در عصر حاضر با ب–رق و نفت و گاز روشن می شود و برای جدا کردن آهن از سنگ آهن و گداختن آهن به کار می رود.

ص: ۸۰

۱– مربی گرامی اجازه بدهد دانش آموزان پاسخ های خود را بگویند .و درصورت بیان پاسخ صحیح آنها را تشویق کند.

در کوره، آهن را آنقـدر حرارت می دهند که به صورت مذاب درآید و از آهن مذاب ش–ده ب–رای ساختن ابزار مورد نیاز زندگی استفاده می کنند .

برای گـداختن آهن، رسم و قاعـده این است که درجه حرارت کوره آهنگری را تـدریجًاً ب–الا ببرنـد تا آهنِ سـرد به تدریج حرارت گرفته و گداخته شود؛ چون بعضـی از آهن ها خاصـیتی دارند که اگر غفلتًا و یک جا در معرض حرارت شدید و چند درجه قرار بگیرنـد، سـخت گـداخت–ه و ب–ا صـدای مهیبی منفجر می شونـد و از کوره درمیرونـد؛ یعنی به خارج پرتاب می شوند .

افرادی که سریع عصبانی می شوند اگر در مقابل حوادث غیرمترقبه قرار گیرند، آتش خشم و غضبشان چنان زبانه می کشد که ماننـد همـان آهن گـداخته از کوره اعتـدال و عقل خارج شـده ،و اعمالی غیرمنتظره و غیرعادی از آنها سـرمی زنـد که پس از فروکش کردن و خاموش ش–دن این آتش سوزان از کرده خود پشـیمان شده و اظهار ندامت می کنند. ازاین جهت به کسانی ک–ه عصبانی می شوند می گویند از کوره دررفته است؛ یعنی از حالت ع–ادی و تع–ادل خ–ارج ش–ده است.

چرا ما از کوره درمی رویم؟

این عصـبانیت هـا به این دلیـل است که در وجود مـا آرامش واقعی نیست. درون مـا دچـار تلاطـ–م است. مـا ازلحاظ وسـعت وجودی مانند حوض کوچکی می مانیم که وقتی سنگ کوچکی در آن می افتد به هم ریزد و آب از آن سرریز می شود .اگر دل ما و صبر و شـکیبایی م–ا مانن–د دری–ای بیکران آرامشـی داشته باشد که نه تنها با این سنگریزه ها مواج نمی شود؛ ک–ه ب–ا مش–کلات و بلاهای سخت تر از این نیز حرکتی غیرعاقلانه انجام نمی دهد .

راه درمان

هم نشینی با دریای بی کران و بی نهایت مهربانی، یعنی خـدای متعال به انسان چن–ان وس–عتی می بخشـد که دیگر دچار به هم ریختگی نشود و اضطراب و نگرانی نداشته بـاش–د ، و حت–ی درسـخت ترین شـرایط بـا تـدبیر و عقل پیش برود. مانند امیرالمؤمنان(ع) که در جنگ خندق، زمانی

که عمربن عبدود آب دهان خود را به صورت مبارک حضرت انداخت ، ایشان برای آموزش کنترل غضب و عصبانیت برخواستند و کمی قدم زدند و بعد آمدند او را کشتند،(۱) تا فرق بین جهاد در راه خدا و جلب رضای او، با جهاد ازروی کینه و غضب مشخص شود.

نتیجه گیری

امیرالمؤمنان(ع) چگونه این آرامش را به دست آوردند؟ تنها راه کنترل غضب و عصبانیت ه منشینی با بی نهایت آرامش، حلم و شکیبایی است. نماز مظهر همنشینی با اوست .

ای خدای قدیر، حب و بغض ما را در راه خودت قرار بده. آمین .

ص: ۸۲

۱- مطهربن طاهر المقدسی، آفرینش و تاریخ، ترجمهٔ محمدرضا شفیعی، ج۲، ص۷۰۱.

۲۸. نماز و دریادلی

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که ارتباط با خدا موجب سعه صدر و دری-ا دل-ی خواهد شد .

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه(۱)

بزر گترین مرجع تقلید شیعیان زمان خود بود، مورد توجه همه مردم. با لهجه شیرین اصفهانی به گونه ای با دیگران سخن می گفت که گویی با فرزندانش صحبت می کن-د . پیرم-ردی آرام ومهربان با کوهی از علم و دانش. معروف بود که امام زمان(عج) نیز به ایشان توجه خاص دارد. دوست و دشمن از محبت و هیبتش در شگفت بودند. آن شب، مانند شب های پیش در مسجد مشغول نماز جماعت بود که غوغایی ب-ه پ-ا ش-د .ص-دای گری-ه و ش-یون سرتاس-ر مس-جد را فر اگرفت. در مسجد ،جنازه بدون سر فرزند ایشان که ازنظر همه جانشینی شایسته ب-رای پ-دربود ،روی زمین رها شده بود. ایشان بااینکه فهمیدند چه اتفاقی افتاده، فرمودن-د : نم-از دوم رابخوانیم؛ بعد از نماز رسیدگی می کنیم .او که همیشه از نماز انرژی می گرفت با توج-ه خاص-ی گفتند:ِ إِیاکَ نَعْبُدُ وَ ِإِیاکَ نَسْ-تَعِین.(۲) بعد از پایان نماز ،مردم به ایشان خبر دادند: قاتل فرزندتان ب-ه دام افتاده است. سید فرمودند: آیا جز من، کسی ولی دم این فرزند است؟ ع-رض کردن-د: خی-رآقاجان. فرمودند: آیا کسی نسبت به فرزند من حقی دارد؟ عرض کردند: نه آقاجان.فرمودن-د : اگر بخواهم از قاتل پسرم بگذرم آیا کسی می تواند مانع من شود؟ با تعجب گفتند: نه آقا! پس فرمودند: من گذشتم! مگر نه اینکه بخشش از قصاص پسندیده تر اس-ت ؟ قات-ل پس-رم را ره-ا

ص: ۸۳

۱- مربی گرامی عکس عالم ربانی، سیدابوالحسن اصفهانی را به دانش آموزان نشان دهد و با این پرسش که کدامیک از شما این عالم بزرگ را می شناسد، داستان را بیان کند .

۲- حمد: ۵

کنید. خبر انتقام نگرفتن سیدابوالحسن اصفهانی در همه جا پیچید .از قبیله قات–ل ک–ه از اه–ل سنت بودند، گرفته تا سفارت انگلستان که طراح اصلی این ماجرا بود ،همه را مبه–وت و وادار به اعتراف و شکست کرد؛ زیرا کاملاً طبیعی بود که اگر سید انتقام می گرفت، میان اهل سنت و شیعیان نزاع و درگیری روی می داد و درنتیجه ارتباط ایران با سفارت عثمانی تیره می شد و این به سود انگلستان بود.

تاریخچه ای کوتاه

مربی گرامی می تواند این تاریخچه کوتاه را در پشت عکس ایش–ان درج کن–د: سیدابوالحس–ناصفهانی از مراجع تقلید شیعه در سال ۱۲۸۴ق. در روستای "مدیسه" اصفهان ب–ه دنی–ا آم–د.

نسبش با ۳۲ واسطه به موسی بن جعفر(ع) می رسد. سیدابوالحسن اصفهانی دراثر سانحه ای ب–ه زمین خورد و پس از بازگشت ب–ه ک–اظمین در ش–ب نه–م ذیحج–ه ۱۳۶۵ق. در ۱۸ س–الگی درگذشت و در حرم علی بن ابی طالب(ع) دفن شد .

نتیجه گیری

نماز ،یعنی اتصال و ارتباط انسان به خداوند منان و این ارتباط، می تواند چنان وسعتی به انسان بدهد که به تدریج از صفات الهی همچون محبت و مهربانی بی نهایت، و عفو و گذشت از همه بد یها برخوردار شود.

خدایا ،به ما سعه صدر عنایت فرما. آمین.

ص: ۸۴

۲۹. نماز و سخاوت

راهبرد جلسه

در این جلسه به ارتباط نماز با سخاوت و بخشش می پردازیم .

جذابیت اولیه

جلسه را با یک حکایت زیبا شروع می کنیم:

تصـمیم گرفتم سـر از کـار حاتم دربیاورم. از کجا این همه ثروت دارد؟ ای–ن چ–ه روحی–ه ای است که هر روز درِ خانه اش بـاز است. به عنوان مهمـانی مثـل هم–ه مهمـان–ان وارد خـان–ه ح–اتم شـدم. تا غروب که مردم در رفت وآمـد بودنـد من هم نشسته بودم. شب که شد به ح–اتم گف–تم:

آیا ممکن است امشب در منزل شـما بخوابم؟ با خودم فکر می کردم از صـبح تا الان ک–ه ح–اتم کار خاصی نکرده است که مسـتحق چنین ثروتی باشـد؛ پس حتماً بایـد امشب بم–انم ؛ ش–ایـد درخانه خبری شـد؛ اما باز هم تا موقع خواب خبری نشـد. حاتم رختخ–وابش را آورد ک–ه در ات–اق مهمانان بیندازد. گفتم: اگر اشـکالی ندارد من در اتاق شـما و کنار شـما بخوابم. م–ی خواس–تم ازکـارش سـر دربیـاورم. در اتـاق حـاتم، خودم را به خواب زدم. بـا خود گفتم حاتم منتظر است م–نبه خواب بروم بعد به سـراغ گنجش برود. ناگهان دیدم حاتم ت–ا خی–الش از خ–واب ب–ودن م–نراحت شد از جا برخاست. درسـت فکر کردم. الان می فهمم گنج و طلاهایش را کج–ا مخف–ی کرده است. ناگهان صدایش را می شـنیدم که می گفت: خدایا مردم به در خـانه من میـآین–د و ازمن توقع کمـک دارنـد. اگر تو مرا یـاری نـدهی، نمی توانم کـاری انجـام دهم. اینهـا را می گف–ت وآرامش پیـدا می کرد. تازه فهمیدم حاتم گنجی را پیدا کرده که تمام شدنی نیس–ت؛ ب–ه منب–ع وسرچشـمه ای زلال دسترسی پیدا کرده که تا بی نهایت امتداد دارد .

ص: ۸۵

نماز و سخاوت

نماز، یعنی همنشینی با سخاوت و ثروت بی نهایت "أنا جلیسُ مَ-ن ذَکَ-رنی "،(1) و ای-ن خاص-یت مجالست و همنشینی است که در روحیات و اخلاق ما تأثیر می گذارد. همانط-ور ک-ه اگ-ر ب-ابدان بنشینیم، اخلاق بد آنها را می گیریم ."ِ إیاکَ وَ مُصَ-احِبَهَ الْبَخِی-ل فَإن-َّهُ یُخَ-ذِلُکَ فِی مَالِ-ه أحْ-وَج مَ-ا تکُوُنُ إلیه"؛(2) با خوبان و بهترین ها نیز تأثیر خودش را می گذارد .

نتیجه گیری

تنها راه ثروتمند شدن و سخاوتمند شدن، یک چیز است و آن عمیق کردن رابطه و دوستی با خدواند متعال است. همانطور که در حدیث قدسی آمده: "یَا ابْنَ آدَمَ أَنَا غَنِی لَا أَفْتَقِرُ أطِعْنِی فِ-یماَ أَمَرْتک أَجْعَلْکَ غَنِیّا ًلَا تَفْتَقِ-رْ"؛(3) ای فرزندان آدم، من ب-ی نی-ازی هس-تم ک-ه ه-یچ وق-ت نیازمن-دنمی شوم، پس اطاعت مرا در آنچه گفته ام بکنید تا شما را نیز آنچنان غنی کنم که هیچ وق-ت نیازمند نشوید .

خدایا، ما را از غیر خودت بی نیاز کن. آمین .

ص: ۸۶

۱- شیخ حر عاملی ،وسائل الشیعه، ج۹، ص۳۱۱.
۲- "بپرهیز از رفاقت با بخیل؛ زیرا او تو را محروم می کند از مالش در وقتی که تو نهایت احتیاج را به او داری" (محمدبن-یقوب کلینی ،اصول کافی، ج۲، ص۳۷۶)
۳- محمدباقر مجلسی ،بحارالانوار، ج۹، ص۳۷۶.

۳۰. نمازگزار و بخل! هرگز

راهبرد جلسه

بی تردید برخی از اعمال، تأثیر عمیقی در رفتار و شخصیت انسان می گذارد و زندگی ایشان را دگرگون می کند .یکی از آن أعمال، نماز و مداومت بر این عمل عبادی است ک–ه ت–أثیرش ازبین رفتن بخل و خساست است .

جذابیت اولیه

ابوذر نقل می کند که روزی از روزها با رسول خدا(ص) در مسجد نماز می خواندم؛ س–ائلی وارد مسجد شد و از مردم تقاضای کمک کرد؛ ولی کسی چیزی ب–ه او ن–داد . او دس–ت خ–ود را ب–ه آسمان بلند کرد و گفت: خدایا، تو شاهد باش که من در مس–جد رس–ول ت–و تقاض–ای کم–ک کردم؛ ولی کسی جواب مساعد به من نداد. در همین حال علی(ع) که در حال رک–وع ب–ود ب–ا انگشت کوچک دست راست خود اش–اره ک–رد . س–ائل نزدی–ک آم–د و انگش–تر را از دس–ت آن حضرت بیرون آورد. پیامبر(ص) که در حال نماز بود این جریان را مشاهده کرد، هنگامی که از نماز فارغ شد، سر به سوی آسمان بلند کرد و چنین گفت: "خداوندا، برادرم موسی از تو تقاض–ا کرد که روح او را وسیع گردانی و کارها را بر او آسان سازی و گره از زبان او بگشایی تا مردم گفتارش را درک کنند، و نیز موسی درخواست کرد هارون را که برادرش بود وزی–ر و ی–اورش قرار دهی و به وسیله او نیرویش را زیاد کنی و در کارهایش شریک سازی. خداوندا، من محمد ،پیامبر و برگزیده توام. سینه مرا گشاده کن و کارها را بر من آسان ساز. از خاندانم علی را وزیر من گردان تا به وسیله او، پشتم قوی و محکم گردد. ابوذر می گوید: هن–وز دع–ای پی–امبر (ص) پایان نیافته بود که جبرئیل نازل شد و به پیامبر(ص) گفت: بخ–وان . پی–امبر (ص) فرم–ود : چ–ه

بخوانم؟ گفت: بخوا ن "إِنَّمَ اوَلیکَمَّ للهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُ–ونَّ الص–لاهَ وَ یُؤْت–ُو نَّ الزک–اهَوَ

هُمْ راكِعُون"؛(۱) سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او، و آنها که ایمان آورده اند؛ همانها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند .

پیوند با بحث

به نظر شما علی(ع)این کار را به امر چه کسی انجام داد؟(۲)

یکی از برکات نماز، این است که انسان را از تعلقات دنیوی بازمی دارد و به ملک‌وت ع‌الم می کشاند ."به تحقیق نماز فقط مناجات بین بنده و پروردگار است"(۳) و وسیله ای برای رس‌یدنبه همه خوبی ها ."نماز، کلید همه خوبی هاست."(۴) مال و نعمت دنیا مانند نردبان اس‌ت ک‌ه ازآن هم می شود بالا رفت هم پایین؛ یکی از آفات آن، که اگر انسان از آن جان سالم به در برد سعادت ابدی برایش حاصل می شود، بخل است .

به نظر شما به چه کسی بخیل می گویند؟

بخیل به کسی گفته می شود که از هزینه های لازم و واجب زندگی نیز خودداری م‌ی کن‌د؛ اززکات و صدقه و کمک به دیگران و صله رحم و همسایه و راحت گرفتن به خ‌انواده و نظ‌ایرآن ."کسانی که بخل می ورزند، و آنچه را خدا از فضل خویش به آنان داده، انفاق نم‌یکنن‌د ،گمان نکنند این کار به سود آنهاست؛ بلکه برای آنها شر است. به زودی در روز قیامت، آنچه را نسبت به آن بخل ورزیدند، همانند طوقی به گردنشان می افکنند. و میراث آسمان ها و زم‌ین ،از آن خداست، و خداوند از آنچه انجام می دهید، آگاه است.(۵)

ص: ۸۸

۱- مائده: ۵۵

۲- مربی گرامی اجازه دهد، دانش آموزان نظره ایشان را بیان کنند.

۳- لأنّ المصلّی یناجی ربّه، فلیست الصلاه إ لاّ النجوی(عبدالله جوادی آملی، أسرار الصلاه، ص۸۳).

۴- الصلاه مفتاح کل خیر (محمد محمدی ری شهری، الصلاه فی الکتاب والسنه، ص ۱۲۰).

۵- وَلا یحْسَبَن الَّذینَ یبَخْلوُنَ بمِا آتاهُمِّ للهُ مِنْ فَضْلهِ هُوَ خَیْرالهُمْ بلَ هُوَشَّر لهُمْ سَیطُوقوُنَ ما بخِلوُا بِهِ یوْمَ القِیامَهِ وَللِهِ میراثُ السماواتِ وَالْأَرَضِ وَللهُ بمِا تعْمَلوُنَ خَبیر (آل عمران: ۱۸۰)

نتیجه گیری

امیر المؤمنین(ع) بـا عمل خود، به ما آموخت که راز و واقعیت نماز انفاق و گـذش–ت و دوس–ت داشـتن دیگران است. مگر می شود کسی "أَشَدحُبا لِله"(۱) باشد، ام–ا عی–ال لله را دوس–ت نداش–ته باشد و نسبت به آنها بخل بورزد .

پیغمبر اکرم(ص) فرمودند:

"الْخَلْقُ کُلُّهُمْ عِیَالُاللهِ فَأَحَبهُمْ إِلَیللهِ عَزوَجَلَّ أَنْفَعُهُمْ لِعِیَال–ِه"؛(۲)هم–ه مخلوق–ات عی–ال خـداون–دهسـتند؛ محبو بترین نزد خداوند نافع ترین آنها نسبت به عیال الله است .

خدایا ،ما را اهل انفاق و گذشت قرار بده.آمین .

ص: ۸۹

۱- .بقره: .۱۶۵

۲- شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج۱۶، ص۳۴۴.

۳۱. سکوی پرواز

راهبرد جلسه

در این جلسه به بررسی این موضوع می پردازیم که چرا ما انسان ها با نماز تـا اوج بـی نهایـت پرواز نمی کنیم؟

جذابیت اولیه

یکی از آرزوهـای بزرگ انسان پرواز بود. واین آرزو به واقعیـت پیوسـت، و انسـان هواپیمـا رااختراع کرد. مربی عکس های زیر را به دانش آموزان نشان دهـد و درباره هـر عکـس توضـیـح مختصـری بیان کند .آنچه بیشتر اهمیت دارد ارتفاع پرواز این هواپیماه است .

نماز و پرواز

شمـا روایـات زیـادی از نمـاز شـنیده ایـد؛ امـا دوتا از آنها خیلی تأثیرگـذار است. یکی ،" الصـلاه معرَاجُ الْمُؤ مِن "؛(۱) نماز، عروج و اوج پرواز مؤمن است و دیگری" الصلاه قُرْبَاَ نُ کُلِّ تقِی"؛(۲) نماز، هر انسان با تقوایی را به مقصد می رساند؛ به این معنا که نماز بال پرواز آدمی اسـت . تمـامی هواپیماهـا ووسایل پروازی با همه پیچیـدگی، قـدرت و اوج پروازشـان در برابـر انسـان هـیچ انـد . انسـان موجودی است که می تواند از همه چیز و همه کس بیشتر و بهتر اوج بگیرد؛ اما اگـر بخواهـد واراده کند .

نتیجه گیری

خداوند متعال، انسان را برای پرواز کردن آفریده است نه ماندن و سقوط و سـکون بـه همـین

ص: ۹۰

۱- محمدباقر مجلسی ،بحارالأنوار، ج۷۹، ص۳۰۳.

۲- محمدبن یقوب کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۵

دلیـل وسـیله منـاسب آن را هم در اختیـار او قرار داده، که نماز اس–ت . س–وخت ای–ن فض–اپیمای بی نظیر تقواست؛ یعنی پیروی از همه خوبی ها و زیبای یها و انجام ندادن همه بدی ها

خدایا، به ما بالهایی برای پرواز به سوی خود عنایت فرما. آمین

شکل شماره(۲) مشخصات SU۴۷_

طول بال ها 1.51 تا 8.61 متر. طول کل–ی 2.22 ال–ی

6.22 متر .

وزن خالی ۰۰۰۴۲ تا ۰۰۰۶۲ کیل–وگرم . ح–داکثر وزن

۰۰۰۴۳ کیلوگرم .

موت–ور پ–یشران دو دس–تگاهAL_۳۷FU (گون–ه ای ازموتور ۳۷–SU). حداکثر سرعت در ارتفاعات ۰۰۵۲ کیلومتر بر ساعت .حداکثر سرعت در ارتفاعات پایین ۰۰۴۱ کیلومتر بر ساعت. سقف پ–رواز ۰۰۰۸۱ مت–ر .

حداکثر برد ۰۰۳۳ کیلومتر .شکل شماره)۱(۵F

در ژانویه ۳۶۹۱ هواپیمای F۵A در نی–روی ه–وایی آمریکا به پرواز در آمد. بعد از آن اولین کش–ور ک–ه F۵A را تحویل گرف–ت ای–ران ب–ود ک–ه در س–ال

۳۴۳۱ (۵۶۹۱) نیروی هـوایی خود را بـا جت مـافوق ص––وت ۵F مجه––ز نم––ود و بع––د از آن عربس––تـان سـعودی و کشورهای آفریقای جنوبی. و F۵E می–توان د در۰۰۰۵۱ پ ا ۱۰.۳ درج ه در ثانی ه بگ ردد.

ترکیه نیز F۵A دریافت نمود .

طول: ۱۲.۲۲ متر.ارتفـاع: ۷۵ .۴متر.وزن خـالی: ۴.۷ تن.حداکثر سـرعت:۵۸۶نـات با ۴۰۰۰پونـد مهمـات معادل تقریبی ۱۰۸۰ کیلومـتر در سـاعت ی–احـدود ۷۰۰ مایـل در سـاعت. موتـور: یـک مـوت–وره ب–اقـدرت ۹۳۰۰ تـا ۱۱۲۰۰ پونـد، معادل۴۱ کیلـونی–وتـن سـاخت پرات انـد ویتنی / توربوجت A۴۰۸_P۵۲J بـدون پس سـوز.ب–رد : ۱۷۰۰ گ–ره دری–ایی، مـع–ادل۳۲۲۰ کیلومتر یا ۲۰۰۰ مایل. سقف پرواز: ۱۲۸۸۰ متر.نرخ اوج گیری: ۳۴ متر بر ثانیه .

ص: ۹۱

۳۲. دوست همیشگی من

راهبرد جلسه

در ایـن جلسـه به تـبیین این موضـوع می پردازیم که نمـاز ی-ک تکلی-ف اجب-اری نیس-ت. چن-ین نگـاهی بـاعث عـدم ارتباط و بی روح بودن آن و درنتیجه قطع ارتباط با خداوند منان و ترک نماز می شود .

جذابیت اولیه

جنگ جهانی اول مثل بیماری وحشتناکی، تمام دنیا را گرفته بود. یکی از سربازان ب-ه مح-ض اینکه دید دوست تمام دوران زنـدگیاش در باتلاـق افتـاده و در حـال دست و پنجه نرم کردن بـا مرگ است، از فرمانـدهاش اجـازه خـواست تـا برای نجـات دوستش برود و او را از ب-اتلاق خ-ارج کند .

فرمانده گفت: اگر بخواهی می توانی بروی؛ اما به این فکر کردهای که این کار ارزشش را دارد یا نه؟ دوستت احتماًلاً مرده و ممکن است تو حتی زندگی خودت را هم به خطر بیندازی!

حرفهای فرمانـده، اثری نـداشت. سـرباز این طور تشـخیص داد که بایـد به نـج-ات دوس-تش برود. او به شـکل معجزه آسایی توانست به دوسـتش برسد. او را روی شانه ه-ایش کش-ید و ب-ه پادگان رساند. فرمانده به سـراغ آنها رفت. سـربازی را که در باتلاـق افتـاده بود، معـاینه کرد و ب-ا مهربـانی و دلسوزی به دوسـتش نگـاه کرد و گفت: من به ت-و گف-تم ممـک-ن اس-ت ارزش-ش را نداشته باشد! خوب ببین این دوستت مرده! خود تو هم زخ مهای عمیقی برداشتی!

سرباز در جواب گفت: قربان، البته که ارزشش را داشت .

افسر گفت: منظورت چیست که ارزشش را داشت؟

سرباز جواب داد: چون زمانی که به او رسیدم، هنوز زنده بود و نفس می کشید. او حتی ب-ا

من حرف زد! من از شـنیدن چیزی که گفت احساس رضایت قلبی می ک–نم . او گف–ت : دوس–ت عزیزم، می دانسـتم که تو هرطور شده به کمک من می آیی! از تو متش–کرم دوس–ت همیش–گی من!

پیوند با بحث

این دنیـا، ماننـد دریـای عمیقی است که اگر بخواهیم غرق نشویم، بایـد سوار کشتی نجات، یعنی تقوا، و محافظت و مراقبت از خودمـان بشویم و درون این کشتی را از بـار ایمـان پر کرده، و در مسـیر توکـل و اعتمـاد به خـدای یکتا حرکت کنیم .عقل را مسئول این کشتی کنیم و با نور علم مسیر را تشخیص داده و با صبر و شکیبایی سکان این کشتی را از دست ندهیم.§یَا بُنَیَّ إِنَّ الـدُّنْیا بَحْرٌ عَمِیقٌ قَدْ غَرِقَ فِیهَا عَالَمٌ کَثِیرا [فَلْتَکُن سَـفِینَتُکَ فِیهَا تَقْوَی لِلّٰهِ وَحَشْوُهَان وَشِـرَاعُهَا التَّوَکُّل وَ قَیِّمُهَا الْعَقْل وَدَلِیلُهَا الْعِلْم وَسُکَّانُهَا الصَّبْر (محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۵ ، کتاب العقل و الجهل).

نتیجه گیری

پس اگر به دنبـال نجات خود از مهلکه دنیا هستیم، بایـد مسـیر را با دوستی همیشـگی و ص–ادقطی کنیم، و آن دوست ،غیر از خـدای مهربـان کس دیگری نمی توانـد باشـد .بهترین نوع رابـط–هما با او نیز از طریق نماز برقرار خواهـد شـد. پس تا گرفتار امواج سهمگین این دریای طوف–انی

ص: ۹۳

نشده ایم دستمان را در دستان لطیف و مهربان الهی قرار دهیم و رابطه مان را بر قرار کنیم.

"عَجلُواَ بِالصلاه". باید شتاب کرد .

خدایا ،ما را در مسیر زندگی یاری کن. آمین ....

ص: ۹۴

۳۳. انسان الهی

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که بهترین وسیله برای الهی شدن، رنگ و بوی الهی گرفتن و رسیدن به هدف آفرینش، نماز است.

جذابیت اولیه

دوستان خوب من، سلام. امیدوارم همیشه شاد و سلامت باشید. ک-دامی-ک از ش-ما م-یدان-داطاعت به چه معناست؟ اطاعت و عبادت خدا چه فایده ای برای ما داره؟(۱)

داستان خلقت انسان را شنیده اید؟ زمانیکه خداوند متعال می خواست انسان را خل-ق کن-د،به ملائکه اش گفت:

" إِنِّي جاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ".(۲)

راستی چه کسی می داند خلیفه به چه معناست؟

خلیفه، یعنی جانشین خداوند متعال؛ یعنی ما بشویم جانشین خدا در زمین. چه کسی دوست دارد همهچیز را بلد باشد؟ علم غیب داشته باشد؟ چه کسی می خواهد همه ص-داهای ع-الم رابشنود؟ کدامیک از شما دوست دارد هروقت هرکجا که دوست دارد، در یک چشم به ه-م زدن برود؟ و خیلی نیازها و خواسته های دیگر مثل جاودانه شدن، ثروت و قدرت بی نهایت و همیشه مهربان بودن .

معلوم است که همه دوست دارند این قدرت و اختیار را داشته باشند. حال، سؤال این است

۱- مربی محترم اجازه بدهد دانش آموزان نظر بدهند.

۲- و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من می خواهم در زمین جانشینی بیافرینم بقره:۳۰)

آیا امکان پذیر است؟

علت اصـلی خلقـت انسـان و قرار دادن بـار سـنگین امـانت الهی بر دوش او،(۱) چیزی ج–ز ای–ن نیست کـه انسـان، قصـد خلیفهاللهی دارد و برای رسیدن به این مقصد بلند که تا بی نهایت ادامه دارد، باید مسیر سختی را طی کند؛ اما کدام مسیر؟

خداونـد متعـال مسـیر را نشان داده و فرموده است: "عَبْ–دِی أطِعْنِ–ی حَتّ–ی أجْعَلُ–ك مِـثْلِی أوْ مَ–ثَلی ،أقُولُ لِلشَـیء کُن فَیَکُون وتَقَول للشَّیء کُن فَیَکُون"؛(۲) ای بنـده من مسیر خـدایی شدن اطاعت من است – در بایدها و نبایدها – تا تو نیز مانند من شوی و همانگونه که من چیزی را اراده م یکنم به وجود م یآید، تو نیز هر چه را اراده کردی به محض اراده، ایجاد شود.

همه ما این را خوب می دانیم که بزرگ ترین جل–وه اطاع–ت خداون–د متع–ال، نم–از اس–ت .

همانگونه که امیرالمؤمنان(ع) فرمودند: "أنَّ ‌کلَّ شَـیْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبَ–عٌ لِصَ–لَاتِك"؛(۳) ب–ه راس–تی هم–هاعمال ما تابع نمـاز ماست ."إنْ قُبِلْتْ قُبِلَ ما سِ–واها، و إنْ ردُتْ ر دُ مَ–ا سِ–واها"؛(۴) اگ–ر نم–از پـذیرفت–ه شود، سایر اعمال نیز مورد پـذیرش قرار می گیرد؛ و اگر پـذیرفته نشود، سـایر اعم–ال نی–ز م–وردقبول قرار نم یگیرد. به راسـتی چرا نمـاز چنین عظمـتی دارد؟

نتیجه گیری

اگر بخواهیم به هدف آفرینش یعنی خلیفه خدا شدن دست پیدا کن–یم ، مس–یر آن اقام–ه نم–ازواقعی است .

خدایا ،به ما کمك کن تا در مسیر آفرینش قدم برداریم. آمین .

۱– انَّا عَرضَـنَا الْأَمَـانَة عَلَیَّ السـماواتِ وَالْأَرْضِ وَالجِبـالِ فـأَبَیْنَ أنْ یحْمِلْنَهَـا وَأشْـفَقْنَ مِنهْـا وَحَمَلهَا الْإنِسْانُ إنِّهُ کانَ ظلَوُماً جَهُولا (احزاب:۷۲)

۲– سیدمحمدحسین حسینی، صلاه الجمعه، ج۱ . ص۶۹.

۳– شیخ حر عاملی ،وسائل الشیعه، ج۴، ص۱۶۱.

۴– محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۱۰، ص۳۹۳.

۳۴. نماز موجودی زنده

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که همه اعمال از جمله نماز باطنی زیبا یا زشت دارنـد .و بعد از مرگ قطعاً آنها را خواهیم دید.

جذابیت اولیه

کدام یک از شما بزرگواران معنای این روایت را می داند؟(۱)

قال رسولالله(ص): " إ نَّ حَراءَجَبَلٌ یُحِبنِی و أُ حِبهُ"؛(۲) به تحقیق حرا ک–وهی اس–ت ک–ه م–ن را

دوست دارد و من نیز او را دوست دارم. مگر کوه می تواند دوست داش–ته باش–د؟! ج–واب ای–ن

سؤال را قرآن کریم داده است: "یُسَبِّحُ لِلهِ ما فِی َالسماواتِ وَما فِی الأَرْضِ لهُ الْمُلْکُ وَلهُ الْحَمْدُ وَهُ–وَ عَ–لی کُلِّ شَیْء قد یرٌ"؛(۳) آنچه در آسما نها و در زمین است، خدا را[به پاک بودن از هر عیب و نقصی] می ستایند. فرمانروایی ویژه اوست .سپاس و س–تایش مخص–وص اوس–ت، و او ب–ر ه–ر ک–اری تواناست .همه اشیا در حال تسبیح و ستایش خداوند تبارک و تعالی هس–تند . پ–س اعم–ال م–اا زجمله نماز هم زنده است.

اعمال ما، همراه ما

نماز، زکات و تمامی اعمال خوب، موجوداتی حقیقی و زنده هس–تند ک–ه روح انس–ان را نق–شمی زنند؛ همراه انسان و با او محشورندو بعد از مرگ به کمک او می آیند؛ همانطور که ام–ام

۱- مربی گرامی روایت را قبل از شروع کلاس روی تخته بنویسد

۲- رشیدالدین میبدی ،کشف الاسرار و عدها لابرار، ج۳،ص۷۹۴

۳- تغابن:۱.

صادق(ع)فرمود:"إِذا دَخَلَ الْمُؤْمِنُ قَبْرهُ كَانَ َتِ الص-لَاهُ عَ-نْ يَمِينِ-هِ وَ َالزكَ-اهُ عَ-نْ يَسَ-ارِهِ وَال-بر مط-لٌّ عَلَيْ-هِ وَ يَتَنَحى َالصبْرُ نَاحِيَهً قَالَ فَإِذا دَخَلَ الْمَلَكَانِ َاللذَانِ يَلِيَانِ مُسَاءَلَتَهُ قَ-الَ َالص-بْرُ لِلص-لَاهِ وَ َالزكَ-اهِ وَالْبِر دُونكُ-مْ صَاحِبَكُمْ فَإِنْ عَجَزْتُمْ عَنْهُ فَأَنَا دُونَ-هُ"؛(۱) هنگامی که مؤمن وارد قبر می شود اعمال نی-ک وی ب-راییاریاش اطراف او جمع م-ی ش-وند . نم-از از ط-رف راس-ت، زک-ا ت ازط-رف چ-پ، احس-ان ونیکی هایش بر سرش سایه افکنده، و صبر هم در کناری قرار گرفته است. هنگامی ک-ه آن دوملک و فرشته برای بازپرسی وارد قبر میشوند. صبر به نماز، زکات و احسان می گوی-د رفی-ق خود (میت) را یاری دهید .اگر ناتوان شدید من در کنار او برای یاریاش آم-اده هس-تم. بای-ددقت کنیم در این دنیا خودمان را چگون-ه س-اخته ای-م و چ-ه چیزه-ایی در ای-ن مزرع-ه دنی-اکاشته ایم؛ چراکه در آخرت، مهمان سفره اعمال خودمان هستیم. قال رس-ول الله (ص): "ُال-دنیَا مَزْرَعَهُالآخِرَه"؛(۲)دنیا مزرعه آخرت است .

نتیجه گیری

نمازهای ما موجوداتی زنده هستند. پس اگر انتظار داریم در آینده دست ما را بگیرند، بای-دبه گونه ای آنها را بسازیم که دارای اجزایی کامل داشته باش-ند ت-ا ق-درت دس-تگیری از م-ا راداشته باشند .

خدایا ،کمک کن تا اعمالمان را طوری انجام دهیم که در آخرت رفیق ما باشند. آمین .

۱- شیخ حر عاملی ،وسایل الشیعه، ج۳، ص۲۵۵.

۲- ابن ابی جمهور احسائی ،عوالی اللئالی، ج۱، ص۲۶۷.

۳۵. مددرسان بی نظیر

راهبرد جلسه

در ایـن جلسه به تـبیین این موضـوع می پردازیم که نم–از بهت–رین ی–اری کنن–ده و اورژان–س درسـختی هـا و مشـکلات است.

جذابیت اولیه

هرکـدام از مـا زمانیکه در زنـدگی روزانه خودمان با مشـکلات و بلایایی روبه رو می ش–ویم، چ–ه حسـی پیـدا می کنیم؟ از دیگران چه انتظاراتی داریم؟ خداوند بی همتا دراینباره می فرماید:

"إِنّ الْإِنسْـاَنَ خُلِقَ هَلُوعاً * إِذا مَسهُ الشَّر جَزُوعا * وَ إِذِا مَس–هُ الْخَ–یْرُ مَنُ وع–ا إِلاَّ * الْمص–لّین الَّ–ذینَ هُ–مْ * عَلی صَـلاتِهِمْ دائِمُون"؛(۱) همانـا انسـان ،حریص آفریـده شـده است؛ وقت–ی ش–ری ب–ه او برس–د فری–ادمی کشـد و جزع م یکنـد ،و هرگاه خیر و نعمتی به او برسد، بخ–ل م–ی ورزد؛ مگ–ر نم–ازگزاران؛ افرادی که بر نماز خویش مداومت می کنند.

درواقع نمازخواندن موجب افزایش قدرت درونی ما می شود؛ زیرا وقتی آدمی با خدا سخن می گوید، و از او یاری می جوید، خداونـد مهربـان هـم ب–ه دنـب–ال اس–تمـداد او ب–ه انس–ان کـم–ک می رسانـد .همـانطور کـه در قرآن کریـم فرمـوده: "ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُم"؛(۲) مرا بخوانیـد تا اجابت کنم شـما را .وقتی م–دد اله–ی ب–ه انس–ان رس–ید، ق–درتی در خ–ود احس–اس م–ی کن–د ب–ینظی–ر وتوصـی فناپـذیر. این قـدرت ناشـی از توکلی است که مؤمن در نماز به خداون–د ق–دیر پی–دا ک–رده است و درحقیقت خود را مانند قطرهای می بیند که با دریا پیوند خورده است.

ص: ۹۹

۱- معارج: ۱۹ -.۲۳

۲- غافر:.۶۰

قطره دریاست اگر با دریاست ورنه او قطره و دریا، دریاست

نماز وسیله یاری از خدا

نماز، نقش اورژانس را ایفا می کند، آن هم از ناحیه پزشکی قهار که عجز و ناتوانی، هرگ–زدر او راه ندارد. خداوند بی نیاز در کلام نورانی خود، سخن ما را تصدیق نم–وده و ب–ا ص–راحت اعلام می دارد .

"وَاسْتَعینُوا بِالصبْرِ وَالصلاهِ وَ إِنهَّا لَكَبیرهَ إِلاَّ عَلَى لْخاشِ–عین"(۱)؛ از صبر و نماز ی–اری جویی–د [و ب–ااستقامت و مهار هوس های درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیری–د] و ای–ن ک–ار، ج–ز ب–رای خاشعان، سخت است .انسان برخوردار از امدادهای الهی، فردی توان–ا و موف–ق و برخ–وردار از نشاطی مثالزدنی در عرصه زندگی است و همان–د ک–وهی اس–توار در مقاب–ل طوف–ان ب–لا ـ ومصیبت ایستادگی می کند.(۲) مقربان درگاه الهی، که قلب و جان خود را به سرچش–م ه ف–یض ورحمت خدا گره زده اند و لیاقت دوستی با خدا را پیدا کرده اند، در فراز و نش–یب ه–ای زن–دگی،وقتی دچار غم و اندوهی م یشدند، با عشق و علاقه ای بی بدیل که ناشی از ایمان قلب–ی ب–ه خداوند بی همتاست، به نماز پناه می بردند. پیامبر اکرم(ص) هرگاه، غم و غصه ای، به سراغش می آمد، نماز می خواند .و با نماز، غم و اندوه را از روح و روان خود پاک می کرد.

نتیجه گیری

البته ناگفته نماند، هر نمازی آرام بخش نیست .نمازی این اثر معجزه آسا را دارد که در آن، دل با زبان همراه گشته ،انسان به هنگام نماز، با تمام وجود، خود را در محضر خداوند متعال ببیند و تمام توجه و حواس خود را به سوی آن قدرت بی همتا متمرکز نماید.

خدایا ،به ما توفیق بده تا هنگام مشکلات ،با نماز از تو یاری بجوییم. آمین .

ص: ۱۰۰

۱- بقره:۴۵

۲- المناقب، ج۲، ص۳۴۷.

۳۶. قهرمان توحید

راهبرد جلسه

در ایـن جلسـه به تـبیین این موضـوع می پردازیم که دراثر نم–از، ان–س و دوس–تی ب–ین خ–الق ومخلـوق ایجـاد می شـود .نتیجه آن ایمان و ب–اوری راس–خ و نداش–تن اض–طراب و دله–ره در اوج مشکلات و سختی هاست .

جذابیت اولیه

همه شما داستان ابراهیم خلیل(ع) را شنیده اید .

حضـرت ابراهیم(ع) قهرمـان توحیـد بود. او از اینکه می دیـد مردم به ج–ای خ–دای یگـان–ه، ک–ه همه چیز به دست اوست، دست به دامن سـنگ، چوب و ساخته های دست خود م–ی ش–دنـد خیل–یناراحت می شـد. مثل پدری مهربان که نمی تواند ببیند فرزندش برای رفع نیازهایش سـراغ هرکس و ناکسـی برود .سـرانجام روزی که همه مردم برای انجام اعمال سنتی خود به بیرون از شـهر رفته بودنـد ،تصـمیم گرفت تلنگری به مردم بزنـد. به همین دلیـل هم–ه ب–ته–ا ب–ه ج–ز ب–ت ب–زرگ را شکست .وقتی مردم برگشـتند و این صـحنه را دیدنـد، متوجه شدنـد تنهـا کسـی ک–ه ممک–ن اس–ت دست به این کار زده باشـد ابراهیم است. بالاخره حضـرت ابراهیم(ع) محکوم به سوزانـدن شـد. او بر روی منجنیقِ آماده پرتاب نشسـته است؛ بـدون ذرهای اضـطراب و نگرانی؛ درحالیکه از هر سو دست یاری به سوی او دراز می شد؛ جنیان و ملائک و حتی فرش–تگان مق–رب. هم–ه ی–ک ص–دامی گفتند: می خواهی نجاتت دهیم؟ اما او که معلم توحید بود به همه آموخت، فقط از خ–دا بای–د کمک خواست و حاضـر نبود به کسـی دیگر غیر از خدا فکر کند. جبرئیل(ع) که او را می ش–ناخت عرض کرد لااقل از خدا بخواه که نجاتت دهد. جواب ابراهیم(ع) این بود: م–ن ب–ا خ–دا زن–دگی می کنم؛ از گذشـته به یاد ندارم لحظه ای مرا تنها گذاشته باشد. چگونه فکر کنم از حال و اح–وال

ص: ۱۰۱

من بی خبر است؟! خدایی که من می شناسم هیچ موجودی را فراموش نمی کن-د؛ بلک-ه ای-ن م-اهستیم که او را فراموش کرده ایم و با فراموش کردن او خودمان را از یاد برده ایم:

"وَلا تكُونُوا كَالَّ ذينَ نَسُوا اللهَ فَأَنساهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولٰئِكَ هُمُ الْفاسِقُون"(۱)

پیوند با بحث

با نماز است که افکار و اعتقادات ما شکل زیبای خودش را به دست می آورد .در نم-از اس-ت ک-ه

می خوانیم: "إِيّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيّاكَ نَسْ-تَعينُ "،(۲) حضرت ابراهیم(ع) به معنای واقعی کلمه این آی-ه را ب-اور

داشت و به همین دلیل در مشکلات و بلایا دچار اضطراب و نگرانی نشد؛ زیرا به علم و حکم-ت

خدای منان اطمینان داشت. "یا أَیُّهَا الَّ ذینَ آمَنُوا آمِنُواً بِاللهِ وَ رَسُولِهِ "؛(۳) ای کسانیکه ایمان آورده ای-د ، به خدا و رسولش ایمان بیاورید؛ یعنی به خدای قدیر و توانا اعتم-اد کن-یم. حض-رت اب-راهیم(ع) آن قدر به قدرت خدای متعال اطمینان داشت که حتی حاضر نبود نیاز خودش را در سختیه-ا دربرابر خدای متعال به زبان بیاورد و می فرمود: "حَسْبِی مِنْ سُؤالِی عِلْمُهُ بِحَ-الِی "؛(۴) هم-ین ک-ه معش-وق من می داند من در چه شرایطی قرار دارم کفایت م-ی کن-د و دیگ-ر نی-ازی نیس-ت ک-ه بخ-واهم خواسته ام را به زبان بیاورم؛ چون من عاشق چیزی هستم که او دوست دارد.

نتیجه گیری

ازآنجایی که نماز ترکیبی از قول و فعل است ،و با توجه کردن ب-ه مع-انی و الف-اظ نم-از، نم-ازواقعی از ما موحد واقعی می سازد .مانند ابراهیم خلیل الرحمن(ع). موحدی که فق-ط و فق-ط ازخدای مهربان پیروی می کرد؛ موحدی که آرامش واقعی خود را تنها از او به ارمغان می گرفت .

خدایا ،به ما ایمانی عطا کن که بتوانیم تو را باور کنیم. آمین .

۱- "و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد؛ آنان همان نافرمانانند" (حشر:۱۹)

۲- "تنها تو را م یپرستیم و تنها از تو یاری می جوییم" (حمد: ۵)

۳- نساء: ۱۳۶.

۴- محمدباقر مجلسی ،بحار الانوار، ج۶۸، ص۶۵۵، باب ۶۳.

۳۷.چگونه صبور باشیم؟

راهبرد جلسه

ای کسانی که ایمان آورده اید، از صبر و نماز کمک بگیرید: یا أَ ُّیَهَا الَّذِ ینَ آمَنُ-وا اسْ-تَعِینُواً بِالص-بْرِ وَ َّالص-لاهِ (۱)و با ایـن دو نیرو (استقامت و تـوجه بـه خـدا) بـه جنـگ مشـکلات و حـوادث س-خـت بروی-د که پیروزی از آن شـماست؛ زیرا خداوند با صابران است :ا نَّ ّاللَّهَ مَعَ الصابِرِینَ. (۲)

جذابیت اولیه

به عکس آنچه بعضـی تصور می کننـد،" صـبر" هرگز به معنی تحمـل بـدبختی هـا و تن دادن ذل-ت و تسـلیم در برابر عوامل شکست نیست. صبر و شـکیبایی به معنی پایداری و استقامت در براب-ر همه مشکلات و هر حادثه تلخی است؛ لذا بسیاری از علمای اخلاق برای صبر سه شاخه ذکر کرد هاند:

- صبر بر اطاعت (مقاومت در برابر مشکلاتی که در راه طاعت وجود دارد)؛ - صبر بر معصیت (ایستادگی در برابر انگیزه های گناه و شهوات سرکش و طغیانگر)؛

- صبر بر مصیبت (پایداری در برابر حوادث ناگوار و عدم خود باختگی و شکست روحی، و ترک جزع و فزع)

کمتر موضوعی را در قرآن می توان یافت که مانند صبر تک-رار ش-ده و م-ورد تأکی-د ق-رار گرفته باشد. در قرآن مجید حـدود هفتـاد بـار از" صبر" سـخن به میـان آمـده که بیش از ده مورد آن به شـخص پیامبر(ص) اختصاص دارد. تاریـخ مردان بزرگ گواهی می دهد مهم ترین عام-ل

ص: ۱۰۳

۱- بقره: ۱۵۳

۲- همان

پیروزی آنـان اسـتقامت و شـکیبایی بـ–وده اسـ–ت . افـ–رادی کـ–ه از ایـ–ن صـ–فت بـ–ی بـه–ره انـ–د، در گرفتـاری ها بسـیار زود از پا درمی آینـد. می توان گفت نقشـی که این عامل در پیش–رفت افـ–راد و جامع ه ایفا می کند، نه فراهم بودن امکانات می تواند داشـته باشد و نه استعداد و هوش و مانن–دآنها. به همین دلیل در قرآن مجید روی این موضوع تأکید فراوان شده است. مانند آنجـ–ا کـ–ه

می گوید: إِنَّما یوفَّی الصابِرُونَ أَجرهم بِغَیرِحسابٍ.(۱)

بیان داستان

حضرت نوح(ع) همچون حضرت لوط(ع) همسر بدی داشت. قرآن کریم در سوره مبارکـ–ه

تحریم می فرمایـد:ضَـر بَ لله مَثَلاً لِلَّذینَ کَفَرُوا امْرَأتَ نُوُحٍ وَامْ–رَأتَ لُوطٍ کـانَتَـا تَحْـ–تَ عَبْـ–دَیْن مِـ–نْ عِبـادِنـ–ا صالِحَیْنِ فَخانَتَاهُمـا فَلَمْ یُغْنِیا عَنْهُما مِنَ لله شَـیْئاً وَقی لَادْخُلَا النارَمَعَ الـ–داخِلین،(۲)همسـر نوح(ع) حتی بـ–همردم می گفت: نوح(ع) – نعوذا بالله – دیوانه است.(۳)

یک سال براثر نیامدن باران قحطی شد. جمعـ–ی از مـ–ردم تصـ–میم گرفتنـ–د نـ–زد حضـ–رت نوح(ع) بروند و از او بخواهند دعا کند تا باران بیاید. آن حضرت در روستایی سکونت داشـ–ت .

آنها به آن روسـتا رفتنـد. به در خانه او رسـیدند و در خانه را زدنـد. زن حضـرت نـ–وح(ع) از خانـ–ه بیرون آمـد. آنها گفتند: نوح کجاست؟ آمده ایم از او بخواهیم دعا کند تا باران بیاید.

زن گفت: اگر دعای نوح مسـتجاب می شد، برای خود ما دعا می کرد که وضـ–ع زنـ–دگی مـ–اخوب شود .او اکنون به بیابان رفته تا هیزم جمع کند و بیاورد و بفروشد. او چنان مقامی ندارد که دعایش مستجاب گردد.

آنها به بیابان رفتند. ناگهان دیدند حضرت نوح(ع) هیزم را جمع کرده و به پشت گرفته، و بر شیری سوار شده و ماری به دست گرفته و آن مار را تازیانه خود در رانـ–دن شـ–یر قـ–رار داده

ص: ۱۰۴

۱- "صابران پاداش خود را بی حساب می گیرند" (زمر: ۱۰)

۲- خداوند برای کسانی که کافر شده اند به همسـر نوح و همسر لوط مثلَ زده است. آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالـح ما بودنـد؛ ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو [پیامبر] سودی به حالشان [در برابر عذاب الهی] نداشت، و به آنها گفته شد: وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می شوند (تحریم: ۱۰)

۳- محمدباقر مجلسی ،بحارالانوار، ج۱۲، ص۱۴۶.

است .

به نوح(ع) عرض کردند: دعا کن تا باران بیاید. قحطی همه جا را گرفته است .

نوح(ع) دعا کرد و باران خوبی آمد. آنها به نوح(ع) گفتند: تو که این گونه مستجاب ال-دعوه هستی، چرا در مورد زن خودت نفرین نمی کنی که مثلاً از خانه ات بیرون رود، و مجازات شود و پشت سر تو بدگویی نکند؟!

حضرت نوح(ع) در پاسخ فرمود: "ارزش و ثواب تحمل و صبر با چن-ین زن-ی، بهت-ر از آن‌است که با نفرین او را به مجازات برسانم."(۱)

دوستان خوب من یک سئوال؛ چنین صبری را چگونه می توان به دست آورد؟(۲)

آفرین به شما بچه های باهوش!یا أَیَهَا الَّذینَ آمَنُوا اسْتَعینُواً بِالصبْرِ وَّ الصلاهِ إِنّ لله مَعَ الصابِرین.(۳)

نماز و رابطه با خدای متعال سبب می شود انسان چنین شکیبایی صبری داشته باشد و هیچ راه دیگری وجود ندارد. لذا در حدیث می خوانیم:"کان علیٌ(ع)إذا اهاله امر فزع قام إلی الصلاه ثُم تَلَی هذه الایه اسْتَعِینُواً بِالصبْرِ وَ َالصلاه"؛(۴)هنگامی که علی(ع) با مشکلی روبه رو می ش-د ب-ه نم-از برمی خاست و پس از نماز به دنبال حل مشکل می رفت و این آیه را تلاوت می فرمود: اسْتَعِینُوابِالصبْرِ وَ َالصلاهِ.

نتیجه گیری

از این موضوع هرگز نباید تعجب کرد؛ زیرا هنگامی که انسان در برابر حوادث س-خت و مش-کلات طاقت فرسا قرار می گیرد و نیروی خود را برای مقابله با آنها ناچیز می بیند، نیاز ب-ه تکی-ه گ-اهی دارد که از هر جهت، نامحدود و بی انتها باشد. نماز او را با چنین مبدائی مربوط می سازد و با اتکای ب-ر او می تواند با روحی مطمئن و آرام، امواج سهمگین مشکلات را درهم بشکنند

۱- محمدنبی بن احمد، تویسرکانی ،لئالی الاخبار، ج۱، ص۱۱۱.

۲- مربی گرامی از دانش آموزان نظرخواهی کند..

۳- بقره: ۱۵۳.

۴- ناصر مکارم شیرازی ،تفسیر نمونه، ج۱، ص۵۲۰.

۳۸. تمرکز ذهن

راهبرد جلسه

نماز یک امر عبادی است، و چون خداوند متعال به آن فرمان داده است آن را به جا می آوری-م؛اما این عبادت که جزو برنامه روزانه مسلمانان قرار گرفته، نمی تواند خالی از آثار مادی باش-د

در این درس به پرورش تمرکز ذهن به وسیله نماز می پردازیم .

جذابیت اولیه

به نظر شما علت پایین بودن ضریب هوشی بعضی افراد چیست؟(۱)

"فرق نوابغ و افراد عادی، در امکان تمرکز ذهن و قوای عقلانی است ن-ه در توانمن-دی وسایر صفات فکری ".(۲) ذهن متمرکز، قوی و نیرومند است و ذه-ن پراکن-ده ن-اتوان و ض-عیفاست. ذهن، در حالت تمرکز ظرفیتی بسیار قوی دارد؛ ام-ا هنگ-ام توج-ه ب-ه اش-یای مختل-ف پراکنده شده، نیرو و توان خود را از دست می دهد و هرچه به اشیای بیشتری متوج-ه ش-ود از توان آن بیشتر کاسته می گردد. هر عمل عبادی علاوه بر آنکه مقام و ارزش وی-ژه م-ذهبی و معنوی دارد، موجب تمرکز فکری و ذهنی ملموس و قابل توجهی می شود که هرکس می تواند آن را به تجربه بگذارد و ادراک کند .

"یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِنِ تَتَقُواً لله یَجْعَلْ لَکُمْ فُرقْان-ا"؛(۳) ای کس-انی ک-ه ایم-ان آورده ای-د ؛ اگ-ر از

مخالفت فرمان خدا بپرهیزید، برای شما وسیل های جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می دهد .

۱- مربی گرامی اجازه بدهد دانش آموزان نظرهای خود را بگویند.

۲- عفیف عبدالفتاح ،روح الصلاه فی الاسلام، ص ۳۱.

۳- انفال: ۲۹

[روش نبینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت.](۱) این روشن بینی و ق-درت تشخیص از تمرکز قوای ذهنی به دست می آید .

پیوند با بحث

دانشمندان می کوشند با کاهش بار فکری، انسان را از دگرگونی و اضطراب و تن شهای روحی نجات دهند. مهار این پراکندگی های فکری، شرط نخست دستیابی ب-ه نب-وغ، درای-ت و فه-م مسائل است .نماز، روزانه پنج نوبت فکر را در مدار تمرکز قرار می دهد و پرورش تمرک-ز آن راآسان می کند .برای همین در اسلام دستور داده شده از هر کاری که موجب پراکندگی ذهن و تمرکز در نماز می شود، پرهیز شود؛ مانند ایستادن در برابر در و پنجره باز، آینه، هرگونه تصویر و تابلو .

نتیجه گیری

از این سخنان نتیجه می گیریم که نماز حقیقی بهترین وسیل ه برای پرورش توجه و تمرک-ز در انسان است؛ زیرا نمازگزار پیوسته و با تمام قدرت می کوشد تا ذهن خود را از تمامی آنچه غیر خداست منصرف و فقط به خدا متوجه کند و تمام نیروی فکری خود را در یکجا جمع کند تا نمازش با خشوع و حضور قلب خوانده شود. این برای او عادت می شود و در کارهای دیگرش هم می تواند قوای ذهنی خود را متمرکز کند؛ مانند زمان درس خواندن.

یک تمرین سخت

در آخر به کلامی از امیرالمؤمنین(ع) به منزله یک تمرین مهم و اساسی، اشاره م-ی کن-یم ک-ه

فرمودند: "فکِرْثَمُ تکَلَّمْ تسْلِمُ مِنَ الزللِ "؛(۲) اگر ابتدا فکر کنیم و سپس صحبت کن-یم، همیش-ه ازلغزش و خطا سالم خواهیم ماند. چرا صحبت و تکلم؟ چون فعلی است که همه انس-ان ه-ا درهر شرایطی نیازمند به آن هستند .

۱- ترجمهٔ آیت‌الله مکارم شیرازی .

۲- عبدالواحد آمدی ،غررالحکم و درر الکلم، ص۵۸.

۳۹. وایتکس گناه

راهبرد جلسه

در ایـن جلسه، به این مطلب که نمـاز انسـان را در برابر گناهـان بیمه می کنـد و سـیاهی گناهـان را از آیینه دل می زدایـد، می پردازیم .

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه(۱)ابوعثمان می گوید: من با سـلمان فارسـی زیر درختی نشسته بودم. او شاخه خشکی را گرف-ت وتکان داد تا تمام برگهایش ریخت .سـپس رو به من کرد و گفت: سؤال نکردی چرا این کار را کردم. گفتم: منظورت از این کار چه بود؟ گفت: این همان کاری بود که پیامبر(ص) انجام داد .

هنگامی که محضرش زیر درختی نشسته بودم. پیامبر(ص) این سؤال را از من ک-رد و گف-ت:

سلمان نمی پرسی چرا چنین کردم؟ من عرض کردم بفرمایید چرا؟

فرمود:"إنّ الْمُسْـلِمَ إذِا تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثمُ صَلی َالصلَاهَ الْخَمْسَ تَحاتَّت هذه خَطاَیاَهُ کَماَ تَحاتَّتْ ه-ذِهِ الْوَرَقُ ثمُ قَرَ أَ ،وَأَقِمِ الصـلاهَ طَرَفيِ النهارِ وَزُلَفاً مِنَ َاللیْلِ إنّ الْحَسَناتِ یُذْهِبْنَ َالسیئاتِ ذلِکَ ذِکْری لِلذاکِرینَ "؛(۲)هنگامی که مسلمان، خوب وضو بگیرد، و نمازهـای یومیه را به جـا آورد، گنـاه-ان او م-ی ری-زد ؛ همـانگونه که بر گهـای این شـاخه ریخت. سـپس آیه اقم الصلاه... (۳) را تلاوت فرمود .

در حدیثی دیگر ،یکی از یاران پیامبر(ص) به نام "ابی اُمامه" می گوی-د : روزی در مس-جد

۱- مربی محترم می توانـد یـک شـاخه را که برگ هـایش خشـک شـده، در مقابـل دانش آموزان بیاورد و همان کاری را که حضرت سلمان انجام داد، انجام دهد.

۲- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج۷۹، ص۳۱۹.

۳- "در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپادار؛ چراکه حسـنات، سیئات [و آثار آنها را] از بین می برند .این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند" (هود:۱۱۴ .)

خدمت پیامبر(ص) نشسته بودیم ،مردی آمد و عرض کرد: یا رسول اللّه، من گناهی کرده ام که دارای حد است؛ آن حد را بر من اجرا کن. فرمود: آیا با ما نم-از خوان-دی؟ ع-رض ک-رد: آری .فرمود: خداوند گناهت را بخشید، و نیز از علی(ع) نقل شده که فرمود: با رس-ول خ-دا(ص) در مسجد در انتظار نماز بودیم که مردی برخاست و عرض ک-رد : ای رس-ول خ-دا، م-ن گن-اهی کرد هام. پیامبر(ص) روی خود را از او برگرداند .هنگامی که نماز تمام شد همان مرد برخاست و سخن اول را تکرار کرد. پیامبر(ص) فرمود: آیا با م-ا ای-ن نم-از را انج-ام ن-دادی؟ و ب-رای آنبه خوبی وضو نگرفتی؟ عرض کرد: بله، انجام دادم. پیامبر(ص) فرمود: این کفار ه و جریمه گناه توست![1]

پیوند با بحث

شکی نیست ازلحاظ روحی و روانی هر گناه و عمل زشتی، یک نقطه تاریک و سیاهی در روح انسان ایجاد می کند که اگر ادامه پیدا کند و بر روی هم انباشته شود، ب-ه ص-ورت وحش-تناکی روح و روان انسان را نابود می کند؛ اما کار نیکی که از انگیزه الهی سرچشمه گرفته باش-د، ب-ه روح آدمی لطافت می بخشد و می تواند آثار گناه را بشوید و آن تیرگ یها را به روشنایی تب-دیل کند .

لَنُكَفرَنَّ عَنْهُمْ سَئاتِهِمْ وَ لَنَجْزِيَنهُ أَحْسَنَ الَّذى كانُوا يَعْمَلُون.[2]

نتیجه گیری

نمازهای یومیه مانند نهری زلال ،آثار سیاهی و کثیفی گناه را از وجود انسان پاک م-ی کن-د وانسان را در عالمی از معنویت و روحانیت که پیونـده ای ایمانی او را با خـدا محکم می سازد، قرار می دهـد. نماز جوانه های عشق به خـدا را در اعماق جان انسان شکوفا می کند و اراده را قوی و قلب را پاک می کند .

ص: ۱۰۹

۱- ناصر مکارم شیرازی ،تفسیر نمونه، ج۹، ص۲۶۸.

۲- "گناهان آنان را می پوشانیم [و می بخشیم] و آنان را به بهترین اعمالی که انجام می دادند، پاداش می دهیم (عنکبوت:۷)

۴۰.چراهرروز نمازبخوانیم؟

راهبرد جلسه

در این درس با این مطلب که نماز یومیه به چه معناست و چرا باید هر روز نماز بخوانیم، آشنا می شویم .

جذابیت اولیه

مربی گرامی جدول زیر را روی تخته رسم کند و با سؤالات زی-ر روای-ت پی-امبر اک-رم(ص) را کامل نماید .

۱.حرف مشبه بالفعل که در عربی برای تأکید به کار می رود؟

۲.نماز به عربی؟

۳.ضمیر متصل مجروری "مفرد مذکر غایب" کدام است؟ (در خانه ۳ و ۵ قرار دهد).

۴.مضارع مفرد مؤنث غایب از ماده "نهی"؟

۵.در عربی به روز گفته می شود؟

یوماً۶

۵ه

۳ه

تنهی۴

صلاه۲

إنّ۱

پیوند با بحث

به پیامبر(ص)عرض کردند فلان جوان که به مسجد می آید و پشت سر شما نماز م-ی خوان-د،

ص: ۱۱۰

مرتکب گناه نیز می شود. پیامبر(ص) فرمود: بالاخره یک روز این نماز نجاتش می دهد.(۱)

طبیب، نسخه بعضی بیماران را تمدید می کن-د ت-ا نتیج-ه بخ-ش باش-د ،و حت-ی از بعض-ی بیماری ها تا آخر عمر باید مراقبت کرد. نماز هم برای بازدارندگی از بیماری گناه و بهبودی آن باید استمرار داشته باشد.(۲)

برخی مطرح می کنند که فلانی نماز می خواند؛ اما خیلی از کاره-ای زش-ت را ه-م انج-ام می دهد. در پاسخ می توان گفت: اگر این آدم نماز نمی خواند ،کارهای زشت بیش-تری مرتک-ب می شد .

از شخص عالمی پرسیدند: شما که می گویید مویز حافظه را زیاد می کند پس چ-را فلان-ی که مویز می خورد، این قدر حافظه اش کم است؟ عالم ج-واب داد : وقت- ی ک-ه م-ویز م-ی خ-وردحافظه اش چنین است، حال اگر مویز نمی خورد آن وقت چه می شد؟

امام رضا۷ در فلسفه وجوب نماز می فرماید: "نماز واجب گردید که بن-ده، آق-ا و م-دبر وخال ق خود را فراموش نکند"؛(۳) زیرا فراموش کردن خداوند متعال سرمنش-أ هم-ه اش-تباهات وخطاها می باشد. خدایی که اگ-ر بن-دهاش او را ص-دا بزن-د، م-ی فرمای-د : "بن-د ه م-ن، حاجت-ت چیست"؟(۴) حال اگر بنده، خالق خود را فراموش کند چه می ش-ود؟ ام-ام رض-ا۷ م-ی فرمای-د :

"پست و شقی م یگردد."۵(۵) دراین صورت فقط فکر رسیدن به اهداف پست و شوم خود است. به حقوق دیگران تجاوز می کند و مرتکب گناه و اشتباه می شود؛ اما اگر حداقل، روزی پنج مرتبه با خدای علیم و قدیر ارتباط برقرار کند، امام می فرماید: "او را از معاصی دور می کند و مانع از انواع فساد می شود."(۶)

۱- ان صلاته تنهاه یوماً (میرزا محمدمشهدی،کنز الدقایق، ج۷، ص۵۳۴).

۲- غلامعلی نعیم آبادی ،نماز زیباترین الگوی پرستش، ص۴۹-۱۵.

۳- الْمُداوَمَهِ عَلَی ذِکْرِ للهِ عَز وَجَلَّ بِاللَّیلِ وَ َالنهَارِ لِئَلَّا ینَسَی العَبْدُ سَیدهُ وَ مُدَبِّرهُ وَ خَالِقِه (محمدباقر مجلسی ،بحار الانوار، ج۸۲، ص۲۶۱).

۴- عبدی ما حاجتک (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج۵۹، ص۹).

۵- فیَبَطْرَ وَیطْغَی(صدوق، من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۲۱۴).

۶- وَیَکون ذلکِ فِی ذَکَرهِ لربِّهِ جَلّ وَعَزوَقیاَمِهِ بیْنَ یدَیهِ زاَجِراً لهُ عَنِ المَعَاصِی وَمَانِعاً لهُ مِنْ أنَوَاعِ الْفَسادِ (همان.)

نتیجه گیری

اگر مسلمانی نماز می خواند و مرتکب گناهی می شود، نمی توانیم بگوییم نمازش مؤثر نیست و ب ه درد نمی خورد؛ بلکه آن دشمنی که در درون اوس–ت بس–یار ق–وی اس–ت و اگ–ر اه–ل نم–ازنمی بود، خیلی بدتر از اینها می شد .اینکه باید هر روز با خالق هستی رابطه داشته باشیم ب–رای دفع و رفع گناهان و اشتباهاتمان است.

ص: ۱۱۲

...

۴۱. آب دریا

راهبرد جلسه

راهبرد جلسه (۱)در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که آیا اگر کسی نماز را به آن ش-کل ک-ه بای-دبخوانـد، نخواند، دیگر اصلاً نباید نماز بخواند؟

جذابیت اولیه

با یکی از آشنایان که اهل نماز نبود در حیاط خانه نشسته بودیم. وقت نماز شد. رفتم نمازم را خواندم و برگشتم. بدون مقدمه به من گفت: عزیز دلم تو که از نماز چیزی متوجه نمی ش-وی،پس چرا می خوانی؟

مدتی فکرکردم و همین طوری داشتم اطراف خانه را نگاه می کردم که چشمم ب-ه آبکَ-ش حصیری قدیمی کنار حیاط افتاد. به او گفتم: زحمت بکش با آن آبکش کنار حی-اط از ح-وض آب بیاور. خنده ای کرد و به تمسخر گفت: آدم عاقل، مگر با آبکش آب می آورند؟

با تبسم گفتم: خواهش می کنم. با حالتی مغرورانه رفت و آبکش را توی آب انداخت و بالا آورد. آب ها همه خالی شد. با لحنی پیروزمندانه گفت: می دانستم امکانپذیر نیست. ببین حتی یک قطره آب هم ته آبکش نمانده است. آبکش را گرفتم و با دقت زیادی بررسی کردم.

گفتم: بله، راست می گویی؛ اصلاً آبی توی آن نیست؛ اما به نظر می رسد تمیزتر شده است.

به نظر شما این استدلال صحیح است؟ آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چش-ید (۲)

پیوند با بحث

هرکس براساس ظرف خود از دریا بهره می گیرد. مثل چش-م ه آب مع-دنی ک-ه ب-رای درم-انـدردی مؤثر است .اگر نتوانم چشمه را مالک شوم، ظرف هایم را هم پر نکنم؟

ص: ۱۱۳

۱- مربی گرامی بهتر است این داستان را با یک ظرف آب و یک سبد به صورت ملموس برای دانش آموزان به نمایش بگذارد.

۲- مولوی، مثنوی معنوی.

نمـاز و روزه هـای ما هم هرچنـد ناقص هسـتند؛ این دلیل نمی شود که ب-ه ط-ور کل-ی انـج-امنـدهیم؛ لـذا خداونـد متعال همین روزه های معمولی ما را - که قطعاً آنـچ-ه بای-د باش-د نیس-ت - راهی به سوی خودش می داند تا به بهانه آنها به ما عنایت کند و ما را ب-ا حق-ایق نم-از و روزه

آشـنا کند."یا ایّهأ ا الَّذینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ ِالصـیامُ کَما کُتِبَ عَلَی الَّ-ذینَ مِ-نْ قَ-بْلِکُ لعَلَّکُ-مْ تَتَقُ-ون "؛(۱) ای کسانی که ایمان آوردید، روزه بر شما واجب شده، چنانکه بر گذشتگان واجب بوده است ک-ه شاید پرهیزگار شوید.

نتیجه گیری

اگر باز شیطان بگوید: تو که حقیقت نماز و عبادات را پیدا نکردی، پس چرا اص-لاً ب-ه خ-ودتزحمت می دهی؟ جواب می دهیم: بهترین راه برای دوستی با محبوب، آشنایی تدریجی اس-ت .

اگر من زود از حرف زدن بـا او خسـته می شـوم، پس همـان قـدر ه-م ک-ه ح-ال و حـوص-له دارم وخسـته نمی شوم حرف نزنم؟ مثلا من چون زود سیر می شوم پس اصلاً غذا نخورم؟

خدایا ،طعم شیرین عبادت و بندگی را به ما بچشان. آمین.

ص: ۱۱۴

۱- بقره: ۱۸۳

۴۲. لحظه آخر

راهبرد جلسه

در این جلسه می خواهیم بدانیم اگر آخ-رین لحظ-ات عمرم-ان باش-د، بهت-رین ک-اری را ک-ه می توانیم انجام بدهیم چیست؟

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه(۱)مدرس بر سر سجاده اش نشسته بود .انگار که در آن دم واپسین، سراس-ر زن-دگی اش را م-رورمی کرد. جان خسته اش، زخم تمام ضربه هایی را که در سراسر عمر خورده بود به یاد م-ی آورد .

بااینحال در چهر هاش طراوت و شادابی خاصی موج می زند؛ زیرا به خوبی م-ی دانس-ت آخ-رین ضربه که برای همیشه او را به دیار دوست می فرستد ،در حال فرود آمدن است. ص-دای اذان،مدرس را به خدا دعوت می کند. جهانسوزی(۲) در استکانی چای می ریزد و استکان را به خَلَج(۳) می دهد .خَلَج نیز گَرد پاکتی کوچک را در آن خ-الی م-ی کن- د.اس-تکان را در مقاب-ل م-درس می گذارد و به او می گوید: بخور. مدرس چای را در چند جرعه می نوشد و با خونسردی سریعاً به نماز می ایستد .رو به دوست و پشت به دشمنان زانو م یزند و به سجده می افتد. مدرس نماز مغرب را به پایان می برد؛ اما زهر هنوز اثر نکرده است. مدرس هنوز بر سجاده نشسته و ذک-رمی گوید. دژخیمان با تعجب و وحشت به او خیره شده اند .در برابرش احساس ناتوانی می کنند .

زهر را به او خورانده اند؛ اما تلخی زهر در کام و جان خودشان موج می زند. مس-توفیان (۴) دیگ-ر

ص: ۱۱۵

۱- مربی گرامی عکس شهید مدرس را به دانش آموزان نشان دهد .

۲- از افرادی که مأمور به قتل آیت‌الله مدرس بودند.

۳- از افرادی که مأمور به قتل آیت‌الله مدرس بودند.

۴- از افرادی که مأمور به قتل آیت‌الله مدرس بودند.

تحمل نمی کنـد. بلند شده ،مدرس را به زمین می اندازند. جهان سوزی و خلج نیز دست و پ–ایسـید را می گیرند. مدرس ،با صدای بلند شـهادتین خود را می گوید. عمامه مدرس را بر گردنش می پیچند و آنقدر می کشند تا پیکر نحیف و رنج کشیده اش سست می شود و ستاره بر آس–مان سجاده اش می افتد .

پیوند با بحث

اگر آخرین لحظـات عمرمـان باشـد، دوست داریم در چه حـالتی به دیـار ب–اقی ک–وچ کن–یم؟ چ–ه فیض و لیـاقتی از این زیباتر که در آخرین لحظات هم، با معشوق خود که تا چن–دی د یگ–ر درآغوش گرمش قرار گیریم همکلام باشیم. درواقع قبل از رسیدن اجل، خود با نماز و عبادت به پیشواز او برویم. همانند ابی عبدالله(ع) در شب عاشورا ک–ه فرم–ود: امش–ب را مهل–ت بگیری–د؛

"لَعَلَّنَا نُصَلی لِرَبِّنَا اللَّیْلَهَ وَنَـدْعُوهُ وَ نَسْـتَغْفِرهُ فَهُوَ یَعْلَمُ أنِّی کُنْتُ قَدْ أحِبّ َالصـلَاهَ لهُ وَتِلاوه کتـابِه وکَثْرَهّ ُالـدعَاءِ وَالِاسْ–تِغفارِ"؛(۱) امیـد است در این شب نمـاز گزارده، با خـدا نیایش کنیم و از او آمرزش بـخ–واهیم،که او م یدانـد من بهراستی نماز و تلاوت قرآن و نیایش فراوان و استغفار را دوست می دارم .

نتیجه گیری

آخرین لحظـات، یعنی اولین دقـایق عشق بـازی .برای کسـی که عمری را بـا خـدا بوده و او را باور کرده است، نه قـدرت های زورگو م یتوانند او را از هدفش جدا کنند و نه زرق وبرق مادی دنیا .

خدایا ،آخرین عمل ما را بهترین عمل قرار ده. آمین.

۱- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج۴۴، ص۳۹۱.

فصل چهارم: راز نماز

۴۳. حیا، راز نماز

راهبرد جلسه

در این جلسه یکی از اسرار و آثار نماز و ارتباط با خداوند را می خوانیم . ایجاد حیا ومصونیت از گناهان و اشتباهات، موضوع بحث امروز ما می باشد .

جذابیت اولیه

مربی گرامی برای جذابیت اولیه از تکنیک بازی با کلمات، استفاده می کند. به این صورت که ابتدا کلمه "حی"راروی تخته می نویسد ."حی" به معنای زنده است و به کسی گفته می شود که نفس م یکشد، حرکت م یکند و فهم و شعور دارد .یکی از موجودات حی، شما دانش آموزان عزیز هستید .

مرحله دوم: (حی + الف = حیا)، حیا ،یعنی شرمندگی و خجالت؛ مثلاًـ خجالت بکشیم درهر زمان و مکانی دست به هرکاری بزنیم و از انجام دادن بعضی از کارهااحساس شرمندگی کنیم .به این احساس حیا می گویند .

مرحله سوم: (الف + حیا = احیا)، احیا، یعنی زنده کردن. اگر هر کدام از ما بخواهیم فطرت مان زنده بماند و نفس تازه ای به انسانیت مان دمیده شود، باید حیا را در وجودمان احیاکنیم .

بیان داستان

عمروعاص متفکر لشکر معاویه بود و با وجود او شهوت جنگجویی و عطش معاویه برای کسب قدرت ارضا می شد .سیاستمداری آگاه به مسائل جنگی که برای رسیدن به اهدافش همه ارزشها را زیر پا می گذاشت چه رسد به مردانگی و مرام. او در جنگ صفین مقابل حضرت علی(ع) رهبری سپاه معاویه را عهده دار بود و به پیروزی دل خوش کرده بود؛ اما بعد از مدتی شکست لشکر معاویه حتمی شد. تاآنجاکه او را مجبور به فرار کرد. او ناچار به بیابان

گریخت. امیرالمؤمنـان(ع) او را تعقیب کرد و عمروعاص به جایی رسـید کـه دیگـر راه فـراری برایش نمانـده بـود. در ایـن لحـظـه تنهـا چیـزی کـه انتظـارش را داشـت مـرگ بـود؛ زیـراامیرالمؤمنـان(ع)فـردی بـاهـوش، قـدرتمنـد و شـجاع بـود. ناگهـان فکـری بـه سـرش زد . او می دانست علی(ع) مظهر حیا و عفـت اسـت. پـس لبـاسهـایش را از تـن در آورد و برهنـه روبه روی حضـرت ایسـتاد. امیرالمؤمنین(ع) به سرعت روی برگرداند و از او دور شـد؛ درحـالی کـه می دانست اگر این کینه توز زنـده بمانـد زهر خود را خواهـد ریخت تا جایی که ممکن است جنگ معاویه را به نفع خود به پایان ببرد.

با حیا گفت او مرا و چشم من روشن بدو هرکه روشندیده تر شد بیشتر دارد حیـا (۱)

نتیجه گیری

امیرالمؤمنان(ع) برای ایجاد حیا تلاش می کرد و بی حیایی مسیر ایجاد حیا نیست؛ همانطـور

که امام صادق(ع) فرمودنـد: "لا ایمَانَ لِمَنْ لا حَیَاءَ لَهَ"؛(۲) کسـی که حیا نـدارد ایمـان نـدارد. نمـاز ، یعنی اعتقاد و ایمان به معبود هستی، و این ایمـان و اعتقاد است که حیا را در وجـود مـا زنـدهمی کنـد. پس نمازی که برای ما حیا ایجاد نکنـد، احیاکننده ما نخواهد بود .

خدایا، حیا و عفت ما را روزبه روز بیشتر کن. آمین .

ص: ۱۱۹

۱- سنایی غزنوی، دیوان، قصیدۀ پنجم.

۲- . ۲. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۶

۴۴. رازدوست یابی

راهبرد جلسه

در این جلسه به بررسی این موضوع می پردازیم که نماز چگونه ما را ب-ه س-مت انتخ-اب دوست خوب و مناسب هدایت می کند

جذابیت اولیه

در کنار خطوط سیم پیام خ-ارج از ده دو ک-اج روییدن-د س---الیان دراز رهگ---ذران آن دو را چون دو دوست میدیدند یک-ی از روزه-ای پ-اییزی زی---ر رگب---ار و تازیان---ه ب---اد یکی از کاج ها به خ-ود لرزی-د خ--م ش--د و روی دیگ--ری افت--اد گفت: ای آش ناب بخش مرا خوب درحال من تأمل کن ریشه هایم ز خاک بیرون است چن--د روزی م--را تحم--ل ک--ن کاج همسایه گف-ت ب-ا تن-دی م---ردم آزار از ت---و بی---زارم دور شو دس-ت از س-رم ب-ردار م--ن کج--ا طاق--ت ت-و را دارم بین--وا را س--پس تک--انی داد ی--ار ب--ی رح--م و ب--ی م--روت او سیم ها پاره گشت و کاج افتاد ب-رزمین نق-ش بست قامت او مرک--ز ارتب--اط دی--د آن روز انتق-ال پی-ام ممک-ن نیست کرد عازم گروه پی جویی تا ببینند که عی-ب ک-ار از چیس-ت سیم بانان پس از مرمت س-یم راه تک---رار ب---ر خط---ر بس---تند یعنی آن کاج سنگدل را نی-ز ب--ا تب--ر تک--ه تک--ه بشکس--تند (۱)

ص: ۱۲۰

۱- محمدجواد محبت.

پیوند با بحث

امام صادق(ع) فرمودند: "برادران خود را به دو خصلت آزم-ایش کنی-د. اگ-ر آن دو خص-لت راداشتند با آنها دوستی کنید و اگر نداشتند از ایشان دوری کنی-د . آن دو خص-لت، پایبن-دی ب-ه خواندن نماز در وقت خود و نیکی به برادران در سختی و آسایش است".(۱)

امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: "من لم یحتمل زلل الصدیق مات وحیدا".(۲)چه دوستی بهتر از خداوند منان که اینهمه خطا و لغزش را نادیده گرفته و در برخورد با ما به زشتی های ما توجه نکرده و فقط در برابر ما بزرگواری خویش را ملاک رفتارش قرار داده است؟

آیا می توان باور کرد کسی که نماز نمی خواند و دوس-تی خ-الق یکت-ا را نپذیرفت-ه اس-ت درحالی که او هیچ گونه بدی و نقصانی نداشته - با من، که پر از ایراد و کمبود و زشتی در رفتار و افکارم هستم، دوستی سالم و بدون غرض داشته باشد؟

تنها برادران و دوستانی دوستی شان صاف و ماندنی است که رفاقت خودش-ان را ب-ا مه-ر

پروردگار پیوند زده باشند. الْأَخِلاءُیَوْمَئِذٍبَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُو إِلاالْمُتقِین.(۳) و تنها این افراد هستند که می توانند به معنای واقعی برادر یکدیگر باشند: انمَّاَ الْمُؤمِنُوَنَ إخَوه.(۴)

نتیجه گیری

پس اگر بخواهیم دوستی داشته باشیم که هم برای دنیا و هم برای آخرت ما مفید باشد، بای-دبه سراغ کسی برویم که دوستی خودش را با خالق متعال ثابت کرده باش-د؛ یعن-ی نم-ازخوان باشد. تنها دراین صورت است که دوستی با او پایدار خواهد ماند.

خدایا ،ما را از دوستان واقعی خود قرار ده. آمین .

ص: ۱۲۱

۱- محمد محمدی ری شهری ،میزان الحکمه، ح۱۰۶۷۹

۲- کسی که نواقص دوستانش را تحمل نکند همیشه تنها خواهد ماند" (عبدالواحد آمدی ،غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۳۰، ح ۹۶۲۳

۳- دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزکاران" (زخرف:۶۷)

۴- به تحقیق مؤمنان با یکدیگر برادرند" (الحجرات: ۱۰)

۴۵. راز ولایت

راهبرد جلسه

در این جلسه به بررسی آنچه سبب شد امیرالمؤمنین (ع) ولی خدا و جانشین پیامبر اکرم(ص) باشد می پردازیم .

جذابیت اولیه

ابن عباس می گوید: روزی در کنار چاه زمزم نشسته ب–ود م و ب–رای م–ردم از ق–ول پی–امبر(ص) حدیث نقل م یکردم. دیـدم مردی که عمامه ای بر سر داشت و ص–ورت خ–ود را پوش–انـده ب–ودنزدیک آمـد و هر مرتبه که من از پیامبر(ص) حـدیث نق–ل م– یک–رد م او نی–ز ب–ا جمل–ه "ق–ال رسو لالله" حـدیث دیگری از پیامبر(ص) نقل می نمود. او را قسم دادم تا خودش را معرفی کند .

او صورت خود را گشود و صـدا زد: ای مردم، هرکس مرا نمی شـناسد بداند م–ن اب–وذر غف–اری هسـتم. با این گوشـهای خودم از رسول خـدا(ص) شـنیدم، و اگر دروغ می گویم ه–ر دو گوش–م کر باد؛ و با چشـمان خود این جریان را دیدم و اگر دروغ می گویم هر دو چشمم کور ب–اد، ک–ه

پیـامبر (ص) فرمود: "عَلِی قائِدُ البررَهِ وَقاتِلُ الْکَفَرهِ مَنْصُورٌ مَنْ نَصَرهُ مَخُذُولٌ مَنْ خَذَلَهُ "؛(۱)، علی پیشوای نیکان، و کشـنده کافران است. هرکس او را یاری کنـد، خـدا یاریاش خواهد کرد، و ه–ر ک–سدست از یاریاش بردارد، خدا او را خوار خواهد کرد.

ابوذر اضافه کرد: ای مردم ،روزی از روزها با رسول خـدا(ص) در مسـجد نم–از م–ی خوان–دم ؛ سائلی وارد مسـجد شد و از مردم تقاضای کمک کرد؛ ولی کسـی چیزی ب–ه او ن–داد. او دس–ت خود را به آسـمان بلنـد کرد و گفت: خدایا ،تو شاهد باش که من در مسجد رسول تو تقاض–ای کمک کردم؛ ولی کسی جوابی به من نداد .در همین حال علی(که در حال رک–وع ب–ود ب–ه

ص: ۱۲۲

۱– محمدباقر مجلسی ،بحارالانوار، ج۳۵، ص۱۹۴.

انگشت کوچک دست راست خود اش–اره ک–رد. س–ائل نزدی–ک آم–د و انگش–تر را از دس–ت آن حضرت بیرون آورد. پیامبر ۶ که در حال نماز بود متوجه جریان شد .هنگامی ک–ه از نم–ازفارغ شد، سر به سوی آسمان بلند کرد و چنین گفت: خداوندا ،برادرم موسی از تو تقاضا ک–ردکه روح او را وسیع گردانی و کارها را بر او آسان سازی و گ–ره از زب–ان او بگش–ایی ت–ا م–ردم گفتارش را درک کنند و نیز موسی درخواست کرد هارون را که برادرش بود وزی–ر و ی–اورش قرار دهی و به وسیله او نیرویش را زیاد کنی و در کارهایش شریک سازی. خداوندا، من محمد پیامبر و برگزیده توام.سینه ام را گشاده کن و کارها را بر من آسان ساز. از خاندانم علی را وزیر من گردان تا به وسیله او پشتم قوی و محکم گردد.

ابوذر می گوید: هنوز دعای پی–امبر (ص) پای–ان نیافت–ه ب–ود ک–ه جبرئی–ل ن–ازل ش–د و ب–ه پیامبر(ص) گفت: بخوان. پیامبر(ص) فرمود: چه بخوانم؟ گف–ت : بخ–وان إِنَّمَ–ا وَلِ–یکُمُ َاللهُ وَرَسُ–ولهُ وَالَّذینَ آمَنُوا الَّذینَ یُقیمُوَنَ َالصلاهَ وَ یُؤْتوُنَ َالزکاهَ وَ هُمْ راکِعُونَ(۱).(۲)

پیوند با بحث

شاید عده ای با شنیدن این داستان این سؤال برای شان ایجاد شود که مگر علی(ع) همان کسی نیست که در نماز چنان مجذوب پروردگار می شد که وقتی تیر از پایش بیرون کشیدند متوجه نشد؟ حالا چطور به سائل فقیر توجه می کند؟ برای علی(ع) حتی یک لحظه غفلت از خدا هم معنا ندارد؛ اما او که همه مخلوقات پروردگار را از خدا میداند ،توجه به مردم را جدا از توجه به خدا نمی داند و آیا اصلاً بدون رسیدگی به حال مردم حضور قلب محقق می ش–ود ؟ راز ولای–ت امیرالمؤمنین(ع) ازجانب خدای متعال این گونه نمازی است .این نماز حکایت از ارتباط عمی–ق بین عابد و معبود و عاشق و معشوق می کند .

نتیجه گیری

علی ونماز دویار جداناشدنی، دوآیت عظیم الهی و دو اقی انوس ب یک ران آکن ده از

ص: ۱۲۳

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۱

۲- مائده: ۵۵

گل واژه های: قَدْ أفْلَحَ الْمؤمنو نَ الَّذینَ هُمْ فی صَلاتِهِم خاشِعُونَ.(۱)

خ--دا را چ--ون عــل--ی روح نــم--از اس--ت در رحــم--ت ب--ه س--وی ش--یعه ب--از اس--ت عـل-----ی آیین-----ه عش-----ق اله-----ی عـل---ی مص---داق اعـج---از نم---از اس---ت رک---وعش ش----اهد انف---اق ایش---ان نگاهش هر زمان مسکین نواز است

برو ای گدای مسکین در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را(۲)

خدایا ،کمک کن تا همانند مولایمان در هر حال به نیازمندان کمک کنیم. آمین .

ص: ۱۲۴

۱- مؤمنون: ۱و۲

۲- محمدحسین شهریار.

۴۶. استعانت

راهبرد جلسه

در این درس به یکی از بزرگ ترین و قو یترین نیروهـایی که خ-دای متع-ال ب-رای انس-ان ه-اطراحی کرده تا در زنـدگی روزمره خود از آن به بهترین شکل کمک بگیرند و بتوانند به کمک آن پله های ترقی و رشد را طی کنند، می پردازیم .

جذابیت اولیه

مربی گرامی آیه شریفه "وَاسْتَعینُوا َبِالصبْرِ وَ َالصلاهِ وَإِنهَّا لَکَبیرَهٌ إِلاَّ عَ-لَی الْخاشِ-عین"؛(۱) از ص-بر و نم-از یاری جویید و این کار جز برای خاشـعان، گران اس ت، را در هفت کارت به شـکل زیر بنویسـد و از یک یا دوتا از دانش آموزان بخواهد تا این کلمات به هم ریخته را به صورت صحیح کنار ه-م چینش کنند .

بالصبرلَکَبیرَهٌ الصلاهانهاَالْخاشعین واستَعینُوا الاعلَی

مربی گرامی پشت هر کارت ترجمه آن کلمه را بنویسـد. زمان یکه دانش آموزان عربی آیه را به طور صـحیح چینش کردنـد، مربی بعد از قرائت صحیح آیه کارت ها را بر گرداند و ترجمه آن را بیان کند .

۱- بقره: ۴۵

پیوند با بحث

شایـد بسیاری از مـا بـاور نکنیم که نماز بتوانـد مشـکلات را برطرف کنـد .این باور که با انجام دو رکعت نماز می توان هم و غمی را برطرف ساخت و مشکلی را آسان نمود، فقط در افق افکـ-ارکسانی است که نگاهی عمیق و بلند به نماز دارند.

انسـان در مسیر رسـیدن به کمالاـت انسـانی اش دشـمنان فراوانی دارد که تلاـش می کنن-د اوبه مقصـد نرسـد .در میـان همه دشمنان، آنکه دشمنی اش بیشتر است، دشمن داخلی است. اگر ما به او چراغ سبز نشان ندهیم سایر دشمنان کمتر می توانند به اهدافشان برسند .

پیامبر اکرم(ص) فرمودنـد: "أَعْدَی عَدُوکَ نَفَسُکَ الَّتِی بیْنَ جَنْبَیْ-کَ"؛(۱) دشـمن ترین دشمنانت نفس اماره ای است که در میان دو پهلویت قرار دارد.

امیرالمؤمنین(ع) فرمودنـد: "أَشْـجَعُ َالنـاسِ مَنْ غَلبَ هَوَاه"؛(۲) شـجاع ترین مردم کسـی است که بر تمایلاـت نفسـانی خویش پیروز شود.

این طرفه حـدیث، ع-ین احس-اس ب-ود رخشـنده تر از دانه الم-اس ب-ود هرکس به هـوای نفس خود چیره شود انصـاف بده که اشجع الناس بود

نفس أمــاره همـان غفلـت و بی تـوجهی مـا از خداونــد متعـال و بســتن چشــمانمان بر روی حـق و حقیقـت اسـت. از ایـن رو امیرالمؤمنین(ع) م-ی فرمای-د : "اَلْغَفْل-َهُ أُضَر الأَعْ-داء"؛(۳) غفل-ت، از هم-ه دشمنان ضررش بیشتر است. غفلت از اینکه همه چیز دست خدواند متعال است. همانطور که

در تعقیب نمـاز مغرب و عشـا می خوانیم: "اللَّهُم بِیَ-دِکَ مَقَ-ادِیرُ اللَّیْ-لِ وَ َالنهَ-ا رِ وَمَقَ-ادِ یرُ ُال-دنْیَا وَالْآخِ-ر هِ وَمَقَـادِیرُ الْمَوْ تِ وَالْحَیَاهِ وَمَقَادِیرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَمَقَادِیرٌالنصْرِ وَالْخِذْلَا نِ وَمَقَادِیرُ الْغِنَی وَالْفَقْر".(۴)

نمـازِ واقعی، انسان را از غفلت خارج می کنـد و بهترین کمک برای مؤمن می باشـد. با چنین نمازی است که می توان عاشورا ساخت. در شب عاشورا، ابی عبدالله(ع) و اصحابش با استعانت

۱- محمدباقر مجلسی ،بحارالانوار، ج۶۷، ص۶۴.

۲- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲ ، ص۱۱۱

۳- عبدالواحد آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۶۵

۴- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج۲، ص۵۴۵.

از نماز و پناه بردن به آن، قوی ترین و زیباترین و عاشقانه ترین نشاط و نیرو را داشتند. با چنین نیرویی بود که در روز عاشورا چنان حماسه جاودانی را آفریدند.

بیان داستان

به دنبال حرکت آی–ت الله حس–ین قم–ی; ب–ه ش–هر ری ک–ه ب–ه منظ–ور اعت–راض نس–بت ب–ه جسارت های ضد مذهبی رضاخان صورت پذیرفت، مح–ل اقام–ت ایش–ان ک–ه در ج–وار ح–رم حضرت عبدالعظیم(ع) بود، محاصره شد .وی در یکی از شب ها به قصد زیارت به مأموری ک–ه نگهبان در باغ بود فرمود: در را باز کن تا ب–ه زی–ارت مش–رف ش–وم. م–أم ور از ب–از ک–ردن درخودداری کرد و به درخواست های مکرر او گوش نداد. آی–ت الله قم–ی ; خط–اب ب–ه نگهب–ان فرمود: ما خود در را باز می کنیم و می رویم و احتیاجی به تو نداریم .سپس دو رکعت نماز به جا آورد و پس از آن دعایی خواند .در این هنگام در باغ خودبه خود باز شد و ایشان از ب–اغ خ–ارجشد و پس از ورود به حرم مطهر و انجام زیارت به باغ بازگشت.(۱) در روایات آمده است:

قَالَ أَبِوعبداللَّ ه(ع): "إِذِا أَرَدَ تَ حَاجَةً فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمدٍ وَآلِهِ مُحَمدٍ اسَئِلْ تُعْطهُ"؛(۲) ام–ام صادق(ع) فرمودند: هنگام حاجت دو رکعت نماز بخوان و درود ب–ر پیغمب–ر و آل او بفرس–ت وحاجتت را بخواه که به تو داده می شود .

قال رسول الله(ص): "أَنَهَّ ُ كَا نَ إِذَا أَصَابَ أَهْلهُ خَصَاصَهٌ قَالَ لهُمْ قُومُوا إِلِى َالصلَا ةِ وَقَالَ بِهَ–ذَا أَمَ–رَ رَب "؛(۳) چون مشکلی به اهل خانواده می رسید، حضرت رسول(ص) برای رفع آن می فرمود: برخیزید و نماز بخوانید. بعد می فرمود: این دستور خدای من است.

۱– عبدالرحمن باقرزاده ،کرامات علماء، ص۱۶۴.

۲– محمدبن یعقوب کلینی ،فروع کافی، ج۳، ص۴۷۹.

۳– میرزا حسین نوری ،مستدرک الوسائل، ج۲، ص۲۴۲.

۴۷. عزت یا ذلت

راهبرد جلسه

نماز چنان اسرار و شگفتی های ظاهری و باطنی ای دارد که هرقدر بدان پرداخته شود، باز فضا برای طرح مباحث جدید وجود دارد. نمونه ای از آن، در این جلسه ب-رای دان-ش آم-وزان بی-ان خواهد شد .

جذابیت اولیه

مالک اشتر که از فرمانـدهان لشـکر اسـلام و فرمانـده سپاه علی(ع) بود. روزی از ب-ازار کوف-ه عب-ور میکرد. پیراهنی از کرباس بر تن و عمامه ای از کرباس بر سر داشت. فردی که او را نمی ش-ناخت .

با مشاهده آن لباس کمارزش، مالک را حقیر و خوار شمرد و ازروی اهانت پ-اره کل-وخی را ب-ه وی زد. مالک اشتر این عمل زشت او را نادیده گرفت و بدون خشم و ناراحتی، ب-ه راه خ-ود ادام-ه داد .

بعضـی که ناظر جریان بودند به آن مرد گفتند: وای بر تو! آیا دانستی چه کسی را مورد اهان-ت ق-رار دادی؟ جواب داد: نه. گفتنـد: این مرد مالـک اش-تر فرمـان-ده لش-کر امیرالم-ومنین (ع) اس-ت . م-رد از شـنیدن نـام مالـک به خود لرزیـد و از کرده خویش سـخت پشـیمان شد. نمی دانست چ-ه کن-د . ق-دری فکر کرد. سرانجام تصمیم گرفت هرچه زودتر خود را به مالک برسانـد و از وی عذر خواهی کند، ت-اشاید از خطر مجازات رهایی یابد .به دنبال مالک رفت و او را در مسـجدی دید که نماز م-ی خوان-د . صبر کرد تا نمازش تمام شـد. خود را روی پاهای مالک انـداخت و آنها را بوسـید. مالک پرس-یـد : ای-ن چه کـاری است که می کنی؟ جواب داد: از عمل بـدی که کرده ام پوزش می خواهم. مالک با گشاده -رویی و محبت به وی فرمود: خوف و هراسـی نداشـته بـاش. من هم به مسـجد نیامـدم، مگ-ر آنک-ه از پیشـگاه الهی برای تو طلب آمرزش نمایم.(۱)

ص: ۱۲۸

۱- محمدباقر مجلسی ،بحارالانوار، ج۴۲، ص۱۵۷.

حالا بگویید از این داستان چه نتیجه ای گرفتید؟

احسنت! چون نماز وسیله ارتباط با خداوند عزیز و بی همتاست، باعث عزت انسان میشود: "مَنْ کانَ یرُیدُ العِزهَ فَلِلّهِ العِّزهُ جَمیعا"؛(۱) پس هرکسی سربلندی می خواهد، سربلندی یکسره از آنِ خداست .

هر آن کس که عزت نماید طلب بداند که عزت بود خ-اص رب (۲)

کسی که نماز می خواند عزت و بزرگی را از خدا طلب میکند. برخلاف کسانی ک-ه چن-ین ارتباطی را ندارند و در برابر عزت حقیقی سر تعظیم فرود نمی آورند و درنتیجه در برابر دنیا و دنیا پرستان خود را خوار و ذلیل می کنند؛ مانند عمربن سعد که امام حسین(ع) به او فرمودن-د :

اینها (یزیدیان) را رها کن و به ما بپیوند، که این کار برای تو بهتر است و تو را مقرب پیشگاه خدا کند. عمرسعد گفت: می ترسم خانه ام را خراب کنند. امام(ع) فرمود: اگرخراب کردن-د م-نآن را می سازم.عمرسعد گفت: می ترسم باغم را بگیرند.

امام(ع) فرمود: اگر گرفتند بهتر از آن را در بغیبغه حجاز که چشمه عظیمی است به تو می دهیم .

حمیدبن مسلم می گوید: من با عمرسعد دوست بودم .پس از جریان ک-ربلا ن-زدش رف-تم وپرسیدم حالت چطور است؟ گفت: از حالم مپرس، هیچ غایبی به خانه اش بازنگشته ک-ه مانن-دمن بار گناه را به خانه آورده باشد.(۳)

همانطور که پیغمبر اکرم(ص) فرمودند: "تَرَکْ َالصلَا ةِ یُورِثُ ُال-ذل"؛(۴) کسی که نم-از را ت-رک کند نتیجه اش خواری و ذلت است. ترک نماز به صرف نخواندن ظاهر الفاظ نماز نیست؛ بلک-ه به اقامه نکردن و عمل نکردن به روح نماز است.

خدایا ،به ما عزت بده تا ذلیل بندگان نباشیم. آمین .

۱- فاطر: ۱۰.

۲- امید مجد، ترجمهٔ منظوم قرآن کریم.

۳- شیخ محمدمهدی حائری، معالی السبطین، ج۱، ص۳۰۴.

۴- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج۱۲، ص۳۳۴، باب ۳۹، باب تحریم التظاهر بالمنکرات .

۴۸.نمازتجلی بدهکاری ما

راهبرد جلسه

در این جلسه درصدد تبیین این موضوع هستیم که آیا خداوند متعال در برابر عبادات بن-دگان به آنان بدهکار می شود؟

جذابیت اولیه

صبر کدام پیامبر مثال زدنی است؟

درود بر شما! حضرت ایوب(ع) که بعد از دیدن آن همه بلا و سختی، صبور و شکیبا بود و به خداوند عزوجل عرض کرد: خدایا، اگر محکمه ای تشکیل شود، حاضرم با تو در آن محکمه مناظره کنم! خداوند فرمود: این دادگاه همین جاست ."هاتَ حُجت-ك"؛ دلیل و حجت-ت را بی-اور[که من(خدا) به تو (ایوب) بدهکارم!]

ایوب گفت: خدایا کدام دوراهی برای من پیش آمد که من س-خت ت-رین و ب-دترین آن را انتخاب نکرده باشم؟ هرچه مال و فرزند داشتم از دستم رفت؛ اما دس-ت از ش-کر و حم-د ت-وبرنداشتم .تمام زراعتم آتش گرفت، تمام گوسفندانم هلاك شدند و از بین رفتند، باز دس-ت ازشکر و حمد تو برنداشتم .خداوند در جواب او فرمود: "مَنْ أقدَركَ وَوَفقَك عَلی ذل-ك"؛ [ایوب، بنده صبور من] چه کسی به تو این قدرت و توان و توفیق را داد تا بتوانی در برابر این مش-کلات وسختی ها مقاومت کنی؟

حضرت ایوب(ع) گفت: "أنْ یاربی "؛(۱) تو، ای پروردگار من.

ص: ۱۳۰

۱- محمدباقر مجلسی، بحار الانوارج۱۲.ص ۳۴۱

نتیجه گیری

خداونـد قدیر و رحیم، خودش نعمت وجود را به ما عنایت کرده است: "فَإِذا سَوَّیْتُهُ وَنَفَخْتُ فیهِ مِنْ رُوحی،(۱)هُوَ الَّذی خَلَقَکُمْ مِنْ طینٍ ثمَّ قَضی أَجَلا.(۲) حالا اگر ما این نعمت را به خودش برگردانیم؛ مثلاً رزق و ثروتی را که داده است:"اللّهُ لَطیفٌ بِعِبادِهِ یَرْزُقُ مَنْ یَش-اءُ وَهُ-وَ الْقَ-وِ ی الْعَزی-زُ ،(۳) ب-ه ش-خص

دیگری قرض بدهیم، آیا طلبی از خدا خواهیم داشت؟ با این کار ،عناوینی مثل س-خاوت مندی ،صبوری، شجاعت و کرامت را به دست می آوریم .

پس ما با نماز خواندن نه تنها از خدای متعال که صاحب حقیقی تمام هستی ماست چیزی طلبکار نمی شویم؛ بلکه به این واسطه دراثر فضل و رحم-ت او ص-احب مکن-ت و ع-زت ه-م خواهیم شد تا بر بدهی های ما نسبت به او افزوده شود .

هرکه در بند تو شد بسته جاوید بماند پای رفتن ب-ه حقیق-ت نب-ود بن-دی را بندگان شکر خداوند بگوین-د ولی-ک چه توان گفت کرم های خداون-دی را (۴)

خدایا ،توفیق عبادت خالصانه به ما عنایت کن. آمین .

ص: ۱۳۱

۱- پس چون او را درست و نیکو گردانم و از روح خود در او بدمم" (حجر: ۲۹)

۲- .اوست که شما را از گلی مخصوص آفرید، سپس برای عمر شما مدتی مقرر کرد" (انعام: ۲)

۳- خدا به بندگانش بسیار مهربان و نیکوکار است، هرکه را بخواهد روزی می بخشد و او نیرومند و توانای شکست ناپذیر است" (شوری: ۱۹)

۴- سعدی شیرازی، بوستان.

۴۹. صبر زینب(س)

راهبرد جلسه

به یقین، نماز نیز مانند هر عبادت دیگری اسرار فراوانی دارد که با علم به آنها، مس–یر رش–د وتعالی طی خواهد شد. صبر نیز از مهم ترین اسرار نم–از اس–ت ک–ه در ای–ن درس ب–ا آن آش–نامی شویم .

جذابیت اولیه

یک جدول به شکل زیر رسم کنید.

۱.جمع مکسر قصه م یباشد؟

۲.اگر هر گنهکاری بعد از گناه انجام دهد، مانند این است که گناه نکرده است؟

۳.به جمع کسانی که روی حق و حقیقت، پرده انداخته باشند گفته می شود؟رمز جدول کلمه "صبر" است که در ستون وسط به صورت عمودی قرار دارد.

پیوند با بحث

حضرت زینب(س) در خانواد های به دنیا آمد که به طهارت و پاکی شهرت داشت؛ در خانواده ای

ص: ۱۳۲

که آیه إِنَّمَا یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً(۱)بر عصمتش صحه گذاشت؛ خانواده ای که ملائکه، غبار در و دیوارش را به تبرک بر دیدگان می مالیدند و به آن مباهات می کردند. به نظر شما چرا او را زینب نامیدند؟ باید گفت: هنگامی که عقیله بنی هاشم متولد شد، پیامبر(ص) در سفر بود. از این رو مادرش فاطمه(س) از علی(ع) خواست نامی برای این نوزاد معین کند. اما علی(ع) امتناع نمود. و این امر را به بازگشت پیامبر(ص) واگذار کرد. وقتی آن حضرت از سفر برگشت ضمن ابراز خشنودی و خرسندی فرمود: فرزندان فاطمه فرزندان من هستند؛ ولی خداوند درباره آن تصمیم می گیرد. بعد جبرئیل(ع) نازل شد و ضمن ابلاغ سلام خداوند، گفت: باریتعالی می فرماید: نام این دختر را زینب بگذار که این نام را در لوح محفوظ نوشته ام. آنگاه رسول خدا زینب(س) راگرفت و بوسید و فرمود: "توصیه می کنم این دختر را همه احترام کنند، که او مانند خدیجه است"؛ یعنی حضرت زینب(س) به سان خدیجه کبری(س) در راه سرافرازی اسلام همه مصائب و بلایا را تحمل خواهد کرد و با صبر و استقامت و ایثار، موجب رشد و تعالی این دین مقدس خواهد شد .شاید از خود بپرسید، زینب کبری(س) این صبر و استقامت را چگونه آموخته است؟ می گوییم از جدش رسول الله(ص)، پدرش علی مرتضی(ع) و مادرش فاطمه زهرا(س). آنها این همه صبر و شکیبایی را چگونه به دست آورده اند؟ می گوییم نماز و سجده بر خداوند حلیم، انسان را چنین می سازد: وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّکَ یَضِیقُ صَدْرُکَ بِمَا یَقُولُونَ * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَکُنْ مِنَ السَّاجِدِینَ.(۲) از اینکه خدای متعال تسبیح وسجده و عبادت را به کسی که از زخم زبان ها به تنگ آمده توصیه می کند، معلوم می شود که تسبیح و حمد و سجده و عبادت، در از بین بردن اندوه و سبک کردن مصیبت، بسیار مؤثراست. مراد از ساجدین در آیه شریفه، نمازگزاران می باشند و دستور، دستور به نمازخواندن است نه تنها سجده، و اگر نماز را سجده نامیده به خاطر این است که سجده افضل اجزای نماز است.(۳)

۱- خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند" (احزاب: ۳۳)

۲- و قطعاً می دانیم که سینهٔ تو از آنچه می گویند تنگ می شود. پس با ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده کنندگان باش" (حجر: ۹۸- ۹۷)

۳- سیدمحمدحسین طباطبایی ،المیزان، ترجمهٔ سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج۱۲، ص۲۸۸.

نتیجه گیری

بنابراین اگر قصد همیشه پیروز بودن در مسیر زندگی را داریم باید صبر پیشه کن-یم ؛ چراک-ه :

" وللهُ يُحِبُ الصابِرين"؛(۱) خـدا صبرکننـدگان را دوس-ت دارد . ازآنجـاک-ه انبی-ا و اولی- ا، انس-انه-ای همیشه موفق و سعادتمنـد معرفی شـده انـد ،مـا نیز برای کسـب مـوفقیت بایـد مسـیر آنهـا را در پیش بگیریم: فَاصْبِرْكَما صَبَرَ أوُلُوا الْعَزمِ مِنَ الرسُل.(۲)

ص: ۱۳۴

۱- آل عمران: ۱۴۶

۲- پس صبر کن، هما نگونه که صاحبان عزم راسخ از فرستادگان خدا صبر کردند" (احقاف: ۳۵)

۵۰. عبادت به جز خدمت خلق نیست

راهبرد جلسه

عبادت به جز خدمت خلق نیست(۱) در این جلسه به بررسی این موضوع می پردازیم که عبادات به ویژه نماز، زمانی مقب–ول درگ–اه خداونـد متعـال است که اثر و نتیجه عملی آن در انسـان ایجـاد شود و یکی از بهت–رین عب–اداتخـدمت به دیگران است.

جذابیت اولیه

مربی شـش کـارت را آماده می کنـد و به شـکل پراکنـده کنار هم قرار می دهـد .و از شـش نف–ر ازدانش آموزان دعوت به همکاری می کند. کار تها را در اختیار دانش آم–وزان ق–رار م–ی ده–د . از دیگر دانش آموزان می خواهد تا چینش درست جمله را حدس بزنند.

خدمت عبادت نیست خلق به جز

بیان داستان

بیان داستان (۲)یکی از بزرگان می فرمود: شبی در عالم رؤیا پدر و پدربزرگ و بقیه اجدادم، تا نسل پیامبر(ص) را در مجلسی با حضور خود پیامبر(ص) دیدم. همه دور ایشان حلقه زده بودند و من در مجلس دنبال پدر و پدربزرگم می گشتم .

ص: ۱۳۵

۱- سعدی شیرازی، بوستان.

۲- مربی گرامی بعد از شنیدن پاسخ صحیح دانش آموزان داستان را تعریف کند.

ابتدا گمان کردم آنها به ترتیب ارتباط با پیامبر(ص) نشسته اند؛ اما این گون-ه نب-ود. س-پس فکر کردم شاید بهترتیب سن از دنیا رفتنشان نشسته اند؛ اما بعضی با ریش سفید ب-ا فاص-له ازپیامبر(ص) و بعضی جوان و نزدیک ایشان بودند .پ-س ب-ه ای-ن نتیج-ه رس-یدم کس-انی ک-ه مقرب ترند و نماز و عبادتهایشان را به موقع انجام می دادند نزدی-ک آن حض-رت هس-تند . در همین افکار بودم که پیامبر(ص) دس-تان مبارکش-ان را ب-ه دو ط-رف بلن-د ک-رده، روی ش-انهنزدیکترین ما گذاشتند و فرمودند:

هر کدام از ایشان که در زمان حیاتش بیشتر به مردم خدمت کرده اس-ت، ح-الا ب-ه م-ن نزدیکتر است .

از خواب که بیدار شدم به یاد این حدیث افتادم: "نزدیک ترین ش-ما در قیام-ت ب-ه م-ن،نزدی کترین شما به مردم است".(۱)

پیوند با بحث

بعضی گمان می کنند این شعر که "عبادت به جز خدمت خلق نیست" اشتباه اس-ت؛ زی-را ک-ه فقط ظاهر نماز و نماز شب و اذکار را عبادت می دانند؛ درحالیکه به این نکته توجه ندارند ک-ه اگر کسی نمازگزار واقعی باشد، عاشق مخلوقات خدا هم میشود. درواقع کسی که نم-ی توان-دبه مردم خدمت کند، آنها را مانند پیغمبر اکرم(ص) دوست ندارد؛ همو ک-ه خداون-د درب-اره اش می فرماید:لَعَلَّکَ باخِعٌ نفَسَکَ ألَّاَ یَکُونُوا مؤمنان.(۲)

نتیجه گیری

نماز واقعی نمازی است که ثمره و نتیجه آن در خدمت گزاری و راه انداختن کار دیگ-ران ب-روزمی کند .

خدایا ،ما را از نمازگزاران واقعی قرار بده. آمین .

ص: ۱۳۶

۱- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۰۳

۲- "گویی می خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست بدهی به خاطر اینکه آنهاایمان نمی آورند(شعرا :۳)

۵۱. شیطان که رانده گشت به جز یک خطا نکرد

راهبرد جلسه

در این درس به یکی از آثار بی اعتنایی و ترک نماز می پردازیم

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه(۱)شیطان که رانده گشت به جز یک خطا نک-رد خ ود را ب رای س جده آدم رض ا نک رد ش--یطان ه--زار مرتب--ه بهت--ر ز ب--ی نم--از او سجده بر آدم و این ب-ر خ-دا نک-رد(۲)

روزی حضرت فاطمه۳ از پدر بزرگوارشان پرسیدند:(۳) یا رسول الله، کسی ک-ه نس-بت ب-ه نماز سستی کند، چه وضعیت و سرنوشتی دارد؟ پیامبر(ص) فرمودند: دخت-رم ه-رکس نم-از راسبک بشمارد، خداوند او را به پانزده بلا دچار می سازد. که شش تای آن مربوط به دنیا، سه تای آن مربوط به هنگام مرگ، سه تای دیگر مربوط به قبر و سه تا هم مربوط به قیامت است.

اما آن شش بلایی که در دنیا گریبان گیر او می شود.(۴)اول: خداوند برکت را از عمرش می گیرد.(۵)

۱- مربی گرامی شش نفر از دانش آموزان را به همکاری دعوت کند.

۲- محمدمهدی طهوری نیا .

۳- أ َنَهَا سَأَلَتْ أبَاَهَا مُحمدا(ص) فَقَالتْ یاَ أبَتَاهْ مَا لِمنْ تهَاوَنَ بِصَلاَتِهِ مِنَ ِالرجَالِ وَ ِالنسَاءِ قاَلَ یاَ فاَطِمَةُ مَنْ تهَاوَنَ بِصَلاَتهِ مِنَّ الرجَالِ وَ ِالنسَاءِ ابتْلاَهُ الله بِخَمْسَ عَشْرَةَ خَصْلهَ سِت مِنهَا فِی دَارِ ُالدنیَا وَث َلاَثُ عِنْدَ مَوْتِهِ وَث َلاَثُ فِی قبْرِهِ وَث َلاَثُ فِی القِیاَمَهِ إِذاَ خَرَجَ مِنْ قبْرِهِ فأَ ماَ اللَّوَاتِی تصِیبهُ فِی دَارِ ُالدنیْاَ فَالْأُوْلَی یرَفْعُ الله البرَکَةَ مِنْ عُمُرِهِ وَیرَفْعُ اللهُ البرَکَةَ مِنْ رِزقْهِ وَیمَحُو اللهُ عَز وَجَلَّ سِیماَءَ َالصالحِینَ مِنْ وَجْهِهِ وَکُلُّ عَمَلٍ یعَمَلهُ لاَ یؤُجَرُ عَلیْهِ وَلاَ یرَتْفِعُ دُعَاؤهُ إِلَی َالسماَ ءِ وَ َالسادِسَهُ لیْسَ لهُ حَظ فِی دُعَاءِ الصالحِینَ " (می رزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج۳، ص۲۴).

۴- مربی گرامی هرکدام از این شش مورد را بر روی کارت ها بنویسد .

۵- مربی کارت را به صورت عربی بنویسد و از دانش آموزان بخواهد ترجمهٔ آن را حدس بزنند.

یرْفَع اللَّه الْبرَکَهَ منْ عمرِه

دوم: خدا برکت را از روز یاش می گیرد.(۱)

یرْفَع اللَّه الْبرَکَهَ منْ رِزقه

دوستان خوب کدام یک از شما می دانید برکت به چه معناست؟

آفرین به شما بچه های با هوش! برکت با زیادی و افزونی، فرق دارد! ممکن است، عم-ر وثروت کسی زیاد باشد؛ اما برکت نداشته باشد و برعکس ممکن است، عمر و ث-روت شخص-یکم باشد؛ اما برکت داشته باشد. درواقع برکت بهمعنای بجا و درست استفاده ک-ردن از عم-ر وثروت و هر چیزی است.

سوم: خداوند سیمای نیکوکاران را از او می گیرد .به این معنا ک-ه دیگ-ر آن دلنش-ینی وصفای باطنی که موجب جذابیت ظاهری نیز می شود را نخواهد داشت.

یمحو اللَّه سیماء الصالحینَ منْ وجهِه

روزی از پیامبر اکرم(ص)پرسیدند شما زیباتر هستید یا حضرت یوسف؟ پیغمبر اک-رم (ص) فرمودند: "کاَنَ یُوسُفُ (ع) أَحْسَنَ وَ لَکننی أمل-َح"؛(۲) برادرم یوسف از من زیباتر بود اما من ملیح ت-ر [نمکی تر و تودلبروتر] هستم .

چهارم: هر عمل خوبی انجام دهد، نتیجه ای نخواهد داشت و مزدی نخواهد گرفت؛ زیرا

ص: ۱۳۸

۱- مربی بعد از شنیدن نظرهای دانش آموزان ترجمهٔ صحیح را خودش بیان کند و برای توضیح بیشتر به شکل سؤال و جواب ادامه دهد .

۲- محمدباقر مجلسی ،بحار الانوار، ج۱۶، ص۴۰۸.

رابطه خود را با صاحب کار و عمل خوب که خدای متعال است با قطع نماز، قطع کرده است .

کُلُّ عملٍ یعملُه لَا یؤْجرُ علَیه

پنجم: دعایش مستجاب نمی شود و بالا نم یرود؛ چراکه ملائکه بایـد دعای او را بالا ببرند و ملائکه بدون امر الهی کاری نمی کنند.(۱) دعـاکنن-ده ب-ا ت-رک نم-از درواق-ع رابـط-ه و مس-یرهمـاهنگی خودش را قطع کرده است؛ نهاینکه مشـکل ازجانب خدای متع-ا ل باش-د ؛ بلک-ه ای-ن بی تدبیری خودمان سبب مستجاب نشدن دعاهایمان می شود .

لَا یرْتَفع دعاؤُه إِلَی السماء

ششم: از دعای انسان های شایسـته نیز سـهم و بهره ای ندارد .بدیهی است که انسان های شایسته در حق همسایگان، دوستان و اقوام خود دعا می کننـد. از همه بالاتر، وجود مقـدس امام زمان(عـج) در حق مؤمنان و شـیعیان دعا می فرماینـد؛ اما برطبق این حدیث ای-ن دعاه-ا ش-امل حال کسی که نسبت به نماز بی اعتناست، نم یشود .

لَیس لَه حظٌّ فی دعاء الصالحین

خدایا ،خودت هدایتمان کن. آمین .

ص: ۱۳۹

۱- "اَلسَّلاَمُ عَلَی مَلاَئِکَهِ للهِ المُقِیمِینَ المُسَبِّحِینَ الَّذِینَ هُمْ بِأمْرِهِ یعَمَلوُن؛ درود بر فرشـتگان خـدا که کنار قبر باقی مانـده و تسبیح میگویند. آنانکه به امر پروردگارشان قیام کرده اند (صدوق ،من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۶۰۵).

۵۲. خودبینی مایه هلاکت

راهبرد جلسه

در این جلسه به این موضوع می پردازیم که خودبینی موجب هلاکت است و اگر بخ-واهیم درمسیر حق قرار بگیریم، قدم اول، پا روی نفس خود گذاشتن و تکبر را به دور انداختن است .

جذابیت اولیه

مربی ابتدا یک بادکنک را باد کند و درحالی که آن را نگه داشته است، این داس-تان را تعری-ف کند:

ادیبی بود بسیار دانا و عالم، که به قصد سفر، سوار کشتی شد. کشتیبانی توانا کش-تی رابه سوی دریای بیکران هدایت کرد. کشتی در میان امواج دریا پیش می رفت. مرد دانشمند که به کشتیبان چشم دوخته بود، قدمی جلو گذاشت و با غرور رو به او ك-رد و گف-ت: آی-ا ت-و ازادبیات چیزی م یدانی؟

کشتی بان گفت: نه از آن چیزی نمی دانم .

ادیب با تأسف سری تکان داد و گفت: پس نیمی از عمرت بر فناست.

ساعتی بعد، باد سختی وزیدن گرفت و کشتی را در گردابی افکند. کشتی گاه به چ-پ وگاه به راست کج می شد؛ دانشمند هراسان خود را به کشتی بان رساند و فریاد زد: ح-ا لا چ-ه باید کرد؟

کشتی بان گفت: آیا تو از شنا کردن چیزی می دانی؟ ادیب گفت: نه

کشتی بان گفت: "پس کل عمرت بر فناست؛ زیرا کشتی در حال غرق شدن است.

ادیب ماند و گرداب و عمری که داشت فن-ا م-ی ش-د ، و ص-دای کش-تی ب-ان در گوش-ش

می پیچید:

محو می بایـد نه نحو(۱) اینجا ب–دان گر تو مـح–وی (۲) ب–ی خـطـ–ر در آب ران(۳) دوسـتان خوب من ،ادیب دچار چه بیماریـای بود؟ م یتوانیـد بگوییـد منظور از کش–تی ب–ان وادیب و دریای طوفانی در این تمثیل مولوی چیست؟ براساس این داستان تنها راه نجات ما از طوفان این دنیا چیست؟

پیوند با بحث

گاهی آنقدر خودمان را بزرگ می بینیم که دیگر هیچ چیزی را نمی توانیم بینیم. مثل کسـی که بادکنک بزرگی باد می کند؛ آنقدر که جلوی چشمان او را می گیرد.(۴) تکبر مانند ای–ن بادکن–ک توخالی، توهمی بیش نیست. با تکبر، هیچ وقت نمی تـوانیم عـاشق کسـی ش–ویم؛ چ–ون عـاش–ق اصـلاً خودش را نمی بینـد؛ امـا متکـبر، غیرخود را نم یبینـد و همه چیز را برای خودش می خواه–د؛حتی دوسـتانش را! اگر مطابق امیال او بودنـد با آنها طرح رفاقت می ریزد و اگر نبودنـد دوستی–اش را به هم می زنـد؛ اما عاشق، خودش را وقف معشوق می کنـد .اصـلاً برایش مهم نیست ک–ه از ناحیه معشوق چیزی نصـیب او می شود یا خیر؟ چراکه محو تماش–ای معش–وق ش–ده اس–ت.

دیگر به جای "من" ، "تو" شده است .

پس یکی از راز های بزرگ نماز این است که تا قـدم بر نفس خود نگـذاریم دیدن معشوق و محبوب حقیقی غیرممکن است؛ چه برسد به رفاقت با او. انبیا: آمده اند به ما بگویند: ت–ا ازخودتان عبور نکنید و تکبر و غرور را از بین نبری–د، پ–ا در س–رای معش–وق نم–ی گـذاری–د و ب–اخود خواهی در غرقاب دنیا هلاک می شویـد .پس آن دریای طوفانی جایی غی–ر از ای–ن دنی–ای فانی نیست .

۱- منظور ادبیات است.

۲- منظور گم شدن و فنا شدن در ذات خداوند متعال است

۳- مولوی، مثنوی معنوی.

۴- مربی بادکنک را در این لحظه مقابل صورت خود نگهدارد

"وَإِ نِ مِنْكَمْ إِلاّ وارِدِها کا نَ عَلی رَب کَحَتْ ماً مَقْضِیا * ثمُ نُنَجی الَّذینَ اتقَّوْا"،(۱) و آن کشتی امن و مطمئن جز کشتی سریع و وسیع اهلبیت: و مسیر حق نمی باشد .

حافظ از دست مده صحبت این کشتی نوح ورنه طوفان حوادث ببرد بنیادت(۲)

ص: ۱۴۲

۱- هیچ کس از شما نیست، مگر آنکه وارد جهنم می شود که بر پروردگارت حتمی و مقرر است. آنگاه کسانی را که تقوا پیشه کرده اند، از آن رهایی م یبخشیم" (مریم: ۷۱-۷۲)
۲- حافظ شیرازی، دیوان.

۵۳. نماز کارخانه انسان سازی

راهبرد جلسه

در این درس به توضیح کوتاهی راجع به این آیات شریفه می پردازیم: "إِنَّ الْإِنسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا* إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا* وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا * إِلَّا الْمُصَلِّينَ "؛(۱) به یقین انسان، حریص و کم طاقت آفریده شده است .هنگامی که بدی به او می رسد بی تابی می کند و هنگامی که خوبی به اومی رسد مانع دیگران می شود و بخل می ورزد؛ مگر نمازگزاران .

چرا کسی که نمازگزار است بخیل و کم طاقت نیست؟ (۲)

پیوند با بحث

ارتباط نمازگزار با درگاه پروردگار متعال از طریق نماز برقرار می شود . نمازی که دراثره منشینی با خداوند متعال انسان را از فحشا و منکر بازمی دارد؛ نمازی که روح و جان انسان را پرورش م یدهد و سبب می شود او همواره به یاد خدا باشد و این توجه مستمر مانع از غفلت و غرور و فرو رفتن در دریای شهوات، و اسارت در چنگال شیطان و بخل و کم طاقتی و هوای نفس می شود. اصولاً هر کار خوبی زمانی در انسان اثر م یگذارد که دوام داشته باشد ولذا درحدیثی از پیغمبر اکرم(ص) می خوانیم: إ نَّ احَب ا لأعمال إلی الله ما دام و إ نْ قَلَّ "؛(۳) محبوب ترین اعمال نزد خدا چیزی است که مداومت داشته باشد، هرچند کم باشد .

۱- معارج: ۱۹ -۲۳

۲- مربی ابتدا نظر دانش آموزان را بشنود.

۳- سیدمرتضی علم الهدی، تنزیه ا لانبیاء، ص ۱۳۰

نمازگزار واقعی

مرد شامی تازه به مدینه رسیده بود و در کوچه های شهر قدم می زد. او متوجه سواری شد ک–ه از دور م یآمد ،و ره گذران سلامش نموده، به احترامش راه باز می کردند.

مسافر از آنان پرسید: این سوار کیست که این گونه گرامی اش می دارید؟!

گفتند: او حسن بن علی بن ابی طالب(ع) است .با شنیدن این نام، مرد چهره دره–م کش–ید وغضبناک به سوی سوار رفت! مقابل او ایستاد و شروع به سرزنش نمود. تا توانست ناسزا گف–تو بدگویی نمود و سخنان ناروا بر زبان جاری ساخت! آن سوار نورانی ابتدا س–کوت ک–رد و ب–ه انتظار ایستاد تا مرد مسافر سخنانش تمام شود. آنگاه به مهربانی لبخندی بر لب آورد و چنین فرمود: ای پیرمرد، به گمانم غریبی! گویا دچار اشتباهی شده ای! اگر حلالیت بطلبی تو را عف–وخواهیم کرد .اگر چیزی بخواهی عطایت می کنیم .اگر طالب رش–د و ه–دایت باش–ی ارش–ادت می کنیم .اگر مرکبی بخواهی آن را به تو می بخشیم .اگر گرسنه هستی غذایت می دهیم. اگ–ربرهنه باشی تو را می پوشانیم .اگر حاجت مندی حاجتت را روا می سازیم .اگر از وطن رانده ش–ده باشی پناهت می دهیم .اگر نیازی داشته باشی نیازت را برآورده می سازیم .اکن–ون بهت–ر اس–ت وسایلت را به خانه ما بیاوری و تا پایان سفرت با ما زندگی کنی؛ زیرا منزل ما وس–یع اس–ت واسباب رفاه و آسایش در آن فراهم است... .

جملات مهرآمیز امام ادامه داشت، و مروارید اشک پیدرپ–ی ب–ر گون–ه ه–ای م–رد ش–امیمی غلتید. سخن امام به پایان رسید .مرد شامی با چشمان اشک آلود گفت: شهادت می دهم تو خلیفه خدا بر زمین هستی و حقیقتاً خداوند بهتر می داند رسالت خود را در کدام خان–دان ق–راردهد. پیش از این، شما بزرگ ترین دشمن من بودید و پس از این دیدار کسی را بیشتر از شما دوست نمی دارم .

نتیجه گیری

آری ،مرد شامی که سالیان سال تحت تأثیر تبلیغات سوء بنی امیه زیسته بود، بنابر القائ–ات آن قوم پلید، اهلبیت: را دشمن می داشت و بر خود لازم می دانست که به آن بزرگواران ناسزا گوید؛ اما امام حسن مجتبی(ع) - کریم اهلبیت - قدم پیش نهاد و به نور ولای–ت و حکم–ت،

ص: ۱۴۴

زنگار جهل مرد را زدوده، چراغ معرفت را در قلب او روشن ساخت. به او فهمانـد که امام خلیفه خداونـد در بین بندگان بوده، هرآنچه مورد نیـاز ایشـان است اعم از نعمت هـای مـادی و کم-الاـت معنوی در محضـر او موجود است و بایـد از ایشان طلب کرد.

نمـاز است که به انسـان چنین بردباری و حلمی را عطا می کنـد ،و این نماز است ک-ه ریش-هبخل و کینه را در درون انسان می خشکاند و از بین می برد ....

ص: ۱۴۵

۵۴. نماز حاجت

راهبرد جلسه

هریک از ما در زندگی خود دچار مشکلات و سختی هایی هستیم و امیدواریم با لطف و محبت الهی هرچه زودتر برطرف بشود. آنچه در اینجا بررسی می کنیم، پیدا کردن مسیر صحیح برای رفع مشکلاتمان است.

جذابیت اولیه

دوستان خوب من، تابه حال دچار مشکل مالی سخت شده اید، یا کسی را دیده اید که دچ-اراین مشکل شده باشد؟ به نظر شما اگر ما در چنین شرایطی ق-رار بگی-ریم چ-ه راه حل-ی پی-دامی کنیم و اولین گزینه ای که به ذهنمان می آید چیست؟(۱)

حضرت زین العابدین(ع) از کنار مردی که بر در خانه مرد دیگری نشسته بود عبور کرد. به آن مرد فرمود: برای چه جلو خانه این مرد ستم کار و جبار نشسته ای؟ آن مرد گفت: ب-ه عل-ت گرفتاری و سختی که در زندگی بر من وارد شده است.

امام(ع) فرمود: برخیز تا من تو را به درِی که بهتر از دِرِ خانه اوست و به سوی ارب-ابی ک-ه برای تو از او بهتر است ،راهنمایی کنم .

پس امام(ع) دست او را گرف-ت و ب-ه راه افتادن-د ت-ا ب-ه مس-جدالنبی(ص) رس-یدند . ام-ام زین العابدین(ع) به او فرمود: رو به قبله بایست و برای رضای خدا دو رکعت نماز بخوان و ب-ررسول خدا(ص) صلوات بفرست و این آیات را بخوان:

۱- مربی گرامی اجازه بدهد دانش آموزان نظرهای خود را بیان کنند

آیات آخر سوره حشر(۱)

"اگر این قرآن را به کوه نـازل می کردیم، می دیـدی که در برابر آن خـاشع می ش‍ود و از خ‍وف خـدا می شـکافد! ما این مثال ها را برای مردم می زنیم، که شاید در آن بیندیشـند! او خدایی است که معبودی جز او نیست، دانای آشکار و نهان است، و او رحمـان و رحیم است! و خـدایی است که معبودی جز او نیست؛ حـاکم و مالـک اصـلی اوست؛ از هر عیـبی منزه است؛ به کس‍ی س‍تم نم یکنـد؛ امنیت بخش است؛ مراقب همه چیز است؛ قدرتمندی شـکست ناپذیر که ب‍ا اراده ناف‍ذ خود هر امری را اصـلاح می کند؛ و او شایسته عظیم شمردن است. خداوند پاک و منزّه است از آنچه شریک برای او قرار می دهند! او خداونـدی است خ‍الق، آفرینن‍ده ای اس‍ت ب‍ی س‍ابقه، و صورت گری بی نظیر، برای او نام های نیک است. آنچه در آسمان ه‍ا و زم‍ین اس‍ت تس‍بیح او می گویند و او عزیز و حکیم است."

شش آیه اول سوره حدید(۲)

"آنچه در آسـمانها و زمین است برای خـدا تسبیح می گویند و او عزیز و حکیم است. مالکیت و حاکمیت آسـمانها و زمین از آن اوست؛ زنـده می کنـد و می میرانـد و او بر هرچیز تواناس‍ت . اول و آخر و پیـدا و پنهان اوست و او به هرچیز داناست. او کسـی است که آسـمان ه‍ا و زم‍ین را در شـش روز [شـش دورا ن] آفرید سپس بر تخت قدرت قرار گرفت و ب‍ه ت‍دبیر جه‍ان پرداخ‍ت .

آنچه را در زمین فرو می رود می دانـد، و آنچه را از آن خـارج می شود می دانـد، و آنچه از آس‍مان نازل می گردد و آنچه را به آسـمان بالا می رود می داند. و هرجا باشـید او با شماس‍ت، و خداون‍د نسبت به آنچه انجام می دهید بیناست. مالکیت آسـمان ها و زمین از آن اوس‍ت و هم‍ه کاره‍ا به سوی او بازمی گردد. شب را در روز قرار می دهـد و روز را در شب و ب‍ه آنچ‍ه در دل ه‍ا و سینه ه است آگاه است."

۱- حشر: ۲۴ -۲۱

۲- حدید: ۶-۱

دو آیه از سوره آل عمران(۱)

"بگو: بارالها، مالک حکومتها تویی به هرکس بخواهی، حکوم-ت م-ی بخش-ی و از ه-رکس بخواهی، حکومت را می گیری. هرکس را بخواهی، عزت می دهی و هرک-ه را بخ-واهی خ-وار می کنی. تمام خوبی ها به دست توست. تو بر هرچیزی قادری. شب را در روز داخل می کنی و روز را در شب، و زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده، و به هرکس بخواهی بدون حساب، روزی می بخشی".

و بعد از آن حاجتت را از خداوند منان بخواه.(۲)

قرآن کریم در آیات آخر سوره حشر به هجده صفت از اوصاف الهی اشاره دارد که با بی-ان این اسماءالحسنی انسان را به عالم نورانی حق رهنمون می شود .در این آیات از نف-وذ عمی-ق قرآن کریم سخن به میان آمده است. به این بیان که اگر این آیات و نشانه ها بر ک-وه ه-ا ف-رودمی آمد به خود می آمدند و تکانی می خوردند؛ اما عجب از این انسان سنگدل، با این همه لطف و محبت الهی نسبت به او و نزول اینهمل از آیات نورانی، متوجه و متنبه نمی شود .

امام زین العابدین(ع) در ادامه فرمود: آیات سوره حدید را ک-ه تقریب-اً ب-ا بیس-ت ص-فت ازاوصاف الهی شروع می شود ،بخوانند تا با دقت و تدبر لازم در آنها به بالاترین س-طح معرف-تنسبت به ذات اقدس الهی برسد. خداوندی که همه موجودات جه-ان ب-ه پ-اکی او از هرگون-ه عیب و نقص گواهی می دهند .خداوندی که مالکیت حقیقی و احاطه بر همه جهان در ق-بض قدرت اوست .خداوندی که زندگی و مرگ در دست اوست. خداوندی که ابدی و ازلی، خالق و قادر و عالم و حکیم است. خدایی که همیشه با ماست، و چگونه او با ما نباشد درحالیکه ما در به دنیا آمدن و زنده ماندنمان لحظه به لحظه به او متکی هستیم، و اوست که روح عالم هستی است .

در آخر آیات نورانی آل عمران را می خوانیم که بیانگر آن است که تمام خوبی ها و نیکی ها

ص: ۱۴۸

۱- آل عمران: ۲۷-۲۶

۲- قطب الدین راوندی، الدعوات، ص۳۷.

و برکات در دست خداوند متعال است. دلیل بر این مدعی إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ(۱) میباشد .

زمانی که او بر همه چیز قادر است حکومت و عزت و خیرات نیز همه به دست اوست .

نتیجه گیری

به نظر شما دوستان من، ما در زمان برخورد با مشکلات به در خانه کدامیک باید برویم؟ سراغ کسانی که خودشان در فقر مطلق و در نیاز بی نهایت غر قانـد یا کسی که خود بی نیاز است؟ اَللّهُ الصمَد،(۲) نماز حاجت، یعنی رو آوردن به در خانه مالک حقیقی؛ کسی که هم قادر است و هم علیم و حکیم؛ کسی که اگر ما واقعاً نیاز خود را به او عرضه کنیم پاسخ خواهد داد. یا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیثِ ینَ یوَا مُجِ یبَ دَعْوَ ةِ الْمُضْطَرِّین.(۳)

ص: ۱۴۹

۱- .("به درستی که تو بر هر چیز توانایی" (آل عمران۲۶)

۲- توحید: ۲

۳- محمدبن حسن طوسی ،تهذیب الاحکام، ج۳، ص۱۱۴.

۵۵. نماز غفیله

راهبرد جلسه

در این درس با نماز غفیله و داستان حضرت یونس(ع) آشنا خواهیم شد .

جذابیت اولیه

مربی گرامی بحث خود را با طرح سئوالات زیر شروع کند.

پیامبری که زیردریایی سوار شد؟ (حضرت یونس(ع)) پیامبری که به خاطر مردم مؤاخذه شد؟ (حضرت یونس(ع))

شایـد وجـه نامگـذاری این نمـاز به غفیله این استکه در بین مغرب تـا غـایب ش–دن ش–فق، (۱) فرصـتی است که شـیطان و لشـکریانش از حـال مردم غافـل می ش–ونـد ؛ زی–را ای–ن دش–من قس–م خورده انسان، در شـبانه روز دو پست عوض می کنـد، پست شب که در هم–ین س–اعت اس–ت و پست روز که بین الطلوعین است و چون سـاعت غفلت شـیاطین در شب از روز کمتر است آن را به صورت مصغَّ ر بیان کرده اند.(۲)

در قرآن کریم در سوره های یونس، انبیا، صافات و قلم، از حض–رت ی–ونس(ع) و نب–وت و مأموریت ایشان برای هـدایت مردم سـخن به می–ان آم–ده اس–ت . خداون–د متع–ال ب–ه حض–رت یونس(ع) وحی کرد که به شـهر بزرگ نینوا برود تا مردم آن را به خـدا دعوت نموده، از ظلم و سـتم آنان جلوگیری کند. حضـرت یونس(ع) به شـهر نینوا رفت و سال ه–ا تبلی–غ دی–ن خ–دا راانجام داد؛ درحالیکه مردم دعوت او را نپذیرفتند. لذا حضرت یونس(ع) از درگاه خدا تقاض–ای

ص: ۱۵۰

۱– به روشنی بعد از غروب آفتاب در اول شب می گویند .

۲– سیدعبدالحجت بلاغی ،حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر، ج۳، ص۱۶۷.

عـذاب کرد و خداونـد متعال دعای او را مسـتجاب نمود حضـرت یونس(ع) روز وقوع عذاب را به مردم خبر داد و خود در آن روز از نینوا خارج شد؛ درحالیکه از دست م-ردم نین-وا عص-بانی و

نـاراحت بود: وَ ذَاالنو نِ إِذذَهَبَ مُغاضِبا ءفَظَن أ نْ لَنْ نَقَـدِرَ عَلَیْ-هِ.(۱)"ن-ون " در لغ-ت ب-ه معن-ی م-اهی عظیم، یـا به تعـبیردیگر نهنـگ یـا وال است. بنـابراین ذاالنون یعنی صـاحب نهنـگ، و انتخـاب ای-ن نـام برای حضـرت یونس(ع) به سـبب داسـتانی است که قرآن کریم به آن اشاره کرده است. ام-ا چون حضـرت یونس(ع) در رفتن از شهر، دامن صبر را از کف داد و تـا لحظـات آخر ب-ه ارش-ادمردم نینوا نایسـتاد، مورد اعتراض الهی قرار گرفت. ازاینرو زمانی که حضـرت یونس(ع) برای رفتن به شـهری دیگر سوار بر کشـتی شـد، در میـان راه دریـا متلاـطم گشت. چیزی نمـان-ده ب-ود که همه اهـل کشتی غرق شوند .

ناخـدای کشتی گفت: من فکر می کنم در میـان شـما بنـده فراری وجود دارد که بایـد به دریا افکنـده شود، و یا گفت: کشتی زیاد سـنگین است و بایـد ی-ک نف-ر را ب-ه قی-د قرع-ه ب-ه دری-ا بیفکنیم. به هرحال چنـد بار قرعه کشـیدند و در هر بار به نام یونس درآمـد! او فهمیـد در این کار سـری نهفته است و تسـلیم تقدیر شد. در همین هنگام مردم نینوا با مشاهده آثار ع-ذاب اله-ی توبه کردنـد و از رفتار و ظلم خود به سـختی پشـیمان شدنـد. این توبه و پشـیمانی به لطف خداونـد سـبب شد تا عذاب الهی از آنها برداشته شود و مورد رحمت و مغفرت پروردگار قرار گیرند .

هنگـامی کـه حضــرت یـونس(ع) را بـه دریـا افکندنــد، نهنـگ عظیمی او را در کـام خـود فرو برد ،و خــدا او را بـه صـورت اعجازآمیزی زنـده نگه داشت .سـرانجام حضـرت یونس(ع) متوجه شـد ترک اولایی انجام داده، به درگاه خدا روی آورد و به تقصـیر خود اعتراف نمود: فَنـادی فِی الظُّل مُاتِ أ نْ لا ـ إِلَهَ إِلاَّ ـ أَنتَ سُبْحانَکَ إِنِی کُنْتُ مِنَ الظـالِمینَ .(۲) خداونـد متعال نیز دعای او را استجابت کرد: فَاسْتَجَبْنا لهُ

وَن َجَیْناهُ مِنَ الْغَم وَکَذلِکَ نُنْجِی الْمؤمنین،(۳) و او را از تنگنـا نجات داد عنوَ دهُ مَفات حِ الْغَیْبِ لا یَعْلَمُه-ا إِلاَّ هُوَ وَیَعْلَمُ ما فِی البَر وَالْبَحْر،(۴) و به ماهی دستور داد او را به خشکی بیاورد، و بار دیگر، بر حض-رت

۱- انبیاء۸۷

۲- همان: ۸۷

۳- همان: ۸۸

۴- انعام: .۵۹

یونس(ع) وحی نازل شد که برخیز و به نینوا برو و مردم آن را موعظه کن . آنگاه حضرت یونس(ع) برخاسته، بر حسب فرمان خداوند به نینوا رفت و داخل شهر شد و به موعظه پرداخت، و مردم به او ایمان آوردند.(۱)

پیوند با بحث

ما در نماز غفیله می آموزیم همه چیز به دست قدرت خداوند متعال است؛ خدایی که عالم به همه اسرار آفرینش و همه راه های آسمانی است، و ازهمین رو، همه حاجات و نیازهای خود رابابید از او بخواهیم:

اللَّهُم إنِی أَسْأَلُکَ بِمفَاتِحِ الْغَیْبِ الَّتِی لَا یَعْلَمُهَا إِّ لا أ نَتْ أَنْتُصَلیَ عَلَی مُحَمدٍ وَآلِ مُحَمدٍ وَأ نْتَفْعَلَ بی کَذَا وَکَذَا وَتَقُولُ َاللهُم أَنتَ وَ ُلِی نِعْمَتِی وَالْقَادِ رُ عَلَی طَلِبَتِی تَعْلَمُ حَاجَتِی فَأَسْأَلُکَ بِحَق مُحَمدٍ وَآلِهِ لمَا قَضَیْتَهَا لِی .(۲)

نتیجه گیری

درنتیجه می آموزیم صبر و شکیبایی رمز همه موفقیت ها و پیروزی هاست ؛ همان طور که امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: "إصْبِرْ تَظفَرْ "؛(۳) صبر کن تا پیروز شوی . این شیرینی موفقیت وپیروزی است که سختی و تلخی صبر را از بین خواهد برد.(۴) این صبر است که پایه و اساس دین می باشد.(۵)

ص: ۱۵۲

۱- ناصر مکارم شیرازی ،تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص: ۴۸۷

۲- شیخ حر عاملی، وسائ لالشیعه، ج ۸، ص ۱۲۱

۳- عبدالواحد آمدی ،غرر الحکم و دررالکلم، ح۲۳۲۲.

۴- همان، ح۴۸۸۲.

۵- محمدباقر مجلسی ،بحار الانوار، ج۷۱، ص۹۲.

۵۶. نماز شب

راهبرد جلسه

در این درس با یکی از اسرار نماز شب آشنا خواهیم شد.

جذابیت اولیه

مربی گرامی این درس را با یک جدول ساده به شرح ذیل شروع می کند .

سؤالات(۱)

نمازشب

۱.اولین آیه سوره قلم چیست؟ (ن)

۲.نام سور های که بهمعنای سفره گسترده و پر از خوراکی است؟ (مائده)

۳.خدای متعال بعد از خلقت کدام موجود به خودش احسنت گفت؟ (انسان،تبارک الله احس-ن الخالقین)

۴.حیوانی که خدای متعال به او وحی (به معنای الهام غریزی) کرد؟ (زنبور ، وأوحی رب-ک الی النحل)

۵.شبی که برتر از هزار شب است؟ (شب قدر)

۱- مربی گرامی بعداز طرح سؤالات و بیان جواب صحیح آنها، حرف اول هر جواب را از سمت راست به چپ داخل جدول قرار دهد. رمز جدول "نماز شب" است.

۶. نام دومین سوره مبارکه قرآن کریم؟ (بقره)

پیوند با بحث

رسول اکرم(ص) در جامعه ای عقب افتاده و دور از عق-ل و دان-ش، در براب-ر مردم-ی لج-وج و دشـمنانی انبوه و مصمم، در طریق سـاختن جـامعه ای سـالم و بـاایم-ان و پیش-تاز بای-د اس-تقامتی کرد .فرمان این پایـداری و مقاومت را خـداوند برای رسولش ص-ادر م-ی کن-د : "فَاس-تَقِم کَ-َما اُمِرتَ"؛(۱) پس همانگونه که فرمان یافته ای، استقامت کن.

استقامت رسول خدا(ص) زمینه های گوناگون ،اما با هدف واحد اجرای احکام الهی و جلب رضایت خداوند تبارک و تعالی بود .استقامت در برابر خراف-ه پرس-تی م-ردم. پـای-داری در براب-ربت پرستی .استقامت در انجـام رسالت اله-ی . اس-تقامت در راه تبلی-غ دی-ن. مقاوم-ت در براب-ردشـمنی ها و تحمل سختی ها از جمله مواردی بود که پیامبر اکرم(ص) در برابر آن-ا ن ایس-تاد ومتحمل آزار و اذیت های بسیاری شد تاآنجاکه خود آن حضرت فرموده است:

"ما اوذیَ نبَی مِثَلَ ما اوذیت"؛(۲) هیچ پیامبری به اندازه من مورد آزار قرار نگرفت.

امـا این سـختی چـون در راه انجـام رسـالت الهی و محبوب و معشوق بود، تحمـل آن هرگز بر پیـامبر تلـخ نبود؛ بلکه بـا کمـال رضایت مشکلات را به جان می خرید .

امام علی(ع) درباره پایداری و استقامت نبی گرامی اسلام (ص) در راه تبلیغ دین می فرماید:

" وَاشهَدُ أنَّ مُحَ-َمداداً عَبدهُ وَرَسُولهُ، دَعَا الَی طاعَتِهِ، وَقاهَرَ اعداءهُ جِهاداهاداً عَن دِینِهِ، لایَثنِیهِ عَن ذلِکَ اِجتِماعٌ

عَلی تَکَذِیبِهِ، وَالِتماسُ لِاِطفاءِ نو رهِ"؛(۳) گواهی م-ی ده-م ک-ه محم-د(ص) بن-د ه و فرس-تاد ه اوس-ت .

انسـان ها را به اطاعت از خداونـد دعوت فرمود و با دشـمنان خـدا در راه دین پیکار کرد و پی-روزشـد و هیـچ گاه هماهنگی دشـمنانش در تکـذیب و خاموش ساختن ن-ور او، وی را از کوش-ش درراه آیین و باورش بازنداشت .قرآن کریم با توجه به همه این مشکلات که بر س-ر راه ایش-ان

۱- هود: ۱۱۲

۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۹، ص۵۵

۳- ابن ابی الحدید ،شرح نهج البلاغه، خ.۲۳۶

بود، راهحلی را برای آسان شدن این سختی ها به او معرفی می کند .

خدای متعال در چند آیه(۱) به پیامبر(ص) توصیه می کند از شب که مرکب خوبی است برای روز استفاده کن و با من مشکلات را در میان بگذار.

نماز در دل تاریکی شب زمانی که هیچ کس مزاحم حرفهای خصوصی ما نیست به ت-وآن قدر نیرو می بخشد که تحم-ل و اس-تقامتت را در ح-د ب-ی نهای-ت ب-الا م-یب-رد . ب-ه س-بب هماهنگی های شبانه است که پیامبر(ص) مورد خطاب قرار می گیرد در براب-ر آنچ-ه دش-منانمی گویند صابر و شکیبا باشد و از آنها دوری کند؛ اما دوری شایس-ته و جمی-ل: وَاصْ-بِرْ عَ-لی م-ا

يَقُولُوَنَ وَاهْجُرهْمْ هَجْراراً جَمِيلًا.(۲)

و به این ترتیب در اینجا مقام "صبر" و "هجران" فرا م-ی رس-د ؛ چراك-ه در مس-یر دع-وت به سوی حق، بدگویی دشمنان و آزار آنان فراوان است و اگر باغبان بخواهد گلی را بچیند، باید در برابر زبان خار آن صبر و تحمل داشته باشد.

نتیجه گیری

به این ترتیب آیات فوق نسخه جامع و کاملی به پیامبر اسلام(ص) و تمام کسانی که در خط او گام برمی دارند می دهد که از عبادات شبانه و نیایش پروردگار در س-حرگاهان، م-دد بگیرن-د وسپس این نهال را با یاد خدا، و اخلاص و توکل، و صبر و هجران جمیل، آبیاری کنند.

۱- اسراء:۷۹ ؛ آیات ابتدائی سورهٔ مزمل.

۲- مزمل:۱۰

۵۷. نماز استغاثه به حضرت فاطمه(س)

راهبرد جلسه

در این درس با یکی از زیباترین و عاشقانه ترین ارتباطات بین بنده و مولا آشنا می شویم و به بررسی روح نماز که جز از مسیر اهل بیت: به دست نمی آید، می پردازیم .

جذابیت اولیه

در یک عملیات مهم شبانه علیه دشمن متجاوز، هنگام پیشروی به میدانی از مین برخوردیم .

این برخورد برای ما بسیار غیر منتظره و سنگین بود؛ چون ازطرفی شناسایی نشده بود و شاید هم دشمن آنها را تازه کار گذاشته بود، و ازطرف دیگر اگر به موقع به سر قرار نمی رسیدیم ،گروهی دیگر از بچه ها به وسیله دشمن قیچی می شدند .

شرایط بسیار سخت و جانکاه بود. زمان نیز به تندی می گذشت . من فشار سنگینی آن لحظات را هنوز هم بر سینه ام حس می کنم. بالأخره بنا شد که بچه ها داوطلبانه روی مین ها بروند.

فرمانده ما، که هرچه از خوبی ها و دلاوری ها و کاردانی او و ایمان و عشقش به فاطمه زهرا(س) بگویم، کم گفته ام، گفت: بچه ها،چند دقیقه ای صبر کنید، شاید راه دیگری هم باشد .

همه با ناباوری به او خیره شدند! چه راهی؟!

او این را گفت و سپس از بچه ها فاصله گرفته، کمی آن طرفتر به نماز ایستاد و دو رکعت نماز خواند؛ آنهم چه نمازی!! یکپارچه شور و عشق

رفقای او همه می دانستند او نماز توسل به فاطمه زهرا(س) را می خواند. عجب حالی داشت؛ مثل شمع می سوخت. پس از سلام نماز سر بر مهر گذاشته، ذکر "یا مولاتی یا فاطمه أغیثینی" می گفت و با حالتی پرسوز، حضرت فاطمه(س) را به کمک می طلبید. استغاثه (فاطمه، فاطمه)

ص: ۱۵۶

او تمامی بیابان را پر کرده بود. گویا تمامی هستی با او همنوا شده بود .

شبی فراموش نشـدنی بود. هرکـدام از بچه ها را که می دیدی، در گوشه ای اشک می ریختن-د و دعا می کردند. کمکم بچه ها متوجه فرمانده شدند و سعی داشتند به او نزدی کتر شوند. طولی نکشید که همه دور او حلقه زدند. دیگر در آن موقع شب و در سکوت و به-ت بیاب-ان، هم-راه اشک ماه، تنها ناله یک نفر به گوش میرسید؛ ناله فرمانده، که حضرت فاطمه(س) را مدام ب-ه کمک می طلبید .

کـاش بودی و می دیـدی که چگونه مثل ابر می باریـد و چون ش-مع م-ی س-وخت . هم-ه ب-ه استغاثه های او گوش می دادنـد و اشک می ریختنـد. من جلوتر از همه بودم، دیدم گونه اش را بر روی خاک گذاشـته و آنقدر اشک ریخته که تمامی صورتش غرق گـل شـده. آن چنـان غرق در مناجات و توسل بود که حضور هیچکس را حس نمی کرد؛ گویی اصًِلاً در این دنیا نیست. کمی آرام تر شد. آهسته چیزهایی زمزمه می کرد. ناگهان برای لحظاتی ساکت شد. من نگران ش-دم که شاید از حال رفته؛ اما هیبتی داشت که نتوانستم قدم جلو بگذارم. همه محو نگاه او بودیم ،که ناگهان سر از سجده برداشت و فریاد زد: "بچه ها، بیایید، بی بی راه را نشان داد! بی ب-ی راه را نشان داد"!!

بغض هایی که برای چند دقیقه ای در سینه ها متراکم شده بود، یک دفعه ترکید. همه زدن-د زیر گریه. نمی توانم حالت خود و بچه ها را در آن لحظه بیان کنم. آنقـدر می دانم که بیدرنگ همه به دنبالش حرکت کردیم. من پش-ت س-ر او ب-ودم . ب-ه خ-دا قس-م، او آنق-در محک-م و ب اصـلابت می دویـد که گویی روز روشن است و جاده هموار. طولی نکشـید که از میان م-ین ه-ا گـذشتیم، بـدون اینکه حتی یک نفر از ما خراشـی بردارد. بعدها هر بار که از او م-ی پرس-یدم آن شب چه شد و چه دیدی؟ از جواب طفره می رفت؛ اما می گفت: "بچ-ه ه-ا ! فاطم-ه، فاطم-ه " و دیگر اشک مجالش نمی داد.(۱)

۱- عباس عزیزی، ۳۶۰ داستان از فضایل ،مصائب و کرامات فاطمه زهرا (س)

پیوند با بحث

آنقدر در میزنم این خانه را تا ببینم روی صاحبخانه را

در روایت آمده، هرگاه حاجتی داری، دو رکعت نماز به جا آور و پس از سلام نماز س-ه ب-ار تکبیر بگو و پس از تسبیح حضرت زهرا(س) به سجده ب-رو و ص-د مرتب-ه "ی-ا م-ولاتی ی-ا فاطم-ه أغیثینی "بگو. سپس، جانب راست صورت را بر زمین بگذار و همان ذک-ر را ص-د مرتب-ه بگ-و ، سپس جانب چپ صورت را بر زمین بگذار و همان ذکر را صد مرتبه بگو، باز ه-م ب-ه س-جده رفته و صدوده مرتبه دیگر تکرار کن و حاجت خود را در نظر بگیر ،که اگر خدا بخواهد حاجتت برآورده می شود.(۱)

خدای متعال منتی بر بندگانش گذاشته و آن اینکه راهی برای رسیدن بندگان ب-ه ق-رب و محبت خود باز کرده و آن راه، راه اهلبیت: است. اگر ما بخواهیم به ولی نعم-ت، خ-الق و محبوب و معشوق خود نزدیک شویم، منحصر ب-ه ولای-ت و محب-ت اه-لبی-ت : اس-ت . از

همینرو پیامبر رحمت(ص) فرمودند: أَنَاَ مَدِینَهُ الْعِلْمِ وَعلِی بَاَبهُ(۲)

اگر در آیات شریفه قرآن کریم دقت کنیم این مطلب به خوبی روش-ن م-ی ش-ود؛ خداون-د

متعال می فرماید: "قُلْ لاأَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أجْرِ ااً إِلاَّ الْمَوَدهَ فِی الْقُ-رْبی "؛(۳) بگو من از شما چیزی نمی خواهم جز دوستی اه-ل بی-ت :؛ یعن-ی حض-رت زه-را (س)، امیرالم-ؤمنین (ع)، ام-ام حس-ن و ام-ام حسین(ع) تا برسد به بقیه معصومین: که ائمه اطهار هستند .اگر بخواهیم به سعادت دنیا و آخرت برسیم مسیری جز چنگ زدن به این ریسمان الهی نداریم: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْ لِ للهِ جَمِیعاً.(۴)

نتیجه گیری

اگر ما هر مقصدی را در نظر داشته باشیم برای رسیدن به آن باید مسیری را طی کنیم. زمانی که ما مقصدی چون سعادت دنیوی و راحتی آخرت یا جنت الأعلی و یا ق-رب اله-ی و فن-ای

۱- شیخ عباس قمی ،مفاتیح الجنان، ص۹۸۳.

۲- میرزا حسین نوری ،وسائل الشیعه، ج۲۷، ص۳۴

۳- .شوری: ۲۳

۴- آل عمران: ۱۰۳

فی الله را مقصد خود قرار دهیم، باید برای رسیدن به آن مسیری را طی کنیم تا به سر منزل مقصود برسیم .آن مسیر جز مسیر اهلبیت عصمت و طهارت: نم یتواند چیز دیگری باشد؛

همانطور که در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللهِ أَنْتُمُ الصِراطُ الْأَقْوَم؛(۱) همانگونه که مولی امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: أَنَاَ صِرَاطُ اللهِ الْمُسْتَقِيمُ وَعُرْوَتُهُ الْوُثقَى الَّتِی لَا انْفِصامَ لَه.(۲)

۱- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان

۲- محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸، ص ۷۰

فصل پنجم : نماز صحیح ومقبول

۵۸. بدعت

راهبرد جلسه

در این جلسه به این مطلب می پردازیم که هر عبادتی، به ویژه نماز ش-کل و محت-وای خ-اص خودش را دارد و ما اجازه نداریم با آن سلیقه ای رفتار کنیم و آن را کم و زیاد کنیم.

جذابیت اولیه

مربی ابتدا آیه وَما کاَنَ صَلاتُهُمْ عِنْدَ الْبَیْتِ إِلاَّ مُکاءً وَ تَصْدِیَهً فَذُوقُوا الْعَذابَ بِم-ا کُنْ-تُمْ تکْفُ-رُون(۱)را روی تخته بنویسد .برای ترجمه آیه، دو نفر از دانش آموزان را انتخاب کند. یکی س-مت راس-ت او ودیگری سمت چپ او بایستد. مرب-ی ب-رای دان-ش آم-وزان ترس-یم کن-د ک-ه در مقاب-ل کعب-ه ایستاده اند. یکی از دانش آموزان سوت بکشد و دیگری دست بزند. مُکاءً و تَصْدِیَهً ، یعنی سوت و دست زدن .اعراب در زمان جاهلیت نام این کار را عبادت گذاشته بودند.

پیوند با بحث

حضرت ابراهیم(ع) به دستور خدا کعبه را ساخت و آن را مکانی امن قرار داد. خداون-د در آی-ه

شریفه فرمود: وَ" إِذِ جَعلنا الْبَیْتَ مَثابَهً لِلناسِ وَأَمْناً وَاتَّخذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهیمَ مُصَلی وَعَهِ-دْنا إِلِی إِبراهیمَ وَ إِسْماعیَلَ أَنْطَهرا بَیْتِیَ لِلطّائِفینَ وَالْعاکِفینَ وَالرکَّعِ السجُودِ "؛(۲) و چون خانه کعبه را برای مردم مح-ل

اجتماع و جای امنی قرار دادیم ،در مقام ابراهیم، نمازگاهی برای خود اختیار کنید، و به ابراهیم

و اسماعیل فرمان دادی مکه: خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان ورکوع و

۱- "[آنها که مدعی هستند ما هم نماز داریم] نمازشان نزد خانه [خدا] چیزی جز "سوت کشیدن" و "کف زدن" نبود، پس بچشید عذاب [الهی] را به سبب کفرتان" (انفال:۳۵)

۲- بقره:۱۲۵

سجو دکنندگان پاکیزه کنید. پس یکی از کارهایی که باید انجام م یشد نماز به شکل رک-وع وسجود بود؛ ولی آنقدر از سر و ته آن زدند و بر آن افزودند که به صورت سوت کشیدن و کف زدن درآمد؛ درصورتیکه عبادات توقیفی هستند؛ یعنی در عبادت خدا از نظر کیفیت و کمی-ت نباید اعمال سلیقه کرد؛ بلکه باید همانطور که برای ما بیان کرده اند بدون کم و زی-اد انج-امداد. آیت الله بهجت; در یکی از جلسات درس خود فرم-وده ب-ود: "بعض-ی ه-م م-ی گوین-د :

حضرت صاحبالزمان را دیدیم که به صورت کاملاً متعارف نماز می خواند".(۱)

نتیجه گیری

اگر در عباد تها هرکسی سلیقه خودش را دخالت دهد، به تدریج چی-زی از آب درمی آی-د ک-ه مصداق این شعر می شود:

بس که ببستند بر او برگ و ساز گر تو ببینی نشناسیش باز

نمازی که در زمان جاهلیت به شکل سوت کشیدن و کف زدن درآمد، یک مرتبه به وج-ودنیامد؛ بلکه اول یک گوشه آن را تغییر دادند، بعد گوش-ه دیگ-ر را؛ م-ثلاً اگ-ر ب-ه ش-ما آدرس مقصدی را بدهند و شما بر اساس میل خودتان بی حساب وکتاب، تغییراتی در آن اعمال کنی-د ، یا خیلی دیر به مقصد می رسید یا اصلاً نخواهید رسید. اگر در عبادات خصوصاً نماز که مس-یرنور می باشد، بخواهیم سلیقه ای رفتار کنیم ،یا دیگر آن اثری را که بای-د، نخواه-د داش-ت ی-ابسیار کمرنگ و بیتأثیر خواهد بود .

خدایا، ما را از بدعت گذاران در دین قرار مده. آمین .

ص: ۱۶۳

۱- محمدحسین رخشاد، در محضر بهجت، ج۳، ص۹۳، ش۱۴۵۱.

۵۹. عشق واقعی

راهبرد جلسه

نماز حضور عبد در محضـر معبود است و زبان، نماینده دل و جان. می خ-واهیم ب-دانیم چگون-ه بین زبان و دل یک رنگی و صمیمیت ایجاد کنیم تا نمازی با حضور قلب داشته باشیم.

جذابیت اولیه

روزی شخصـی وسط راه در حال نماز خوانـدن بود. مجنون بدون اینکه متوجه او شود، پایش به مهر او خورد و عبور کرد. بین مرد و مهرش فاصله افتاد. مرد نم-ازش را قط-ع ک-رد و داد زد:

هی! چرا بین من و خدایم فاصـله انداختی؟! مجنون به خود آمد و گفت: من ک-ه عاش-ق لیل-ی هستم، تو را ندیدم. تو که عاشق خدای لیلی هستی، چگونه مرا دیدی که ب-ین ت-و و خ-دایت فاصله انداختم؟!

پیوند با بحث

نماز اکسیری معجزه آسا برای ترقی و رسیدن به آرزوها و پر کشیدن به اوج آسمان هاست؛ ام-ا نه ظاهر نماز و نه الفاظ آن؛ بلکه روح و معنای آن .

داستان نماز و روحش همان داستان آب و اسم آب است .کسـی با آوردن اسم آب سیراب نمی شود .آنچه ما را سیراب می کند خود آب است. در اهمیت حضور قلب همین بس که ام-ام

صادق(ع) فرمودند: مَا يُرْفَعُ لَهُ إلا مَا أقْبَ-لَ عَلَیْ-هِ مِنْهَ-ا بِقَلْبِ-ه.(۱) پیغمب-ر اک-رم(ص) فرمودن-د : "اگ-ر

بخواهیم نمـاز عارفـانه ای بخوانیم بایـد در هر نمـاز خوانـدنمان اینگونه فکر کنیم که این آخرین نمـازی است که در دنیا به ما فرصت داده شده. به گونه ای که بهشت را در مقابل، جه-نم را در

۱- "همانا از نماز آن مقدار که با توجه قلبی بوده است، بالا برده می شود("محمدباقر مجلسی ،بحار الانوار، ج۸۴، ص۲۸).

زیر پـا، ملـک الموت را در پشت سـر، انبیـا را در سـمت راست، ملائکه را در سـمت چپ و پروردگـار را درحالیکه از حال و درون ما آگاه است از بالا می بینیم."(۱) مسلماً دو رکعت نم-از ب-ا توج-ه، بهتر از تمام شب را به عبادت پرداختن است.(۲)

راستی چگونه متوجه شویم در مقابل چه کسی میایستیم و چه م یگوییم؟

اهتمام به نماز اول وقت داشـته باشـیم و سـعی کنیم تا اذان گفت-ه ش-د هرج-ا ک-ه هس-تیم در صورت امکان نمازمان را بخوانیم.

قبل از نماز حتمًا اذان و اقامه را بگوییم تا خود را برای نماز مهیا کرده، ذهنمان را از ام-ور روزمره و مشغله های زندگی خالی کنیم.

قبـل از نمـاز، همیشه به خودمـان توجه دهیم ک-ه م-ی خ-واهیم در پیش-گـاه خ-دای بزرگ-ی بـایستیم که ما را میبینـد و فراتر از آن را؛ او که همه عالم را آفریده و هستی به دست اوس-ت .

شنوا و دانا و مهربان است.

حتمًا معنای اذکار و آیاتی را که در نماز می خوانیم، بدانیم.

بعد از نماز چند دقیقه ای بنشینیم و ارتباط خود را ادامه دهیم و کمی بیندیشیم .

نتیجه گیری

قَالَ َالصادِ قُ(ع): "الْقَلبُ حَرمَ َاللهِ فَلَا تُسْكِنْ حَرمِّ للهِ غَيْرَ للهِّ "؛(۳) قلب همه ما حرم و حریم الهی اس-ت؛

پس سـزاوار نیست در حرم خـدا، غیر خدا ساکن باشد. حضور قلب ،یعنی همان عروج مؤمن در نماز. درواقع دیگر در این دنیا حضور ندارد.

روزی در اطاقی که امام سـجاد(ع)مشـغول اقامه نماز بود، آت-ش س-وزی روی داد . ام-ام درحال سجده بود. عد های فریاد زدنـد: ای فرزنـد پیامبر، آتش! آتش! اما امام همچن-ان در س-جـده مشـغول راز و نیاز بود. جمعی آمدند و آتش را خاموش کردند. پس از آنکه نمازِ امام ب-ه پای-ان

ص: ۱۶۵

۱- شیخ عباس قمی ،سفینه البحار، ج۲، ص۴۵
۲- .أَبَاذَرٍّ رَكْعَتَا ن مُقْتَصَدَتَان فِي تَفَكُّرمِن قِيَامِ لَيْلَهِ وَالْقَلْبُ سَاهٍ "(شیخ حر عاملی وسایل الشیعه، ج ۴، ص ۷۴)
۳- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷ ، ص ۲۵

رسـید از او پرسـیدند: چـه چیز مـوجب گردیـد کـه شـما متـوجـه آتـش و فریـاده‌ای مـا نشـویـد؟ فرمودنـد: آتش آخرت!(۱)

ص: ۱۶۶

۱- وَقَعَ حَرِيقٌ فی بَيتِهُ و فِيهِ سَاجِد فَجَعَلُوا يَقُولُون يَا ابْنَ رَسُو ل اللهِ النَّارَ النَّارَ فَمارَفَعَ رَأْسَهُ حَتَّى أُطْفِئَتْ فَقِی ل لَهُ بَعْدَ قُعُودِه مَا الَّذِی أَلْهَاك عَنْهَا قَالَ أَلْهَتْنِی عَنْهَا النَّارُ الْكُبْرَی (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶ ، ص ۸۰)

۶۰.نمازدرتب ۴۲درجه

راهبرد جلسه

در این جلسه به بررسی این مطلب می پردازیم که نماز نبایـد در ه–یـچ ش–رایطی ت–رک ش–ود وخـدای متعال به گونه ای برنامه ریزی کرده است که در سخت ترین ش–رایط ه–م نم–از خوان–دن ممکن باشد.

جذابیت اولیه

دوستان خوب من، به نظر شما در چه زمان هایی نماز نخوانیم اشکال ندارد؟(۱)

وقتی حضرت امام; در نجف اشرف تشریف داشتند، شخصی به ملاقات ایشان می رود و در طی این ملاقات، ماجرایی شگفت انگیز را مشاهده می کند که آن را این چنین نقل م یکن–د :

برنامه همیشگی امام; در نجف این بود که دو ساعت و نیم بعد از مغرب ب–ه بیرون–ی من–زل تشریف می آوردند تا کسانی که به زیارت ایشان می آمدنـد بتواننـد به خـدمتشان برس–ند . بع–د ازاین برنامه به حرم مطهر امیرالمؤمنین(ع) می رفتند .شبی حضـرت امام; به تب ش–دیـد مب–تلاشدنـد. هرچه تلاش کردیم تا دکتری را پیـدا کنیم، موفق نشدیم .ساعت دو و نیم شـب دکتری را دیـدیم و از وی خواهش کردیم حضـرت امام; را معاینه کنـد. او پذیرفت ،و راهی منزل امام شدیم. وقتی وارد منزل شـدیم، بـا خود گفتیم که حتماً آقـا با وجود این کسالتی که دارد خوابیـده است؛ ولی وقتی وارد اطاق شـدیم با کمال تعجب، مشاهده کردیم که وی نشس–ته و مش–غول نماز شب است .صبر کردیم تا نماز ایشان تمام شد. بعد از نماز، دکتر، حضـرت امام; را معاینه کرد و معلوم شد که ایشان تب ۲۴ درجه داشتند!(۲)

ص: ۱۶۷

۱- مربی گرامی اجازه بدهد دانش آموزان نظرهای خود را بیان کنند.

۲- بر گرفته از کتاب عطر خوش نماز، به کوشش فرامرز شعاع حسینی .

نتیجه گیری

آنچه باعث می شود إنِّ ـَالصلاهَ کانَ عَلَی الْمؤمنان کِتاباً مَوْقُوتا،(۱) نم–از در ه–یچ ش–رایط و م–وقعیتی ترک نشود:أوْ صَانِی ـَ بِالصلاهِ وَ ـَالزکاهِ ما دُمْتُ حَیا،(۲) مؤمن بودن انسان است و مؤمن عاشق وصال و دیدار با معشوقش است. زمانی که بزرگان و علمای ما به مستحبات و نواف–ل چن–ین اهمی–تمی دهند، یقیناً به واجبات و محرمات بیش از این توجه می کنند .

خدایا، به ما توفیق عمل به مستحبات به ویژه نماز شب را عنایت بفرما. آمین .

ص: ۱۶۸

۱– نساء:.۱۰۳

۲– مریم:۳۱

۶۱. نماز آخر

راهبرد جلسه

در ایـن جلسه، شـهادت امیرالمـؤمنین علی(ع) در نمـاز را بی–ان م–ی کن–یم . امیرالم–ومنین (ع) در قبله گـاه عاشـقان به دنیا آمد و در محراب عارفان به شهادت رسید.

جذابیت اولیه

همه میدانید که حضرت علی(ع) در چه شبی و توسط چه کسی به شهادت رسید.

سه تن از خوارج به اسامی "عبـدالرحمن بن ملجم"، "برک بن عبدالله" و "عمروبن بک–ر " در شبی دور هم جمع شدند و از گذشـته مسـلمانان صـحبت می کردند. در گفت وگو، به این نتیج–ه رسـیدند که علت اینهمه خونریزی و برادرکشـی، معاویه، عمروعـاص و علی(ع) هس–تنـد و اگ–راین سه نفر از میان برداشـته شونـد، مسـلمانان آسوده شـده ،تکلیف خود را معین می کنن–د ! ای–نسه نفر بـا هم پیمـان بسـتند و سوگنـد خوردنـد که هریک از آنها داوطلب کشـتن یکی از این سه نفر باشـد. ابن ملجم متعهـد قتل علی(ع) شـد. عمروبن بکر عهده دار کشـتن عمروعاص گردید، و برک بن عبدالله نیز قتل معاویه را به گردن گرفت. هریک شمشـیر خود را با سم مهلک، زهرآلود نمودند تا ضربتشان مؤثر واقع شود. نقشه آنها محرمانه و در مکه کشیده شـد. برای اینکه ه–رسه نفر در یک زمان برنامه خود را انجام دهنـد، شب نوزدهم ماه رمضان را، که شب قـدر است و مردم تا صبح در مساجد بیدار می مانند ،برای این منظور انتخاب کردند. هر یک از آنها برای انجام مأموریت به سوی مقصد روانه شد. عمروبن بکر برای کشـتن عمروعـاص به مصـر رف–ت وبرک بن عبـدالله برای قتـل معاویه رهسـپار شام شـد. ابن ملجم نیز راه کوفه را پیش گرفت.

برک بن عبدالله در صف اول نماز و پشت سـر معاویه ایسـتاد. وقتی معاویه سر به سجده نهاد ،برک شمشیر خود را فرود آورد؛ ولی دراثر دستپاچگی شمشیر او به جای فرق معاوی–ه ب–ر ران

وی اصابت نمود .معاویه زخم شدیـدی برداشت و فوراً به کاخ خود منتقل و بستری شد. ضارب را که پیش او حاضـر ساختند، معـاویه گفت: تو چه جرئتی داشتی که چنین کـاری کردی؟ برک گفت: امیر مرا عفو کن تا مژده ای به تو دهم. معاویه گفت: مقص-ودت چیس-ت؟ ب-رک گف-ت:

همین الان علی را هم کشتند .معاویه او را تا تحقیق این خبر زندانی نمود و چون ص-حت آن معلوم گردید او را رها کرد و به روایت بعضی (مانند شیخ مفید) همان وقت دستور داد گردن او را بزنند .

عمروبنبکر نیز در همـان شب به مسـجد رفت و در صف اول به نماز ایسـتاد؛ ام-ا آن ش-ب عمروعاص تب شدیـدی داشت و نتوانست به مسـجد برود و به پیشـنهاد پسـرش، قاضـی شـهر را برای ادای نماز جماعت به مسـجد فرستاد. وقتی قاضی به سجده رفت، عمروب-ن بک-ر ب-ا ی-کضـربه شمشـیر او را از پا درآورد. هم همه و جنجال در مسجد بلند شد و نماز نیم-ه تم-ام مان-د وقاتل بـدبخت دستبسـته به چنگ مصـریان افتاد .چون خواس-تند او را ن-زد عمروع-اص ببرن-د ، مردم وی را به عذا بهای هولناک عمروعاص تهدید م-ی کردن-د . عم-روبن بک-ر گف-ت : مگ-رعمروعاص کشـته نشد؟ شمشیری که من بر او زده ام اگر از آهن هم باشـد زنده نمی ماند! مردم گفتند: آن کسـی را که کشتی قاضـی شـهر بود، نه عمروعاص! بیچاره عم-رو ب-ن بک-ر آن وق-ت فهمیـد که اشـتباهی قاضـی بی گناه را به جای عمروعاص کشـته است. لـذا از کثرت تأسـف نسـبت به مرگ قاضـی و عـدم اجرای مقصود خود گریه کرد و چون عمروعـاص علت گریه را پرس-یـد ، عمرو گفت: من به جـان خود بیمناک نیستم؛ بلکه تأسف و انـدوه من از م-رگ قاض-ی و زن-ده مانـدن توست که نتوانسـتمماننـد رفقای خود مأموریتم را انجام دهم. عمروعاص جریان را از او پرسید. عمروب نبکر مأموریت سرّی خ-ود و رفق-ایش را ب-رای او ش-رح داد. آنـگ-اه ب-ه دس-تورعمروعـاص گردن او را زدنـد. بـدین ترتیـب م-أمـور ان قـت-ل عمروع-اص و معـاوی-ه نتوانس-تند ب-ه مقصود خود برسند و خودشان نیز کشته شدند.

ابن ملجم نیز در اواخر ماه شعبان سال چهلم ب-ه کوف-ه رس-ید و ب-دون اینک-ه کس-ی را از تصمیم خود آگاه کند، به منزل یکی از آشنایان خود رفت و منتظر رسیدن ش-ب ن-وزدهم م-اه مبارک رمضان شد. روزی به دیدن یکی از دوستان خود رفت و در آنجا زن زیبارویی ب-ه ن-ام قطام را که پدر و برادرش در جنگ نهروان به دست علی(ع) کشـته شده بودند، مشاهده کرد و

در اولین برخورد دل از کف داد و فریفته زیبایی ظاهری او گردید. از وی تقاضای ازدواج کرد .

قطام گفت: برای مهریه من چه خواهی کرد؟ گفت: هرچه تو بخواهی! قطام گفت: مه-ر م-نسه هزار درهم پول، یک کنیز ،یک غلام و کشتن علی بن ابی طالب است. ابن ملجم گفت: چه مهر سنگینی. قطام گفت: البته در حال عادی کسی نمی تواند علی را به قتل رساند. بای-د او را غافلگیر کنی تا آتش کینه مرا خاموش کنی و از وصالم کامیاب شوی، و گف-ت : م-ن نی-ز درانجام این کار تو را یاری می کنم و تنی چند به کمک تو می گمارم .شب نوزدهم م-اه مب-ارکرمضان فرارسید. ابنملجم و یارانش به مسجد آمدند و منتظر ورود علی(ع) شدند. علی(ع) به پشت بام مسجد رفت و اذان صبح را گفت و داخل مسجد شد و خفتگان را بیدار نمود. س-پسبه محراب رفت و به نماز نافله صبح ایستاد و چون به سجده رفت، ابن ملجم با شمش-یر زه-رآلود درحالیکه فریاد میزد لله الحکم لا لک یا ع-لی؛ حکم برای خدا است نه ب-رای ت-و ای عل-ی!

ضربتی به سر مبارک آن حضرت فرود آورد.(۱) امیرالمؤمنان(ع) ندای ف-زت ورب الکعب-ه(۲)را س-ردادند .

نتیجه گیری

چطور می شود کسی که اهل نماز است، قاتل نمازگزار دیگر شود؟ اگر نمازگزار فقط به ظ-اهرنماز بسنده کند و از حقیقت آن غافل بماند و در هنگام نماز فقط دنبال ریا و خودنمایی باش-د،عاقبت چنین نمازی دوری از خداست؛ تا جایی که انسان،نه تنها با ظاهر نماز دیگران را فریب می دهد؛ بلکه برای رسیدن به خواسته هایش دست به هر اقدامی م-ی زن-د ؛ حت-ی اگ-ر کش-تن بهترین انسا نها باشد که از او أشْقَی الأشْقِیاء(۳) بسازد .

خدایا ،ما را از نمازگزاران واقعی قرار بده. آمین .

۱- علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب،ج ۲، ص ۴۲۴
۲- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار،ج ۲۰ ، ص ۱۴۷
۳- همان ، ج ۳۵،ص ۱۰۵

۶۲. کلید فتح نماز

راهبرد جلسه

بند های آماده راز و نیاز با آفریدگار جهان هستی است که طهارت ظاهری و باطنی داشته باشد .

در ایـن درس بـا وضـو، که کلیـدی برای ورود به گلسـتانِ سـرسبز نمـاز و آغ–ازی ب–رای ورود ب–ه بهشت است، آشـنا می شویم.(۱)

جذابیت اولیه

"برای این به وضو دسـتور داده شـده و آغـاز عبادت است که بنـده هنگامی که در پیش–گاه خ–دامی ایسـتد و با او مناجات م یکند، از آلودگ یها و نجاس تها پاک باشد و بندگی خود را در براب–راو به اثبات رساند. وضو سبب م یشود که آثار خواب و کسالت از انسان زایل گردد و قلب برای قیام در پیشگاه خدا، نور و صفا پیدا کند".(۲)

وضو آثار جسمانی هم دارد. ازجمله اینکه سبب رفع بسیاری از بیمار یها به واسطه ریختن آب سرد روی نقاط حساس بدن می شود. جـالب اینـک–ه ، در دی–ن اس–لام نق–اط ط–ب س–وزنی مخصوصـاً در وضو رعایت شـده است؛ برای مثال، آقایان مسـتحب اس–ت آب را از پش–ت آرن–جبریزند و خان مها از قسـمت جلو دست بریزند .با مطالعه طب سوزنی پی م–ی ب–ریم، نق–اط ط–ب سوزنی در آقایان و خانمها در بعضی از نقاط فرق می کند. بسیار جالب است ک–ه ب–ا تحری–ک نقاط طب سوزنی به وسیله آب سرد در وضو، خط سیر چهارده نصف النهار را تحریک می کن–یم

ص: ۱۷۲

۱– الوضوء مفتاح الصلاه و الصلاه مفتاح الجنه (ابوالقاسم پاینده ،نهج الفصاحه، ح۱۵۸۸)

۲– امـام رضـا(ع): انما امر بالوضوء وبـدء به لان یکون العبـد طاهرا اذا قام بین یـدی الجبار، عنـد مناجاته اياه، مطیعا له فیما امره ،نقیـا من الادنـاس والنجـاسه، مع ما فیه من ذهاب الکسل، وطرد النعاس وتزکیه الفؤاد للقیام بین یـدی (شـیخ حر عاملی ،وسائل الشیعه، ج۱، ص۲۵۷).

و بـاعث سـرحالی، شادابی، تسکین دردها، افزایش نیروی جسمانی و روحی، و معالجه بس-یاریاز بیماری ها می گردد. همچنین تمامی اعضای داخلی بدن را تقویت می کند ازجمل-ه : ری-ه ه-ا،روده بزرگ، معده، قلب، کلیه ها و کبد .

در احادیث آمده بعد از وضو، بدن را با چیزی خشک نکنید و بگذارید خودش خشک شود.

دلیلش می تواند این باشد که بدن در برابر سرمایی که ح-س م-یکن-د، تغیی-ر ح-رارت ایج-ادمی کند، تا خشک شود .همین تحریکات حرارتی سبب باز شدن منافذ زیر پوس-ت م-یش-ود و اکسیژن بیشتری به بافت های پوست و مقداری هم به عضلات زیر پوست م-ی رس-د و باع-ث نیرو و نشاط می گردد.(۱)

پیوند با بحث

پیش از حضور در پیشگاه معبود، باید صورت و دست های خود را شست وش-و داد و آم-اده دی-دارشد .آنان که به طهارت و پاکیزگی در دنیا علاقه مندن-د س-عی دارن-د در طه-ارت ب-ه س-ر ببرن-د،همچنانکه در دنیا نورانی بوده ،چهره تابناک دارند، در قیامت نیز در بین همه ام-ت ه-ا، ن-ورانی

هستند و پیغمبر اکرم(ص) با این نور امت خود را خواهد شناخت: إِنِّی لَأَعْرِفُ أُمتِ-ی ی-َوْمَ القِیَامَ-هِ بِآث-َارِ الوُضُ-وءِ وَقَالَ(ع) تَأتِی أُمَّتِی یَوْمَ القِیامَهِ غُرّاًاً مُحَجلِینَ مِنْ آثَارِ الوُضُوءِ .(۲)

وضو مانند محافظی قوی و یاری دلسوز در از بین بردن خطاها و اشتباهات ب-ه م-ا ی-اری می رساند. پیغمبر اکرم(ص) فرمودند: "إِذا تَوَضَّأَ َالرجُلُ الْمُسْلِمُ اجْتَمَعَتِ الْخَطَایَا فَوْقَ رَأْسِهِ فَإِذا قَامَ إِلَی َالصلَاهِ تَحَاتَّ عَنْهُ کَتَحَاتِّ وَرَقِ الشَّجَرِ "؛(۳) زمانی که مسلمان وضو م-ی گی-رد تم-ام خطاه-ا ب-الای سرش جمع می شوند و همینکه به نماز می ایستد، آن اشتباهات مانند برگ درخ-ت ت-کت-ک

می ریزد و بخشیده می شود. ازهمین رو فرمودند: "الطَّهُورُ نِصْفُ الْإِیمَ-ان"؛(۴) وض-و نیم-ی از ایم-ان است .

ص: ۱۷۳

۱- فیه من ذهاب الکسل، وطرد النعاس (همان.)

۲- میزرا حسین نوری ،مستدرک الوسایل،ج ۱، ص۳۵۷.

۳- همان

۴- همان.

نتیجه گیری

وضو عبـادتی است بی نظیر که علاـوه بر آثـار اخروی، آثار و برکات دنیوی فراوانی نیز دارد. وضو با این همه پاکی و طهارت کلید نماز و شروعی زیبا برای ورود به بهشت است؛ چراکه بهش–ت جای پاکان و پرهیزکاران است. ...

ص: ۱۷۴

۶۳. حکم قرآنی وضو و ساختمان مغز

راهبرد جلسه

شگفتی هـای اسـلام انتهـا نـدارد و هرازگاهی پرده ای از اسـرار آن کنار می رود .در ای–ن درس ب–ه یکی دیگر از شـگفتی های آن می پردازیم .

جذابیت اولیه

"یاأَیهـا الَّذینَ آمَنُوا إِذا قُمْتُمْ إِلَی َالصـلاهِ فَاغْسِـلُوا وُجُوهَکُمْ وَأَیْـدِیَکُمْ إِلَی الْمَرافِقِ وَامْسَـحُوا بِرُؤُسِـکُمْ وَأَرْجُلَکُمْ إِلَی الْکَعْـبَیْنِ "؛(۱) ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که خواستید به نم–از بایس–تید، ص–ورت و دست ها را تا آرنج بشویید و سر و پاهـای خود را تا برجسـتگی پا مسـح کنیـد. مربی گرامی ای–ن آیه شـریفه را روی تخته بنویسـد و ترجمه آن را برای دانش آموزان بیان کند. درصورت امکان ،تصویر بزرگ دستگاه عصبی تمام بدن انسان را برای دانش آموزان به نمایش بگذارد.

امروزه دانش نوروفیزیولوژی یا علم بررس–ی ک–ارکرد دس–تگاه عص–بی ب–ه پیش–رفت ه–ای چشم گیری نائل شـده و هر روزه پیچیدگی های جدیدی را در مغز کشف می کند.(۲)

از دیدگاه علم فیزیولوژی، مغز یک داستگاه فوق العاده پیش–رفته اس–ت. مغ–ز مانن–د رایان–ه شامل مسیرهای ورودی (راه های حسی)، بخش ذخی–ره اطلاع–ات (حافظ–ه) ، بخ–ش تحلی–ل اطلاعات و نتیجه گیری (تفکر) و مسیرهای خروجی (راه ه–ای حرکـت–ی) م–یباش–د . اطلاـع–اتدیـداری، شـنیداری، چشـایی، لاـمسه و غیره از طریـق ح–س وارد مغ–ز ش–ده، در حافظ–ه ذخی–ره می شوند و یا مورد تحلیل قرار می گیرند. آنگاه فرمانهای خروجی از طریق را ه های حرکتی به اعضا منتقل م یشوند و اعضا را وادار به عمل می سازد .

ص: ۱۷۵

۱– مائده: ۶

۲– .ر.ک: سیدعلی مرعشی، حکم وضو و ساختمان مغز، مجلهٔ بشارت، شمارهٔ هفتم، ص۳۹ – ۴۲.

برای اینکه حواس پیکری(۱) ادراک شوند باید به منطقه ویژه ای از قشر خاکستری مغ-ز ب-ه نام "قشر حسی" مخابره شوند .حس هر بخشی از بدن به قسمت خاصی از قشر حسی ارسال می شود. به عبارت دیگر، هر قسمت از قشر حسی به بخش معینی از بدن مرتبط است ک-ه اگ-رنقشه آنها را طراحی کنیم، دقیقًاً شکل یک آدمک به دست می آید ک-ه آن را "آدم-ک حس-ی" نامیده اند؛ برای مثال اگر دست آدمک حسی را در مغز تحریک کنیم آن شخص واقعاً احساس می کند که دستش تحریک شده است. این واقعیت درمورد همه اعضا صدق می کند .

نکته دیگری که گفتنش لازم است، اینکه تناسب اندام های آدمک حس-ی ش-بیه ب-ه ی-کانسان واقعی نیست. آدمک حسی، صورت و دست هایی بس-یار ب-زرگ دارد، درح-الی ک-ه تن-ه،ران ها و ساق پاهای آن بسیار کوچک هستند. همچنین کف پای آدمک نیز ب-زرگ اس-ت. در آدمک حسی، اعضایی که بزرگ تر هستند، حساسیت بیشتری دارند. به همین دلیل اس-ت ک-ه حساسیت دست و صورت انسان به علت وجود گیرنده های حسی ف-راوان، ب-یش از پ-ا و تن-هاست؛ لذا دقت حسی این بخش ها بالاتر است .

اگر ما به نقشه دقیق آدمک حسی توجه کنیم، به راحتی درم-یی-ابیم ک-ه اعض-ای ب-زرگ آدمک حسی تقریباً همان اعضایی هستند که در هنگام وضو، شسته می شوند .

پیوند با بحث

سؤال: چه رابط های بین وضو و آدمک حسی وجود دارد؟

با توجه به نقشه آدمک حسی، روشن است که وقتی در جریان وضو، داخل دهان، صورت ،ساعدها، کف دست ها، جلوی سر و روی پاهای آدمک حسی، تحریک ش-وند، قس-مت اعظ-م قشر حسی، تحریک می شود و هوشیاری به سطح بالایی می رسد؛ درح-الی ک-ه فق-ط چی-زی،حدود ۰۲٪ از سطح بدن مرطوب شده است. به عبارت دیگر، اگر برنامه وضو به گونه فعلی نبود و مناطق دیگری از بدن شسته می شدند، چنین اثری به دست نمی آمد .

ص: ۱۷۶

۱- به حواسی گفته می شود که در سرتاسر بدن وجود دارند و مختص به عضو خاصی نیستند، مانند لامسه، درد، حس سرما و گرما و امثال آنها .

جالب آنکه، برخی ظرافت های استحبابی وضو نیز، با این توجیه علمی مطابقت دارد؛ برای مثال:

وضو گرفتن قبل از مطالعه توصیه شده است.

وضو گرفتن قبل از خواب. هرچند ممکن است به نظر برسد که تحریک حسی مانع خواب می شود؛ اما تجربیات نشان می دهند که برای دستیابی به یک خواب راحت و عمیق، استحمام قبل از خواب مفید است، که وضو م یتواند جای آن را بگیرد.

مستحب است شخص، بعد از وضو گرفتن اعضای خود را خشک نکند، تا خودش خش-کشود .این امر سبب م یشود، مدت تحریک حسی طولانی شود.

وضو گرفتن با آب سرد، ارجح است؛ زیرا آب ولرم، کمتر از آب سرد تحریک حسی ایجاد می کند.

جالب آنکه ،شناسایی آدمک حسی، در سال ۴۵۹۱ میلادی، صورت گرفته است؛ درحالیکه

امام صادق(ع) حدود ۱۲۷۰ سال پیش فرمودند: "مَنْ ذَکَرَ اسْمَ اللهِ عَلَی وُضُوئِهِ فَکَأَنَّمَا اغْتَسَل"؛(۱) هرکس ذکر خداوند را به هنگام وضو بگوید، مانند این است که غسل کرده باشد.

همچنین پیغمبر اکرم(ص)فرمودند: "أ نَّ مَنْ تَوَضَّأ فَذَکَرَ اسْمَ اللهِ طهُرَ جَمِیعُ جَسَد ِهِ"؛(۲)هرکس به هنگام وضو یاد خدا کند، تمام بدنش را پاک کرده است.

نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت به غمزه مسئله آموز صد مدرس ش-د (۳)

ص: ۱۷۷

۱- شیخ حر عاملی ،وسائل الشیعه، ج۱، ص۴۲۳.

۲- صدوق ،من لا یحضره الفقیه، ج۱، ص ۵۰.

۳- حافظ شیرازی، دیوان.

۶۴. زمان ملاقات

راهبرد جلسه

در این جلسه می خواهیم بیان کنیم مناسب ترین وقت برای اقامه نماز چه زمانی است.

جذابیت اولیه

مربی ابتـدا چنـد نفر از دانش آموزان را برای اجرای مس-ابقه پرس-ش و پـاس-خ دع-وت کن-د. از دانشآموزان بپرسـد اگر شخص مهمی مثل رئیس جمهوری یا رهبری بخواهد با شما ملاق-ات کند و تعیین زمان دیدار را به شما واگذار کند، شما چه زمانی را انتخاب می کنید؟ لطفاً اجازه بدهید دانش آموزان نظرات خودشان را بیان کنند.

زمان دیدار

مسـلماً مـا زمـانی را که کاملاًـ خسـته باشـیم و حـال حرف زدن نـداش-ته باش-یم انتـخ-اب... (اج-ازه بدهیـد دانش آموزان بگویند: نمی کنیم) یا زمانی را که عصـبانی باشـیم و حوصله نداش-ته باش-یم انتخاب... (باز دانش آموزان بلند بگویند: نمی کنیم) .پس نسـبت به شـرایط، زمـان و مکـانی که در آن قرار داریم سـعی می کنیم بهـترین وقت را برای صـحبت و ملاقـات و گفت گوی خودمـانی ب-اایشان قرار بـدهیم. چرا؟ چون می خواهیم با شخصـیت مهم و قابل احترامی دیـدار کن-یم؛ پ-س زمانی که می خواهیم نماز بخوانیم هم باید بهترین وقت را که از هر نظر سرحال هستیم برای گفت وگو با خدا قرار بدهیم.

"لا تَقَرَبُواً الصلاهَ وَ أَنتُمْ سُکاری"؛(۱) در حال مستی به نماز نزدیک نشوید.

ص: ۱۷۸

۱- نساء: ۴۳

چون می خواهیم با مدیریت کل جهان آفرینش دیدار داشته باشیم و نی-ز م-ی خ-واهیم ب-اقدرت، علم، حکمت و ثروت بی نهایت هستی ملاقات داشته باشیم. ازهمین رو امی-ر الم-ؤمن ین علی(ع) فرمودند: "واجْعَلْ أفْضَلَ أوقَاتِكَ للصَّلاه"؛(۱) بهترین وقت را برای نماز قرار بده.

نتیجه گیری

هرکس که برای ما اهمیت خاصی داشته باشد، یا علاقه و محبت به او داش-ته باش-یم، س-عیمی کنیم در زمان دیدار با او بهترین حال و روحیه را داشته باشیم. ما تابه حال چق-در ب-ه ای-ن موضوع فکر کرده ایم که در حال نماز با چه کسی سخن می گوییم؟

خدایا ،به ما توفیق بده نمازی بخوانیم که تو می خواهی. آمین

ص: ۱۷۹

۱- سیدرضی ،نهج البلاغه، نامهٔ ۵۳

۶۵. تظاهر به عشق

راهبرد جلسه

در این جلسه سعی می شود با زبانی ساده ضمن بیان نکاتی جذاب، به اهمیت نم–اِز اول وق–ت پرداخته شود .

جذابیت اولیه

به این حکایت توجه کنید:

"خواجه منصور"، وزیر "سلطان طغرل" مردی بود دان–ا، لای–ق، باشخص–یت، خداپرس–ت ودرستکار .او در انجام وظایف دینی مراقبت کامل داشت و معمولاً همه روزه بعد از نم–از ص–بح،مدتی می نشست و دعا و ذکر می خواند و بعد از طلوع آفتاب، جامه وزارت می پوشید و به دربار می رفت .روزی سلطان طغرل، وزیر را قبل از طلوع آفتاب احضار کرد. مأموران ب–ه من–زل وی رفتند و او را در حال خواندن دعا دیدند. امر پادشاه را ابلاغ کردند .وزیر به گفته آنه–ا ت–وجهی نکرد و همچنان به خواندن دعا ادامه داد. مأمورین بی اعتنایی او را بهانه کردن–د و ب–ه ع–رض پادشاه رساندند که وزیر نسبت به اوامر پادشاه، احترام نکرده است و ب–ا ای–ن س–خن، س–لطان طغرل را به سختی خشمگین کردند. وزیر پس از فراغت از عبادت، سوار بر مرکب ش–د و ب–ه دربار آمد. به محض ورود، شاه با تندی به وی گفت: "چرا دیر آمدی"؟ وزیر با کم–ال ق–وت وآرامش عرض کرد: "ای پادشاه! من بنده خداوندم و چاکر سلطان طغرل. تا از بندگی خدا فارغ نشوم نمی توانم به وظایف چاکری پادشاه قیام نمایم"! گفتار محکم و پر از حقیقت وزیر، ش–اه را سخت تحت تأثیر قرار داد. سلطان، عمل وزیر را تأیید کرد و ضمن تشویق او، سفارش کرد

ص: ۱۸۰

همواره به این روش ادامه دهد و بندگی خدا را بر چاکری او مقدم دارد.(۱)

چرا نماز اول وقت؟

چرا نمازمان را اول وقت بخوانیم؟(۲) امیرالمؤمنان(ع) به محمدبن ابی بکر فرمود:

"مراقب وقت نمازت باش و آن را به هنگام بخوان؛ نه ب-ه دلی-ل بیک-اری، پ-یش از موق-ع بخوان و نه به سبب کاری، آن را از وقتش تأخیر انـداز.(۳) به نظر شـما این جمله به چه معناست؟ دوسـتان خوب من، اگر تشـنه یا گرسـنه باشـیم، چه می کنیم؟ زمـانی که برنـامه مورد علاـقه مـا از تلویزیون پخش می شود چه می کنیم؟ هنگـام ملاقـات با کسـی که خیلی دوسـتش داریم چگونه رفتـار می کنیم؟ عموماً در تمـام این موارد خودمـان را از قبـل آمـاده می کنیم تا در زم-ان و وق-ت مخصوص بتوانیم بهره ای را که باید، ببریم. برای خوردن غذا زودتر سـر سـفره حاضـر می شویم ،برای دیدن برنامه مورد علاقه، تلویزیون را زودتر روشن می کنیم و برای ملاقات با کسـی ک-ه دوسـتش داریم زودتر آماده می شویم. ازآنجایی که نماز یعنی ق-رار ملاق-ات عاش-ق و معش-وق واقعی، پس این خیلی طبیعی است که بن-ده واقع-ی ه-یچ وق-ت س-اعت و ق-رار ملاق-اتش را

فراموش نکنـد و شامـل این آی-ه ش-ریفه نبـاش-د ک-ه: "فَوَیْ-لٌ لِلْمُصَ-لِّین * الَّ-ذینَ هُمْ عَ-نْ صَ-لا-تِهِ ساهُو نَ"؛(۴) وای بر نمـازگزاران، آنـانکه دل از یـاد خـدا غافـل دارنـد؛ یعنی کسانی که دروغ می گوینـد و تظاهر به عشق می کننـد. اعلام مسـلمانی، یعنی اطاعت و دوست داشـتن خـدای متعال؛ اما در وقت ملاقات و دیدار، گاهی میآیند و گاهی نمی آیند، یا گاهی زود می آیند و گاهی دیر!

نتیجه گیری

خوانـدن نماز در اول وقت، درواقع حکایت از حال درونی ما دارد که تا چه انـدازه ب-ه ادعاه-ایی که داریم، پایبنـد هستیم و چه خوب می شود ما نیز مانند خداوند متعال در انجام خوبی ها عجله

۱- مرتضی عطایی ،داستانهای نماز، ص۴۸.

۲- اجازه دهید دانش آموزان نظرهای خود را بگویند.

۳- محمدمحمدی ری شهری ،میزان الحکمه، ج۷، ح۳۱۲۸.

۴- ماعون: ۴ – ۵

داشته باشیم: قال رسول الله(ص): "إ نّ لله عَز وَجَلَّ یُحِب مِنَ الْخَیْرِ مَا یُعَجلُ".(۱) البته نکته ای که نباید از آن غافل شد این است که این بحث، استثنائاتی هم دارد که بیان خواهد شد. إنشاءالله .

خدایا ،به ما توفیق خواندن نماز اول وقت را عنایت فرما. آمین .

ص: ۱۸۲

۱- محمدبن یعقوب کلینی ،اصول کافی، ج۳،ص۲۷۴.

۶۶. علامت مؤمن

راهبرد جلسه

در این درس با یکی از صفات مؤمنان و علاوه ب-ر آن ب-ه ی-ك امتح-ان ب-ه ظ-اهر س-خت از خودمان می پردازیم .

جذابیت اولیه

دوستان خوب من، اگر شما مشغول کاری باشید که بسیار بسیار م-ورد علاق-ه شماس-ت و درهمان لحظه پدر یا مادر شما، شما را صدا بزنند، چه کار می کنید؟

آیا سریع دست از کار مورد علاقه خود برمی دارید و پاسخ آنان را می دهید؟ یا می گویی-د :

"صبر کن، کار دارم"!

آیت الله بهجت;فرموده اند: "همین نماز را که ما با تهدی-د و تازیان-ه و عقوب-ت جهنم-ی شدن در صورت ترک آن، انجام می دهیم، درحال یکه آقایان می فرمایند: از همه چیز لذیذتر نماز است .نماز جامی است از لذیذترین لذاید که چنین شرابی خوش گوار در عالم وجود ندارد. حالِ انبیا: و اطرافیان آنها را ببینید، چگونه بوده است؟!

نماز، مهم ترین وقت ملاقات و حضور در محضر خداوند متعال است. چقدر مردم در مراتب معنوی با هم تفاوت دارند! خداوند متعال نماز را برای خضوع و خشوع ق-رار داده اس-ت؛ ول-ی چقدر متفاوت است نماز و حال کسی که حقیقتاً نمازگزار و در محضر پروردگار است با کس-یکه ادای نمازگزاران را درمی آورد و شبیه نمازگزاران است".(۱)

دوستان خوب من، امام صادق(ع) در روایتی مفصل اوصاف مؤمنان را بی-ان ک-رده اس-ت،

۱- محمدحسین رخشاد، در محضر بهجت، ص۹۶.

یکی از مهم ترین آنها " وَصَلَاةٌ فِی شُغُلٍ "(۱) است .

دوستان من، کدام یک از شما می داند معنای این روایت چیست؟(۲)

احسنت؛ انسانی که خدا را باور دارد و عاشق اوست، بااینکه اشتغال به کار مهم-ی دارد، دروقت نماز، نمازش را می خواند و از اول وقت تأخیر نمی اندازد .

شاید بگویید مگر این چه امتیازی برای مؤمن است؟

می گوییم: اینکه انسان به واسطه شغل و کارش از نماز بازنماند درواق-ع مص-داق ای-ن آی-ه

شریفه است: "رِجالٌ لا تُلْهِیهِمْ تِجارَهٌ وَلا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ َاللهِ وَ إِقامِ َالص-لاه"؛ مردانی که نه تج-ارت و ن-هم عامل های آنان را از یاد خدا و بر پاداشتن نماز غافل نمی کند.(۳)

قطعاً این غافل نشدن از یاد و ذکر خداوند متعال انگیزه و عشق و علاق-ه ف-وق الع-اده ای لازم دارد که به واسطه آن از بازار و گرمی کار مورد علاقه خود در وقت نماز، دست برداریم.

بله، دیگران هم حتماً نماز خود را می خوانند؛ ولی ممکن است ت-أخیر بیندازن-د و مواظ-ب اول وقت و وقت فضیلت آن نباشند. این به معنای میزان عشق و علاقه بنده به معبود یکت-ا وبی همتای خود می باشد .

نتیجه گیری

برای همین در اذان و اقامه گفته می شود: حَی عَلَی خَیْرِ الْعَمَل. "حَی " اسم فعلی است که معنای امری می دهد؛ یعنی "شتاب کن" ، "عجله کن" به سوی بهترین اعمال، و این شتاب و عجل-ه شکل نمی گیرد مگر از درون، عشق و علاقه ای که خداوند متعال خود در قل-ب م-ا ق-رار داده است، به جوشش درآید .

۱- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج۲، ص ۲۳۱.
۲- مربی گرامی همین قسمت را روی تخته بنویسد و اجازه دهد دانش آموزان نظرهای خود را بیان کنند.
۳- نور: ۳۷

۶۷. مؤذن

راهبرد جلسه

در این جسله به بیـان این نکته می پردازیم که یکی از خصوصـیات مؤذن، خوش ص-دایی اس-ت که اگر بـا اخلاـص همراه شود زیبنده تر است .

جذابیت اولیه

مربی عکس را در قطع بزرگ در منظر دانش آمـوزان قرار می دهـد .دوسـتان خ-وبـم، چ-ه کس-یایشـان را می شـناسد؟ بله ایشان آقای مؤذن زاده اردبیلی است که یک-ی از اذان ه-ای مع-روف وزیبا از ایشان می باشـد. ایشان از سال ۱۳۲۶ اذان می گفت و اولین م-ؤذنی ک-ه در رادی-و اذان گفت، ایشـان بود .مربی اگر بتوانـد قسـمتی خیلی کوتـاه از اذان ایشان را پخش کند بسیار جذاب خواهد شد .

بیان داستان

روزی روزگـاری شـهری بود که مؤذنی بسیار بـدآواز داشت.، وقتی او اذان می گفت، خاص و عام دچار سـر درد می شـدند .کودکان، ترسان از خواب می پریدنـد و همه از آواز او در عذاب بودند ت-اروزی او با قافله ای عازم مکه شد. در میان راه به وادی کافران رس-یدند و در هم-ان ج-ا اردوزدند .مؤذن قصد کرد اذان بگوید. همه از او خواسـتند در سـرزمین کافران اذان نگوید تا جن-گو دشـمنی به وجود نیاید. مؤذن گوش نکرد ،و صدای اذان گوش خراشـش در سراسـر وادی کفر پیچید. هنوز لحظاتی از برخاسـتن صـدای اذان او نگذشـته بود که کافری ش-مع ب-ه دس-ت ب-ه آن سو آمـد و با خود هدیه ای آورد، هـدیه، حلوا و جـامه ای لطیف بود. گفت: "مؤذنی که ص-دای او در دیار ما پیچیـد، کجاست که صـدای اذان او راحت جان من بود"؟! همه بـا تعجب ب-ه ه-منگـاه کردنـد .مرد کـافر، که دلیـل تعجب آنهـا را می دانست، گف-ت : "دخت-ری دارم ک-ه آرزوی-ش

ص: ۱۸۵

مسلمان شدن بود، هرچه کردم، هرچه به او پندمی دادم، هر چه به او وعده می دادم، دس-ت ازاین ایمان و آرزو بر نم یداشت .من در عذاب بودم و هیچ چاره ای برایم باقی نمانده بود تااینکه صدای این مؤذن بلند شد. دخترم سؤال کرد که این آواز زشت چیست؟ خواهرش گفت: بانگ اذان و شعار مسلمانان است. او باور نکرد و از دیگران پرسید. همه به او همین جواب را دادند. او که به یقین رسیده بود این آواز زشت، شعار مسلمانان است، دست از مسلمانی کشید و من ،آسایش روح و روانم را یافتم و حالا برای تشکر از این مؤذن زشت آواز، هدیه ای آوردم .

چون بدیدش گفت این هدیه بپذیر چون مرا گشتی مجیر و دستگیر آنچه کردی با من از احس-ان و بر بنده تو گش-ته ام م-ن مس-تمر(۱)

سؤال

– چرا اذان، شعار مسلمانان است؟

– به نظر شما چه چیز موجب شد با وجود اینکه همه مخالف اذان گفتن آن مؤذن بودند او باز اذان بگوید؟

– آیا تنها عامل تنفر مردم، صدای زشت او بود یا نکته دیگری مطرح است؟– مؤذن پیامبر اکرم (ص) چه نام داشت؟

بانگ اذان، بانگ ندای عاشق و معشوق است که صدا می زند بیا وقت ملاقات ف-را رس-ید.

وقت دیدار دو دوست است و هنگام از نو نشستن، درد دل کردن. بیا که غصه هایت را گ-وش کنم، همه مشکلاتت را می دانم، راستی می دانی قبل از تو، همه آنهایی که مرا ب-اور کردن-د ودست در دست من گذاشتند به آرزوهایشان رسیدند. تو نیز به پا خیز؛ چراکه کاری بهتر از ای-ندر عالم وجود ندارد. پس بلند شو که زمان دیدار نزدیک است.

نتیجه گیری

هر روز شعار هر مسلمانی آن هم روزی چند بار این است: "من تنها نیستم". چه خ-وب اس-ت

ص: ۱۸۶

۱– مولوی، مثنوی معنوی.

که این شـعار را یک خوش صدا آواز کند؛ اما فقط خوش صدایی مؤثر نیست؛ ب-اور داش-تن ای-ن شعار مهمتر است. مثل بلال، وقت دیـدار که فرا می رسـید نبی اکرم(ص) می فرم-ود : "أَرِحْنَ-ا ی-ابلال".(۱)صدای اذان بلال، آرامش بخش بود؛ چون با اعتقاد اذان میگفت.

خدایا ،به ما توفیق بده تا دیگران را به دین اسلام دعوت کنیم. آمین .

ص: ۱۸۷

۱- محمدباقر مجلسی،بحار الانوار ج ۷۹ ص ۱۹۳ باب ۱

۱۶۸اخلاص (۱)

راهبرد جلسه

در این جلسه با تعریف اخلاص و مسیر ایجاد آن آشنا خواهیم شد.

جذابیت اولیه

جوانی عاشق دختر پادشاهی شـد .رنج این عشق او را بیچاره کرده بود. مرد زیرکی از ن-دیمان پادشاه که دلباختگی او را دید و جوان را ساده و خوش قلب یافت، به او گف-ت : پادش-اه اه-ل معرفت است، اگراحساس کند که تو بنده خوبی از بندگان خدا هستی؛ خ-ودش ب-ه س-راغ ت-وخواهد آمد .

جوان به امید رسیدن به معشوق در گوشه ای به عبادت و نیایش مشغول شد.

به طوری که انـدك انـدك مجـذوب پرسـتش گرديـد و آثار اخ-لاص در او تجل-ی یاف-ت. روزی گذر پادشاه به او افتاد. احـوال وی را جویـا شــد و دانسـت کـه جـوان، بنـده ای بـا اخلاـص از بنـدگان خـداست. همـان جـا از وی خـواست تـا برای خواستگاری دخترش بیاید!

جوان فرصـتی برای فکر کردن خواست و پادشـاه به او مهلت داد. هم-ین ك-ه پـادش-اه از آنمكـان دور شـد، جوان وسـایل خود را جمع کرد و به مکـان نـامعلومی رفت. نـدیم پادشاه از رفت-اراو تعجب کرد و به جست وجوی او پرداخت تا علت این تصمیم را بداند. بع-د از م-دته-ا او ر ا یافت و گفت: تو در شوق رسیدن به دختر پادشاه آن گونه ب یقرار و ب یت-اب ب-ودی! پ-س چ-راوقتی پادشـاه به سـراغ تو آمـد و ازدواج دخترش را از تو خواست، از آن فرار کردی؟ جوان گفت: اگر آن بنـدگی دروغین که به سـبب رسـیدن به معشوق بود، پادشاهی را ب-ه درخانه ما آورد، چرا قـدم در بندگی راستین نگذارم تا پادشاه جهانیان را در خانه خویش ببینم؟ چشمی دارم همه پر از دیدن دوست با دیده مرا خوش است چون دیده در اوست

از دیـده و دوسـت فرق کردن نت-وان ی ا دوست درون دیـده یـا دیـده دوسـت(۱)به نظر شـما تعریف اخلاـص چیست؟ اگر بخواهیم مخلص شویم باید چ ه کار کنیم؟

اخلاص یعنی کاری را فقط برای محبوب و معشوق خود انجام دادن و خالص کردن عمل از هرگونه ریا، خودنمایی و شـرک: "ان لله لا یقب-ل م-ن العم-ل الا م-ا ک-ان خالص-ا لوجه-ه وابتغ-ی ب-ه وجهه".(۲)

اگر بخواهیم مخلص شویم بایـد عاشق بشویم. این قـدرت و عظمت عشق است که مانع از ورود غیرمعشوق به قل-ب عاش-ق م-ی ش-ود ؛ مـانن-د امی-رالم-ؤمنین(ع) ک-ه در ش-رایـط ع-ادی نمی توانسـتند تیر را به دلیـل شـدت درد از پـای مب-ارکش خ-ارج کنن-د و در نم-از ب-دون این ک-ه حضـرت متـوجه بشود خـارج کردنـد؛(۳) چراکـه او أشَ ـُد حُباً لله۴(۴) است .خـدای متع-ال را از هم-ه چی-ز وهمه کس بیشتر دوست دارد و عاشق و دلباخته خداست ،و این عشق او را از خود بی خود کرده است و از غیر یار غافل.

نتیجه گیری

اولین و اساسـیترین پـایه نمـاز اخلاـص است. برای ایجـاد اخلاص به عش-ق و دل ب-اختگی ب-ه محبوب واقعی نیاز است؛ چون تا عاشق نشویم خالص نمی شویم .

خدایا، ما را از مخلصین واقعی قرار بده. آمین .

ص: ۱۸۹

۱- ابوسعید ابوالخیر

۲- "خداونـد در میـان اعمـال جز عمل خالص را که برای رضای او باشـد، قبول نمیکنـد" (عبـدالعظیم بن عبـدالقوی منـذری، الترغیب و الترهیب، ج۳، ص۲۲۵).

۳- محمدباقر مجلسی ،بحار الانوار، ج ۴۱ ص۱۵.

۴- طه: ۱۸

۶۹. اخلاص(۲)

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که نماز بدون اخ-لاص درج-ه مقب-ولیتش ک-م است .

جذابیت اولیه

در ابتدای جلسه مربی مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی; را به دانش آم-وزان نش-ان م-یده-د ومی پرسد: این چه کتابی است و نویسنده آن کیست؟ پس از شنیدن پاسخ صحیح، حکایت ذیل را تعریف می کند .

ماه رمضان یکی از سالها با چند تن از رفقای آیت الله شیخ عباس قمی از ایشان خ-واهش کردیم که در مسجد گوهرشاد نماز جماعت را اقامه کند. با اصرار فراوان ای-ن خ-واهش م-ا راپذیرفتند و چند روز نماز ظهر و عصر را در یکی از شبستان های آنجا اقامه کردند. روزبه روز بر جمعیت نمازگزاران افزوده می شد. هنوز ده روز نشده بود که اشخاص زیادی اط-لاع یافتن-د وجمعیت زیادی در جماعت شرکت می کردند .یک روز پس از اتمام نماز ظهر به من که نزدیک ایشان بودم، گفتند: من امروز نمی توانم نماز عصر بخوانم .رفتند و دیگر آن سال را برای نم-ازجماعت نیامدند! بعدها از ایشان علت ترک نم-از جماع-ت را س-ؤال ک-ردم. ایش-ان فرمودن-د :

حقیقت این است که در رکوعِ رکعت چهارم، متوجه شدم که صدای اقتداکنن-دگان ک-ه پش-ت سر من می گویند: یا الله یـا الله، إ نَّ للهَ مَعَ الصـا بِرین از محلی بسیار دور به گ-وش م-ی رس-د ؛ ای-ن توجه که مرا به زیادتی جمعیت متوجه کرد، در من شادی و فرحی ایجاد کرد و خلاصه خوشم

آمد که جمعیت این اندازه زیاد است؛ بنابراین من برای امامت نماز جماعت اهلیت ندارم.(۱)

بیان لطیفه

یکی در مسجد مشغول نماز خواندن بود. در طرف دیگر مسجد هم چند نف‍ر داش‍تند ب‍ا ه‍م صحبت میکردند .این آقا که تمام حواسش به آنطرف مسجد بود، شنید که دارند از او تعریف می کنند و می گویند: عجب نماز با حالی، خوش به سعادتش، خداوند چه توفیق‍اتی ب‍ه او داده است. این بنده خدا کلی ذوق کرد و شروع کرد به آب و تاب دادن و با صوت زیب‍ا نم‍ازش راادامه داد. آنها هم همین طور به تعریف هایشان ادامه میدادند. دیگر نتوانست خودش را کنترل کند ،وسط نماز فریاد زد: تازه روزه هم هستم!

پیوند با بحث

اولین و مهم ترین واجب و رکن نماز، نیت است. منظور از نیت همان رعایت اخلاص در نم‍ازاست .نماز ما زمانی روح و ماهیت دارد که پاک و بی ری‍ا باش‍د .ش‍اید یک‍ی از عل‍ل نب‍ودناخلاص این باشد که آنقدر که برای دیگران شأن و منزل‍ت و بزرگ‍ی قائ‍ل هس‍تیم، ب‍رایخداوند متعال که صاحب جبروت و ملکوت است، قائل نیستیم: قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاءو تعز من تشاء و تذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شئ قدیر.(۲)

دوستان خوبم ،برای کسی که عاشق است اصلاً مهم نیست که کسی غیر از معشوق به او و کارهایش توجه می کند یا نه. حتی برعکس ،از اعماق وجودش می خواهد کارش ب‍ا ص‍فا وصداقت و اخلاص پیش برود و اگر احساس کند ته دلش آنگونه که باید نیس‍ت، خ‍ودش را سرزنش و تنبیه میکند؛ مانند این عالم جلیل القدر شیخ عباس قمی؛.

خدایا، کمک کن تا نماز بااخلاص بخوانیم. آمین .

ص: ۱۹۱

۱- شیخ عباس قمی ،فوائد ال رضویه، ج۱، ص۱۶۲.

۲- بگو: خدایا، ای مالک همهٔ موجودات، به هرکه خواهی حکومت می دهی و از هرکه خواهی حکومت را می ستانی، و هرکه را خواهی عزت می بخشی و هرکه را خواهی خوار و بی مقدار می کنی .هر خیری به دست توست. یقیناً تو بر هر کاری توانایی" (آل عمران:۲۶)

۷۰. شیطان نمی گذارد تا صبح نماز بخوانی

راهبرد جلسه

در این جلسه به بررسی عوامل ایجاد تمرکز و پرهیز از حواس پرتی در نماز می پردازیم .

جذابیت اولیه

سلام، خسته نباشید دوستان خوبم. امروز می خواهم برایتان داستانی تعری-ف ک-نم ک-ه تقریب-اًمطمئنم برای همه لااقل یک بار پیش آمده است. این ماجرا شما را هم مثل من به خن-ده درمی آورد! اما بعد از خندیدن قول بدهیم کمی فکر کنیم.

در روزگاران گذشته، بنده خدایی مقداری پول داشت که نمی دانست کج-ا پنه-انش کن-د.

بالأخره تصمیم گرفت پول ها را در گوشه ای زیر خاک دفن کند؛ اما از بخت بد، ج-ای کی س-هپول را فراموش کرد. خیلی اینطرف و آنطرف زد؛ اما هرچه بیشتر م-ی گش-ت بیش-تر ناامی-دمی شد؛ تااینکه فکری به سرش زد .تصمیم گرفت سراغ بزرگ شهرش-ان ب-رود و از او کم-ک بگیرد .خدمت بزرگ شهر رسید و ماجرا را با سوز تمام تعریف کرد. آن بزرگ بع-د از ش-نیدن ماجرا تأملی کرد و گفت: من کلکی بلدم که با آن می توانی مشکلت را حل کنی. او رو به مرد کرد و گفت: برو امشب تا صبح نماز بخوان و مطمئن باش که گمشده ات را پیدا می کنی. مرد هم رفت و شب، شروع به خواندن نماز کرد؛ اما هنوز دو ساعت نگذشته بود که ناگهان وس-طنماز، جای پول ها را به یاد آورد .فوراً نمازش را تمام و شروع به دویدن کرد .بله، کیسه درست سر جایش بود و الحمدلله پول ها تمام و کمال موجود بود. ب-الأخره آن ش-ب گذش-ت و ف-رداخدمت آن بزرگ رسید و به او گفت: چه زود راهی که نشان دادی کارساز شد. من پ-ول ه-ا راپیدا کردم .آن بزرگ، لبخندی زد و گفت: می دانستم که شیطان نمی گذارد تو ت-ا ص-بح نم-از

ص: ۱۹۲

بخوانی! چرا به شکرانه پیدا کردن محل پول هایت تا صبح نماز را ادامه ندادی؟(۱)

پیوند با بحث

اولین چیزی که باید به آن فکر کرد و از آن خجالت کشید، حواس پرتی در نماز است. ما ه-م،مثل این آقا شاید بارها مشکلاتمان سر نماز حل شده باشد؛ اما این جای تأس-ف دارد . م-ن ازحضرت حق به دلیل این همه بی ادبی ام شرمنده ام. می دانید چرا؟ چون من خودم اصلاً خوش-م نمی آید وقتی دارم با کسی حرف می زنم، حواسش به من نباشد. به نظر ش-ما چق-در ب-ی ادب-یاست، وقتی با خداوند جهانیان، علیمِ حکیمِ عزیزِ قدیرِ بی همتا، ص-حبت م-ی کن-یم حواسمان جای دیگری باشد؟

نتیجه گیری

مهم ترین عاملی که سبب حواس پرتی ما در نماز می شود، کم توجهی و بی توجهی ما به ارزش نماز و کسی است که در نماز با او صحبت می کنیم .تا به حال دقت کرده اید، اگ-ر ب-ه چی-زی علاقه داشته باشیم، شب و روز ما را به خودش اختصاص می دهد. اگر نسبت به خالق مهربان نیز کمی عشق و علاقه داشته باشیم، آیا باز ممکن است، در نماز حواس پرتی داشته باشیم؟

خدایا، کمک کن نماز بدون حواس پرتی بخوانیم. آمین .

ص: ۱۹۳

۱- موسی، خسروی، پند تاریخ، ج ۵، ص ۲۳۳

۷۱. نماز ریایی چیست؟

راهبرد جلسه

در این جلسه به تعریف و زشتی ریا در نماز می پردازیم .

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه(۱)نماز چیست؟ مجالی برای خاراندن! مفاص--ل س--ر انگش--ت را فش--اراندن به یاد درد و بدهکاری و غم افتادن به ذهن خود همه را ی-ك ب-ه ی-ك ش-ماراندن در اوج کسب تمرک- ز، مگ-س اگ-ر آم-د ب--ه ی--اری س--ر و دس--ت و دم--اغ، تاران--دن! به وقت گف-تن م-د ال-ف -- والض-الین - به ف-یلم و س-ی دی و دی-ش، دل س-پاراندن همیشه بین ی-ك و دو، فجی-ع ش-کّیدن چاهار رکع-ت خ-ود را، دوت-ا گزاران-دن به هر طرف نظری، بلکه جفت گردد جور ك--ه در نم--از فراداس--ت، چش--م چاران--دن!

اگر که سوسک غریبی ب-ه جانم-از افت-اد دو پ--ای ق--رض نم--وده، ب--دان فراران--دن!

ریا کنیم و ریاست کنیم و خوش باشیم اگر شود که به مسجد دو چش-م باران--دن! (۲)

ریا چیست؟

ریا یعنی کاری را برای غیر خدا انجام دادن و دیگران را در آن کار ش-ریك ك-ردن. از هم-ین

جهت امام صادق(ع) فرمودند:"کلُّ رِیاَءٍ شِرکٌ إنّهُ مَنْ عَمِلَ لِلنّاسِ کَانَ ثَوَابَهُ عَلَی النّاسِ وَ مَنْ عَمِلَ لِلهِ کَانَ ثَوَابُهُ عَلَی اللهِ"؛(۳)تمامی ریاکاری ها شرك است .یقیناً کسی که عملی را ب-رای م-ردم انج-ام می دهد پاداش و جزای آن را هم باید از مردم بگیرد، و کسی که عمل خ-ود را ب-رای خداون-دمتعال انجام دهد، ثواب و پاداش آن بر عهده خداوند متعال می باشد.

۱- مربی محترم ابتدا با لطافت و احساسات شروع به شعر خواندن کند.

۲- زهرا دری.

۳- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۹۳

از این نماز غرض آن بود که م–ن ب–ا ت–و ح–دیث درد ف–راق ت–و ب–ازنگ–زارم و گرنه این چه نمازی بود که من ب– ی ت–و نشسته روی به محراب و دل به ب–ازارم (۱)

نتیجه گیری

دوستان عزیز، به نظر شما این رفتار تا چه اندازه مؤدبانه است که من هنگام صحبت کردن ب–اشما اولاً توجه به شما نداشته باشم و بدتر از آن، در حضور شما کارهایی را برای جل–ب توج–ه دیگران انجام بدهم؟ آیا شما به من نمی گویید: خب، تو که دوست داری با دیگ–ری ص–حبت کنی و حواست پیش اوست، برو با او صحبت کن؟

خدایا ،اعمال ما را از ریا دور گردان. آمین .

ص: ۱۹۵

۱- مولوی

۷۲.تاریخ انقضای نماز

راهبرد جلسه

امام حسن عسگری(ع) فرموده اند: "یُقِیمُونَ َالصلاهَ یَعْنِی بِإِتمَامِ رُکُوعِهَا وَ سُجُودِهَا وَ حِفْظِ مَوَاقِیتِهَ-ا وَ حُدُودِهَا وَ صِیَانَتِهَا عَما یُفْسِدُهَا أَوْیَنْقُصُ-هَا"؛(۱) رکوع و سجود را به تمامه انجام ده-یم و ب-ر اوق-ات

نمازمان مراقبت داشته باشیم و حدود نماز را حفظ کنیم و از نمازهایمان مراقبت ویژه ای داشته باشیم تا از فاسد شدن و ناقص شدن آن جلوگیری کنیم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ابتدا یک جدول مانند شکل زیر رسم کند و جدول را از راست به چپ پ-ر کن-د وبا بیان هر سؤال و دریافت پاسخ صحیح آن ،حرف اول هر پاسخ را در یک خانه قرار دهد.(۲)

۱.به شخصی می گویند که از اذان صبح تا اذان مغرب از خوردن و آشامیدن امس-اک می کند؟ (روزه دار)

۲.حرف ندای مشترک را می گویند؟ (یا)

۳.پیامبری که بدون پدر و مادر به دنیا آمد؟ (آدم(ع)رمز جدول کلمه "ریا" می باشد.(۳)

ریا

ص: ۱۹۶

۱- محمدباقر مجلسی، بحار الانوارج۱۸،ص ۲۳۱

۲- اجازه بدهید پاسخ ها را دانش آموزان بیان کنند.

۳- مربی گرامی ابتدا رمز جدول را از دانش آموزان بپرسد که کدام کلمه است؟

پیوند با بحث

"ریا" ضد "اخلاص" است. از ریشه های ریا می توان به حب دنیا و فراموشی آخرت و اندیش- ه نکردن در پاداش های الهی و تأمل نکردن در آفت های دنیاپرستی اشاره کرد.

چه کسی از شما دوستان خوب می داند ریشه ریا در چیست؟

امام صادق(ع) فرمودنـد: "ِالریَاءُشَجَرهَ لَا تُثِرُ إِلا الشِّرکَ الْخَفِی وَأصْ لهَا ِالنفَاق"؛(۱) ریاو ظاهرسازی درختی است که میوه ای جز شرک خفی ندارد و اصل و ریشه آن نفاق است.

و این ریا تاریخ انقضای هر عبادت و نیایشی است که موج–ب پ–وک ش–دن آن عب–ادت ازمفهوم و معنا خواهد شد .

داستان

مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی; ازنظر علم سرآمد عصر خود بود و بعد از میرزای بزرگ; - آقا میرزا حسن شیرازی همان که حکم تحریم تنباکو را صادر کرد - محل رج–وع م–ردم ش–د. میرزای بزرگ غروب از دنیا رفت. خبر مرگش را به مرحوم میرزای کوچک دادنـد. یک وسوسه و خوشحالی از این ریاستی که به او می رسد در دل میرزای کوچک پیدا شد. خیل–ی ناراح–ت شد و شب تا صبح گریه کرد. دقایق پایانی مراسم ت–دفین ایش–ان را در س–رداب مطه–ر ام–ام زمان(عج) یافتند .دیدند از گریه زیاد چشم هایش باد کرده

گفتند: آقا ،بیایید نماز بخوانید. گفت: خیر ،من مرجع نیستم. گفتن–د : آق–ا ، م–ردم منتظرن–د .

گفت: خیر من مرجع نیستم؛ برای اینکه من در این جا، امام زم–ان (عج) را ب–ه پهل–وی شکس–ته مادرش زهرا(س) قسم دادم که این بار را روی دوش من نگذارد؛ زیرا دل–ی ک–ه ح–ب ریاس–ت داشته باشد، لیاقت این کار را ندارد، ولذا من مرجع نمی شوم .

بالاخره نشد و زیر بار نرفت و هرچه گفتند رساله بنویس، ننوشت.(۲)

ص: ۱۹۷

۱- میرزا حسین نوری ،مستدرک الوسائل، ج۱، ص۱۰۷.

۲- حسین مظاهری ،کنترل غرایز در زندگی انسان، ص۱۶۱.

نتیجه گیری

به ایمان هرکسی کاو پایبند است بدین تقوا عزیز و ارجمن-د اس-ت

خوشا مردی که راد و متقی ش-دن شد گر متقی، زشت و شقی شد

بودتقوا همان اکسیر اعظم عمل بسیار از آن باشد اگر ک-م (۱)

ص: ۱۹۸

۱- محمدعلی انصاری ،نهج البلاغه منظوم، ج۰۱، ص۱۸۴.

۷۳. مسیر وحدت

راهبرد جلسه

آیـا تـاکنون از خود پرسـیده ایـد که چرا بایـد نماز را رو به قبل–ه بـخ–وانیم؟ مگ–ر خ–دا درون کعب–ه است؟ او که مکان خاصی ندارد، پس چرا باید هنگام توجه به او، به سوی کعبه رو کنیم؟

جذابیت اولیه

از شگفتی های روح انسان، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری درون و بیرون بر یک–دیگر و از یک–دیگر است. کاربرد این مسئله نیز بسیار وسیع است. از عبـادات و مسائل تربیتی و سیاسـی گرفت–ه ت–ا شخصیت فردی و اجتماعی و مسائل تهاجم فرهنگی و استقلال و هویت و خل–وص و نظ–م و غیره را دربر می گیرد که با چند مثا ل سعی می کنیم مسئله روش ن شود .

شمـا وقـتی می ترسـید، رنـگ از چهره تـان می پرد. وقتی خجـالت م–یکش–یـد، ع–رق ش–رم ب–ر چهره تـان می نشـیند و رنگتـان سـرخ می شود. وقتی تردی–د داری–د، گفتارت–ان سـس–ت اس–ت و از صـلابت لازم برخوردار نیست. وقتی یقین داریـد، محکم و قـاطع حرف م–یزنی–د . وقت–ی ب–رای کسـی در دل خـویش، احسـاس محبت و احـترام داریـد، آن را در رفتارتان ه–م ب–روز م–ی دهی–د .

وقتی غمگین و ناراحتیـد ،اشـتهایتان از بین می رود و قیافه اتان هم گرفته است و حوصـله حرف زدن با کسـی را ندارید. وقتی هم دلتان از حادثه ای و صحنه ای می سوزد، اش–ک از دی–دگانتان جاری می شود. به قول آن شاعر:

تا نسوزد دل، نریزد اشک و خون از دیـده ها آتشـی باید که خوناب کباب آید ب–رون(۱) اینهـا و ده ها مثال دیگر، نشان می دهد که پدیده ها و حالاتی همچون: ترس، غ–م، ش–ک ،

۱- حسان

یقین، شرم، عشق، رقت قلب، و شجاعت که همه درونیاند، در چهره و گفتار و رفت–ار انس–ان تأثیر می گذارند .

پیوند با بحث

رفتار یک مؤمن و منافق با یکـدیگر یکسان نیست و اخلاق یک انسان عقیـده منـد و بی عقی–ده ،متفاوت است. همین جا این نـتیجه را می تـوان گرفـت که برای تغییر در ظـاهر و دگرگـون س–ازی رفتـار بیرونی، بایـد به تغییر بـاطنی و درونی پرداخت؛ چراکه حالات ظاهری ما انسان ها، انعکاس اعتقادات، افکار و ویژگی های درونی ماست .

تأثیر ظاهر بر باطن

تأثیر دیگر، تأثیر ظاهر در باطن است. به این مثال دقت کنید:

وقتی لبـاس نو و تمیز می پوشـید، احسـاس دیگری به ش–ما دس–ت م–ی ده–د . وقت–ی حم–ام می رویـد و خود را شسـت وشو می دهیـد، روحتـان هم احسـاس شادابی می کن–د . وقت–ی س–وار ب–ر مرکبی راهوار یا ماشـینی مـدلبالا می شویـد، نوعی احساس خودبرتربینی در شما پدید م–یآی–د .

وقـتی در یـک خـانه مجلـل و کـاخ گونه زنـدگی کنیـد ،ممـک–ن اس–ت روحی–ات ش–مـا ه–م ک–م ک–م شـاه گونه و متکـبرانه شـود. حـالت شـما، زمـانی که لب–اس راحت–ی داخ–ل من–زل پوش–یـدهای–د، ب–ا زمـانی که لبـاس رسـمی و بیرونی را در تن کرده اید، یکسان نیست. ی–ک ف–رد نظ–امی، اگ–ر ب–ا دمپایی و لباس شخصـی و بدون کلاه و سـلاح باشد حالتش با وقتی که لباس نظامی و پ–وتین و اسـلحه دارد فرق می کند. معطر و آراسته بودن، روح را لطیف م–ی کن–د و آل–ودگی و تعف–ن و شلختگی ظاهری، در روح و روان اثر منفی می گذارد و نشاط را از بین م یبرد .

نتیجه گیری

ازآنجـاکه ظـاهر در بـاطن مـؤثر اسـت، گـاهی می تـوان از راه ایجـاد تغییرات بیرون–ی ب–ه تـح–ولات درونی دست یـافت. همـانگونه که مثلاًـ بعضـی بـا تغییر دکـور و آرایش وسایـل منزل، دنبـال تنـوع و شـادابی در زنـدگی و مقـابله بـا افسردگی و دلمردگی می روند یا ب–ه وس–یله ورزش ک–ه ن–وعی حرکت جسـمی است، می کوشند در خودشان طراوت روانی پدید آورند .

جهت گیری ظاهری و ایستادن به سوی یک مکان جغرافیایی دل و جان را هم به هم-ان سمت می کشد و موجب می شود باطن انسان هم توحیدی و ابراهیمی شود. توج-ه ب-ه کعب-ه ،باعث می شود انسان از همه چیز سلب جهت کند و دل و بدن و فک-ر را متوج-ه ی-ک جه-ت سازد.(۱)

امام صادق(ع) فرمودند: "آنگاه که به سوی قبله رو کردی، از تمام دنیا و شئون دنی-ایی وخلایق و امور مربوط به آنان مأیوس باش و قلب خود را از هر سرگرم کننده ای پاک کن و در درون، عظمت خدا را مجسم دار و به یاد آور ایستادن خ-ود را در پیش-گاه خ-دا، آن زم-ان ک-ه اعمال گذشته هریک از انسا نها پیش روی آنان نهاده می شود".(۲)

۱- جواد محدّثی، رابطه درون و برون ص ۳۴.

۲- مولامحسن فیض کاشانی، محجه البیضاء، ج۱، ص۳۸۲.

۷۴. نخستین سخن

راهبرد جلسه

پی بردن به همه اسرار احکام الهی در توان انسان ها نیست. تنها به مطالبی که ازجانب حضرت حق و یا رسول مصدق(ص) و اهل بیت عصمت و طهارت: تأیید شده باشد، می توان اعتماد کرد .با توجه به این مطلب، در این درس به بررسی گوشه ای از اسرار تکبیرهالاحرام می پردازیم .

جذابیت اولیه

دوستان من ،

۱.بیشترین ذکری که در نماز تکرار می شود کدام ذکر است؟(۱)

۲.دومین رکن نماز چیست؟

پاسخ این پرسش ها "الله اکبر" است .نخستین سخن ما در برابر خداوند متعال تکبیر است ،خدای من! تو بزرگ تر و برتر از هر توصیفی هستی. تو آنقدر عظیم و کریمی که نمی توان بیان کرد. مگر می شود بی نهایت را توصیف کرد؟!

پیوند با بحث

ما با گفتن "الله اکبر" وارد حریم محرم راز می شویم و خداوند متعال را تکریم و تعظیم کرده و داشتن هرگونه شریک را از او نفی می کنیم .

شما فکر می کنید سرّ بالا بردن دست ها در هنگام تکبیر چیست؟(۲) یعنی دور انداختن همه

دنیا و قدرت های پوشالی آن. امام رضا(ع) فرمودند: "إِنَّمَا تُرْفَعُ الیَدَانِ بِالتکْبِیرلِأَنَّ رَفْعَ الیَدَیْنِ ضَرْبٌ مِنَ

الاِبتِهَالِ وَالتبتلِ وَالتُّضَرعِ فَأحبَّ اللهُ عز وَجَلَّ أَنْ یَکُونَ العَبْدُ فِی وَقْتِ ذِکْرِهِ لَهُ مُتَبَتلًا مُتَضَرعاً مُبْتَهِلًا وَلِأَنَّ فِی

ص: ۲۰۲

۱- مربی گرامی نظرهای دانش آموزان را بخواهد .

۲- این عمل مستحب است.

رَفْعِ الیَدَینِ إحِضَارَ النیهِ وَ إِقْبَالَ القَلْبِ عَلَی مَا قَالَ "؛(۱) بالا بردن دس تها هنگام تکبیر، نشان دهنده توجه و روی آوردن به آن چیزی که در نماز م-ی گوی-د (حض-ور قل-ب) .خداون-د متع-ال دوس-ت دارد،هما نطور که خودش بنده اش را دوست دارد، هنگامی که بنده اش می خواهد با او ص-حبت کن-دحالتی عاشقانه و خالصانه داشته باشد. از این رو تکبیرهالاح-ر ام، یعن-ی ح-رف دل ش-ما و متمرک-زکردن ذهن و دل خود به آنچه می خواهید بگویی-د . ام-ام ص-ادق(ع) درای-ن ب-اره ک-لام زیب-ایی

فرمودند: "فَإنّ لله تَعَالَی إذِا اطَّلعَ عَلَی قَلبِ العَبْدِ وَهُوَ یُکبرُ وَفِی قَلْبِ عَارِضٌ عَنْ حَقِیقَهِ تکَبِیرهِ قَالَ یَا کَاذِبُ أَتَخْدَعُنِی وَعِزتِی وَجَلَالِی لَأحْرمِ نکَ حَلَاوَهَ ذِکْرِ "؛(۲) ما در زمانی که تکبیر می گوییم، مانند شخصی هس-تیم

که در میدان جنگ به علامت اسارت، دست خود را بالا آورده .در این حال خداوند متعال به قلب و دل ما نظر می کند. می بیند که زبان و دل یکی نیست. این دوروی-ی و دو رنگ-ی و حیل-ه گ-ریسبب می شود ما لذت و شیرینی نام و یاد خدا را از دست بدهیم.

"ما جَعَلَ لله لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَیْنِ فِی جَوْفِه"؛(۳) خداون-د متع-ال ب-رای ه-یچک-س دو دل در درون-ش نیافریده است. اگر ما با این اعتقاد که تنها خالق و معبود هستی خداوند متعال اس-ت ب-ه راز ونیاز در برابر او می ایستیم، پس جایی برای خودمان هم در قلبمان نمی ماند .

نتیجه گیری

الله اکبر، بیش از ذکرهای دیگر در نماز تکرار می شود. به این معنا ک-ه خداون-د متع-ال برت-رین است و در واقع، کسی نمی تواند او را توصیف کند.

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم وز هرچه گفته اند و شنیدیم و خوانده ایم مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر ما همچنان در اول وصف تو مانده ای-م (۴)

۱- شیخ حر عاملی ،وسائل الشیعه، ج۶، ح۷۲۶۰.

۲- محمدباقر مجلسی ،بحار الانوار، ج۸۱، ص۲۳

۳- احزاب:۴

۴- سعدی شیرازی، گلستان، دیباچه.

۷۵.تاثیرالفاظ

راهبرد جلسه

در این درس به این نکته می پردازیم که چرا در نماز حتماً بایـد این الفاظ و اذکار خاص را بیان کرد و به چه انـدازه بایـد به معانی آنها توجه داشت.

جذابیت اولیه

مرد کری بـود که می خـواست به عیـادت همسـایه مریضـش برود. بـا خود گفت: م-ن ک-ر هس-تم چگونه حرف بیمـار را بشـنوم و ب-ا او س-خن بگ-ویم؟ او م-ریض و ص-دایش ض-عیف اس-ت. او گف توگویی به شـکل ذیل در ذهن خود آماده کرد:

من می گویم: حالت چطور است؟ او خواهد گفت: خوبم شکر خدا .

من می گویم: الحمدلله؛ چه خورده ای؟ او خواهد گفت: شوربا یا سوپ یا دارو.

من می گویم: نوش جان! پزشکت کیست؟ او خواهد گفت: فلان حکیم .

من می گویم: قدمش مبارک است، همه بیماران را درمان م-ی کن-د . م-ا او را م-ی شناس-یم طبیب دانایی است.

کر وقتی این پرسش و پاسخ را در ذهن خود آماده کرد. به عیادت همس-ایه رف-ت و کن-اربستر مریض نشست.

پرسید: حالت چطور است؟

بیمار گفت: دارم از درد می میرم!

کر گفت: خدا را شکر - مریض بسیار ناراحت شد.

کر گفت: چه م یخوری؟ بیمار گفت: زهر کشنده!

کر گفت: نوش جان - بیمار دیگر از عصبانیت خونش به جوش آمده بود.

کر پرسید: پزشکت کیست؟ بیمار گفت: عزرائیل!

کر گفت: قدمش مبارک است. همه بیماران را درمان میکند .

حال بیمار خراب تر شد. کر از خانه همسایه بیرون آمد و خوشحال بود که عیادت خوبی از مریض به عمل آورده است؛ درحالیکه بیمار ناله می کرد و فریاد م یزد: این همسایه دشمن من است.(۱)

سؤال

به نظر شما زمانی که می خواهیم با کسی صحبت کنیم لازم است الفاظ را درست و بجا به ک-ارببریم؟

آیا توجه نکردن به معانی الفاظی که به کار می بریم ،تأثیری در روابط اجتماعی ما دارد؟

پیوند با بحث

شاید خیلی از الفاظ، معانی شبیه به هم داشته باشند؛ اما می بینیم که در جامعه ی-ک لف-ظ ب-ه یک معنا برای احترام به کار می رود و لفظ دیگر به همان معنا برای توهین. بر هم-ین اس-اس خدای متعال در قرآن کریم می فرماید:

"قُولُوا لِلناسِ حُسْنا"؛(۲) با همه مردم به نیکی سخن بگویید.

۱- محمود فتوحی، داستانهای مثنوی، دفتر اول، داستان هفتم.

۲- بقره: ۸۳

علت آن را حضرت علی(ع) این گونه می فرمایند: " تکَلَّمُوا تعرفوا فإنَّ المرَءَ مَخْبُوءٌتحْتَ لِسانِهِ"؛(۱) صحبت کنید تا شناخته شوید؛ چراکه هر شخصی در زیر زبانش پنهان شده است.

ما زمانی که صحبت می کنیم با طرز صحبت و به کارگیری الفاظ، شخصیت خودمان را ب-ه دیگران معرفی می کنیم و نشان م یدهیم چگونه فکر می کنیم .

قال امیرالمومنین(ع) : "اللِّسَانُ تَرَجُمَانُ الْعَقْلَ ":(۲) زبان بیان کننده عقل است .

تا مردسخن نگفته عیب و هنرش نهفته باش-د (۳)

نتیجه گیری

به نظر شما زمانی که داریم با بهترین و مهربانترین خالق هستی، در نماز ص-حبت م-ی کن-یم چگونه باید صحبت کنیم؟ آیا نبایـد به درستی و زیبـایی الفاظمان توجه کنیم؟ از این رو، زیبا ترین و کامل ترین الفاظ ممکن با بالاترین معانی عمیق را به ما آموزش داده اند تا در برابر تنها خالق هستی بیان کنیم و به سبب آن، وجود و روح خود را تعالی بخشیم.

خدایا ،به ما توفیق ده تا الفاظ نمازمان را با معرفت و شناخت کامل بیان کنیم. آمین .

۱- عبدالواحد آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ح ۴۰۲۵
۲- همان، ح ۴۰۱۹
۳- سعدی شیرازی، گلستان، باب اول.

۷۶. چرا نماز را به زبان عربی بخوانیم؟

راهبرد جلسه

در این جلسه ،بـا یکی از علمـا و عرفـای بزرگ آشـنا می شویم و جواب این سؤال که چرا نماز را به زبان عربی می خوانیم، از زبان ایشان می شنویم .

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه(۱)دوسـتان خوب،چه کسـی ایشان را می شـناسد؟ احتمالاً شما ایشان را نمی شناسید؛ پ-س خ-ودم معرفی می کنم .این عکس متعلق به آقا رحیم ارب-اب، یک-ی از علم-ا و عرف-ای ب-زرگ، اه-ل"چرمهین" اصفهان است. در خانه پـدر بزرگوارش آقا علی پناه ارباب ، در سال ۱۲۵۶ ش. متولـد شد و در سال ۱۳۵۵ ش. فوت کرد .این عـالم بزرگ در تقوا و معرفت کـم نظی-ر ب-ود. وقت-ی ازایشـان پرسـیدند، پس از ایـن همه عمر و عبـادت آیـا ادعـایی هم داریـد یـا نه؛ ایشـان فرمودن-د : در مسائل علمی هیـچ ادعایی ندارم ؛ اما در مسائل شخصـی خود دو ادعا دارم: یکی به عمرم غیبت نکردم و غیبت نشنیدم. دوم در طول عمرم چشمم، به نامحرم نیفتاد .

پیوند با بحث

حالا دوست دارید خاطره شیرینی از ایشان بشنوید؟

عد های از جوانان جست وجوگر و کنجکاو بعد از مشورت و گفت وگ-و ب-ا ه-م، ب-ه ای-ن نتیج-ه رسیدند که نماز را به زبان فارسی بخوانند. والدین آنها از این موضوع آگاه شدند؛ ولی هرچه آنه-ا رانصیحت کردند، فایده ای نداش ت. آنها را نزد یکی از آقایـان آن زمان بردنـد. آن آقا وقتی فهمیـد ای-ن جوانان به زبان فارسـی نمازم یخواننـد، به شـیو ه ای نامناسب با آنها برخورد کرد. یک-ی از ای-ن اف-راد

ص: ۲۰۷

۱- مربی عکس حاج آقا رحیم ارباب را در قطعۀ بزرگ در معرض دید دانش آموزان ق رار دهد.

می گویـد: این رفتار او باعث شـد با علاقه بیشتری به کارمان ادامه دهیم. عاقبت به سـفارش یک-ی ازوالدین، ما را به محضـر حاج آقا رحیم ارباب بردنـد. ما حدود پانزده نفر بودیم. در هم-ان لحظ-هاول ،چهره نورانی و خندان وی ما را شـیفته خودش کرد. فکر کردیم ایشان با دیگران فرق می کند .

در ابتـدا از همـه مـا پـذیرایی کرد.سـپس بـه وال-دین م-ا فرم-ود: ش-مـا ک-ه ب-ه فـارس-ی نم-ازنمی خوانیـد؛ پس فعًلاً تشریف ببرید و ما را با فرزندانتان تنها بگذارید .وقتی آنها رفتند، ب-ه م-ا فرمود: بهتر است شما یکی یکی خودتان را معرفی کنید و بگویید در چ-ه س-طح تحص-یلی ورشـته ای درس می خوانید. آنگاه به تناسب رشته و کلاس ما، پرسش های علمی مطرح کرد و از درس هایی مانند جبر، مثلثات ، فیزیک ، شیمی و علوم طبیعی ،مسائلی پرسید که پاس-خ بیش-تر آنها را نمی دانستیم. هرکس نمی توانست جواب سؤال را بدهـد، ایشـان با مهربانی جواب صـحیح سؤال را می داد. پس از آنکه همه ما را خلع سـلاح کرد، فرمود: والدین شـما نگران شده اند ک-ه شـما نمازتان را به فارسی می خوانید، آنها نمی دانند من کسانی را می شـناسم که - پناه بر خدا - اصًلاً نماز نمی خوانند. شـما جوانان پاک و بااعتقادی هستید که هم اهل دین هستید و هم اهل همت. من در جوانی می خواسـتم مثـل شـما نمـاز را به فارسـی بخوانم؛ ولی مشـکلاتی پیش آم-دکه نتوانسـتم. اکنون شـما به خواسـته دوران جوانی من عمل کرده اید. آفرین به همت ش-ما ! در آن موقع نخستین مشـکل من، ترجمه صـحیح سوره حمد بود که لابد شما آن را حل کرده اید .

اکنون یکی از شـما که از دیگران مسلط تر است بگوید "بسم الله الرحمن الرحیم" را چگون-ه ترجمه کرده است. یکی از آن جوانان گفت: "به نام خداوند بخشنده مهرب-ان ". حض-رت ارب-اب لبخند زد و فرمود: گمان نکنم ترجمه درست بسم الله چنین باش د .درمورد "بس-م " ترجم-ه "ب-هنام" عیبی نـدارد؛ اما "الله" قابل ترجمه نیست؛ زیرا اسم علَم (خاص) خداس-ت و اس-م خ-اص را نمی توان ترجمه کرد؛ مثًلاً اگر اسم کسی "حسن" باشد، نمی توان به او گفت "زیبا". کلمه "الله" اسم خاص است؛ پس نمی توان آن را ترجمه کرد؛ بایـد همان را به کار ب-رد . خ-وب ، "رحم-ن " را چگونه ترجمه کرده اید؟ رفیق مـا پاسـخ داد: بخشـنده، آقـا رحیم اربـاب فرمود: این ترجمه بـد نیست ،ولی کامـل نیست؛ زیرا "رحمن" یکی از صـفات خـداست که رحمت و بخشـندگی او را برای هم-ه موجودات می رسانـد و این معنـا در کلمه بخشـنده نیست ."رحمن"، یعنی خدایی ک-ه در ای-ن دنی-اهم بر مؤمن و هم بر کافر رحم می کند و همه را شامل لطف و بخشندگی خود قرار می دهد .

در هرحـال، ترجمه بخشـنده برای "رحمن" ترجمه کـاملی نیست.خوب، رحیم را چـط-ور ترجم-ه کرده ایـد؟ رفیق مـا جواب داد: "مهربان". حاج آقا ارباب فرمود: اگرمقصودتان از رح-یم م-ن ب-ودم -- چون نام ایشان رحیم بود - از این ترجمه بدم نم یآمـد؛ امـا چـون رحیم کلمه ای قرآنی و نـام پروردگـار است، بایـد درست معنـا شود. اگر آن را "بخشاینـده" ترجمه کرده بودیـد،راهی به دهی می ب-رد؛ زی-رارحیم یعنی خدایی که در آن دنیا گناهان مؤمنان را عفو م یکند .پس آنچه در ترجم-ه "بس-م الله " آوردهاید، بد نیست؛ ولی کامل نیست و اشـتباهاتی دارد. م-ن ه-م در دوران ج-وانی چن-ین قص-دیداشتم، اما به همین مشـکلات برخوردم و از خوانـدن نمازفارسـی منصـرف شدم. تازه ای-ن فق-ط آی-ه اول سوره حمد بود، اگر به دیگر آیات بپردازیم موضوع خیلی پیچیده تر می شود .

اما من معتقـدم شـما اگر باز هم بر این امر اصـرار داریـد، دست از نم-از خوان-دن فارس-ی ب-ر ندارید؛ زیرا خوانـدنش از نخوانـدن نماز به طور کلی بهتراست.در اینجا، همگی ش-رمنـده از ویعذر خواهی کردیم و قول دادیم، ضـمن خواندن نماز به زبان عربی، نمازهای گذشته را دوباره بخوانیم.ایشان فرمود: من نگفتم به عربی نماز بخوانید، هرطور دلتان می خواهد بخوانید. م-ن فقـط مشکلات این کـار را برای شـما شـرح دادم. حـاج آق-ا ارب-اب، ب-ا تع-ارف می-وه و ش-یرینی،مجلس را به پایـان برد. مـا همگی دست مبـارکش را بوسـیدیم و در حـالی که مـا را بـدرقه میکرد خـداحافظی کردیم. بعـد نمازها را اعاده کردیم و از کار جاهلانه خوددست برداشتیم.(۱)

خدایا ،ما را پیرو علمای واقعی اسلام قرار بده. آمین.

آقا رحیم ارباب;

ص: ۲۰۹

۱- سایت اندیشه قم؛ مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات .

۷۷. قرائت پیامبر اکرم(ص)

راهبرد جلسه

در این جلسه به مسئله وسواس و راه علاج آن می پردازیم .

جذابیت اولیه

آقایی که وسواس شدیدی داشت، هنگام نماز خواندن، با هزار زحمت به آخر سوره حمد رسیده بود، می گفت: " لَاوَالْضْ، لاوَالْضْ، لَاوَالضْ "

یکی از دوستانش که این حالت را دید، گفت: مرض!

پیوند با بحث

وسواس به منزله یک بیماری، به این صورت است که ی-ك فك-ر م-زاحم و آزاردهن-ده ی-ا ی-ك احساس اجبار برای انجام کاری که آنهم به صورت ناخواسته و علیرغم میل بیمار اس-ت، ب-ه ذهن بیمار خطور می کند و مرتب تکرار می شود. بیمار سعی می کند در برابر آن فکر مقاوم-ت کند، بااینکه می داند این احساس اجبار، کار بیهوده و بی معنی است؛ ولی وادار می شود آن فکر را در ذهنش راه بدهد و مرتبّاً تکرار کند یا آن عمل را که احساس اجبار برای انجام آن هست تکرار کند.(۱) این گونه وسواس ها در طهارت و عبادات موجب می شود مثلاًـ نمازگزار از باطن و حقیق-ت نماز فقط به ظاهر آن توجه کند و به جای توجه کردن به معنای نماز و کسب حضور قلب، ب-ه الفاظ و چگونگی تلفظ آن مشغول شود. اگرچه رعایت قرائت، از شرایط صحت نماز است، باید در حد اعتدال و تکلیف به آنها توجه کرد و به حضور قلب که حقیق-ت نم-از ب-ا آن معن-ا پی-دا می کند، بیشتر توجه کرد. هرچه توجه به این معنا زیادتر باشد، نماز کام-ل ت-ر خواه-د ش-د . در

ص: ۲۱۰

۱- دکتر مجید صادقی، روانپزشک، سایت سلامت http://www.salamat.ir.

روایتی از پیغمبر اکرم(ص) آمده است: "مَنْ توَغَ-لَ فی اللَّحْ-ن، سُ-لبِ الخُشُ-وع"؛(۱) ه-ر کس ب-یش از اندازه در لحن و صوت و ادای مخارج حروف دقت کند، خشوع و حضور قلب و توجه باطنی او از بین خواهد رفت.

پیامبر اکرم(ص) با اینکه بیشترین و بالاترین مقدار حضور قلب و خشوع را داشتند، ولی نم-ازآن حضرت گویا به سهولت بود. بعضــی هـم می گـوین-د : حض-رت ص-احبالزم-ان را دی-دم ک-ه بـه صـورت کاملاًـ متعـارف و معمـولی نمـاز می خواند.(۲)

مهم ترین راه درمان وسواس که در منابع دینی ما نیز به آن اشاره ش-ده ،(۳) ب-ی ت-وجهی ب-ه پیام ها و عدم پاسخدهی عملی به آن افکار مزاحم است. وس-واس در ص-ورتی ادام-ه و تش-دیدمی یابد که ما به نداهای درونی آن مبتنی بر تکرار عملی، بـا دقتی بالاـتر پـاس-خ عمـل-ی ده-یم؛ درصورتی که می دانیم این افکـار، ب یمورد و یـا یـک قضاوت غیرمنطقی و افراطی نسبت به امور هستند .برای مقابله با این حالت، بهترین راه بی اعتنایی به این پیام ها و ترتیب اثر ن-دادن ب-ه آنهاست. اگر مـدتی این روش را حتی به کمـک دیگران به کار ببنـدیم، ب-ه ط-ور قط-ع از ش-دتوسواسـمان کاسـته خواهـد شـد و آهسته آهسته سلامتی کامل به دست خواهد آمد .

نتیجه گیری

ما در نماز درعین قرائت صـحیح، بایـد توجه خودمان را بیشتر معطوف به خض-وع و خش-وع در نماز کنیم .نباید مسـیری را در پیش بگیریم که باعث استخفاف و سبک کردن نماز شود.

إنشاءالله همانطور باشـیم که امام صادق(ع) به ما فرمودنـد: "کُون وُا لَنَ-ا زَیْن-اً، وَ لَا تکُونُ-وا لَنَ-ا شَ-یْناء"؛(۴)ای شیعیان ما ،کارهایی انجام دهید که موجب زینت و سربلندی ما شود، نه کاره-اییکه موجب خجالت و سرافکندگی ما اهلبیت شود .

خدایا، ما را از وسوسه های شیطان دور کن. آمین .

ص: ۲۱۱

۱- شیخ حر عاملی ،وسایل الشیعه،ج۳، ص۳۲۹.
۲- محمدحسین رخشاد، در محضر بهجت، ج۳، ص۹۳، ش .۱۴۵۱
۳- روح‌الله خمینی ،توضیح المسائل، ص۸۸.
۴- محمدبن حسن طوسی، الأمالی، ص .۴۴۰

۷۸. آواز خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به اهمیت تلاوت سوره حمد در نماز می پردازیم .

جذابیت اولیه

مربی محترم ابتدا جدولی به شکل زیر رسم کند و سؤالات را مطرح نماید تا دانش آموزان ب–ه آنها پاسخ دهند .پیام جدول، ستون آخر آن است.

۱.نام پیامبری که پسرش با بدان بنشست خاندان بنوتش گم شد؟ (نوح)

۲.روز به عربی؟ (یوم)

۳.نام یکی از سوره های قرآن کریم که به معنای شهر است؟ (بلد)

نوح۱

یوم۲

بلد۳

حالا به سراغ پیام جدول می رویم. به نظر شما پیام جدول چیست؟ (رمز جدول نام مبارک سوره حمد است) .

ص: ۲۱۲

شعر

ب---از م---تن ش---عرم آواز خـداس---ت ب---از فص---ل مثن---وی ب---ی انتهاس---ت ب---از بای---د در ثن---ایی ای---ن چن---ین حم----دلله خـوان----د و رب الع----المین ب----از در مهم---انی گ---- لواژه ه----ا ی---اسه---ا، بـابون---ه ه---ا، آلالـ---ه ه---ا ب--از در جش--ن اق--اقی ه--ای عش--ق رق--ص دلچس--ب قن--اری ه--ای عش--ق م-ی زنم دل را ب-ه دری--ای ب-لا- "پـل--ه پـل--ه ت--ا ملاقـ--ات خ--دا" می توان ازنور حق بی تاب شد ن--ور اگ--ر نت--وان ، ت--وان مهت--اب ش--د م---ی ت---وان در حم---د رب الع---المیـن مس--ت ش--د از ج--ام ج--انس--وز یـق--ین می تـوان در حم-د ح-ق ش-عری س-رود درس--پاس ب--ی ك--رانش ل--ب گش--ود حــم--د تفس--یر تــم--ام س--وره هـــاس--ت معـن-- ی الـف-- اظ پررم-- زخـداس-ت حم--د یعن--ی "ق--ل ه--و اللّ--ه اح--د" حمـد یعن--ی از "بلد"ت--ا فی كب--د" حمد "رب اشـرح لی" گفتن های ماست حم-د زین-ت بخ-ش ق-رآن خداس-ت حمد یعن-ی عش-ق آن محب-وب پ-اك نال---ه ه-- -ای عاش---قان س---ینه چ---اك حم---د یعن---ی آی---ه ق---الوا بل---ی حم--د یعن--ی "إِس--تَجِب" ه- -ای خ--دا معن----ی "إنّ----ا إلَی----ه راجع----ون " از درون حم--د م--ی آی--دب--رون معن--ی اش--هاد حقانی--ت اس--ت حم--د اس--ت خلاص بع--د از نی--ت اس--ت "لم یلد"یك وصف و آن عرف-ان ت-و حم-- -د م---ی خ---وانیم در فرم---ان ت---و پ--ی س--پـاران طری--ق آن ك--ه هس--ت حم-د م-ی نوشـند از ج- ام "اَلَس-ت" زآنکه ما هم تشنگانی بی کسیم در طریق حمدحق همچون خسیم

بر م-دار حـم-د م-ی ش-ایـد ك-ه زیس-ت چیست غیر از حمـد خـالق چیست، چیست؟ م--ن نم--ی دان--م س--زاوار ت--و چیس--ت مثن--وی ام درخ--ور حـم--د ت--ونیس---ت ت-و ب-زرگ ب-ی نی-ازی، ب-ی نی-از ت---و حمی---دی ای ك---ریم س---رفراز (۱)

ص: ۲۱۳

۱- علی شاهرخی فلسفی.

پیوند با بحث

ما باید در تمامی نمازها (واجب و مستحب) در رکعت اول و دوم، سوره مبارکه حمد را بخوانیم .

قَالَ رَسُولُ لله (ص):" لَا صَلَاةَ إِلا بِفَاتِحَهِ الْكِتَ-اب"؛(۱) هیچ نمازی نیست مگر آنکه سوره حم-د درآن خوانده شود .

اگر به معنای سوره توجه کنیم، متوجه میشویم که حقیقت کلام وحی این است که تنه-اتکیه گاه برای همه انسانها خـداست و اگر بخواهیم هیـچ وقت احساس تنهایی نکن-یم بای-د ب-اخواندن این سوره مبارکه، روزی چند بار به خودمان تذکر ده-یم ك-ه الله معب-ودی اس-ت ك-ه خلا‌یق در شـناخت او حیران انـد و او کســی است کـه "رحمـن الـدنیا والآـخره و رح-یمهما"(۲) م-ی باش-د .

کسی که مربی و تربیت کننده جهانیان و مالك و سرور روز قیامت است. زمانی که از همه م-اپرسیده خواهد شد در این روز، حکوم-ت و س-لطنت از آن کیس-ت؟ هم-ه پاس-خ خ-واهیم داد

خداوند یکتا و قهار: لِمَنِ الْمُلْكُ الْیَوْمَ ۖ لِلهِ الْواحِدِ الْقَهار.(۳)

نتیجه گیری

با تفکر در معنا و مفهوم سوره مبارکه حمد خواهیم فهمید بهترین آواز برای صـبحت با معب-ودمهربان، این سوره خواهد بود. ازاینرو نماز بدون این سوره نماز نخواهد بود.

خدایا ،به ما توفیق فهم معانی سوره حمد را عنایت فرما. آمین

۱- میرزا حسین نوری ،مستدرک الوسائل، ج۴، ص۳۵۷، باب ۱ من ابواب القرائت .

۲- عبد علی عروسی حویزی ،تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص۱۴.

۳- غافر: ۱۶.

۷۹. بامبو و سرخس

راهبرد جلسه

در این درس به تفسیری کوتاه از آیه "الْحَمْدُ لِلهِ رَبِ الْعالَمین"و کلمه "رب"،خواهیم پرداخت .

جذابیت اولیه

مربی گرامی صحبت های خود را با این سؤالات از دانش آموزان شروع کند .

- کدام سوره دو بار بر پیغمبر اکرم(ص) نازل شد؟ (حمد)- سوره ای که همتای قرآن است؟ (حمد)- سوره ای که جامع همه معارف قرآن است؟ (حمد)

- کدام سوره است که در همه نمازها چه واجب و مستحب باید خوانده شود؟ (حمد)- سوره ای که بین خدا و بنده خدا تقسیم شده است؟ (حمد)

- آیه "اَلْحمد للّه رب الْعَالَمین" چند بار در قرآن کریم آمده است؟ (شش بار)

همانطور که همه شما دوستان خوبم می دانید ،روزانه در نمازهای یومیه حداقل ده بار این سوره را می خوانیم .یکی از زیباترین آیات آن آیه "الْحَمْدُ لِلهِ رَب الْعالَمین "(۱) است .

تابه حال چقدر به معنای آن فکر کرد هاید؟

بیان داستان

روزی تصمیم گرفتم که دیگر همه چیز را رها کنم. شغلم را؛ دوستانم را؛ زندگی ام را!به جنگلی رفتم تا برای آخرین بار با خدا صحبت کنم. به خدا گفتم: آی-ا م-ی ت-وانی دلیل-ی ب-رای ادام-ه زندگیام بیاوری؟ و جواب او مرا شگفت زده کرد!

ص: ۲۱۵

۱- حمد:۲

او گفت: آیا درخت سرخس و بامبو(۱) را می بینی؟ پاسخ دادم: بلی .

فرمود: هنگامی که درخت بامبو و سرخس راآفریدم، به خوبی از آنها مراقبت کردم. به آنها نور و غذای کافی دادم. دیرزمانی نپایید که سرخس سر از خاک برآورد و تمام زمین رافر اگرفت؛ اما از بامبو خبری نبود. من از او قطع امید نکردم.

در دومین سال سرخس ها بیشتر رشد کردند و زیبایی خیره کنند ه ای به زمین بخشیدند؛ اما همچنان از بامبوها خبری نبود. من بامبوها را رها نکردم . در سال های سوم و چهارم نیزبامبوها رشد نکردند؛ اما من باز از آنها قطع امید نکردم.

در سال پنجم جوانه کوچکی از بامبو نمایان شد. در مقایسه با سرخس ، کوچک و کوتاه بود؛ اما با گذشت شش ماه ارتفاع آن به بیش از صد فوت(۲) رسید. پنج سال طول کشیده بودتا ریش ههای بامبو به اندازه کافی قوی شوند. ریشه هایی که آن را قوی می ساخت و آنچه رابرای زندگی نیاز داشت، فراهم می کرد.

خداوند در ادامه فرمود: آیا می دانی در تمامی این سال ها که تو درگیر مبارزه با سختی ها و مشکلات بودی درحقیقت ریشه هایت را مستحکم می ساختی؟ من در تمامی این مدت تو رارها نکردم؛ همانگونه که بامبوها را رها نکردم.

ای دوست من! هرگز خودت را با دیگران مقایسه نکن .بامبو و سرخس دو گیاه متفاوت اند؛ درحالی که هر دو به جنگل زیبایی بخشیده اند. زمان تو نیز فرا خواهد رسید. تو نیز رشدمی کنی و قد می کشی و به این عالم زیبایی می بخشی .

از او پرسیدم: من چقدر قد می کشم؟ در پاسخ از من پرسید: بامبو چقدر رشد می کند؟

۱- خیزران یا بامبو که در زبان فارسی نی گفته می شود. گیاهی است چندساله از تیرهٔ گندمیان. بامبو درخت نیست؛ بلکه علفی غول پیکر است. ساقه های نی در ردیف های متراکم رشد می کنند و می توانند تا ارتفاع چهل متر برسند .

۲- صد فوت حدود سی متر است.

جواب دادم: هر چقدر که بتواند .

گفت: تو نیز باید رشد کنی و قد بکشی؛ هر اندازه که بتوانی .

پیوند با بحث

کلمه "رب" در اصـل به معنی مالـک و صاحب چیزی است که به تربیت و اصـلاح آن می پردازد و کلمه "ربیبه" که به دختر همسـر انسان گفته می شود، از همینجا گرفته شـده اس–ت ؛ زی–را او هرچنـد از شوهر دیگری است؛ زیر نظر پدرخوانـده اش پرورش می یـاب–د ؛ مـانن–د باغب–انی ک–ه ب–ا دلسوزی از درختان و گیاهان در باغ مراقبت می کنـد، آنها را آبیاری می کند و همه درختان را به یک اندازه دوست دارد؛ گرچه شیوه نگهداری انواع گیاهان با یکدیگر متف–اوت اس–ت . در آی–ه شـریفه "الْحَمْـدُ لِلهِ رَب الْعالَمین" خدای مهربان خود را باغبان و پرورش دهن–ده عالمی–ان معرف–ی می کند و غیرممکن است حتی برای لحظه ای پرورده های خودش را فراموش کنـد، و م–ا تنه–ا کاری که باید انجام دهیم این است که به او اعتماد کنیم:

یا أَیَهَاالذینَ آمَنُوا آمِنُواً بِاللهِ وَرَسُولِهِ وَالْکِتابِ الَّذی انزَلَ عَلی رَسُولِهِ وَالْکِتابِ الَّذی أَنْزَلَ مِنْ قَبْل.(۱)

کلمه "رب" به طور مطلق و بدون کلمه دیگر فقط به خداوند متعال گفته می شود، و اگر به غیر خدا گفته شود، حتماً به همراه یک کلم–ه دیگ–ر م–یآی–د : م–ثلاً م–یگ–وییم "رب ال–دار " (صاحب خانه) رب السفینه (صاحب کشتی) .

نتیجه گیری

امام سـجاد(ع) فرمودنـد: "مَنْ قَالَ الْحَمْـدُ لِلهِ فَقَـدْ أدَی شُـکْرَ کلِّ ٔنِعْمَهٍ لِلهِ عَزوَجَلَّ عَلَیْهِ؛" هرکس الْحَمْـدُ لِلهِ بگوید، به تحقیق شکر همه نعمت های الهی را ادا کرده و ب–ه ج–ا آورده اس–ت.(۲) تنه–ا کس–ی حقیقت حمد الهی را به جا خواهد آورد که توجه کافی به مقام و منزلت رفی–ع مربی گ–ری "رب الْعالَمین" داشته باشد .

۱- ای کسانی که ایمان آورده اید، به خدا و پیامبرش، و کتابی که بر او نازل کرده، و کتب [آسـمانی] که پیش از این فرستاده است ،ایمان [واقعی] بیاورید (نساء: ۱۳۶)

۲- میرزا حسین نوری ،مستدرک الوسائل، ج۵، ص۴۰۲.

۸۰. تفکری بالنده در نماز

راهبرد جلسه

در این درس به تفکری کوتاه در آیه "مالكِ یَومِ ِالدین"(۱) می پردازیم .

جذابیت اولیه

ما ازیکسو می بینیم جهان آفرینش، هم ازنظر عظمت و هم ازنظر نظم، ف–وق الع–اده وس–یع و

پرشکوه و اعجا بانگیز است. طبق بعضی از آیات قرآن کریم مانند: "إِنَّا زَینا َالسماءَ ُال–دنْیا بِزِینَ–ةٍ الْکَواكِبِ "؛(۲) ما آسمان پایین را به زینت ستارگان آراستیم. آنچه ما از عالم بالا می بینیم و تمامی ستارگان و کهکشان ها همه جزء آسمان اول هستند. بنابراین آسمان ه–ای ش–شگان–ه دیگ–ر ، عوالمی هستند فوق آنها!(۳)

اسرار این جهان به قدری است که به اعتراف دانشمندان ب–زرگ ، تم–ام معلوم–ات بش–ر دربرابر آن همچون یک صفحه کوچک است از یک کتاب بسیار بزرگ؛ بلکه همه آنچه را از این عالم می دانیم در حقیقت الفبای این کتاب است.

هریـك از كهكشـان های عظیم ای–ن ع–الم ش–امل چن–دین میلی–ارد س–تاره اس–ت و تع–دادکهکشان ها و فاصله آنها آنقدر عظیم است که حتی محاسبه آن با سرعت نور که در یک ثانیه سیصد هزار کیلومتر راه را طی می کند وحشت آور است .

نظم و دقتی که در کوچکترین شـیء این جهان به کار رفته ،همانند نظم و دقتی است که در عظی مترین شیء آن نیز دیده می شود، و انسان دراین میان، پیچی–ده ت–رین و عجی–ب ت–رین

۱- حمد:۴

۲- صافات:۶

۳- ناصر مکارم شیرازی ،تفسیر نمونه، ج۲۲، ص۵۰۵.

موجـودی است که مـا می شناسـیم؛ تاآنجـاکه م یـدانیم بسـیاری از اسـرار آفرینش راجع به او پنهـان مانـده است .این موجـود عجیب، یعنی انسـان ،در این عمر کوتـاه خـود در میـان چه نـاراحتی ه-ا ومشـکلاتی بزرگ می شود؟ "لَقَـدْ خَلَقْنَا الْإِنسَـانَ فی کَبد"؛(۱) ما انسان را در رنج آفریدیم .

او هنـوز دوران طفولیت را بـا همه رن جهـا و مشـکلاتش پشت س-ر نگـذاش-ته و نفس-ی ت-ازه نکرده، دوران پرغوغـای جوانی با طوفان های شدید و کوبنده اش فرامی رسد و هنوز جای پ-ای خود را در فصل شباب محکم نکرده، دوران کهولت و پیری با وض-ع رق-ت ب-ارش در براب-ر اوآشکار می شود .

پیوند با بحث

آیـا بـاور کردنی است که هـدف این دسـتگاه بزرگ و عظیم، این اعجوبه خلقت که نـامش انسـان است ،همین باشـد که چند روزی در این جهان بیاید و با رن جها و مشکلاتش زندگی را س-پری کند، مقداری غذا مصرف کرده، لباسی بپوشد، بخوابد و بیدار شود و سپس نابود گردد و هم-هچیز پایان یابد؟!

اگر راستی چنین باشد، آیا آفرینش بیهوده نیست؟

آیا هیچ عاقلی این همه تشکیلات عظیم را برای هدفی به این کوچکی قرار می دهد؟!

فرض کنیـد ملیونها سال نوع انسان در این دنیا بماند و نسل ها یکی پس از دیگری بیایند و بروند، علوم مادی آنقدر ترقی کند که بهترین تغـذیه و لبـاس و مسـکن و عـالی ت-رین درج-ه رفـاه را برای بشـر فراهم سـازد، ولی آیا این خوردن و نوشـیدن و پوشیدن، ارزش این را دارد که ای ن همه امکانات و مقدمات را برای آن فراهم کنند؟

با مطالعه ای کوتاه از گوشه این جهانِ باعظمت می توان به این حقیقت دست پیدا کرد که:

"وَ ما خَلَقْنَا َالسماءَ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَیْنَهُما باطِلاً ذلِکَ ظَن الَّذینَ کَفَرُوا"؛(۲) ما آس-مان و زم-ین و آنچ-ه را

میان آنهاست بیهوده نیافریدیم؛ بلکه این گمان و خیال پوچ کافران و کسانی است که پرده بر

ص: ۲۱۹

۱- بلد:۴

۲- ص: ۲۷

روی حقیقت انداخته اند .

با کمی تفکر متوجه می شویم، همه این مق-دمات ب-رای ع-المی وس-یع ت-ر و گس-ترده ت-ر،جاودانی و ابدی، طراحی شده است. همانطور که پی-امبر اک-رم فرمودن-د : "ال-دنیا مزرع-ه الآخ-ره."(۱) تنها وجود چنان جهانی است که می توانـد به زنـدگی مـا مفهـوم و معنـا بخش-د، و آن رااز هیچی و پوچی نجـات دهـد .همه اینهـا محصول لحظـاتی تفکر در "مالِكِ ی-َوْمِ ِال-د ین "(۲) اس-ت .

ازاینرو در توصیفات سیدالساجدین، زین العابدین(ع) گفته اند: كاََنَ عَ ُلِي بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) إذِا قَرَأَ مالِكِ

يَوْمِ الدينِ يُكَررهُ احَتى يَكَاَدَ أَنْ يمَوُ تَ.(۳)

عبارت "يَوْمِ ِال-د ينِ" در تمام مواردی که در قرآن استعمال شـده، به معنی قیامت آمده اس-ت ؛ چنانکه در آیه ۷۱ و ۸۱ و ۹۱ سوره انفطار با صراحت به این معنی اشاره شده است. این تعبیر متجاوز از ده بار در قرآن مجید بیان شده است .

نتیجه گیری

چرا این روز را روز دین معرفی کرده انـد؟ به این دلیل است که آن روز، روز جزاست و "دی-ن " در لغت به معنی"جزا" می باشـد، و روشن ترین برنـامه ای که در قیـام-ت اج-را م-ی ش-ود هم-ین برنـامه جزا و کیفر و پـاداش است. در آن روز پرده ازروی کارها کنار می رود و اعمال همه دقیقاً مورد محاسبه قرار می گیرد و هرکس جزای اعمال خویش را چه خوب و چه بد می بیند.(۴)

روز قیامت ،مالکیت و حکومت خداوند متعال به گونه ای آشکار می شود ک-ه اگ-ر در آن روز

سؤال شود: "لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ "(۵) بدون درنگ هم-ه پاس-خ م-ی دهن-د : "َ-لِلِهِ الْواحِ-دِ الْقَه-ار".(۶) آری ،

۱- ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللآلی، ج۱، ص۲۶۷.

۲- خداوندی که مالک روز جزا است" (حمد:۴ .)

۳- امام سجاد(ع) هنگامی که به آیهٔ مالكِ يوْمِ الدينِ" می رسید، آنقدر آن را تکرار می کرد که نزدیک بود روح از بدنش پرواز کند" (شیخ حر عاملی ،وسائل الشیعه، ج۶، ص۱۵۱).

۴- ناصر مکارم شیرازی ،تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۱.

۵- غافر:۱۶

۶- همان

هنگامی که انسان به یاد صحنه های قیامت می افتد و خود را در آن روز تنها و بی پناه مشاهده می کند، درمی یابد که تنها قدرت نجات دهنده و صاحب اختیار در آن روز، خدای متعال اس–ت وفقط می توان از او کمک خواست و یاری طلبید.

ص: ۲۲۱

...

۸۱. "استاد علَم"! "از این نبود سر علَم"!

راهبرد جلسه

در این درس به دومین اصل مهم اسلام یعنی قیامت و رستاخیز می پردازیم و می گوییم: "مالِكِ يَوْمِ ِالـدينِ "؛(۱) خداوندی که مالك روز جزاست .

جذابیت اولیه

گویند خیاطی که از پارچه های مشتریان خود می دزدید، شبی صحرای محشر را در خواب دید که علَم سوزانی بالای سر او آورده ان-د ت-ا او را بس-وزانند. خی-اط متوج-ه ش-د ك-ه آن علَ-م ازپارچه هایی که او از مشتریان خود دزدیده است تهیه شـده. چـون از این خـواب وحشـتناك بی-دارشـد، جریـان را برای شـاگرد خود تعریف نمود و از او خواهش کرد که در آینـده هر موقع خواست از پـارچه مشتریـان بـدزدد، بـا گفتن "اسـتاد علَم" او را متوجه خوابش نمایـد. به این طری-ق م-دتی خیـاط، از دزدیـدن پـارچه مشتریـان خودداری نمود. تـا روزی که یکی از مشتریان یك طاق شال زیبا و قیمتی برای تهیه لباس نزد او آورد. خیاط نتوانست از دزدیدن آن طاق ش-ال خ-ودداری نماید .

هنگامی که شاگرد او فریاد زد: "اسـتاد علَم"! خیاط جواب داد: "از این نبود سر علَم"!(۲) سیداشرف الدین حسینی معروف به "نسیم شمال" این داستان را چنین بازگو می کند:

در زم- ان ش-اه عباس کبی- ر ب--ود خی--اطی ن--ه مث--ل م--ا فقی--ر س--اکن ان--در کوچ--ه م--لا قل--ی ن---ام او اوس---تا نص---یر ب---امبولی بسکه انـدر کار، چابکدس-ت ب-ود پیش چشم، از هر مت-اعی م-ی رب-ود

۱- حمد: ۴

۲- مصطفی رحیمی نیا ،ضرب المثل های فارسی و اصطلاحات عامیانه، ص ۲۰.

اطلس وخارا و ماهوت فرنگ مخمل گلدار وشال رنگ رنگ

هرچه می دادندازشاه و گدا می ربودی زیر قیچی بی صدا نه فق-ط م-ی زد ز م-اهوت و ب-رک بلکه نگذشتی ز کرباس وقدک گر کسی ده متر اطلس م-ی خری-د او س--ه مت--رش را نم--ودی ناپدی--د گر قبا مال وزیروشاه بود آن قب--ا ی--ا تن--گ ی--ا کوت--اه ب--ود او قسم می خ-ورد پ-یش مش-تری ک--ه نم--ی دزدم از ای--ن رخ--ت زری باز می دزدیدمال هرکه بود چون که برآن کار عادت ک-رده ب-ود الغرض سی سال بی ترس و هراس کرد ض-ا یع خل-ق را رخ-ت و لب-اس یک شبی خوابید ب-ا ری-ش س-فید یک سیاهی را میان خواب دید دید اندر خ-واب روز محش-ر اس-ت هر طرف هنگامه شور و ش-ر اس-ت آت--ش دوزخ ش--راره م--ی کش--د م--رد و زن را در مغ--اره م--ی کش--د دی--د ناگ--ه در می--ان گی--ر و دار مال--ک دوزخ ش--د آن ج--ا آش--کار یک علم از آتش اندر دست داشت آمد و برشانه "اوستا" گذاشت ب--ود در آن بی--رقِ آت--ش فش--ان وصله های رنگ رنگ با نشان بیرقِ سنگین و سوزان نصف شب ج--ان اوس--تا را فکن--د ان--در تع--ب جست از ج-ا و ش-بانه توب-ه ک-رد تب گرفت و ل-رز ک-رد و نوب-ه ک-رد کرد جاری از دو چشمان آب را گفت با شاگرد خ-ود ای-ن خ-واب را اشک ریزان گفت: ای ش-اگرد م-ن چون تو هستی روز و شب برگرد من از برای رخت م-ال هر ک-ه هس-ت چون بگیرم در دکان قیچی به دست دفعت-اً ک-ن از علَ-م ی-ادآوری لیک ی-ک ط-وری نفهم-د مش-تری الغرض یک سال از ت-رس ع-ذاب ترک دزدی کرد آن عالی جناب تا ک-ه روزی پ-یش آورد مش-تری ترمه ای خوشرن-گ از ج-نس زری محرمانه گف-ت ب-ا وی نَفْ-س دزد این عجب شالی اس-ت اوس-تا ب-دزد خواست تا آن ش-ال را گی-رد قل-م گفت شاگردش که ای اوستا "علَم" محرمان--ه گف--ت ب--ا وی اوس--تاد ب--ارک الله خ--وب آوردی ب--ه ی--اد لیک اندر آن علَم این رنگ نیست بهر این وصله خدا را جن-گ نیس-ت

زین جهت "اوستا علَم" شد ن-ام او ب--ود دزدی ک--ار ص--بح و ش--ام او

پیوند با بحث

ما روزانه در سوره مبارکه حمد از معاد که پایه هرگونه اصلاح اخلاق-ی و اجتم-اعی در وج-ود انسان است، یاد می کنیم .

جالب اینکه، در این سوره از بین تمامی صفات خدای متعال صفت مالکیت بیان شده است که نشان دهنده نهایت سیطره و نفوذ خدای متعال بر همه چیز و همه کس در روز قیامت است .روزی که همه انسان ها در آن دادگاه بزرگ برای حساب حاض-ر م-ی ش-ون-د و در براب-ر مال-ک حقیقی خود قرار می گیرند، تمام گفته ها و کارها و حتی اندیشه های خود را حاض-ر م-ی بینن-د .

هیچ چیز حتی به اندازه سر سوزنی نابود نشده و به دست فراموشی نیفتاده است .

.فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَ رهٍ خَيْراًيَر هُ * وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرهٍ شَرا يَرهُ.(١)

اکنون این انسان است که باید بار همه مسئولیت های اعمال خود را بر دوش کش-د . حت-ی در آنجا که خود انجام دهنده کاری نبوده؛ بلکه بنیانگذار سنت و برنامه خ-وب ی-ا ب-دی ب-وده است، باید سهم خویش را از مسئولیت آن بپذیرد.

اعتقاد به روز رستاخیز و ایمان به آن دادگاه بزرگ که همه چیز در آن به طور دقی-ق م-ورد محاسبه قرار می گیرد، اثر فوق العاده نیرومندی در کنت-رل انس-ان در براب-ر اعم-ال نادرس-ت و ناشایست دارد. یکی از مه مترین علل جلوگیری کردن نماز از فحشا و منکرات همین است که نماز انسان را به یاد مالك و صاحب روز قیامت و آن روز سرنوشت ساز می اندازد.(٢)

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: "إ نَّ للهَ تعالی مَن عَلَی بفاتحه الکتاب إلی قوله و "مالِكِ يَوْ مِ ال-د ينِ" قَ-الَ جِبْرئيل: مَا قَالهَا مُسْلِمٌ ـَ إلا صَدقه الله وأهلُ سَمائهِ"؛(٣) جبرئیل امین عرضه داشت: مسلمانی آیه "مالِ-كِ

يَوْمِ ِال-د ينِ" را نمی گوید ،مگر آنکه خداوند متعال و اهل آسمان حرف او را تصدیق می کنند. در

ص: ۲۲۴

۱- زلزله: ۸-۷

۲- ناصر مکارم شیرازی ،تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۸.

۳- عبد علی عروسی حویزی ،تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص۱۹.

روایت دیگری آمده است که:

" فَإِذا قَالَ مالِكِ [يَوْ مِ الـدينِ] قَالَ ٱللهُ عَزوَجَلَّ أُشْـهِدُكُمْ كَمَا اعْتَرَ فَ بِأَنَى أَنَا الْمَالِ-كُ لِيَ-وْ مِ ال-د ينِ لَأَسَ-هلَن يَوْمَ الْحِسَ-ابِ حِسَابهَ وَلَأَتَقَبلَن حَسَنَاتهِ وَلَأَتَجَاوَزَنَّ عَنْ سَ-يئَاتهِ"؛(۱) هنگامی که بنـده می گوی-د مالِ-كِ ي-وْمِ الـدينِ خـداوند متعال می فرمایـد: من هم تصدیق می کنم آنچه را که بنده من به آن اعتراف کرد که مالك و همه کاره روز قیامت من هسـتم و به سبب همین در روز قیامت حساب او را آس-ان می گیرم و کارهای خوب او را می پذیرم و از گناهان او صرفنظر می کنم .

نتیجه گیری

در روایـت آمـده اسـت: امـام سـجاد(ع) وقتی به این آی-ه ش-ریفه م-ی رس-یـد آن ق-در آن را تـک-رارمی کردنـد که نزدیک بود از دنیا بروند.(۲)

این عمـل امام سـجاد(ع) نشان دهنـده آن بود که رکن اساسـی عصـمت، طهارت و پاکی روح ،ایمان و اعتقاد راسخ به قیامت است.

ص: ۲۲۵

۱- میرزا حسین نوری، مستدرك الوسائل، ج ۴، ص ۲۲۸

۲- "كَانَ (ع) إِذِاَ قرَأ-مالكِ يوْمِ ِالدينِ يٌكرِهُا حَتى كاَدَ أنْ يمَوُتَ" (محمدبن یعقوب کلینی ،اصول کافی، ج۲، ص۶۰۲).

۸۲. تسبیحات اربعه در نماز

راهبرد جلسه

در ایـن درس بـه ایـن می پردازیـم کـه تسبیحـات اربعه ماننـد نردب-انی، مراح-ل اوج گی-ری و رش-دانسـانیت انسـان را به نمایش گذاشته است.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه(۱)

۱.سوره‌ای که شناسنامه خدای متعال است؟ (توحید)

۲.سوره‌ای که عروس قرآن است؟ (الرحمن)

۳.سوره‌ای که شناسنامه امام زمان است؟ (قدر)

مربی گرامی باید از تعداد سؤالات بیشتری اسـتفاده کند و از قبل مشـخص کرده باش-د ک-ه حرف "الف" دو مورد در خانه های ۴ و ۶، حرف "بـا"ی-ک م-ورد در خـان-ه ش-ماره ۲، ح-رف"لام"دو مورد در خانه های ۷ و ۸، حرف "سین"یک مورد در خانه ش-ماره۱، ح-رف "ح-ا" یک مورد در خانه شـماره ۳، حرف "نون"یک مورد در خانه شماره ۵، حرف "ها" یک م-ورددر خانه شماره ۹ قرار گیرد.

۱- جـدول فـوق نه خـانه دارد که از راست به چپ پر میشـود .بـا طرح چنـد سؤال و شـنیدن جواب از دانش آموزان، از دانش آموزی که پاسـخ درست داده بخواهیـد یک حرف از حروف الفبا را حـدس بزنـد و در صورت بودن در جـدول، حرف را در جدول قرار دهید.

پیوند با بحث

در نمـاز، علاـوه بر ذکر رکوع و سـجود، در رکعت سوم و چهـارم نیز تسبیحـات اربعه آم-ده اس-ت که طبق روایات شـیعه و س-نی م-راد از بـاقی-ات الص-الحـات در آی-ه ۶۴ س-ور ه کـه-ف، هـم-ین تسبیحـات اربعه است.(۱)چنانکه به فرموده علی(ع) ذکر حضرت ابراهیم(ع) به هنگ-ام س-اختن خانه کعبه ،سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر بوده است.(۲)

همه هستی، از آسمان های هفتگانه و زمین و آنچه بین آنهاست، تسبیحگوی خدایند.(۳) چه جاندار چون پرنده و چه بی جان چون کوه(۴) و رعد و برق،(۵) آنه-م تس-بیحی آگاهان-ه و ازروی شعورا! "کلٌّ ُقَدْ عَلِمَ صَلاتَهُ وَ تَسْبیحَه "؛(۶) همه آنها از نماز و تسبیح خود، آگاه و باخبرند.

تسبیح فرشـتگان به قدری گسترده است که پیامبر(ص) می فرمود: در آسمان ها یک وج-ب نیست، مگر آنکه فرشت های در حال نماز و تسبیح است.(۷)

امام صادق(ع) می فرماید: هرگاه حضرت داود(ع)، زبور می خواند کوه و س-نگ و پرن-ده ای نبود جزآنکه هم آوای او می شدند.(۸)

گر تو را از غیب چشمی ب-از ش-دبا ت-و ذرات جه-ان ه-مراز ش-د

نطق آب و نطق خاك و نطق گل هست محسوس حواس اهل دل

جمل---ه ذرات ع---الم در نه---ان با تو م-ی گوین-د روزان و ش-بان

ما س-میعیم و بص-یریم و هش-یم با شما نامحرمان م-ا خامش-یم(۹)

۱- سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج۱۳، ص ۵۴۰.

۲- شیخ حر عاملی ،وسائل الشیعه، ج۴، ص۱۲۰۷.

۳- "یسَبحُ لِلهِ ما فِی َالسماواتِ وَما فِی الْأَرَضِ المَلكِ الُقْدوسِ العَزیزِ الحَكیم" (جمعه: ۱)

۴- "سَخرنْا مَعَ داوُدَ الجِبالَ یسَبحْن" (انبیاء: ۷۹)

۵- "وَیسَبحُ َالرعْدُ بِحَمْدِه" (رعد: ۱۳)

۶- نور: ۴۱.

۷- محمدبن احمد انصاری قرطبی ،تفسیر قرطبی، ج۸، ص ۵۵۸۱.

۸- عبد علی عروسی حویزی ،تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۴۴۴.

۹- مولوی، مثنوی معنوی

دسته ای گنجشک جیک جیک کنان از مقابل امام سجاد(ع) عبور کردن-د . حض-رت رو ب-ه اطرافیان کرده، فرمودند: "مرغان هر صبح، خدا را تسبیح گوین-د و ق-وت روزش-ان را مس-ئلت نمایند".(۱)

نتیجه گیری

نماز نوعی عبودیت و معاشقه با خداوند متعال است. شاید سر آهسته خواندن ذک-ر تس-بیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم نماز به همین علت باشد؛ یعنی ارتب-اط ب-ین عاش-ق و معش-وقآن قدر نزدیک است که با هم نجوا می کنند و حرف های درگوشی می زنند. ضمن آنکه زمین-ه

تفکر، با آهسته گفتن ذکر فراهم تر خواهد بود: "وَاذْکُرْ رَبکَ فی نَفَسِکَ تضرعاوَخیفَهً وَدُو نَ الْجَهْ-رِ م-نَ الْقَوْ لِ بِالْغُدُو وَالْآصالِ وَلا تکُنْ مِنَ الْغافِلینَ "؛(۲) پروردگ-ارت را در دل خ-ود، ازروی تض-رع و خ-وف ،آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان، یاد کن و از غافلان مباش .

در این آیه ضمن دعوت به ذکر آرام و آهسته، در آخر آیه بیان می کند این نحوه ذکر باعث می شود جزو غافلین نباشیم .

خدایا، قلبی عطایم فرما که شوقش او را به تو نزدیک سازد

و زبانی که صدقش به سویت بالا آید و نظری که حقش موجب قرب درگاهت شود. آمین. (۳)

۱- سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج۱۳، ص۲۰۶.
۲- اعراف: .۲۰۵
۳- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، فرازی از مناجات شعبانیه

۸۳. اقامه نماز نه قرائت نماز

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین موضوع اقامه نماز با استفاده از آیات و روایات و تفاوت آن با قرائت نماز می پردازیم .

جذابیت اولیه

مربی از دانش آموزان بخواهد راهی غیرتکراری برای ابراز عشق و علاقه بیان کنند .(۱) ممکن است برخی از دانش آموزان این گونه بگویند : "با عفو و گذشت، با گل و هدیه دادن، با حرفهای دلنشین، با تحمل رنجها و...". اینها راه های جدید بیان عشق اند .

دوستان خوبم ،حالا به این داستان توجه کنید.

یک روز زن و شوهر جوانی که هر دو زیست شناس بودند، برای تحقیق به جنگل رفتند .

آنها وقتی به بالای تپه رسیدند با دیدن یک ببر بزرگ، درجا میخکوب شدند. مرد تفنگ شکاری نداشت و آن دو از ترس، جرئت حرکت نداشتند. رنگ صورتشان پریده بود. ببر، آرام به سمت آنها حرکت کرد. همان لحظه مرد زیست شناس فریاد زد و فرار کرد و همسرش راتنها گذاشت! بلافاصله ببر به سمت مرد دوید و چند دقیقه بعد ضجه های مرد جوان به گوش همسرش رسید .

هرکس این داستان را شنید، آن مرد را محکوم به بی وفایی کرد؛ چون همسرش را تنها گذاشت؛ اما آن جوان گفت: آیا می دانید آن مرد در لحظه های آخر زندگی یاش چه می گفت؟ می گفت: عزیزم، تو بهترین مونسم بودی، از پسرمان خوب مواظبت کن.

۱- مربی گرامی اجازه بدهد چند نفر از دانش آموزان نظرهای خود را بیان کنند

حالا راوی که پسر جوان آنان است، درحالی که اشک از گونه هایش جاری بـود ادامـه داد:

همه زیست شناسان می دانند ببر فقط به کسی حمله می کند که حرکتی انجام می دهد یا فـرارمی کند. این، صادقانه ترین و عاشقانه ترین راهی بود که پدرم برای ابراز عشق و علاقه اش بـه من و مادرم انتخاب کرد.

پیوند با بحث

همه آیات و روایات، ما را به اقامه نماز سفارش کرده اند، نه تلاوت و قرائت نماز .

"وَأَقیمُوا َالصلاهَ وَآتُوا َالزکاهَ وَارْکَعُوا مَعَ َالراکِعین"؛(۱) نماز برپا داری‌ـد و زکـات بپردازی‌ـد و هم‌ـراهرکوع کننـدگان رکوع کنید. "إِنَّنی أَنَاَ للهُ لا إِلهَ إِلا أَنَاَ فَاعْبُدْنی وَأَقِمِ َالصلاهَ لِذِکْری"؛(۲) همانا من خ‌ـدایم که جز من معبودی نیست؛ پس مرا بپرست و نماز را برای یاد من برپا دار .طبق روایت شریف:

"الصلاه عَمُودُّالدین"؛(۳) نماز ستون دین است. لذا ستون برپاداشتنی است نه خواندنی؛ چون نماز ،رابطه عاشق و معشوق بین خـالق و مخلوق اسـت، و اگر بخـواهیم یـک مصـداق اتـم و اکـمـل ازبرپـایی نمـاز معرفی کنیم می تـوانیم واقعه عـاشورا و کربلای اباعبدالله الحسین(ع) را نام ببـریم .

"أَشْهَدُ أنکَ ِقَد أَقَمْتَ َالصلاه"؛(۴) گواهی می دهم که تو نماز را به پاداشتی؛ نمازی که وضوی آن بـاخون و سجده گاه آن گودی قتلگاه بود.

پس برپـایی نمـاز براسـاس قرآن کریم، یعنی ترک فحشـا و منکر؛ یعنی عمل به بایـدها. فقط دراین صورت است که نماز، هم سعادت فردی و هم اصلاح اجتماعی را در پی خواهد داشت .

خدایا، ما را از اقامه کنندگان نماز قرار بده. آمین .

۱- بقره :۴۳

۲- طه: ۱۴

۳- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۱۸

۴- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت امام حسین (ع)

۸۴. راز رکوع

راهبرد جلسه

در این درس به بیان مختصری از واقعیت رکوع می پردازیم .

جذابیت اولیه

مربی گرامی در پنـج قطعه کارت – مانند شـکل – این آیه شـریفه را بنویسد ."وَإِذا قیلَ لَهُمُ ارْکَعُوا لایَرْکَعُو نَ"؛(۱) و هنگامی که به آنان گویند رکوع کنید، رکوع نمیکنند. در پشت کار تها ترجم-هآن را درج کند و به صورت پراکنده قرار دهد. سپس از دانش آم-وزان در مرت-ب ک-ردن جمـل-هعربی و ترجمـه کمـک بگیرد. مربی محـترم می توانـد این برنـامه را به ص-ورت مس-ابقه نی-ز اج-راکنـد. دانش آموزان بعـد از مرتب کردن جمله عربی آیه، کـارت ها را برمی گردانن-د و مرب-ی ای-ن توضیح را می دهد .

وإِذا قیل لَهم ارکَعوالا یرْکَعون

وهنگامی گویندکه به آنان رکوع کنید رکوع نمی کنند

این آیه دربـاره قوم "ثقیف" در وقتی که پیـامبر(ص) آنـان را امر به نمـاز نمود نـازل شـد. آنان گفتنـد: "ما منحنی و خم نمی شویم؛ این برای ما زشت و سبک است". پس پیامبر(ص) فرمود:

ص: ۲۳۱

۱- مرسلات: ۴۸.

"در دینی که رکوع و سجود نباشد، خیری نیست".(۱)

پیوند با بحث

رکوع به فرموده امام صادق(ع) تجسم ادب بنده در برابر پروردگار است.(۲) أَبان بن تَغْلِب ازشاگردان امام صادق(ع) می گوید: خدمت امام شرفیاب شدم. حضرت در حال نماز بودند. تعداد اذکار امام در رکوع و سجده بالغ بر شصت بار بود!(۳) یکی از مستحبات رکوع آن است که انسان نمازگزار در حال رکوع، گردن خود را بکشد. شخصی از امیر المؤمنین(ع) سؤال کرد،اینکه شما در حال رکوع گردن خود را می کشید، به چه معناست؟ فرمودند: "به این معناست که خدایا من به تو ایمان آوردم و در راه ایمانم استوارم، حتی اگر گردنم زده شود".(۴) نمازگزارمی خواهد بگوید که ایمان من ایمان راسخی است و ریشه در اعماق دل و جانم دارد؛ نه تنها با مال و آبرویم حاضرم از آن دفاع کنم، که تا پای جان و زدن رگ گردنم هم ایستاده ام .

نتیجه گیری

"ای کسانی که ایمان آورده اید، رکوع کنید و سجود به جا آورید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید؛ شاید رستگار شوید".(۵) اگر قصد رستگاری و سعادت را داریم، مسیر آن خضوع و خشوع در برابر خداوند بی همتاست و پیدا کردن راه صحیح خضوع را نیز باید از اهل آن، یعنی اهلبیت عصمت و طهارت: آموخت: وَارْکَعُوا مَعَ الراکِعینَ .(۶)

ص: ۲۳۲

۱- فضل بن حسن طبرسی ،مجمع البیان، ترجمهٔ گروه مترجمان، ج۲۶، ص۲۱۹.

۲- فی الرکوع ادب" (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵ ، ص ۱۰۸

۳- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹۲۷

۴- "فَقَالَ یاَ ابنْ عَم خَیْرِ خَلقِ لِلهِ مَا مَعْنَی مَد عُنُقِکَ فِی الرکُوعِ فَقَالَ تأَوِیلهُ آمَنتْ بِاللهِ وَلوْ ضُرِبتَ عُنُقِی("شیخ حر عاملی ،وسائل الشیعه، ج۶، ص۳۲۵).

۵- "یا أَیّهَا الَّذینَ آمَنُوا ارْکَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّکُمْ وَافْعَلوُا الخَیْرَ لعَلَّکُمْ تُفْحِونَ" (حج: ۷۷)

۶- "رکوع کنید همراه رکوع کنندگان" (بقره:۴۳)

۸۵. کارهایت نقص ندارد

راهبرد جلسه

پس از عرضه یک دوره معارف و درخواست نیازها در پیشگاه لایزال، به خضوع می پ-ردازیم وبه حالت رکوع که به فرموده امام صادق(ع) تجسم ادب خاص بنده در برابر پروردگار اس-ت ،(۱) قرار می گیریم و او را می ستاییم. این ادب نه از روی نیاز بلکه نش-ان شایس-تگی رب الْع-اَلَمین است. اولیاءالله، در حالت رکوع و سجود، ل-ذتی از ی-اد و ذک-ر خ-دا احس-اس م-ی کردن-د ک-ه نمی توانستند به زودی آن را ترک کنند.

جذابیت اولیه

ابان بن تَغْلب از شاگردان امام صادق(ع) می گوید: "خدمت حضرت شرفیاب شدم؛ درحالی که به نماز مشغول بودند. تعداد اذکار امام در رکوع و سجود، بالغ بر شصت بار بود"!(۲)

حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل از علمای نجف - درحالیکه ناهار می خورد، فرم-ود :

"میدانید ناهار خوردن، برای من مثل چیست؟ مثل این است که کیسه ای را پر کنم. فع-لاً ازهیچ چیز لذت نمی برم به جز از نماز"! کلام ایشان با مقام مرجعیتی که داشته هیچ احتمال ریا-کاری در آن ندارد؛ ولی ما کاملاً به عکس ایشان از همه چیز لذت م-ی ب-ریم ب-ه ج-ز نم-از. در

روایت آمده است: "إِذِا قَامَ الْمُصَلی إِلِی َالص-لَاهِ نَزَلَ-تْ عَلَیْ-هِ َالرحْمَ-هُ م-نْ أعْنَ-اِنِ َالس-ماَ ءِ إِلِی أعْنَ-اِنِ الْأرْضِ وَحَفْتْ بِهِ الْمَلَائِکَهُ وَنَادَاهُ مَلَکٌ لَوْ یَعْلَمُ هَذَا الْمُصَلی مَا فِی َالصلَاهِ مَا انْفَتَلَ"؛(۳) اگر نمازگزار م-ی دانس-ت،

۱- "فی الرکوع ادب" (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۰۸

۲- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص۹۲۷

۳- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۵

که چگونه جلال الهی او را فرا گرفته، هرگز از نماز دست برنمی داشت.(۱)

بیان داستان

دوستان خوب، داستان آن آهنگر را شنیده اید که پس از گذراندن جوانی پرشوروشر، تص-میم گرفت روحش را وقف خدا کند؟ سال ها با علاقه کار کرد، به دیگران نیکی کرد؛ ام-ا ب-ا تم-ام پرهیزگاری، در زندگی اش اوضاع خوبی نداشت؛ حتی مشکلاتش مدام بیشتر و بیشتر می شد!

یک روز عصر، که یکی از دوستانش به دیدنش آمده، و از وضعیت دش-وار او مطل-ع ش-ده بود، به او گفت: واقعًا در عجبم! درست بعد از اینکه تصمیم گرفت های م-رد خ-داجویی بش-وی،زندگی ات بدتر و سخت تر شده است؟ نمی خواهم ایمانت را ضعیف ک-نم ؛ ام-ا ب-ا وج-ود تم-ام رنج هایی که در مسیر معنویت و رسیدن به خدا به خود داده ای، زندگی ات بهتر نشده که هیچ، بدتر هم شده!

آهنگر مکث کرد و بلافاصله پاسخ نداد .

سرانجام در سکوت، پاسخی را که می خواست یافت و گفت: در ای-ن کارگ-اه، ف-ولاد خ-امبرایم م یآورند و من از آن شمشیر می سازم. می دانی چطور این کار را انجام می دهم؟ اول تکه فولاد را به اندازه آتش جهنم حرارت می دهم تا سرخ شود. بعد با بی رحمی تمام، سنگین ترین پتک را برمی دارم و پشت سر هم به آن می زنم تا اینکه فولاد، شکلی را بگیرد که می خواهم .بعد آن را در آب سرد فرو می کنم؛ درحالی که تمام کارگاه را بخار آب فرا گرفته است. فولاد به سبب این تغییر ناگهانی دما، ناله می کند و رنج می برد ،و یک بار هم کافی نیست؛ باید این کار را آنقدر تکرار کنم تا به شمشیر مورد نظرم دست بیابم.

آهنگر مدتی سکوت کرد و سپس ادامه داد:

گاهی فولادی که به دستم می رسد، نمی تواند ای-ن عملی-ات را ت-اب بی-اورد و تحم-ل کن-د. حرارت، ضربات پتک و آب سرد، تمامش را ترک می اندازد. متوجه می شوم این فولاد، هرگز تیغه شمشیر مناسبی نخواهد شد. آنوقت است که آن را به میان انبوه زباله های کارگاه می اندازم.

۱- محمدحسین رخشاد، در محضر بهجت، ج ۳، ص ۱۵۲

باز مکث کرد و بعد ادامه داد:

می دانم که در آتش رنج و سختی فرو رفته ام؛ اما ضربات پتکی را که زندگی ب-ر م-ن وارد کرده است پذیرفته ام و گاهی به شـدت احساس سـرما می کنم؛ ماننـد همان فولاد آب دیـده. تنه-ادعایی که می کنم این است: خدای من، از آنچه برای من خواسته ای صرف نظر نکن تا شکلی را که تو می خواهی، به خود بگیرم. به هر روشی که می پسندی ادامه بده تا هر مدت که لازم است؛ اما هرگز مرا به کوه فولادهای بی فایده پرتاب نکن!

نتیجه گیری

فقـط کافی است باور کنیم که هرچه خـدا برای ما در نظر می گیرد، بهترین اس-ت؛ زی-را کس-یزنـدگی ما را مـدیریت می کند که در هیچ کارش نقصی وجود ندارد. م-ا ای-ن مطل-ب را در روزبارها و بارها در نمازمان بیان می کنیم و در رکوع و سجود خود می گوییم: "س-بحان ربی العظ-یم وبحمده وسبحان ربی الأعلی وبحمده"؛ یعنی ای خدای من، تو بی نظیر و بی مانندی، و هیچ نق-ص و عیبی در تو راه ندارد.

ص: ۲۳۵

۸۶. سجده

راهبرد جلسه

در این درس به تبیین این موضوع می پردازیم که سجده بر چه کسی صحیح است؟

جذابیت اولیه

برادران حضرت یوسف(ع) دراثر حسادت ،او را به چاه انداختند ،و خدای متعال او را نجات داد.

یوسف(ع) در خانه عزیز مصر رشد کرد و در امتحان سخت مبارزه با نفس در برابر زلیخا به مدد الهی پیروز و عزیز مصر شد. پس از سال ها دوری از پدر و مادر و یازده برادرش، بالا خره برادران با ندامت و پشیمانی به دیدار یوسف(ع) آمدند. چون یوسف (ع) وارد شد ،"وَخَروا لَهُ سُجداً";(۱) آنها همگی پیش او سجده کردند.

نور الهی که از جمال بدیع و دلارام یوسف(ع) تبلور م یکرد آنها را خیره کرده بود و از خود بی خود ساخته بود؛ تا حدی که عنان از دست دادند و ب یاختیار به خاک افتادند.(۲)

پیوند با بحث

مگر سجده بر غیر خدای متعال هم جایز است که حضرت یعقوب(ع) و برادران یوسف(ع) بر او سجده کردند؟(۳)

اصلاً سجده یعنی چه؟

۱- یوسف: ۱۰۰

۲- سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۱ ص ۳۳۷.

۳- به کسی که پاسخ درست می دهد، جایزه ای بدهید .

پاسخ

سجده یعنی نهایت خضوع، خشوع و تذلیل؛(۱) پس سجده شونده هم باید نهایت بزرگی وعظمت و پاکی را داشته باشد که غیر از خداوند متعال کسی دارای این عظمت و بزرگی وپاکی را ندارد. بنابراین سجده بر غیر خدای متعال درست نیست.

اگر حضرت یعقوب(ع) و پسرانش بر حضرت یوسف (ع) سجده کردند و یا در داستان حضرت آدم(ع) خدای متعال به ملائکه دستور داد به آدم سجده کنند ،نه از باب اطاعت وربوبیت آنها بود؛ بلکه آنها قبله گاه قرار گرفتند .همانند کعبه که کسی بر کعبه سجده نمی کند؛ بلکه به سمت کعبه سجده می کند. پس سجده ملائکه و حضرت یعقوب برای ذات اقدس حق صورت گرفته است؛ همانگونه که امام صادق(ع) فرمودند: "فی قول لله: وَخَروا له سجداً قال: کان سُجُودُهم ذلک عباده لله"؛(۲) سجود آنها به منظور عبادت برای پروردگار بوده است.

امام رضا(ع) راجع به سجده فرشتگان بر آدم فرمودند: "وکان سُجُودُ هم لله عزوجل عُبُودیهً و لآدم إکْراما"؛(۳) سجده آنها عبودیت خداوند عزوجل و احترام به آدم(ع) بود .

نتیجه گیری

سجده به منزله نهایت خضوع فقط در برابر خدایی جایز است که بی نهایت بزرگ و پاک است، و اگر ما در برابر اولیای خدا یا علما سجده می کنیم یا سجده ملائکه بر آدم ابوالبشر (ع) و یا سجده یعقوب پیامبر(ع) بر حضرت یوسف(ع)، درواقع عبادت خدای متعال و اکرام اولیاءالله است .علاوه بر اینکه این کار نشان دهنده عظمت اولیای خدا که از مخلصین هستند، می باشد .

خدایا ،ما را از ساجدین واقعی قرار بده. آمین .

ص: ۲۳۷

۱- حسین راغب اصفهانی، مفردات، الفاظ القرآن الکریم، ص۲۳۳.

۲- عبدعلی عروسی حویزی ،تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص۴۶۷.

۳- صدوق ،عیون اخبار الرضا، ج۱، ص۲۶۳.

۸۷. اثر طبی سجده

راهبرد جلسه

عجایب قرآن و دین مبین اسلام انتها ندارد و هرازگ-اهی ک-ه پ-رده ای از اس-رار آن برداش-ته می شود ،انگشت حیرت به دهان انسان های حقیق تجو می مان-د؛ زی-را کش-فیات بش-ری را درکتابی می بینند که قرن ها پیش نازل شده است. در این درس ب-ه یک-ی از آث-ار طب-ی س-جده می پردازیم .

جذابیت اولیه

رسول خدا(ص) به ابوذر فرموند: "ای ابوذر، هیچ کسی صورت و پیشانی بر قطعه ای از قطع-ات زمین نمی گذارد ،مگر اینکه آن قطعه زمین شهادت می دهد آن شخص در آن برای خدا سجده کرده و دعا و نماز خوانده و مناجات کرده است، و او را با ای-ن ش-هادت و گ-واهی، س-رافراز ومفتخر و بهشتی می کند".(۱)

دوستان من، دقت کردهاید، بعضی مواقع که با هم دست می دهیم یا دس-ت ب-ه پارچ-ه ی-اشیء دیگری می زنیم ناگهان برق، دستمان را می گیرد؟ آیا شما هم تابه حال چنین تجرب های را داشته اید؟

بدن ما به طور مشخص روزانه مق-دار زی-ادی ام-واج الکترومغن-اطیس دریاف-ت م-یکن-د.

بـاای نحساب ما منبعی هستیم ک-ه مق-دار زی-ادی ام-واج الکترومغن-اطیس در خودم-ان ذخی-رهکرده ایم. به عبارت دیگر، ما با امواج الکترومغناطیس شارژ می شویم؛ بدون اینکه متوجه باش-یم !

و اگر در بعضی مواقع احساس سردرد و ناراحتی م-ی کن-یم ی-ا دچ-ار تنبل-ی در ک-ار و درد در

ص: ۲۳۸

۱- احمد حسینیا، نقش تربیتی نماز، ص۱۶۶.

مکان های مختلف بدن می شویم به علت وجود این امواج است .

به نظر شما راه حل همه اینها چیست؟

یک دانشمند اروپایی تحقیقاتی را درمورد خارج کردن امواج الکترومغناطیسی که ب-ه ب-دنآسیب می رساند، انجام داده و به این نتیجه رسیده است که با گذاشتن پیش-انی ت-ان بیش-تر ازیک بار بر زمین، امواج الکترومغناطیس مضر بـدن تخلیه خواهد شد؛ مانند ساختمان های بلن-د که احتمال برخورد سیگنال های الکتریکی مانند رعد و برق با آنها وج-ود دارد و ب-رای هم-ین به گونه ای طراحی می شوند که با زمین ارتباط داشته باشند تا امواج از طریق زمین تخلیه شود.

بنـابراین سـر را بر خاک بگذاریـد تا امواج الکتریکی مثبت تخلیه شود! آنچه این تحقی-ق رابیشتر شـگفت انگیز می کنـد این جمله آن دانشمند است که: "بهتر است پیشانی تان را بر خ-اکبگذارید".

شگفت انگیزتر اینکه می گویـد: "بهترین حـالت ،حالتی است که رو به مرک-ز زم-ین باش-یـد؛ چراکه در این حالت امواج الکترومغناطیس بهتر تخلیه خواهد شد". بیشتر تعجب خواهید ک-ردوقتی بدانید براساس اصول علمی ثابت شده که شهر مکه و خـانه کعب-ه در س-ت مرک-ز زم-ینـاست؛ همـانگونه که رسـول اکرم(ص) فرمودنـد: سُـمیَتِ الْکَعْبَهُ کَعْبَهً لِأَنَّهَا وَسَطُ الدنْیا.(۱)

پیوند با بحث

بنابراین یکی از آثار طبی سـجده در نماز، تخلیه ام-واج مض-ر از ب-دن اس-ت. خ-دای مهرب-ان همیشه از ما کارهایی را می خواهـد که برا ی مـا مفیـد و سودمنـد اس-ت . موض-وعـات بس-یاری دراین عالم وجود دارد که دلیل و حکمت قطعی انجـام آنهـا را نمی دانیم؛ اما دی-ر ی-ا زود ممک-ن است یک یا چنـدی از حکمت های شـگفت آور و حیرت انگیز آن را پیدا کنیم. به هرحال ما بای-دبدانیم هرچه خداوند علیم و حکیم به ما فرموده ،برای ما بهترین است .

ص: ۲۳۹

۱- "کعبه را کعبه نامیدند برای اینکه کعبه وسط دنیا می باشد" (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹)

نتیجه گیری

ما بر خاک سجده نمی کنیم تا امواج الکترومغناطیس تخلیه شود؛ بلکه ب–رای اطاع–ت خداون–د قادر متعال سجده می کنیم و برای اینکه نهایت خضوع و خشوع خود را در برابر معبود خود به نمایش بگذاریم. ما به خدا اعتقاد و اطمینان داریم که همیشه هرچه می فرماید ،در آن معرفتی است .

از همین جهت امام صادق(ع)فرمودند: "لَا یَقْبَلُ ٱللهُ عَمَلًا إِلا بمِعَرِفِهٍ "؛(۱) خدای متعال عملی را که ازروی معرفت نباشد قبول نمی کند؛ برای اینکه او خالق هرچیزی است: "ذلِکُ–مُ للهُ رَبکُ–مْ لا إِلِهَ إِلَّا هُوَ خالِقُ کلِّ شَیْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهو علی کلِّ شَیْء وکیل "؛(۲) آری، این اس–ت پروردگ–ار ش–ما؛ ه–یچ

معبودی جز او نیست. آفریدگار همه چیز است او را بپرستید، و او نگهبان و مدبر همه موجودات اس ت و اوست که بر هرچیزی آگاه است."هُ–وَ الَّ–ذی خَل–َقَ لَکُ–مْ م–ا فِی الْأَرْضِ جَمیع–اً ث–ُم اسْ–تَوی إِلِی ٱلسماءِ فَسَواهُن سَبْعَ سَماواتٍ وَ هُوَ بِکلِّ شَیْءٍ عَل–یمّ "؛(۳) او خدایی است که همه آنچه از نعمته–ا درزمین وجود دارد ،برای شما آفرید سپس به آسمان پرداخت و آنها را به ص–ورت هف–ت آس–مان مرتب نمود و او به هرچیز آگاه است .

با یافتن بعضی جنبه های علمی دستورهای الهی، کشف می شود که این دستورهای ب–رای همه، چه مسلمان چه کافر ،مفید و خوب است.

ص: ۲۴۰

۱- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج۱، ص۴۴.

۲- انعام:.۱۰۲

۳- بقره:.۲۹

۸۸. راز سجده برخاک

راهبرد جلسه

در این درس به تبیین این موضوع می پردازیم که چرا در نمازهایمان از مهر استفاده می کنیم .

جذابیت اولیه

یکی از علمای اهل تسنن، فارغ التحصیل دانشگاه الأزهر مصر، به ن–ام "ش–یخ محم–د مرع–یانطاکی" که اهل سوریه بود، براثر تحقیقات دامن هدار به مذهب تشیع گرایید و در کتابی به نام"لماذا أخْ ترَ تُ مَ ذْ هبَ الّشّیعه"علل گرایش خود را با بیان مدارك متقن ذکر نموده اس–ت . در ای– ن درس به یکی از مناظرات ایشان با دانشمندان اهل تسنّن درباره سجده بر مهری که از ترب–ت حسینی(ع) است می پردازیم.

محمد مرعی در خانه اش بود، چند نف–ر از دانش–مندان اه–ل تس–نن ک–ه بعض–ی از آن–ه–ا ازدوستان سابق او در دانشگاه الأزهر بودند، به دیدار او آمدند. در آن دیدار یک–ی از د انش–مندان اهل تسنن پرسید: شیعیان بر تربت حسینی(ع) سجده م یکنند. آنها به همین علت که بر مهر تربت حسینی(ع) سجده م یکنند، مشرك هستند.

محمد مرعی گفت: سجده بر تربت، شرك نیست؛ زیرا شیعیان بر تربت برای خ–دا ی متع–ال ، سجده م یکنند؛ نهاینکه بر تربت صرف تربت بودنش سجده کنند. اگر به پندار شما – ب–ه ف–رض محال – در درون تربت چیزی وجود دارد که شیعیان به خاطر آن چیز، بر آن سجده می کنند، این شرك است. ولی شیعیان این گونه نیستند؛ بلکه آنها برای معبود خ–ود ك–ه خداون–د متع–ال باش–دسجده می کنند .نهایت اینکه هنگام سجده برای خدا، پیشانی را بر تربت حسینی(ع) می گذارند .

به عبارت روش نتر: حقیقت سجده، نهایت خضوع و خشوع در برابر خداوند متعال است؛ نه خضوع و خشوع در برابر مهر تربت.

یکی از دانشمندان گفت: أحسنت که تحلیل زیبایی نمودی؛ ولی این سؤال برای ما ب-اقی می ماند که چرا شما شیعیان اصرار دارید که بر تربت حسینی(ع) سجده نمایید؟ چرا بر س-ایرچیزها سجده نم یکنید؟ همانگونه که بر تربت سجده می کنید؟

محمد مرعی پاسخ داد: اینکه ما بر خاک سجده می کنیم، براساس حدیثی است که م-ورد

اتفاق همه فرقه های اسلامی اس-ت ک-ه پی-امبر اک-رم (ص) فرم-ود : "جُعِلَ-تْ لِیَ الارَ ضُ مَسْ-جِداً وَ طهُوراً"؛(۱) زمین برای من سجده گاه و پ-اکیزه ق-رار داده ش-ده اس-ت. بن-اب راین ب-ه اتف-اق هم-ه مسلمانان، سجده بر خاک خالص جایز است؛ ازاینرو ما بر خاک سجده می کنیم .

یکی از آن دانشمندان به نام حمید گفت: چگونه مسلمانان بر این امر اتّفاق نظر دارند؟ محمد مرعی: "هنگامی که رسول خدا(ص) از مکه به مدینه هجرت کرد در همان آغاز، به ساختن مسجد دستور داد. آیا این مسجد فرش داشت؟" حمید: نه، فرش نداشت .

محمد مرعی: پس پیامبر(ص) و مسلمانان بر چه چیزی سجده می کردند؟ حمید: بر زمینی که از خاک فرش شده بود، سجده می کردند؟

محمد مرعی:بعد از رحلت پیامبر(ص) مسلمانان در عصر خلف- ای ث-لاث ب-ر چ-ه س-جده می کردند؟ آیا مسجد فرش داشت؟

حمید: نه، فرش نداشت، آنها نیز بر خاک زمینِ مسجد سجده می نمودند.

محمد مرعی گفت: بنابراین به اعتراف شما، پیامبر(ص) و همه مسلمانان در عصر او و دیگر زمان ها بر زمین سجده کرد هاند. به همین دلیل ،قطعاً سجده بر خاک صحیح است.

حمید: اشکال من این است که شیعیان تنها بر خاک سجده می کنند؛ آنهم خاکی که از زمینی گرفته و به صورت مهر در آورده اند؛ آن را در جیب خود می گذارند و بر آن سجده می کنند.

حمد مرعی: اولاً به عقیده شیعه، سجده بر هر گونه زمین، خواه سنگف-رش باش-د و خ-واه زمین خاکی باشد، جایز است؛

ص: ۲۴۲

۱- شیخ حر عاملی ،وسائل الشیعه، ج۳، ص ۳۵۰.

ثانیاً نظر به اینکه شرط است محل سجده پاک باشد، پس سجده بر زمین نجس یا خ-اک آلوده درست نیست. ازاینرو قطعه ای از گـل خشـکیده به نـام مهر را که از خاک پاک تهیه شـده ،با خود حمل م یکننـد تا در نماز بر خاکی که مطمئناً پاک و تمیز است سجده کنند، با علم ب-ه اینکه آنها سجده بر خاک زمین را که نجس بودن آن را نمی دانند، جایز می دانند.

حمیـد: اگر منظور شـیعه سـجده بر خـاک پـاک خـالص است، چرا مق-داری از خ-اک را حم-ل نمی کننـد و مهر حمـل می کنند؟

محمـد مرعی: ب ه دلیـل اینکه حمل خاک موجب خاک آلودگی لباس می شود. شـیعیان همان خاک را با آب می آمیزنـد و گل می کننـد و سـپس همان گل در قالب زیب-ا خش-ک م-یش-ود وبه صورت مهر درمی آید که دیگر حمل آن زحمت نداشته باشد و موجب خاک آلودگی لب-اس ودست نشود.

حمید:چرا شما بر غیر خاک، مانند حصیر، قالی، زیلو و مانند اینها سجده نمی کنید؟

محمـد مرعی: گفـتیم غرض از سـجده، نهـایت خضـوع در برابر خـداست. اکـن-ون م-ی گ-و ییم ،سـجده بر خـاک، خـواه خشـکیده (مهر) و خواه نرم، دلالـت بیشتری بر خضوع در برابر خ-دا دارد؛زیرا خـاک، ناچیزترین اشـیاست و ما بالاترین عضـو بـدن خود یعنی پیشـانی را بر پـایین ترین چیز یعنی خـاک ،در حـال سـجده می نهیم تـا بـا خضوع بیشتر خـدا را عبـادت کنیم. همچنین مسـتحب است در سجده، سر بینی خاکآلود شود تا دلالت بیشتر برای خض-وع داش-ته باش-د؛ بن-ابرا ین سجده بر قطع هـای از خـاک خشـکیده (مهر) بهتر از سـجده بر سایر اشـیایی است که س-جـده ب-رآنها رواست؛ چراکه اگر انسان در سجـده پیشانی خود را بر روی سـجاده گران قیمت یا بر قطعه طلا و نقره و امثال آنها و یا بر قالی و لباس گرانبها بگ-ذارد، از تواض-ع و خض-وعش کاس-ته می شود و چه بسا هیچ گونه دلالتی بر کوچکی بنده در برابر خدا نداشته باشد.

نتیجه گیری

با این توضـیح، آیا کسـی که سـجده بر خاک خشـکیده (مهر) می کند تا تواض-ع و خض-وعش درپیشگاه خدا رساتر باشد، مشـرک و کافر خواهد بود؟ ولی سـجده بر چیزی مانند قالی و طلا که مخالف تواضع است، تقرب به خداست؟! هرکس چنین تصور کند، تصور باط-ل و ب-ی اساس-ی نموده است .

ص: ۲۴۳

۸۹. سلام آخر

راهبرد جلسه

در این جلسه با بخشی از فلسفه های سلام در نماز آشنا می شویم

جذابیت اولیه

س--لامی ب--ه زیب--ایی ی--اد ی--اران سلامی چو حالِ خوش میگساران س--لامی ب--ه گرم--ایِ داغ ج--دایی سلامی چو دلتنگ-یِ ب-ی ق-راران سلامی چ-و عط-رِ دل انگی-ز ب-اران س--لامی ب--ه ش--ادابی نوبه--اران سلامی به سرسبزیِ جنگل و دشت س لامی به زیبایی نام ایران(۱)

سؤال

ما با تکبیرهالاحرام وارد نماز می شویم و با سلام و تحیت از نماز خارج می ش-ویم . چ-ه کس-ی می داند چرا آخر نماز به این شکل خاص سلام می دهیم؟ بله؛ احس-نت ، یک-ی از فلس-فه ه-ای سلام آخر نماز می تواند این باشد:

احسا س یگانگ ی و همدلی مسلمانان

نمازگزار وقتی در سلامِ نماز به همه مؤمنا ن و بندگا ن صالح و ب-ر خ-ودش س-لام م-ی ده-د،احساس می کند که تنها نیست و یکی از آحاد امت بزر گ اسلام است و با مردان خ-دا در ه-رجای زمین احساس هم بستگی می کند.

ص: ۲۴۴

۱- مربی گرامی این ابیات را با جذابیت و شور و حال بخواند

امان خواستن از خداوند متعال

واژه سـلا م در میان دو معنا مشتر ک است؛ هم به معن-ای درود و تحی-ت اس-ت و ه-م ن-ام مقـدس خداوند عزوجل.طب ق معنای او ل، معنای سلام ها ی نماز روشن اس-ت ؛ ول-ی براس-اس معنای دوم ، اشاره و کنایه از این است که نمازگزار ا ز خداونـد متعال سـلامتی و امنیت از عـذاب دنیوی و اخروی را برا ی مؤمنان خواسـتار است؛ چنانکه ام-ام ص-ادق (ع) م-ی فرمای-د : "مَعْنی

السلا مِ فِی دُبُر کُلِ َصَلا ةٍ أ لامَان"؛(۱) معنی سلا م در آخر هر نماز ی، ام-ان اس-ت ؛ یعن-ی اگ-ر نم-از رادرحالی ک ه قلبمان خاضع اس ت ب هجا ی آوریم، از بلاها ی آخر ت در امان خواهیم بود.(۲)

جلب رحمت الهی

مـا در "السـلام علیکـم ورحـم ةالله وبرکـات-ه" از خداونـد متعـال برک-ت و رحـم-ت را ب-رای خ-ود و هـم-ه بنـدگا ن خواستاریم .

ارتبا ط با فرشتگا ن

سلام، نوع ی ارتباط با فرشتگان و اظهار دوستی با آنان اس ت. در تعی-ین ای-ن مطل-ب ، از ام-ام صادق(ع) پرسیدند: چرا بعد از سلام ، نمازگزار باید رو به ط-رف راس-ت ب-رگردان-د، ن-ه چ-پ؟ فرمودند: ملکی که کارهای بد را می نویسد، در طر ف چپ است و چو ن نماز، هم-ه اش خ-و ب است و بدی در او نیست به طرف راست سـلا م داده می شود، نه طر ف چپ.(۳)

پیوند دوستی و محبت با دیگرا ن

سلاـم ، خواسـتن سـلامتی ، امنیـت ، خیر، برکـت و سـعادت اس ت. نمـازگزار بـا سـلا م دادن ، نشـان می ده-دکه دوسـتدار و خیرخوا ه همه خوبـا ن و نیکوکـارا ن اس ت و هموار ه آرزو ی س-لامتی آن-ان را دارد. ای-ن مسـئله باعث نزدیکی قلبها به هم ومستحکم تر شد ن دوستی ها و برادری هاست.

خدایا ،دوستی مؤمنان را مستحکم بفرما. آمین .

۱- مصباح الشریعه ، ص۰۹، اسرار نماز، ص۱۶۲.

۲- محمدمحسنبنمرتضی، فیض کاشانی ،اسرار نماز، ص .۱۶۲

۳- صدوق، علل الشرایع، ج۲، ص۳۵۹.

۹۰. خوشبینی در معاشرت

راهبرد جلسه

در این جلسه به بیان این موضوع می پردازیم که نماز، باعث ایجاد روابطی دوستانه و صمیمی و دور از سوءظن های رایج می شود .

جذابیت اولیه

جوانی با چاقو وارد مسجد شد و گفت: بین شما کسی هست که مسلمان باشد؟ همه با ترس و تعجب به هم نگاه کردند و سکوت در مسجد حکم فرما شد. بالاخره پیرمردی با ریش سفید از جا برخواست و گفت: آری من مسلمانم. جوان به پیرمرد نگاهی کرد و گفت با من بیا. پیرمرد به دنبال جوان به راه افتاد و با هم چند قدمی از مسجد دور شدند. جوان گله گوسفندان را ب–ه پیرمرد نشان داد و گفت: می خواهم تمام آنها را قربانی و بین فقرا پخ–ش ك–نم و ب–ه کم–ك احتیاج دارم.پیرمرد و جوان مشغول قربانی کردن گوسفندان ش–دند و پ–س از م–دتی پیرم–ردخسته شد و به جوان گفت که به مسجد برود و شخص دیگری را برای کمك با خود بی–اور د.

جوان با چاقوی خون آلود به مسجد بازگشت و باز پرسید: آیا مس–لمان دیگ–ری در ب–ین ش–ماهست؟ افراد حاضر در مسجد که گمان کردند جوان، پیرمرد را به قتل رسانده است، نگاهشان را به امام جماعت مسجد دوختند. امام جماعت رو به جمعیت کرد و گفت: چرا نگاه می کنی–د ؟ به عیسی مسیح قسم که با چند رکعت نماز خواندن کسی مسلمان نمی شود .

پیوند با بحث

یکی از واجبات نماز سلام است که از س–ه قس–مت؛ یعن–ی "َالس–لَامُ عَلَیْ–كَ أ یّهَ–ا َالنبِ–ی وَرَحْمَ–هُ للهِ وَبَرَكَاتُهُ "و" السلَا مُ عَلَیْنَا وَعَلَی عِبَادِ َللهِ َالصالِحِین"و"َالسلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَهُ للهِ وَبَرَكَاتُ ـُه"تش–كیل ش–ده است. سلام یکی از نام های زیبای خداوند متعال است. سلام یعن–ی آرزوی امنی–ت و آس–ایش

ص: ۲۴۶

برای شخصـی که به او سـلام می کنیم. در سـلام آخر نمـاز مـا به همه س-لام م-ی ده-یم ؛ یعن-ی می خواهیم بگوییم نتیجه این جلس های که با خدای رحمان داشتیم این است که مانند خود خدا رحمان شده ایم؛ یعنی ازجانب ما به هیچ ک-س آزار و اذیت-ی نخواه-د رسید. هم-ان ط-ور ک-ه

عبدا للهبن فضل می گوید:"سَأَلْتُ أَبَاعَبْدِ اللهِ عَنْ مَعْنَی َالتسْلِیمِ فِی َالصلَاه"؛ از امام صادق(ع) از معنای سـلام در نماز پرسیدم. "فَقَالَ ُالتسْلِیمُ عَلَامَهُ الْأَمْن "؛فرمود: سلام های نماز نشانه امنی-ت اس-ت.(۱)متأسفانه بدگمانی افراد جامعه به یکدیگر و عدم اعتمـاد رایـج در رفتارهـای اجتمـاعی، دل هـا را از هم دور کرده و موجب از بین رفتن آرامش و امنیت لازم در اجتمـاع شـده است.

نتیجه گیری

یکی از بزرگ ترین درس های نماز و درواقع نتیجه و خلاصه این ارتباط معنوی با خداونـد علیم و قدیر ایجاد امنیت و آرامش و آسـایش برای خودمـان و دیگران است. ما هم پایان ای-ن درسـرا با جمله زیبای " السـلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَهُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ" به همه اعلام می کنیم.

خدایا، ما را از سلام کنندگان واقعی قرار بده. آمین .

ص: ۲۴۷

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۱۸

۹۱. برترین مساجد

راهبرد جلسه

در این درس با بزر گترین و مه مترین مساجد جهان اسلام آشنا می شویم .

جذابیت اولیه

مربی گرامی هرکدام از تصاویر مساجد زیر را در اندازه های بزرگ تهیه کرده، از دانش آم–وزان بخواهد نام آن مسـجدها را بیان کنند. در پشت هر عک–س ن–ام مس–جد و می–زان ث–واب نم–ازخواندن در آن را با حروف بزرگ درج نماید.

مسجدالحرام امام باقر(ع) فرمود:

"مَنْ صَـلی فِی الْمَسْجِدِ الْحَرَ امِ صَلَاةً مَکْتُوبَة قَبِلَ للهُ بِهَا مِنْهُ کُلَّ صَلَا ةٍ صَلاهَا مُنْذُ ی–َوْ مَ وَجَبَ–تْ عَلَیْ–ةِ الص–لَا ةُ وَکلَّ ُصَلَا ةٍ یُصَلِّیهَا إلِی أ نْ یمَتَ"؛(۱)

کسـی که یـک نمـاز واجب در مسـجدالحرام بخوانـد، خداونـد تم–ام نمـازه–ایی را ک–ه از آغ–از تکلیف تـا پایـان عمر می خواند، از او قبول می کند.

امام صادق(ع) نیز فرمود:

"َالصلَاةُ فِی الْمَسْجِدِ الْحَرَ امِ تَعْدِلُ مِائةَ ألْفِ صَلَا ةٍ"؛(۲)

نماز در مسجدالحرام با صد هزار نماز [در غیر آن] برابر است.

ص: ۲۴۸

۱– صدوق ،من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص۲۲۸.

۲– محمدبن یعقوب کلینی ،اصول کافی، ج ۴، ص۵۲۶.

مسجدالنبی(ص)رسول اکرم(ص) فرمود:

"صَلَاةٌ فِی مَسْجِدِی هَذَا تَعْدِلُ عِنْدَ للهِ عَشْرَهَ آلَافِ صَلَاهٍ فِی غَیْرِهِ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِ لا الْمَسْجِدَ الْحَرَ امِ فَإِنَّ الصلَاهَ فِیهِ تَعْدِلُ مِائهَ أَلْفِ صَلَا هٍ"؛(۱)

نماز در مسجد من با ده هزار نماز در مساجد دیگر برابر است؛ مگر مسجدالحرام که نماز در آن با صد هزار نماز در مساجد دیگر برابر است.

رسو ل اللّه(ص)همچنین فرمود:

" الصلاهُ فِی الْمَسْجِدِ الحَرامِ مائهَ أَلْف صلاهٍ و الصَلاهُ فِی مَسْجِدِ الْمَدِینهِ عشره آلاف صَلاه"؛(۲)

نماز در مسجدالحرام با صد هزار نماز و نماز در مسجد مدینه (مسجدالنبی) معادل با ده هزار نماز است. برخی از محدثان چنان نقل کرده اند که امام صادق(ع) در پایان این روایت فرموده است: "وأَفْضَلُ مَوضِعٍ یُصَلی فیه مِنْه ما قَرُبَ مِنَ الْقَبْرِ "؛(۳)

باارزش ترین مکان ها در مسجدالنبی(ص)جایی است که به قبر پیامبر اکرم (ص) نزدیک باشد.

مسجدالاقصی و مسجد کوفه امام باقر(ع) فرمود:

"الْمَسَاجِدُ الْأَرْبَعَهُ الْمَسْجِدُ الْحَرَ امُ وَمَسْجِدُ الرسُولِ(ص) وَمَسْجِدُ بَیْتِ الْمَقْدِسِ وَمَسْجِدُ الْکُوفَهِ یاَ أَبَاحَمْزَهَ الْفَرِیضَهُ فیهَاف تَعْدِلُ حَجهً وَ النافِلَهَ تَعْدِ لُ عُمْره "؛(۴)

مساجد چهارگانه عبارتاند از: مسجدالحرام، مسجد رسول اللّه(ص)، مسجد بیت المقدس و مسجد کوفه؛ ای اباحمزه، نماز واجب در مسجد کوفه با حج برابر است و نماز مستحب با عمره برابر است .

۱- .شیخ حر عاملی ،الفصول المهمه فی أصول الأئمه - تکمله الوسائل، ج ۲، ص۸۴.

۲- میز را حسین نوری ،مستدرک الوسائل، ج۳، ص۴۲۶.

۳- همان .

۴- صدوق ،من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص۲۳۳.

حضرت علی(ع) فرمود: "صَلَاةٌ فِی بَیْتِ الْمَقْدِسِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَ-لَاهٍ"(۱)؛ نماز در بی-ت المق-دس ب-ا هزار نماز برابر است

امام صادق(ع) نیز می فرماید: "ءَالصلَاهُ فِی مَسْجِدِ الْكُوفَهِ بِأَلْفِ صَلَاهٍ"؛(۲) نماز در مسجد کوف-ه ب-ا هزار نماز برابری می کند .

پیوند با بحث

پیامبر اکرم(ص) فرمود: "خَیْرُ الْبِقَاعِ الْمَسَاجِد"؛(۳) بهترین مکان ها مساجد هستند .

دوستان عزیز من، به نظر شما چرا مساجد یکی از بهترین مکـان هـا هس-تن د؟(۴) مس-جد تنه-ایک مکان مقدس برای عبادت، نماز، عزاداری و سایر فرایض نیست. از همان ابتدا هم نب-وده است. مسجد محیطی برای جمع شدن مسلمانان و هم فکری آنها در امور فردی و اجتماعی و کمک برای حل مشکلات یکدیگر و انجام امور اجتماعی است. در زمان پیامبر اکرم(ص) نی-ز مسجد همین کارکرد را داشته است. رسیدگی به امور مردم، پاسخ به پرسش ها و مسائل آنه-ا ،آموزش احکام اسلام، تقسیم بیت المال و تصمیم گیری های مهم درباره مسائل آن زمان، همه و همه در مسجد صورت می گرفت. ازهمین رو مساجد بهترین مکان هاست؛ چراک-ه ایم-ان ب-ه خداوند متعال در عمل به نمایش گذاشته می شود .

۱- همان .

۲- شیخ هر عاملی، وسائ ل الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۰

۳- همان ،ص ۲۹

۴- مربی گرامی اجازه بدهد دانش آموزان نظرهای خود را بیان کنند.

...

۹۲. مسجد شاکی

راهبرد جلسه

در این درس به اهمیت مسجد و جایگاه ویژه آن در اسلام می پردازیم .

جذابیت اولیه

دوستان خوب من، کدام یک از شما می تواند یک ضربالمثل راجع به مسجد بیان کند؟ آفرین؛ "مؤمن مسجد ندیده"! کدامیک از شما دانش آموزان باهوش می داند که این ضربالمثل به چه معناست؟ "مؤمن مسجد ندیده"؛(۱) به کسی گفته می شود ک-ه تظ-اهر ب-ه تق-دس و دی-ن داری می کند. درواقع آدمی است پر از غرور و تکبر و ریا که نه تنها با اخلاق ب-د و رفت-ار ناشایس-ت خود سبب شده دیگران از او دوری کنند ،که موجب بی احترامی و بی ارزش کردن ه-ا وباورهای دینی نیز شده است، که این خود خطایی بسیار بزرگ است.

مربی گرامی روایت گرانقدری را که از امام ص-ادق (ع) اس-ت ، در چه-ا ر بخ-ش ب-ر رویکارت های مقوایی به صورت جداگانه و ترجمه آن را در پشت آن کارت ها م-ی نویس-د و ب-رای بیان آن، چهار نفر از دانش آموزان را دعوت می کند .مربی روایت را به صورت پراکنده در اختیار آنها قرار می دهد و از دانش آموزان می خواهد در مدت زمان کوتاهی به شکل مرتب و ص-حیح کنار هم قرار بگیرند تا روایت مبارکه به شکل صحیح خوانده شود. بعد از خواندن متن عربی(۲) آن از دانش آموزان می خواهد کار تها را برگردانند و ترجمه آن را می خواند و توضیح می دهد .

قال الصادق(ع):

ث-َلاَثَهَ یَشْکُونَ إِلِی للهِ عَزوَجَلَّ ؛

ص: ۲۵۲

۱- مصطفی رحیمی نیا ،ضرب المثلهای فارسی و اصطلاحات عامیانه، ص۱۸۴.

۲- مربی ابتدا از دانش آموزان ترجمهٔ آن را بپرسد.

سه چیز است که نزد خداوند عزوجل شکایت می کنند .

مَسْجِدٌ خَرَ ابٌ لَا يُصَلی فِيهِ أهْلُهُ؛

مسجدی که متروکه مانده و در آن نماز نمی خوانند .

وَ عَالِمٌ بَيْنَ جُهالٍ؛

عالمی که بین افراد نادان قرار گرفته و از آن بهره ای نمی برند.

وَ مُصْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْغُبَارُ لَا يُقْرَأُ فِيهِ (۱)؛

قرآنی که فقط بر سر طاقچه منزل قرار گرفته و خاک می خورد.

پیوند با بحث

مساجد در طول تاریخ و خصوصاً در صدر اسلام، علاوه بر محل عب-ادت و تش-کیل نمازه-ای جماعت، مکانی برای تشکیل جلسات بح-ث و درس، تعلیم-ات دین-ی و علم-ی، انج-ام ام-ور قضایی، حل و فصل اختلافات، رسیدگی به امور عمومی، دستگیری از مس-تمندان، نگه-داری بیت المال و غیره بوده است. بدینترتیب گستره اجتماعی و سیاس-ی مس-اجد بس-یار چش-مگیر بوده، انبوهی از پیامهای اجتماعی و سیاسی از فراز آن منتشر می شد .

آنچه در روایت امام صادق(ع) در هر سه مورد: مسجد، عالم و قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته ،این است که تمامی آنها می توانند مسیر سعادت جاودانه انسان را رقم بزنند، درحالیکه بدون استفاده در گوشه ای قرار گرفته اند، تاآنجاکه مساجد رو به خرابی نهاده، علما به انزوا رفته و قرآن کریم فقط به کتابی برای مراسم عزا و عروسی تبدیل شده است! این یعنی زن-دگی ای که نه لذت دنیوی دارد و نه سعادت اخروی.

نتیجه گیری

اگر بخواهیم در روزی که همه حقایق روشن می شود (يَوْمَ تُبْلَى السرائِر))،(۲) ما جزو کسانی نباشیم که مسجد و عالم محل، و قرآن منزلشان از او شاکی می شوند، بلکه جزو کس-انی باش-یم ک-ه

۱- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۶۸

۲- طارق: ۹

نامه عملشان در دست راستشان قرار گرفته، شادمان از کرده های خود هس-تند، واق-ع ش-ویم:

"فَأَمّا مَنْ أُوتِیَ کِتابَهُ بِیَمِینِهِ * فَسَوْفَ یُحاسَبُ حِساباً یَسِیراً * وَ یَنقَلِبُ إِلی أَهْلِهِ مَسرورا"،(۱) بایـد با رون-ق بخشـیدن به مساجـدمان، پی-روی از ع-الـم عـام-ل محـل-ه م-ان و ب-ه ک-ارگیری ق-رآن ک-ریـم درزنـدگی مـان، کـه چیزی جز مکارم اخلاق و حسن خلق محمدی(ص) نیست ،خود را به س-عادتو لذت دنیا و آخرت نائل کنیم.

۱- انشقاق: ۹-۷

۹۳. سنبل اتحاد

راهبرد جلسه

در ایـن درس به توضیـح و تفصیـل یکی از مهمـترین و بزر گـترین عبـادات که سـمبلی از اتحـاد و برادری و ی کـدلی در بین مسلمانان است، یعنی نماز جماعت می پردازیم .

جذابیت اولیه

مربی گرامی ابتدا یک جدول ساده به شکل زیر رسم کند. این جدول از راست به چپ پر می شود .

نمازجماعت

۱.کدام عبادت است که: إنِ قُبِلتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا و إنْ ردُتْ ردُمَاسِوَاهَا؟(۱) (نماز)

۲.آیه شریفه وَارْکَعُوا مَعَ َالراکِعین(۲) اشاره به کدام یک از عبادات است؟ (نماز جماعت)

نمـاز جمـاعت، یک حرکت توحیـدی برای یکی شـدن دل ها و یکرنگی و دوستی و محب–تبین مسـلمانان است .این یک–ی ش–دن و اتح–اد فوای–د بس–یـار زی–ادی در نیرومن–دی اس–لاـم ومسـلمانان دارد و نمایشـی زیبـا از حقیقت دین و قرآن است.

دوستان خوب من، تابه حال دریاچه خزر را از نزدیک دیده اید؟(۳)

ص: ۲۵۵

۱- "اگر قبـول شود دیگر اعمـال نیز قبول می شود و اگر قبول نشود دیگر اعمـال نیز قبول نمی شود" (محمـدبن یعقوب کلینی ،اصول کافی، ج۳، ص۲۶۸).
۲- و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید [و نماز را با جماعت بگزارید]" (بقره: ۴۳)
۳- درصورت امکان مربی گرامی با همراه داشتن نقشهٔ بزرگ ایران، یا دریاچهٔ خزر، آن را به دانش آموزان نشان دهد .

کـدامیک از شـما می دانـد دریـاچه، خصوصـاً به این عظمت و بزرگی چگونه ایجاد می شود؟(۱) بله آفرین؛ دریـاچه از جمع شـدن آب هـا از نقـاط مختلف در یک نقطه تشکیل می شود؛ ماننـد دریاچه خزر که از جمع شـدن رودخانه ه-ای بزرگ-ی مـانن-د ارس و ه-رات ، و آب چش-مه ه-ا وبـاران هـای وسـیع و یکی شـدن آنهـا بـا یکـدیگر چنیـن دریـاچه بـاعظمت و پرشکوهی ایج-اد ش-ده است که بزر گترین دریاچه جهان می باشد .

نماز جماعت هم ماننـد یک اقیانوس بی کران است و مَثَل ه-ر ف-رد ک-ه در نم-از جماع-ت شـرکت می کند مَثَل آن رود و چشـمه زلال است که هرگز به تنهـایی چنین عظمت و زیب-ایی و شـکوهی نخواهـد داشت. کسـانی که در نمـاز جمـاعت حاضـرند، ممکن است هر ک-دام نمازش-ان دارای فضـیلت و نقصانی داشته باشد که به سبب اجتماع آنها با یک-دیگر، خ داون-د مهرب-ان آن قسـمت از نماز هرکدام را که فاقد شـرایط کافی ب-وده اس-ت، ب-ه س-بب توج-ه دیگ-ری قب-ولمی کند.(۲)

نمـاز جمـاعت سـمبلی از اتحاد و برادری، و دوستی و محبت مسـلمانان در راه خداونـد متع-ال است که فضـیلت و عظمت این ارتباط دوسـتانه غیرقابل انک-ار اس-ت؛ هم-ان ط-ور ک-ه پی-امبرخـدا(ص) فرمودند: "کسانی که در راه خدا با یکدیگر دوستی کنند، در روز قیامت در سایه س-ارعرش الهی و غرق در برکت اله-ی ق-رار دارن-د؛ درح-الی ک-ه ص-ورته-ای آنه-ا از خورش-یـددرخشان تر است، و تمـامی فرشـتگان مقرب درگـاه الهی و پیـامبران به جایگاه و منزلت آنان نزد خـدواند متعال غبطه می خورنـد و اهل قیامت از یکـدیگر می پرس-ند : این-ان کیس-تند؟ ب-ه آن-ان خطاب می شود: آنان کسانی هستند که در دنیا به خاطر خ-دا ب-ا یک-دیگر دوس-ت بودن-د و ب-ه یکدیگر محبت می کردند." (۳)

در کتاب مستدرک به نقل از کتاب انوار ابوعلی محمدبن همام روایت شده است که: حضرت

امام باقر(ع) فرمودند: حضرت رسول(ص) فرمودند: "هرکس برای رضای خدا به دی-دن ب-رادر

۱- مربی گرامی اجازه بدهد دانش آموزان دریاچه را تعریف کنند.

۲- میرزا جواد ملکی تبریزی ،اسرار الصلوه، ترجمۀ سیدعلی احمدی، ص ۵۴۰.

۳- همان، ص ۵۴۱

ایمـانی اش برود، خداونـد متعـال به وجـود او به فرشـتگانش مباهـات م-ی کن-د و زم-انی ک-ه او رامی بینـد، فرشـته ای از آسـمان خطاب به او می گوید: پاک شدی، و هنگامی که مشـغول ص-حبت شود، خداوند متعال به دو فرشـته اش می فرماید: عمل هفتاد پیامبر که عمرشان را صـرف عبادت من کرده اند و خونشان در راه من بر زمین ریخته شده برای اوس-ت و هنگ-امی ک-ه ب-ا ب-رادرایمانی اش شوخی کرده و با او بخندد، خداوند متعال خطاب به آن دو فرشـته می فرماید: شما را گواه می گیرم در روز قیامت که بعضی چهره ها سفید و بعض دیگر سیاه است، او را روس-فید وشاد و خندان گردانم".

نتیجه گیری

با کمی تأمل متوجه خواهیم شـد که نماز جماعت، جامع همه این اتفاقات زیبا خواهد بود و این خود نشان از عظمت و اهمیت نماز جماعت دارد و ازهمین رو در روایات و سیره معصومان:

بر آن بسیار توصیه شده است.

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: "مَنْ صَلی الْخَمْسَ فِی جَماَعَهٍ فَظُنوا بِهِ خَیْراً".(۱)

ص: ۲۵۷

۱- "کسی که نمازهای یومیهٔ خود را به جماعت بخواند به او گمان خوب و خیر داشته باشید" (محمدبن یعقوب کلینی ،اصول کافی، ج۳، ص ۳۷۱).

۹۴. حفظ فاصله ها

راهبرد جلسه

در این درس به موضوع حفظ و رعایت حریم انسان ها می پردازیم .

جذابیت اولیه

مربی گرامی دو نفر از دانش آموزان را برای کمک در آموزش دعوت کند. ی-ک عب-ا ب-ر دوش یکی از آنان قرار دهد. او نقش میرزای قمی; و دیگری نقش فتحعلی شاه را بازی کنند.

در حکایت نقل شده که فتحعلی شاه مبلغی را برای میرزای قم-ی; فرس-تاد و ایش-ان ردکرد.(۱) فتحعلی شاه مبلغ را دو برابر کرد و دوباره برای میرزای قمی; فرستاد. باز هم میرزا رد کرد و باز هم فتحعلی شاه مبلغ را از آنچه بود دو برابر کرد و فرستاد و به میرزا گف-ت : هرچ-ه شما این را رد کنی ما آن را دو برابرش می کنیم و به شما برمی گردانیم .میرزای قمی که دی-داین گونه است این دفعه قبول کرد.

بعداً که خود فتحعلی شاه نزد میرزا آمده بود، میرزا به شاه فرموده بود: "با آن پول هایی که شما داده بودید برای شما یک خانه ای در آخرت درست کردیم؛ به این معنا که یک مسجد ساختیم." فتحعلی شاه گفت: پس برویم آنجا نماز بخوانیم. به آن مسجد رفتند و وضو گرفتند و نماز خواندند .فتحعلی شاه پهلوی میرزا ایستاده بود و همه سربازانش پشت می-رزا ایس-تاده بودن-د.

میرزا وقتی به سجده می رسید، می دید مهر فتحعلی شاه مطابق مهر میرزاس-ت، ب-رای هم-ین مهر شاه را عقب تر می برد. در رکعت بعد، دوباره فتحعلی شاه مهرش را به همان ترتی-ب ق-رار

۱- مربی گرامی می تواند راجع به تقوی و پرهیز علمای بزرگ ما از دنیا و به دنبال دنیا نبودن آنان کمی توضیح دهد. نیز اینکه اینکه هیچ وقت نباید چشم ما به دست این و آن باشد.

می داد و بازهم میرزای قمی مهر او را عقب تر قرار م یداد، تا اینکه نماز تمام شد.

بعد از نماز میرزا فرمود: مأموم در نماز باید پشت امام و یا کمی عقب تر از امام باشد .

فتحعلی شاه گفت: من نماز خودم را خواندم و با شـما جماعت نم–ی خوان–دم . فق–ط اینج–اایستادم تا سربازان به شما اقتدا کنند.

پیوند با بحث

نماز جماعت، نمایشی از وحدت و عشق و محبت مسلمانان به یکدیگر است. از این رو ه–م ازلحاظ ظاهری و هم از لحاظ باطنی باید این معنا و مفه–وم را برس–اند. ب–اطن آن هم–ان روح جمعی و دوست یابی و شناخت مشکلات یکدیگر و برطرف کردن آنهاست. و ظاهر آن نش–ان دهنده نظم و وحدت و نظافت و پیروی از امامت می باشد .اگر در نماز جماعت بای–د فاص–له ونظم رعایت شود می تواند برای این باشد که ما این جهات را در تمامی مراحل زندگی خود ب–ه کار ببندیم. باید در روابط فردی و اجتماعی خود فاصله ها را رعایت کنیم و هیچ گاه دچار افراط و تفریط نشویم .

دوستان خوب من، فاصله بین امام و مأموم و بین خودشان نباید بیش از ی–ک گ–اِم ب–زرگ انسان معمولی باشد که در شرع، به مقدار مکانی که یک انسان معمولی هنگام سجده ک–ردن لازم دارد بیان شده است .

نتیجه گیری

یکی از مسائل مهم اجتماعی، حفظ حریم افراد جامعه از س–وی کس–انی اس–ت ک–ه جامع–ه را تشکیل می دهند؛ زیرا اینگونه است که جامعه برپا م–ی مان–د و ه–مگرای–ی و ه–مدل–ی در آن افزایش می یابد و انسجام اجتماعی تقویت می شود. بخش بزرگی از آموزه های وحیانی اس–لام به مسائلی اختصاص دارد که این پیوندهای اجتماعی را استوار کرده و پایه های آن را محک–م می کند. یکی از این آموز ه ها حفظ حریم فردی و اجتماعی است.

ص: ۲۵۹

۹۵. نماز خوف

راهبرد جلسه

در این جلسه به موضوع آشنایی با نماز خوف و شرایط آن می پردازیم و ای-ن نکت-ه ک-ه نم-ازجماعت از چه اهمیت بالایی برخوردار است.

جذابیت اولیه

شما همه خوب می دانید امام حسین(ع) در روز عاشورا به نم-از ایس-تادند. تع-دادی از ی-ارانش مانند سعیدبن عبدالله حنفی در حال دفاع از جان نمازگزاران ب-ه ش-هادت رس-یدند. چ-ه کس-ی می داند آن نمازی را که امام حسین(ع) در روز عاشورا خواندند چه نوع نمازی بود؟(۱) احسنت، ابی عبدالله(ع) مانند پیامبر اکرم(ص) در داستان سفر به مکه، نماز خوف خواندند.

پیوند با بحث

هنگامی که پیامبر(ص) با عده ای از مسلمانان به ع-زم مک-ه وارد س-رزمین حدیبی-ه ش-دند وجریان به گوش قریش رسید. خالدبنولی-د ب-ه سرپرس-تی ی-ک گ-روه دویس-ت نف-ری ب-رای جلوگیری از حرکت مسلمانان به سوی مکه در کوه های نزدیک مکه مستقر شد. هنگام ظه-ربلال اذان گفت و پیامبر(ص) با مسلمانان ،نماز ظهر را به جماعت ادا کردند. خالد از مش-اهده این صحنه در فکر فرو رفت و به نفرات خود گفت: در موقع نماز عصر که در نظر آنه-ا بس-یارپرارزش است و حتی از نور چشمان خود آن را گرامی تر م یدارند ،باید از فرصت استفاده کرد و با یک حمله برقآسا و غافل گیرانه کار مسلمانان را یکسره ساخت. در ای-ن هنگ-ام آی-ه "وَإِذَا

كُنتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ ٱلصلاَةَ فَلْتَقُمْ طآَئِفَةٌ ٍمنْهُم معَكَ وَلْيَأْخُذُواْأَسْلِحَتَهُمْ فَإِذا سَجَدُواْفَلْيَكُونوُاْكُونُواْ مِن وَرآَئِكُمْ وَلْتَأْتِ طآَئِفَةٌ أخْرَى لَمْ يُصَلُّ واْ فَلْيُصَلُّ واْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُواحِذْرهَمْ وَأَسْ-لِحَتَهُمْ وَدالَّذِينَ كَفَ-رُوال-وْ تَغفلُ-وَنَ عَ-نْ

۱- مربی گرامی اجازه بدهد دانش آموزان پاسخ صحیح را بدهند و در صورت امکان جایزه ای برای آن مشخص کند.

أَسْلِحَتِكَمْ وَأمْتِعَتِكَمْ فَيَمِيلُوَنَ عَلَيْكَم َ ميْلَةَ وَاحِدَةً وَلاَ جُنَاحَ عَلَيْكَمْ إنِ كاَنَ بِكَمْ أذًى ِمن مطَرأوْ كُنتُم َم-رْ أن تَضُ عواْ أَسْلِحَتَكَمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إنِ للهَ أعَّد لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا ُ مِهِينًا "(۱)

نازل شد و دستور نماز خوف را که از هر حمله غافل گیرانه ای جلوگیری می کن-د ب-ه مس-لمانان داد و این خود یکی از نکـات اعجـاز قرآن است که قبـل از اقـدام دشـمن، نقشه هـای آنهـا را نقشب-ر آب کرد؛ لـذا گفته می شود خالـدبن ولیـد با مشاهده این صحنه ایمان آورد و مسلمان شد.(۲)

نماز خوف چگونه است؟

نمـاز خوف این است که نمازهـای چهـاررکعتی تبـدیل به دو رکعت شود .گروه اول یک رکعت را با امام می خواننـد ،و امام پس از اتمـام یـک رکعت توقف می کنـد و آن گروه یـک رکعت دیگر را به تنهـایی خواننـد و به جبهه جنـگ بازمی گردند .سپس گروه دوم جای آنها را می گیرن-د و ی-ک رکعت نماز خود را با امام و رکعت دوم را به طور فرادی انجام می دهند.

نتیجه گیری

ما اگر در مواقعی مجبور به دفاع می شویم برای حفظ نماز و دین است. پس بای-د در جه-ادی که موجب فراموش شدن نماز می شود تأمل کرد .دیگر اینکه طریقه برگزاری نماز خوف حاکی از اهمیت بالای نماز جماعت است که در این شـرایط با آن همه مش-کلات و س-ختیه-ا نم-ازخوف به جماعت ادا می شود؛ چراکه جنگ و جهاد ما برای حفظ اتح-اد و یک -دلی و یک رنگ-ی ماست .

خدایا، در همه حال ما را از نمازگزاران واقعی قرار بده. آمین .

۱- و هنگامی که در میان آنها باشی و در میدان جنگ برای آنها نماز برپا کنی، باید دست های از آنها با تو [به نماز] برخیزند و سـلاحهای خود را با خود برگیرند و هنگامی که سـجده کردند [و نماز را به پایان رسانیدند] باید به پشت سـر شما [به میدان نبرد] برونـد، و آن دستهٔ دیگر که نماز نخوانـده انـد و مشـغول پیکار بوده انـد ،بیاینـد و با تو نماز بخواننـد و بایـد آنها وسایل دفـاعی و سـلاحهای خود را با خود [در حال نماز] حمل کننـد؛ زیرا کافران دوست دارنـد که شـما از سـلاحها و متاعهای خود غافـل شویـد و یـک مرتبه به شـما هجوم کننـد، و اگر از بـاران نـاراحت هستیـد و یـا بیمار [و مجروح] باشیـد مانعی نـدارد که سلاحهـای خود را بر زمین بگذاریـد؛ ولی وسایـل دفـاعی [ماننـد زره و خود] را با خود برداریـد .خداونـد برای کافران عـذاب خوارکننده ای فراهم ساخته است" (نساء:۱۰۲)

۲- ناصر مکارم شیرازی ،تفسیر نمونه، ج۴، ص۱۰۰

۹۶. آشنایی با احکام نماز

راهبرد جلسه

ازآنجا که بیان احکام عبادات به تنهایی ج–ذابیت زی–ادی ن–دارد س–عی ش–ده در قال–ب مس–ابقهاطلاعات عمومی، به بیان کوتاهی از احکام پرداخته شود.

جذابیت اولیه

مربی گرامی بر روی چهار قطعه مقوای متوسط به خط درشت گزینه های (ال–ف) ت–ا (دال) را ،مانند شکل های زیر بنویسد، هر کدام از گزینه ها را با فاصله روی دیوار نصب کند و به تناسب جمعیت از بیست نفر از دانش آموزان برای شرکت در مسابقه اطلاعات عمومی دعوت کند .

هرکدام از سؤالات زیر را به صورت عمومی از همه دانش آموزانی ک–ه در مس–ابقه ش–رکت کرده اند بپرسد و از آنها بخواهد هرکدام گزینه ای را که گمان می کنند صحیح اس–ت ، انتخ–اب کنند و کنار گزینه ها بایستند .مسابقه را با افرادی که گزینه صحیح را انتخاب کرده ان–د ، ادام–ه دهد تا یک دانش آموزِ برنده باقی بماند. مربی می تواند به تناسب سؤال ها و جوا بها توضیحات کوتاهی را هم بیان کند .

ص: ۲۶۲

نمونه سؤالات

الف ب ج د

۱. اگر مأموم زودتر از امام جماعت تکبیرهالاحرام بگوید نماز او چه حکمی دارد؟

ب) نمازش صحیح است.الف) نمازش باطل است.

د) نمازش را به صورت فرادی ادامه دهد .ج) نمازش را بهصورت جماعت ادامه دهد.

۲. نمازی که رکوع و سجده ندارد؟

ب) نماز خوف الف) نماز صبح

د) نماز جمعه ج) نماز میت

۳. نمازی که دو قنوت دارد؟

ب) نماز جمعه الف) نماز عید فطر

د) نماز لیله الدفن ج) نماز عید قربان

۴. اگر نمازهایی را که باید بلند بخوانیم، سهواً آهسته بخوانیم، نمازمان چه حکمی دارد؟الف) صحیح است. ب- باید اعاده کنیم .

ج) باطل است. د) باید سجده سهو انجام دهیم.

۵.نماز آیات چند رکوع دارد؟

الف) ۰۱ رکوع ب) ۲۱ رکوع ج) ۵ رکوع د) ۲ رکوع

۶.اگر در هر نمازی شک کنیم که یک رکعت خوانده ایم یا دو رکعت، چه حکمی دارد؟الف) صحیح است. ب) مکروه است .

ج) بنا را بر دو می گذاریم و نماز را ادامه می دهیم. د) باطل است .

۷. اگر نمازگزار در هنگام خواندن تشهد، شک کند که سجده دوم را به جا آورده یا نه، باید چه کار کند؟الف) به شک خود اعتنا نکند. ب) نمازش باطل است.

ج) حرام انجام داده. د) به شک خود اعتنا بکند.

ص: ۲۶۳

۸. خواندن آیه ای که سجده واجب دارد در نماز، نماز را........؟

الف) نورانی می کند. ب) باطل می کند .

ج) مباح می کند. د) حرام می کند .

۹. دعا (نفرین) کردن علیه مؤمن در نماز چه حکمی دارد؟

الف) نماز صحیح است. ب) اشکالی ندارد .

ج) نماز باطل است. د) مکروه است .

۰۱. نگه داشتن بچه و بغل کردن آن در هنگام نماز چه حکمی دارد؟الف) اشکال دارد. ب) حرام است .

ج) مکروه است. د) اشکال ندارد ....

ص: ۲۶۴

۹۷. تعقیب بی نظیر

راهبرد جلسه

در این جلسه، به یکی از اثرگذارترین و زیبا ترین تعقیبات بعد از نمازها که قرائت سوره توحی-دباشد، می پردازیم .

جذابیت اولیه

مربی گرامی دو یا سه نفر از دانش آموزان را برای شرکت در مسابقه دعوت کند و سؤالات زیر را از آنان بپرسد .

۱.شناسنامه خداوند متعال کدام سوره است؟ (توحید)

۲.نام یکی از سوره های قرآن کریم که یکی از اصول دین است؟ (توحید)

۳.سوره ۱۱۲ قرآن کریم چه نام دارد؟ (توحید)

۴.نام های دیگر سوره توحید چیست؟ (اخلاص، صمد، اساس، برائت، جمال، معرفت، مانع ،نور، تفرید، تجرید، ولایت)(۱)

۵.کدام سوره معادل یک سوم قرآن است؟ (امام باقر(ع) فرمودن-د : س-وره توحی-د براب-ر ب-ا یک سوم قرآن است)(۲)

که هرگز ندارد نیازی به کس بگو او خدایی است یکتا و بس

نه زاد و نه زاییده ش-د آن ال-ه نه دارد شریکی خدا هیچ گ-اه (۳)

ص: ۲۶۵

۱- محمدمهدی جامی ،درمان با قرآن، ص ۱۷۱.

۲- قطب الدین راوندی، الدعوات، ص۱۱۸.

۳- امید مجد.

در ادامه مربی گرامی داستان زیر را بیان کند:

عبداللهبن سـلام از دانشـمندان یهود، وقتی آوازه و دعوت پیامبر را شـنید، به مکه رفت تا او را ببیند و با نشانه هایی که از او در تورات آمـده بود، تطبیق کنـد. وقتی نزد رسول خ-دا (ص) آم-د ،پیـامبر(ص) از او پرسـید آیـا وصف وی را در تورات دیـده است؟ و او را به خداوند سوگند داد که حقیقت را بگوید .

عبـداللهبن سـلام، انـدکی تأمل کرد و گفت: ای محمد، اول تو خدایت را برای من توص-یف کن تا تو را بهتر بشـناسم؛ آنگاه آنچه را خواستی به تو می گویم. در این هنگ-ام س-وره توحی-د نازل شد و پیامبر آن را برای عبداللهبن سلام قرائت فرمود. عبـداللهنیز به پیامبری او یقین کرد و ایمان آورد؛ ولی از ترس، تا مـدتی مسـلمان شـدن خود را از یهودیان پنهان م-ی ک-رد، ت-ا در فرصتی مناسب و در شـرایطی اثرگـذار، ایمان خود را آشـکار کنـد تا ع-د ه بیش-تری از یهودی-ان مسـلمان شونـد. وقتی پیامبر از مکه به مدینه مهاجرت کرد، عبدالله اسـلام خود را آشـکار ساخت؛ گرچه از جمع یهودیان رانده شد و کسـی از آنان به پیامبر(ص) ایمان نیاورد.(۱)

پیوند با بحث

مرحوم کلینی; به سند معتبر از حضرت صادق(ع) روایت کرده اس-ت : هرك-ه ب-ه خ-دا و روز

قیامت ایمان دارد، بایـد بعـد از هر نماز فریضه، خواندن سوره "قُ-لْ هُ-وَ للّٰهُ اَحَ-دٌ"را ت-رك نكن-د به درستی که هرکه آن را بخوانـد، خـدا برای او خیر دنیـا و آخرت را جمع کنـد و او و پـدر و م-ادر او را می آمرزد، و هرکه از پـدر و مادر او به هم رسید ه اند.(۲) در بخش آخر، مربی گرامی می توانـد آثار و برکات خوانـدن سوره توحیـد را بر روی کارت هایی در انـدازه های ۵۱×۰۳ سانتی متر بنویسد و برای دانش آموزان یك به ی-ك نم-ایش داده، ب-رای هری-ك توضیحی بسیار مختصر بیان کند .که برخی از این آثار به شرح ذیل می باشد:(۳)

ص: ۲۶۶

۱- ناصر مکارم شیرازی ،تفسیر نمونه، ج۲۷، ص۴۲۸. "با این توضیح که عبداللهبن سلام را یکی از احتمالات بیان می کند ."

۲- "عَنْ أَبِی عَبْدِ للهِ (ع) قَالَ مَنْ كَانَ یؤْمِنُ بِاللّهِ وَالیَوْمِ الْآخِرِفلَاَ یـدَعْ أَنْ یَقرَأفِی دُبرِ الْفِیضَهِ بِقُلْ هُوَ للهُ أَحَدٌ فإِنَّهُ مَنْ قرَأهَا جَمَعَ للهُ لَهُ خَیْرَ الدنیْاَ وَالْآخِرهِ وَغَفَرَ لهُ وَلوِالدِیهِ وَمَا وَلدَا" (محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج۲، ص۶۲۲).

۳- شـیخ حر عـاملی ،وسائل الشـیعه، ج۶، ص۲۳۳؛ فضـل بن حسن طبرسـی ،مکـارم الاخلاق، ص۲۸۹ و۳۶۶ ؛ تفسیرالبرهان، ج۵،ص۷۹۸؛ طب الائمه، ص۲۴؛ قطب الـدین راوندی ،الدعوات، ص۲۹۳ و۲۹۵ ؛ محمـدبن یعقوب کلینی ،اصول کافی، ج۲، ص۳۹۴و ۵۳۹ و۶۱۹ ؛ صـدوق ،ثواب الاعمـال، ص۱۲۹ و۳۴۱ ؛ همـان ،الخصال، ص۶۲۶؛ همـان ،من لا یحضـره الفقیه، ج۱، ص۳۱۵؛ محمدبن حسن طوسی ،مصباح المجتهد، ص۲۶۱؛ فقه الرضا، ص۱۳۸.

۱.رفع فقروتنگ دستی

۲. بخشش گناهان؛

۳. شفادهندگی؛

۴. استجابت دعا؛

۵درمان تب؛

۶. درد چشم؛.

۷. درد دندان؛

۸. امان از گناه؛

۹. امنیت؛

۱۰. برکت .

ص: ۲۶۷

۹۸.تسبیحی بهتر از هر خدمتکار

راهبرد جلسه

در این درس به یکی از بهترین تعقیبات نماز، یعنی تسبیحات حضرت زهرا(س) که آثار فراوانی در رشد و تعالی زندگی دنیوی و اخروی انسان دارد، می پردازیم .

جذابیت اولیه

ستارگان، درخشان تر از همیشه تاریخ در آسمان مدینه پرتوافش-انی م-یکردن-د . ش-میم عط-ر محمدی(ص) در کوچه های مدینه پراکنده بود و یاس علوی، آنگاه که به معراج نماز میرفت ،نورش برای اهل آسمان می درخشید و بر چهره اهل زمین نورافشانی م-ی ک-رد . در آن هنگ-ام حضرت زهرا۳ عزیزترین عزیزان رسول خدا(ص) در خانه علی(ع) بود .

این بانوی بزرگوار آنقدر با آسیاب کار کرده بود که دستانش پینه بسته بود و آنقدر از چاه آب کشیده بود که آثار آن بر بدن مبارکش باقی مانده بود و به اندازه ای خانه را تمیز کرده بود که لباس هایش غبارآلود شده بود. فاطمه(س) از سختی کارهای خانه در زحم ت بسیار بود؛ ام-اهیچ نمی گفت. امیرالمؤمنین(ع) آنگاه که چنین دید، شنیده بود غلامانی را خدمت پیامبر(ص) آورده اند؛ به فاطمه(س) توصیه کرد، نزد پدر برو و خدمتکاری درخواست کن تا در ام-ور من-زل یار و همکارت باشد .

وقتی پیامبر(ص) از خواسته آنان آگاهی یافت، فرمود: "ای فاطمه، چیزی به تو عط-ا ک-نم که از خدمتکار و دنیا و آنچه در آن است، ارزشمندتر و بهتر باشد؛ بعد از نم-از ۴۳ مرتب-ه "الله اکبر" و ۳۳ مرتبه "الحمد لله" و ۳۳ مرتبه "سبحان ا لله" بگو و آن را با "لا ال-ه الَّ-ا الله" خ-تم کن. این کار از چیزی که می خواهی بهتر است".

ص: ۲۶۸

در آن لحظه که این هدیه آسمانی به فاطمه زهرا(س) عطا شد، فرمود: "از خ-دا و رس-ول خدا راضی شدم".(۱)

پیوند با بحث

درک این هدیه بزرگ که رسول‌الله(ص) به فاطمه زهرا۳ عطا فرمود، بالاتر از طاقت و فهم غیرمعصوم است؛ به گونه ای که ما از وصف آن عاجزیم و فقط از سرچشمه گفتار معصومان:

است که تا انداز های می توان از آثار و برکات آن اطلاع یافت و بهره مند شد. تس-بیح حض-رت فاطمه(س) به سبب مداومت آن حضرت در انجام آن به ایش-ان منس-وب ش-ده اس-ت . درواق-ع تسبیح حضرت حق تعالی است و عبادتی برگزیده، که هرکس در سیر معنوی خ-ویش ب-ه ق-در طاقت و معرفتش از آن بهره می گیرد .

امام باقر(ع) می فرماید: "خداوند متعال با هیچ ستایشی، بالاتر از تسبیحات فاطمه زهرا(س) عبادت نشده است. اگر چیزی افضل از آن وجود داشت، رسول خدا(ص) آن را ب-ه فاطم-ه ۳ عطا می کرد".(۲)

انسان با گفتن "الله اکبر" به نهایت عجز خود و ناتوانی اش ب-ه درگ-اه اله-ی باره-ا اق-رار می کند؛ چراکه خداوند متعال بزرگتر از آن است که بتوان او را وص-ف ک-رد : "للهُ أكْ-بَرُ م-ِنْ أنْ يُوصَفَ ".(۳)

"الحمدلله" کامل ترین و بافضیل ترین نوع شکرگزاری خداوند متعال است.

شخصی از حضرت علی(ع) پرسید: معنی "سبحان الله" چیست؟ حضرت فرمود: "سبحان الله" تعظیم مقام بلند و باعظمت خدا و منزه دانستن اوست از آنچه که مشرکان می پندارند، و زمانی که بنده این کلمه را می گوید، همه فرشتگان بر او درود می فرستند".(۴)

۱- علیرضا رجالی تهرانی ،اسرار و آثار تسبیح حضرت زهرا۳، ص۹ و ۱۸۱ ؛ عدنان زعفرانی، تسبیحات حضرت زهرا(س)، ص ۹ و ۲۱

۲- محمدباقر مجلسی ،بحار الأنوار، ج۴۳، ص۶.

۳- محمدبن یعقوب کلینی ،اصول کافی، ج۱، ص۱۱۷.

۴- صدوق، التوحید، ص۳۱۲.

برخی از آثار تسبیحات حضرت زهرا(س)

بخشش همه گناهان

امام صادق(ع) می فرماید هرکس بعد از نماز واجب و قبل از اینکه پای راست را از بالای پای چپ بردارد، تسبیح فاطمه زهرا(س) را به جا آورد، تمام گناهان او آمرزیده می شود، و این تسبیح با "الله اکبر" آغاز می شود.(۱)

دوری شیطان

امام باقر(ع) می فرماید:هرکس که تسبیح حضرت فاطمه(س) را به جا آورد و پس از آن استغفار کند، مورد مغفرت خداوند متعال ق-رار م-یگی-رد ، و آن تس-بیح ب-ه زب-ان، ص-د مرتب-ه اس-ت ؛ درحالی که در میزان - نامه اعمال - هزار خواهد بود، و شیطان را دور کرده، خ-دای رحم-ان را خشنود می نماید.(۲)

عنایت فرشتگان

هرگاه ما به بستر خواب می رویم، فرشته ای و شیطانی سرکش به سرعت به سوی ما می آید. آن فرشته به ما می گوید: روزت را به خوبی ختم کن و شب را به خ-وبی بگش-ا ، و ش-یطان ب-ه م-ا می گوید: روزت را به گناه ختم کن و شب را به گناه بگشا. پس اگر از فرشته اطاع-ت کن-یم و روز را با یاد خدا و شب را نیز با یاد او آغاز کنیم و تسبیحات حضرت زه-را(س) را بگ-وییم، آن فرشته، شیطان را از ما می راند، و شیطان دور می شود. آن فرشته تا زمانی که ما از خواب بیدار شویم، از ما محافظت می کند.(۳)

۱- محمدبن حسن طوسی ،تهذیب الاحکام، ج۲، ص۱۰۵.
۲- شیخ حر عاملی ،وسائل الشیعه، ج۴، ص۱۰۲۳.
۳- سیدبن طاووس ،فلاح السائل، ص۲۷۹.

نتیجه گیری

اگر بخواهیم در مسیر ایمان و اعتماد به خداوند یکتا و برای رش-د معن-وی خ-ود گ-امی بلن-د

برداریم، مسیر آن را قرآن کریم بیان کرده است: "یا أَیهَا الذینَ آمَنُوا اذْکُ-رُواً للهَ ذِکْ-راًکَث-یرا،(۱) ک-ه

نتیجه ذکر کثیر، فلاح و رستگاری و رسیدن به سعادت و خوشبختی اس-ت : "وَ اذْکُ-رُوا للهَ کَث-یراًلَعَلَّکُمْ تُفْلِحُ-و نَ"،(۲) و براساس روایات یکی از مص-ادیق کام-ل ذک-ر کثی-ر، تس-بیحات حض-رت زهرا(س) است.(۳)

ص: ۲۷۱

۱- احزاب:۴۱

۲- انفال:۴۵

۳- عن ابی عبـدالله (ع) قَالَ تَسْبِیـح فَاطِمَه الزَّهْرَاءِ(س)مِنَ الـذِّکْرِالکثیرا" الَّذِی قَالَ للّهُ عَزَّ وَجَل اذْکُرُوا للّهَ ذِکْراالکثیرا(محمـدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۰

۹۹.قبولی نمازوخانواده

راهبردجلسه

دراین درس به اهمیت خوش رفتاری ورعایت حقوق متقابل زن وشوهر، فرزند ووالدین ونیزهمسایگان می پردازیم، واینکه بی توجهی به آنها ، گاهی موردمقبول واقع نشدن عبادت می شود.

جذابیت اولیه

مربی گرامی روایت زیررابه صورت پازل درست نموده یکی ازدانش آموزان رابرای چینش آن دعوت می کنـد.دانش آموزان باید درمدت زمان سه دقیقه بتوانداین پازل راکامل کند.بعدازکامل شدن پازل، مربی به شرح وتوضیح روایت می پردازد.

قال الصادق (علیه السلام)

من نظرالی ابویه نظرماقت وهماظالمان له لم یقبل الله له صلاه

اصول کافی ج ۲ص ۳۴۹

ص: ۲۷۲

طرز تهیه پازل

یک مقوا فوم برد در سایز ۵۰×۵۰ تهیه کنید و طرحی مانند شکل بالا و متن روایت را روی آن بچسبانید، و از نقاط نقطه چ-ین در ابع-اد۰۱×۰۱ ب-رش بزنی-د .پش-ت هری-ک از قطع-ه ه-ای ایجاد شده را به اندازه یک آهنربای کوچک خالی ک-رده ، آهنرب-ا را ب-ه آن بچس-بانید ت-ا قاب-ل استفاده بر روی تخته وایت برد باشد .

پیوند با بحث

دوستان خوب من، معنای این روایت چیست؟

آفرین به شما دانش آموزان باهوش، امام صادق(ع) فرموند: "نماز فرزندانی که با خشم ب-ه پدر و مادر خود نگاه می کنند، قبول نم یشود؛ گرچه والدین، نسبت به آنان کوت-اهی و ظلم-ی کرده باشند".

نماز مانند یک انسان کامل است. همانطور که انسان روح و جسم دارد، نم-از نی-ز روح و جسم دارد. همانطور که وسعت و عظمت روح انسان درجات متفاوت دارد، روح نماز نیز چنین است. چنانکه نبودن بعضی اجزای بدن موجب نابود شدن بدن می شود، در نماز نیز، با نبودن بعضی اجزای آن، نماز ب یمحتوا و ب یروح می شود؛ اما روح نماز عبارت اس-ت از ام-ور قلب-ی و معنوی که رأس آنها قصد قربت و خلوص نیت و حضور قلب م-ی باش-د . نتیج-ه آن خش-وع و خضوع و تعظیم معبود و رجا و امید به رحمت اوست .نمازگزار باید قلب خود را خالی از موان-ع قبول شدن نماز مانند کبر، عجب، حسد، نارضایتی والدین و س-ایر اخ-لاق ه-ای ب-د و اعم-ال ناپسند کند تا نماز، هم جسم سالم و هم روح کاملی داشته باشد.(۱) ازهمین رو پیامبر اک-رم (ص) فرموند: "هرکس زن بدرفتار و اذیتکنند های داشته باشد، خداوند نماز و کارهای نی-ک آن زن را نمی پذیرد؛ مرد بداخلاق نیز چنین است".(۲)

ص: ۲۷۳

۱- سیدعبدالحسین طیب، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص۱۵۸.
۲- شیخ حر عاملی ،وسائل الشیعه، ج۱۴، ص۱۱۶.

نتیجه گیری

نماز مقبول اگر به معنای نماز کارآمد و پرفایده و برخوردار ار اثر و نتیجه باشد، مس-لماً نم-ازیاست که نمازگزار به دنبال رضایت و خشنودی خداوند منان است. یکی از مهم ت-رین ع-واملی

که موجب قبولی نماز می شود، احترام به والدین است: وَقَضی رَبکَ ألَّا تَعْبُ-دُوا إِلَّا إِیّ-اهُ وَبِالْوال-ِدَیْنِ إحِسانا.(۱) همچنین خوش خلقی: وَإِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظ-یم. (۲) نماز مقبول، یعنی نماز زنده؛ نمازی که سبب می شود ما در امور فردی و اجتماعی، زیبا رفتار کنیم و از بدی ها دوری نماییم: إِنَّ الصلاهَ تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَر.(۳)

ص: ۲۷۴

۱- و پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید" (اسراء: ۲۳)

۲- و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری" (قلم: ۴)

۳- نماز [انسان را] از زشتی ها و گناه بازمی دارد" (عنکبوت: ۴۵)

۱۰۰. شیرینی نماز

راهبرد جلسه

در این جلسه، دانش آموزان با راهی آشنا می ش-ونـد ك-ه بتوانن-د ش-یرینی و زیب-ایی عب-ادت وهمنشـینی با خـدای متعال را احساس کنند.

جذابیت اولیه

سلام، امیدوارم اوقاتی که با هم هستیم جزو اوقات به یادماندنی و تأثیرگذار زندگی مان باشد .

ببینم دوستان، چه کسی می داند این عکس کدام شخصیت است؟(۱)

بله؛ اسـتاد علامـه طباطبایی; که در مرات-ب عرف-ان و س-یر و س-لوك معن-وی، و دع-ا ومناجات، نمونه بود. غالباً ذکر خدا را بر لب داشت. به مستحبات مقید بود. شبهای ماه مبارک رمضان تا صبح بیدار بود و مقداری مطالعه می کرد و بقیه را ب-ه دع-ا و قرائ-ت ق-رآن و نم-ازمشغول بود .یکی از شاگردان ایشان می گویـد: یکی از شب های آخر عمر ك-ه خ-دمت ایش-ان بودم در بستر بیمـاری نشسته بود و بـا چشم هـای نافـذش به گوشه اتـاق نگـاه میکرد؛ ولی یـارای سـخن گفتن نداشت. خواسـتم سـخنی از او بشـنوم و به یادگار داشته باشم؛ ولی چندان امیدی به پاسخ شـنیدن نداشـتم. عرض کردم: برای توجه به خـدا و حضور قلب در نماز چه راهی را توصیه می فرماییـد؟ به سوی من توجه کردنـد و با آهنگ بسیار ضـعیف که ب-ه س-ختی ش-نیده م-ی ش-دفرمود: توجه، مراقبه، توجه، مراقبه، و این جمله را متجاوز از ده مرتبه تکرار کرد.(۲)

دوش مرغی به صبح می نالید عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش یکی از دوس-تان مخل-ص را مگ--ر آواز م--ن رس--ید ب--ه گ--وش

ص: ۲۷۵

۱- مربی محترم عکس علامه طباطبایی; را به دانش آموزان نشان دهد .

۲- ابراهیم امینی، یادنامهٔ علامه طباطبایی، ص۱۳۱ - ۱۳۳.

گفت باور نداشـتم ک-ه ت-و را بانگ مرغی چن-ین کن-د م-دهوش گفتم این شـرط آدمیت نیست مرغ تسبیح گ-وی و م-ن خ-اموش(۱)

پیوند با بحث

دوسـتان من، می دانید منظور از مراقبه و توجهی که علامه طباطبایی; فرمودند چیست؟ قطعاً همنشـینی با بهترین دوسـتتان برای شما لـذت و شـیرینی خاص خودش را دارد؛ اما اگر در همین همنشـینی، شـما توجه لازم را نداشـته باشـید و به او نگاه نکنید و حرف هایش را گ-وش نکنی-د، لـذتی را که باید نمی برید .اگر ما دوست داریم از عباداتمان و نم-از خوان-دنمان ل-ذت بب-ریم وشیرینی آن را حس کنیم، باید در طول روز به یاد او باشیم و خودمان را آماده دیدار و ملاقات او کنیم .

امام صادق(ع) فرمودند: "طَلَبْتُ حَلَاوَةَ الْعِبَادَةِ فَوَجَدْتُهَا فِي تَرَكِ الْمَعْصِيَه"؛(۲)

من به دنبال این بودم که شیرینی هم صحبتی با خدای متعال را حس کنم. به این نتیج-ه رسیدم که باید در طول روز کارهایی را که برای خودم ضرر دارد و او را ناراحت می کند، انجام ندهم؛ یعنی حواسم را به غیراو پرت نکنم.

اگر لذت ترک لذت بدانی دگر شهوت نفس، لذت نخ-وانی (۳)

خدایا ،ما را موفق به مراقبه و توجه به خودت کن. آمین.

ص: ۲۷۶

۱- سعدی شیرازی ،گلستان، باب دوم .

۲- میرزا حسین نوری ،مستدرک الوسائل، ج۱۲، ص۱۷۳.

۳- سعدی شیرازی ،کلیات، مواعظ، غزلیات .

کتابنامه

۱.قرآن کریم.

۲.سیدرضی، نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، مؤسسه انتشارات فقیه، تهران، [بیتا.]

۳.انصاری، محمدعلی ،نهج البلاغه منظوم، معارف اهل بیت:، قم، [بیتا.]

۴.ابن ابی الحدید، عبدالحمیدبن هبهالله، شرح نهج البلاغه،کتابخانه آیتالله مرعشی، قم، [بیتا] .

۵.ابن اثیر جزری، علیبنابیالکرم ،الکامل فی التاریخ، ، اساطیر، تهران، [بیتا.]

۶.ابن بابویه قمی (صدوق)، محمدبنعلیبنحسین ،التوحید، جامعه مدرسین، قم، [بیتا.]

۷.-- ، عیون اخبار الرضا، انتشارات جهان، تهران، [بیتا] .

۸.-- ، من لایحضره الفقیه، اسلامی، قم، ۸۷۳۱ ق.

۹.ابن شهرآشوب مازندرانی، رشیدالدین محمدبنعلی، مناقب آل ابیطالب، علامه، قم، ۹۷۳۱ ق.

۱۰.ابنطاووس حسنی، رضی الدین علی بن موسی ،إقبال الأعمال، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۷۶۳۱ ش .

۱۱.-- ، فلاح السائل، دفتر تبلیغات، قم [بیتا.]

۱۲.احسائی،ابنابیجمهور ،عوالی الآلی، سید الشهداء، قم، ۵۰۴۱ ق .

۱۳.امامی، سیدمحمود ،ثمرات الحیوه، مجمع ذخایر اسلامی، قم، [بیتا.]

۱۴.انصاری قرطبی، محمدبناحمد ،تفسیر قرطبی، دار احیاء التراث، بیروت، [بیتا.]

۱۵.باقرزاده، عبدالرحمن ،کرامات علما، دار الکتاب، قم، [بیتا.]

۱۶.برقی،احمدبن محمدبن خالد، المحاسن، دار الکتب الإسلامیه، قم، [بیتا.]

۱۷.بلاغی،سیدعبدالحجت، حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر، حکمت ، قم، [بیتا.]

۱۸.تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد ،غررالحکم و دررالکلم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم [بیتا.]

۱۹.جمال زاده، محمدعلی ،فرهنگ عامیانه، سخن، تهران، ۲۸۳۱ ش.

۲۰.جوادی آملی،عبدالله ،أسرار الصلاه، دفتر تبلیغات اسلامی، قم [بی تا.]

۲۱.حاجی،محمدمهدی ،درمان با قرآن، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی؛، قم، [بیتا.]

۲۲.حائری، شیخمحمدمهدی ،معالی السبطین، صبح صادق، قم، [بیتا.]

۲۳.حسینیا، احمد ،نقش تربیتی نماز، دنیای قلم، تهران ۱۳۷۶ ش.

۲۴.حسینی دشتی،سیدمصطفی ،معارف و معاریف، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۶ ش.

ص: ۲۷۷

۲۵.خسروی، موسی ،پند تاریخ، تهران، [بی جا]، [بی تا.]

۲۶.دهخدا، علیاکبر ،لغتنامه، دانشگاه تهران، تهران، [بی تا.]

۲۷.دیوان ابن یمین، سنایی، تهران [بی تا.]

۲۸.دیوان اشعار سنایی، نگارستان، تهران، [بی تا.]

۲۹.دیوان حافظ، فروغ، تهران، [بی تا.]

۳۰.رابطه درون و برون، جواد محدثی.

۳۱.راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن الکریم، دار القلم، دمشق، [بیتا.]

۳۲.راوندی، قطب الدین ،الدعوات، ، مدرسه امام مهدی)عج(، قم، [بی تا.]

۳۳.----------------- ، فقه القرآن اسلامی، قم، [بیتا.]

۳۴.رجالی تهرانی، علیرضا ،اسرار و آثار تسبیح حضرت زهرا(س)، بلوغ، قم،۱۳۷۳ ش.

۳۵.رحمتی شهرضا، محمد، نظر لطف بر دشمنان، کریمه اهل بیت:، قم، [بی تا.]

۳۶.رحیم ینیا،مصطفی، ضرب المثل های فارسی و اصطلاحات عامیانه، گلپا، تهران، [بی تا] .

۳۷.رخشاد،محمدحسین ،در محضر بهجت، سماء، قم، [بیتا.]

۳۸.زعفرانی، عدنان، تسبیحات حضرت زهرا(س) ، معارف، تهران ۱۳۷۵ ش.

۳۹.زمانی وجدانی،مصطفی، داستا نها و پندها، پیام آزادی، تهران ۱۳۶۸ ش.

۴۰.سعدی شیرازی، شرفالدین مصلحبنعبدالله ،کلیات س-عدی ، تص-حیح محم-دعلی فروغ-ی، چ اول، معینی-ان،تهران، ۱۳۷۵ ش.

۴۱.سمندری، مهدی ،اسرار الصلاه یا معراج عشق، مؤسسه بوستان کتاب، قم [بیتا.]

۴۲.طباطایی، سیدمحمدحسین، المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، جامعه مدرس-ین ح-وز ه علمی-ه ق-م ،

[بیتا.]

۴۳.---------------------- ، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، [بیتا.]

۴۴.طبرسی، ابوعلی الفضل بن حسن ،مجمع البیان، مترجمان علی کرمی، محمدرضا انصاری، فراهانی، تهران ، [بیتا.]

۴۵.------------------------ ، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میرباقری، فراهانی، تهران ،[بیتا.]

۴۶.طوسی، محمدبنحسن ،تهذیب الاحکام، دار الکتب الاسلامیه، تهران، [بیتا.]

۴۷.طیب، سیدعبدالحسین ،أطیب البیان فی تفسیر القرآن، اسلام، تهران [بیتا.]

۴۸.عاملی، شیخ حر ،الفصول المهمه فی أصول الأئمه- تکمله الوسائل، ،مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع).

۴۹.-------------، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت، قم، [بیتا] .

۵۰.عبدالحسیب، میرمحمد ،منهاج الشارعین، ارمغان، قم، [بیتا.]

۵۱.عروسی حویزی،عبدعلی ،تفسیر نور الثقلین، اسماعیلیان، قم، [بیتا.]

۵۲.عزیزی،عباس، ۳۶۰داستان از فضایل، مصائب و کرامات فاطمه زهرا(س)، سلسله، قم، [بی تا.]

۵۳.عطائی، مرتضی، داستانهای نماز ،آموزش و پرورش، مشهد ۱۳۷۲ ش.

۵۴.عفیف،عبدالفتاح، روح الصلاه فی الاسلام، دار العلم، قم، [بیتا] .

۵۵.علم الهدی،سیدمرتضی ،تنزیه الانبیاء، شریف رضی، قم، [بیتا.]

۵۶.فتوحی،محمود ،داستان های مثنوی، [بینا]، [بیجا، [بیتا.]

۵۷.فیض کاشانی،محمدمحسن بن مرتضی ،اسرار نماز، فراهانی، تهران ۱۳۷۷ ش.

۵۸.------------------------------ ،محجه البیضاء، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، [بیتا.]

۵۹.قمی،شیخ عباس ،مفاتیح الجناح، مؤسسه اعلمی، بیروت، [بیتا.]

۶۰.---------------- ، منتهی الآمال، هجرت، قم، [بیتا.]

۶۱.---------------- ، فوائدالرضویه، [بینا]، تهران، ۱۳۲۷ ش.

۶۲.---------------- ، سفینه البحار، اسوه، قم، ۱۴۱۴ ق.

۶۳.کلینی، محمدبنیعقوب ،اصول کافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ش.

۶۴.-------------------- ، فروع کافی، اعتقادات، قم، [بیتا.]

۶۵.مجلسی، محمدباقر ،بحار الانوار، مؤسسه الطبع و النشر، بیروت [بیتا.]

۶۶.محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، دارالحدیث، بیروت، [بیتا.]

۶۷.مسعودی، علیبنحسین ،مروج الذهب، علمی و فرهنگی، تهران ،۵۶۳۱ ش.

۶۸.مشهدی، میرزا محمد ،تفسیرکنز الدقایق، وزارت ارشاد، تهران، [بیتا.]

۶۹.مصباح الشریع ه، امام صادق(ع)، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، قم، [بیتا.]

۷۰.مظاهری، حسین، کنترل غرایز در زندگی انسان، قلم، قم، [بیتا.]

۷۱.مکارم شیرازی، ناصر ،تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیه، قم، ۱۳۷۴ ش.

۷۲.مقدسی، مطهربن طاهر ،آفرینش و تاریخ، ترجمه محمدرضا شفیعی، آگه، تهران ،۱۳۷۴ ش.

۷۳.ملکی تبریزی، میرزا جواد ،اسرار الصلوه، ترجمه علی احمدی، مستجار، تهران، [بیتا.]

۷۴.میبدی،رشیدالدین ،کشف الاسرار و عدهالابرار، ، امیر کبیر، تهران، [بیتا.]

۷۵.میر کیانی، محمد، قصه ما مثل شد، آستان قدس رضوی، مشهد، [بیتا] .

۷۶.نظرآهاری، عرفان ،بال هایت را کجا جا گذاشتی، افق، تهران، ۱۳۸۵ ش.

۷۷.نعیمآبادی، غلامعلی، نماز زیباترین الگوی پرستش، ستاد اقامه نماز، تهران، [بیتا.]

۷۸.نوری،میرزاحسین ،مستدرک الوسایل، ، مؤسسه آل البیت، بیروت، [بیتا.]

۷۹.هاکس، جیمز ،قاموس کتاب مقدس، ترجمه اسماعیل صدیقی نوذری، اساطیر، تهران، ۱۳۸۳ ش.

۸۰.یعقوبی، احمدبن اسحاق ،تاریخ یعقوبی، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴ ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹